



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

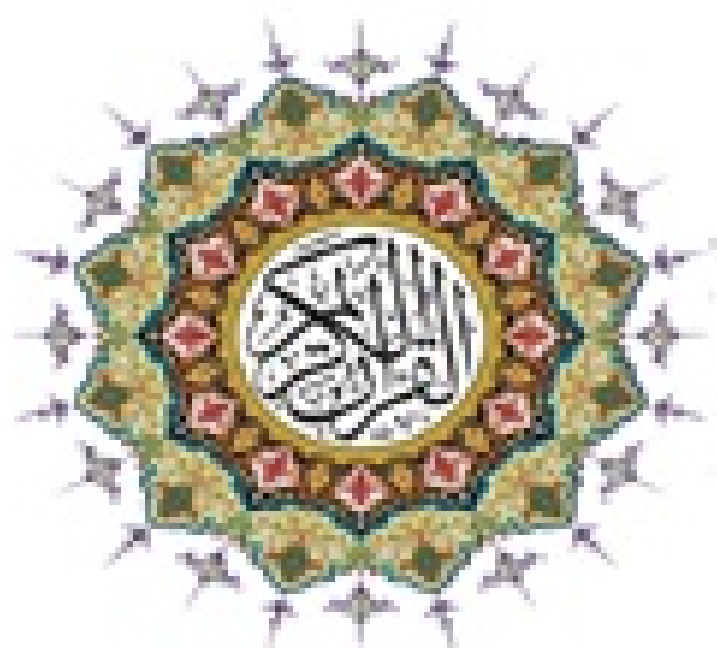
گامی



عمران  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

# علم مفاهیم شناسی در قرآن



جلد ۲۶

رسول ملکیان اصفهانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# علم مفاهيم شناسي در قرآن سري جديد جلد 26

نويسنده:

رسول ملكيان اصفهاني

ناشر چاپي:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۳۰	علم مفاهیم شناسی در قرآن سری جدید جلد ۲۶
۳۰	مشخصات کتاب
۳۰	۱- بی تقویان
۳۰	۱- بی تقویان
۳۰	۲- آثار اخروی دوستی با بی تقویان
۳۲	۳- اندوه اخروی بی تقویان
۳۲	۴- بی تقویان از مهاجران صدراسلام
۳۲	۵- ترس اخروی بی تقویان
۳۳	۶- تهدید بی تقویان
۳۴	۷- زمینه عذاب بی تقویان
۳۴	۸- زیان اخروی دوستی با بی تقویان
۳۴	۹- شیطان و بی تقویان
۳۶	۱۰- فرجام بی تقویان
۳۶	۱۱- کیفر بی تقویان
۳۶	۱۲- گمراهی بی تقویان
۳۸	۱۳- مرگ بی تقویان
۳۸	۱۴- هشدار به بی تقویان
۳۹	۱۵- هلاکت بی تقویان
۴۰	۱۶- آثار بی تقوایی
۴۶	۱۷- آثار بی تقوایی قوم عاد
۴۶	۱۸- بی تقوایی اصحاب ایکه
۴۸	۱۹- بی تقوایی اصحاب شمال
۴۸	۲۰- بی تقوایی الیاس(ع)

۴۸	۲۱- بی تقوایی انسان
۴۸	۲۲- بی تقوایی اهل کتاب
۵۰	۲۳- بی تقوایی در جنگ
۵۰	۲۴- بی تقوایی قبايل
۵۰	۲۵- بی تقوایی قوم الیاس
۵۰	۲۶- بی تقوایی قوم ثمود
۵۲	۲۷- بی تقوایی قوم عاد
۵۳	۲۸- بی تقوایی قوم لوط
۵۴	۲۹- بی تقوایی قوم نوح
۵۵	۳۰- بی تقوایی مشرکان
۵۶	۳۱- بی تقوایی مکذبان دین
۵۶	۳۲- بی تقوایی مکذبان قیامت
۵۶	۳۳- بی تقوایی یهود
۵۶	۳۴- بی تقوایی یهود صدر اسلام
۵۸	۳۵- بی تقوایی یهود کافر
۵۸	۳۶- زمینه بی تقوایی
۵۸	۳۷- زبان بی تقوایی
۵۹	۳۸- علایم بی تقوایی
۶۰	۳۹- فرجام بی تقوایی
۶۰	۴۰- موارد بی تقوایی
۶۲	۴۱- موانع بی تقوایی
۶۲	۴۲- نشانه های بی تقوایی
۶۶	۴۳- نشانه های بی تقوایی قوم لوط
۶۷	۲- بی عقلی
۶۷	۱- آثار بی عقلی
۶۷	۲- آثار بی عقلی اهل مکة

- ۳- بی عقلی بت پرستان ..... ۶۷
- ۴- بی عقلی حیوانات ..... ۶۹
- ۵- بی عقلی شفیعیان مشرکان ..... ۶۹
- ۶- بی عقلی عبرت ناپذیران ..... ۶۹
- ۷- بی عقلی قوم ابراهیم ..... ۷۰
- ۸- بی عقلی قوم لوط ..... ۷۱
- ۹- بی عقلی کافران ..... ۷۱
- ۱۰- بی عقلی گوساله پرستان بنی اسرائیل ..... ۷۲
- ۱۱- بی عقلی مشرکان ..... ۷۳
- ۱۲- بی عقلی مشرکان مکه ..... ۷۳
- ۱۳- بی عقلی معبودان باطل ..... ۷۳
- ۱۴- بی عقلی معبودان مشرکان ..... ۷۵
- ۱۵- بی عقلی مکذبان آیات خدا ..... ۷۵
- ۱۶- بی عقلی مکذبان انبیا ..... ۷۵
- ۱۷- بی عقلی مکذبان قرآن ..... ۷۵
- ۱۸- بی عقلی مکذبان محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۷۷
- ۱۹- بی عقلی منافقان ..... ۷۷
- ۲۰- بی عقلی هواپرستان ..... ۷۷
- ۲۱- بی عقلی یهود ..... ۷۷
- ۲۲- تهمت بی عقلی به یعقوب(ع) ..... ۷۹
- ۲۳- نشانه های بی عقلی ..... ۷۹
- ۲۴- نشانه های بی عقلی فرعونیان ..... ۸۳
- ۲۵- نشانه های بی عقلی کافران ..... ۸۳
- ۳- بی گناهان ..... ۸۵
- ۱- ابتلای بی گناهان به عذاب ..... ۸۵
- ۲- اجتناب از کیفر بی گناهان ..... ۸۵

- ۳- بی گناهان بنی اسرائیل ..... ۸۵
- ۴- ظلم قتل بی گناهان ..... ۸۷
- ۵- ظلم کیفر بی گناهان ..... ۸۷
- ۶- کیفر بی گناهان ..... ۸۷
- ۷- گناه کیفر بی گناهان ..... ۸۹
- ۸- ناپسندی قتل بی گناهان ..... ۸۹
- ۹- هلاکت بی گناهان ..... ۸۹
- ۴- بی لیاقتی ..... ۹۰
- ۱- اعلان بی لیاقتی منافقان ..... ۹۰
- ۲- بی لیاقتی بخیلان ..... ۹۰
- ۳- بی لیاقتی تارکان زکات ..... ۹۰
- ۴- بی لیاقتی تارکان نماز ..... ۹۱
- ۵- بی لیاقتی خوشاوندان زکریا(ع) ..... ۹۱
- ۶- بی لیاقتی دنیاطلبان ..... ۹۱
- ۷- بی لیاقتی شیاطین ..... ۹۱
- ۸- بی لیاقتی ظالمان ..... ۹۳
- ۹- بی لیاقتی قوم نوح ..... ۹۳
- ۱۰- بی لیاقتی کافران ..... ۹۳
- ۱۱- بی لیاقتی مسرفان ..... ۹۵
- ۱۲- بی لیاقتی مشرکان ..... ۹۵
- ۱۳- بی لیاقتی معبودان مشرکان ..... ۹۷
- ۱۴- بی لیاقتی مفسدان ..... ۹۷
- ۱۵- بی لیاقتی مکذبان آخرت ..... ۹۷
- ۱۶- دلایل بی لیاقتی شیاطین ..... ۹۹
- ۱۷- دلایل بی لیاقتی کافران ..... ۹۹
- ۱۸- نشانه بی لیاقتی ..... ۹۹



- ۵- بی نیازی ----- ۱۰۰
- ۱- آثار احساس بی نیازی ----- ۱۰۰
- ۲- آثار بی نیازی ----- ۱۰۰
- ۳- آثار بی نیازی از پادشاهای خدا ----- ۱۰۲
- ۴- آثار بی نیازی از خدا ----- ۱۰۳
- ۵- آثار بی نیازی از دین ----- ۱۰۴
- ۶- آثار بی نیازی خدا ----- ۱۰۵
- ۷- احساس بی نیازی از خدا ----- ۱۰۶
- ۸- احساس بی نیازی طغیانگران ----- ۱۰۷
- ۹- ارزش بی نیازی ----- ۱۰۸
- ۱۰- امتحان با بی نیازی ----- ۱۰۸
- ۱۱- اتفاق در بی نیازی ----- ۱۰۹
- ۱۲- اهمیت بی نیازی ----- ۱۱۰
- ۱۳- بی نیازی از پدر ----- ۱۱۰
- ۱۴- بی نیازی از غیر خدا ----- ۱۱۰
- ۱۵- بی نیازی از فرزند ----- ۱۱۱
- ۱۶- بی نیازی از مادر ----- ۱۱۲
- ۱۷- بی نیازی از مبلغان تقوا ----- ۱۱۲
- ۱۸- بی نیازی از مردم ----- ۱۱۲
- ۱۹- بی نیازی از موعظه ----- ۱۱۴
- ۲۰- بی نیازی انبیا ----- ۱۱۴
- ۲۱- بی نیازی حاضران در مجلس محمد(صلی الله علیه و آله) ----- ۱۱۶
- ۲۲- بی نیازی خدا ----- ۱۱۶
- ۲۳- بی نیازی ذوالقرنین ----- ۱۳۸
- ۲۴- بی نیازی مادی ملانکه ----- ۱۳۸
- ۲۵- بی نیازی معبود راستین ----- ۱۳۸

۱۳۸	۲۶- بی نیازی مؤمنان
۱۴۰	۲۷- تعقل در بی نیازی
۱۴۰	۲۸- دلایل بی نیازی خدا
۱۴۲	۲۹- دلایل بی نیازی قرآن
۱۴۳	۳۰- زمینه بی نیازی
۱۴۴	۳۱- زمینه بی نیازی خدا
۱۴۴	۳۲- سرزنش بی نیازی از پادشاهای خدا
۱۴۴	۳۳- شکر در بی نیازی
۱۴۵	۳۴- عبودیت در بی نیازی
۱۴۶	۳۵- علم به فلسفه بی نیازی
۱۴۶	۳۶- عوامل بی نیازی
۱۴۶	۳۷- عوامل بی نیازی ابراهیم(ع)
۱۴۶	۳۸- فرجام بی نیازی از قرآن
۱۴۸	۳۹- مدح بی نیازی
۱۴۸	۴۰- منشأ بی نیازی
۱۴۹	۴۱- منشأ بی نیازی کافران
۱۵۰	۴۲- منشأ بی نیازی متوکلان
۱۵۰	۴۳- منشأ بی نیازی محمد(صلی الله علیه و آله)
۱۵۰	۴۴- موانع بی نیازی از هدایت
۱۵۰	۴۵- نشانه های بی نیازی خدا
۱۵۲	۴۶- نعمت بی نیازی
۱۵۳	۴۷- ویژگیهای بی نیازی خدا
۱۵۴	۶- بی همسران
۱۵۴	۱- امداد به بی همسران
۱۵۴	۲- اهمیت عفت بی همسران
۱۵۴	۳- تأمین نیاز بی همسران

- ۴- تفضل به بی همسران ..... ۱۵۵
- ۵- توصیه به بی همسران ..... ۱۵۵
- ۶- عفت بی همسران ..... ۱۵۵
- ۷- فضایل بی همسران عقیف ..... ۱۵۵
- ۸- لغزشگاههای بی همسران ..... ۱۵۷
- ۹- مسؤولیت اولیای بی همسران ..... ۱۵۷
- ۱۰- مسؤولیت بی همسران ..... ۱۵۷
- ۱۱- آثار بی همسری ..... ۱۵۹
- ۷- بیابان ..... ۱۶۰
- ۱- بنی اسرائیل در بیابان ..... ۱۶۰
- ۲- تبدیل باغ ها به بیابان ..... ۱۶۰
- ۳- تبدیل زمین به بیابان ..... ۱۶۲
- ۴- راهیابی در بیابان ..... ۱۶۲
- ۵- سرگردانی در بیابان ..... ۱۶۲
- ۶- نجات از گرفتاری در بیابان ..... ۱۶۲
- ۷- یونس(ع) در بیابان ..... ۱۶۴
- ۸- بیان ..... ۱۶۵
- ۱- آزادی بیان ..... ۱۶۵
- ۲- آزادی بیان انبیا ..... ۱۶۵
- ۳- آزادی بیان متقین ..... ۱۶۵
- ۴- آزادی بیان مهتدین ..... ۱۶۷
- ۵- اهمیت بیان ..... ۱۶۷
- ۶- اهمیت بیان قصه ابراهیم(ع) ..... ۱۶۷
- ۷- اهمیت بیان مشکلات ..... ۱۶۷
- ۸- بیان حاجت در دعا ..... ۱۶۹
- ۹- بیان حق ..... ۱۶۹

- ۱۰- بیان حقایق کتب آسمانی ..... ۱۶۹
- ۱۱- بیان راز عمل خضر(ع) ..... ۱۷۰
- ۱۲- بیان عوامل عبرت ..... ۱۷۱
- ۱۳- بیان فرجام ظالمان ..... ۱۷۱
- ۱۴- بیان فرجام عمل ..... ۱۷۱
- ۱۵- بیان فرجام گمراهان ..... ۱۷۱
- ۱۶- بیان فرجام متقین ..... ۱۷۳
- ۱۷- بیان قصه یوسف(ع) برای یعقوب(ع) ..... ۱۷۳
- ۱۸- بیان کنندگان حق در قیامت ..... ۱۷۳
- ۱۹- بیان نعمتهای خدا ..... ۱۷۳
- ۲۰- تاریخ آزادی بیان ..... ۱۷۵
- ۲۱- تنوع بیان در تبلیغ ..... ۱۷۵
- ۲۲- تنوع در بیان تعلیم ..... ۱۷۵
- ۲۳- درخواست آزادی بیان ..... ۱۷۷
- ۲۴- ذکر نعمت بیان ..... ۱۷۷
- ۲۵- سرزنش غفلت از قدرت بیان ..... ۱۷۷
- ۲۶- شگفتی غفلت از قدرت بیان ..... ۱۷۷
- ۲۷- صراحت در بیان عقیده ..... ۱۷۸
- ۲۸- ظلم کیفر بی بیان ..... ۱۷۹
- ۲۹- عذاب بدون بیان ..... ۱۷۹
- ۳۰- عذاب بی بیان ..... ۱۸۱
- ۳۱- فضایل بیان کنندگان حق ..... ۱۸۱
- ۳۲- فلسفه بیان قصه یوسف(ع) ..... ۱۸۱
- ۳۳- قاعده عقاب بلا بیان ..... ۱۸۲
- ۳۴- قاعده قبح کیفر بی بیان ..... ۱۸۳
- ۳۵- قاعده کیفر بی بیان ..... ۱۸۳

- ۱۸۳ ..... ۳۶- قدرت بیان انسان
- ۱۸۳ ..... ۳۷- کیفر بدون بیان
- ۱۸۵ ..... ۳۸- کیفر بی بیان
- ۱۸۵ ..... ۳۹- مراد از بیان
- ۱۸۵ ..... ۴۰- ناپسندی کیفر بی بیان
- ۱۸۷ ..... ۴۱- نعمت بیان
- ۱۸۷ ..... ۴۲- نقش بیان
- ۱۸۸ ..... ۹- بیت المال
- ۱۸۸ ..... ۱- تقسیم بیت المال
- ۱۸۸ ..... ۲- خیانت به بیت المال
- ۱۸۸ ..... ۳- روش حفاظت از بیت المال
- ۱۹۰ ..... ۴- غضب بیت المال
- ۱۹۰ ..... ۵- محمد(صلی الله علیه و آله) و بیت المال
- ۱۹۰ ..... ۶- مصارف بیت المال
- ۱۹۲ ..... ۷- منافقان و بیت المال
- ۱۹۲ ..... ۸- یوسف(ع) و بیت المال
- ۱۹۳ ..... ۱۰- بیت المعمور
- ۱۹۳ ..... ۱- بیت المعمور
- ۱۹۳ ..... ۲- مکان بیت المعمور
- ۱۹۳ ..... ۳- نزول قرآن به بیت المعمور
- ۱۹۵ ..... ۴- ویژگیهای بیت المعمور
- ۱۹۶ ..... ۱۱- بیع
- ۱۹۶ ..... ۱- آثار بیع
- ۱۹۶ ..... ۲- آداب بیع
- ۱۹۶ ..... ۳- احکام بیع
- ۱۹۸ ..... ۴- بیع بعد از نماز جمعه

- ۵- بیع حرام ..... ۱۹۸
- ۶- بیع هنگام نماز جمعه ..... ۱۹۸
- ۷- ترک بیع هنگام نماز جمعه ..... ۲۰۰
- ۸- وکالت در بیع ..... ۲۰۰
- ۱۲- بیعت ..... ۲۰۱
- ۱- آثار بیعت با رهبران دینی ..... ۲۰۱
- ۲- آثار بیعت با محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۲۰۱
- ۳- آثار بیعت رضوان ..... ۲۰۱
- ۴- آثار بیعت زنان با محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۲۰۳
- ۵- اخلاص در بیعت رضوان ..... ۲۰۳
- ۶- اهمیت بیعت با رهبری ..... ۲۰۳
- ۷- اهمیت تجدید بیعت ..... ۲۰۵
- ۸- بشارت به بیعت کنندگان با محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۲۰۵
- ۹- بیعت از مسلمانان ..... ۲۰۵
- ۱۰- بیعت با خدا ..... ۲۰۷
- ۱۱- بیعت با رهبری ..... ۲۰۷
- ۱۲- بیعت با محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۲۰۷
- ۱۳- بیعت زنان با محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۲۰۹
- ۱۴- بیعت مسلمانان با محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۲۰۹
- ۱۵- پاداش بیعت کنندگان با محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۲۰۹
- ۱۶- تجدید بیعت با رهبری ..... ۲۱۰
- ۱۷- حامی بیعت کنندگان با رهبران دینی ..... ۲۱۱
- ۱۸- حامی بیعت کنندگان با محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۲۱۱
- ۱۹- حقیقت بیعت با محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۲۱۱
- ۲۰- رضایت از بیعت کنندگان با محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۲۱۲
- ۲۱- شرایط بیعت با محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۲۱۳

- ۲۲- غنایم بیعت کنندگان با محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۲۱۳
- ۲۳- فضایل بیعت کنندگان با محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۲۱۳
- ۲۴- قصه بیعت رضوان ..... ۲۱۳
- ۲۵- مفاد بیعت زنان با محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۲۱۵
- ۲۶- مکان بیعت رضوان ..... ۲۱۵
- ۲۷- نعمتهای بیعت کنندگان با محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۲۱۶
- ۲۸- آثار بیعت رضوان ..... ۲۱۷
- ۲۹- اخلاص در بیعت رضوان ..... ۲۱۷
- ۳۰- قصه بیعت رضوان ..... ۲۱۷
- ۳۱- مکان بیعت رضوان ..... ۲۱۹
- ۱۳- بیگانگان ..... ۲۲۰
- ۱- بیگانگان ..... ۲۲۰
- ۲- اصول رابطه با بیگانگان ..... ۲۲۰
- ۳- افشای راز برای بیگانگان ..... ۲۲۲
- ۴- اندوه بیگانگان ..... ۲۲۲
- ۵- اهمیت شناسایی بیگانگان ..... ۲۲۲
- ۶- بدخواهی بیگانگان ..... ۲۲۴
- ۷- توطئه بیگانگان ..... ۲۲۴
- ۸- حرمت رابطه با بیگانگان ..... ۲۲۴
- ۹- خواسته های بیگانگان ..... ۲۲۵
- ۱۰- دشمنی بیگانگان ..... ۲۲۶
- ۱۱- رابطه با بیگانگان ..... ۲۲۶
- ۱۲- روابط با بیگانگان ..... ۲۲۸
- ۱۳- روش برخورد با بیگانگان ..... ۲۳۰
- ۱۴- سلطه بیگانگان ..... ۲۳۰
- ۱۵- شیوه برخورد با بیگانگان ..... ۲۳۰

- ۱۶- عوامل وابستگی به بیگانگان ..... ۲۳۲
- ۱۷- مجازات بیگانگان ..... ۲۳۲
- ۱۸- معاشرت با بیگانگان ..... ۲۳۲
- ۱۹- ملاک مجازات بیگانگان ..... ۲۳۴
- ۲۰- آثار سلطه بیگانه ..... ۲۳۴
- ۱۴- بیمار ..... ۲۳۵
- ۱- احکام بیمار ..... ۲۳۵
- ۲- انبیا و شفای بیمار ..... ۲۳۹
- ۳- اهمیت ملاقات بیمار ..... ۲۳۹
- ۴- بیمار دلی کافران ..... ۲۴۰
- ۵- توطئه قلب بیمار ..... ۲۴۱
- ۶- روزه بیمار ..... ۲۴۱
- ۷- سجده بیمار ..... ۲۴۳
- ۸- سرزنش قلب بیمار ..... ۲۴۴
- ۹- شخصیت بیمار ..... ۲۴۵
- ۱۰- شفای بیمار ..... ۲۴۵
- ۱۱- صفات قلب بیمار ..... ۲۴۵
- ۱۲- قرآن و قلبهای بیمار ..... ۲۴۷
- ۱۳- قلب بیمار ..... ۲۴۷
- ۱۴- قلب های بیمار و صدای طنّازانه ..... ۲۴۹
- ۱۵- محدوده اختیارات بیمار ..... ۲۴۹
- ۱۶- محرومیت قلب بیمار ..... ۲۴۹
- ۱۷- معذوریت بیمار ..... ۲۵۰
- ۱۸- نگرانی بیمار ..... ۲۵۱
- ۱۹- نگرانی قلب بیمار ..... ۲۵۱
- ۲۰- نماز بیمار ..... ۲۵۱



- ۲۵۲ - معذوریت از بیماران
- ۲۵۳ - مقدار تهجد بیماران
- ۲۵۳ - همسفرگی با بیماران
- ۲۵۵ - {بیماردلان}
- ۲۵۵ - آواره سازی بیماردلان
- ۲۵۵ - آواره سازی بیماردلان مدینه
- ۲۵۵ - ادیتهای بیماردلان
- ۲۵۷ - ادیتهای بیماردلان مدینه
- ۲۵۷ - استهزاهای بیماردلان مدینه
- ۲۵۷ - اغواپذیری بیماردلان
- ۲۵۸ - افساد بیماردلان مدینه
- ۲۵۹ - بهانه جویی بیماردلان
- ۲۵۹ - بیماردلان مدینه
- ۲۶۰ - بیماردلان مدینه در غزوه احزاب
- ۲۶۱ - بیماردلان مدینه و مکر خدا
- ۲۶۱ - بیماردلان مدینه و وعده پیروزی
- ۲۶۱ - بیماردلان مدینه و وعده خدا
- ۲۶۳ - بیماردلان مدینه و وعده محمد(صلی الله علیه و آله)
- ۲۶۳ - بیماردلان و اسلام
- ۲۶۳ - بینش بیماردلان
- ۲۶۳ - پرسش بیماردلان
- ۲۶۵ - ترس بیماردلان
- ۲۶۵ - تشبیه نگاه بیماردلان
- ۲۶۵ - تلاش بیماردلان مدینه
- ۲۶۵ - حق ناپذیری بیماردلان
- ۲۶۶ - زمینه گمراهی بیماردلان

- ۴۷- سرزنش بیماردلان ..... ۲۶۷
- ۴۸- صفات بیماردلان ..... ۲۶۷
- ۴۹- ظلم بیماردلان ..... ۲۶۷
- ۵۰- عجز بیماردلان ..... ۲۶۹
- ۵۱- قتل بیماردلان ..... ۲۶۹
- ۵۲- قتل بیماردلان مدینه ..... ۲۶۹
- ۵۳- قرآن و بیماردلان ..... ۲۶۹
- ۵۴- کری بیماردلان ..... ۲۷۱
- ۵۵- کوری بیماردلان ..... ۲۷۱
- ۵۶- لعن بر بیماردلان ..... ۲۷۱
- ۵۷- مبارزه محمد(صلی الله علیه و آله) با بیماردلان ..... ۲۷۱
- ۵۸- منشأ گمراهی بیماردلان ..... ۲۷۲
- ۵۹- نقش بیماردلان ..... ۲۷۳
- ۶۰- هشدار به بیماردلان مدینه ..... ۲۷۳
- ۶۱- یأس از ایمان بیماردلان ..... ۲۷۳
- ۶۲- بیماردلی مخالفان محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۲۷۳
- ۶۳- بیماردلی مشرکان ..... ۲۷۵
- ۶۴- بیماردلی منافقان ..... ۲۷۵
- ۶۵- زمینه بیماردلی ..... ۲۷۵
- ۶۶- نشانه های بیماردلی منافقان ..... ۲۷۵
- ۶۷- آثار بیماری ..... ۲۷۷
- ۶۸- آثار بیماری روانی ..... ۲۷۷
- ۶۹- آثار بیماری قلب ..... ۲۷۷
- ۷۰- آثار بیماری قلب منافقان ..... ۲۸۱
- ۷۱- ازدیاد بیماری قلب منافقان ..... ۲۸۱
- ۷۲- برادران یوسف و بیماری یعقوب(ع) ..... ۲۸۳

- ۲۸۳ ..... ۷۳- بیماری ابراهیم(ع)
- ۲۸۵ ..... ۷۴- بیماری ایوب(ع)
- ۲۸۵ ..... ۷۵- بیماری در بهشت
- ۲۸۵ ..... ۷۶- بیماری روانی
- ۲۸۷ ..... ۷۷- بیماری قلب
- ۲۸۷ ..... ۷۸- بیماری قلب مشرکان
- ۲۸۷ ..... ۷۹- بیماری قلب منافقان
- ۲۹۰ ..... ۸۰- بیماری قلب منافقان صدراسلام
- ۲۹۱ ..... ۸۱- بیماری قلب منافقان مدینه
- ۲۹۱ ..... ۸۲- بیماری محرومان از قرآن
- ۲۹۱ ..... ۸۳- بیماری معنوی
- ۲۹۲ ..... ۸۴- بیماری یونس(ع)
- ۲۹۳ ..... ۸۵- درمان بیماری روانی
- ۲۹۳ ..... ۸۶- درمان بیماری روانی مؤمنان
- ۲۹۳ ..... ۸۷- زمینه ازدیاد بیماری قلب
- ۲۹۵ ..... ۸۸- زمینه بیماری روانی
- ۲۹۵ ..... ۸۹- زمینه بیماری یعقوب(ع)
- ۲۹۵ ..... ۹۰- شفای بیماری ایوب(ع)
- ۲۹۶ ..... ۹۱- شفای بیماری روانی
- ۲۹۷ ..... ۹۲- عذاب با بیماری
- ۲۹۷ ..... ۹۳- عوامل ازدیاد بیماری قلب
- ۲۹۷ ..... ۹۴- عوامل بیماری قلب
- ۲۹۹ ..... ۹۵- عوامل بیماری یونس(ع)
- ۲۹۹ ..... ۹۶- عوامل درمان بیماری
- ۲۹۹ ..... ۹۷- عوامل شفای بیماری
- ۳۰۱ ..... ۹۸- منشأ بیماری

- ۳۰۱ - ۹۹- منشأ رفع بیماری -----
- ۳۰۱ - ۱۰۰- منشأ شفای بیماری -----
- ۳۰۲ - ۱۰۱- موارد بیماری قلب -----
- ۳۰۳ - ۱۰۲- نشانه های بیماری قلب -----
- ۳۰۵ - ۱۰۳- نشانه های بیماری قلب کافران -----
- ۳۰۶ - ۱۵- بینایی -----
- ۳۰۶ - ۱- آثار بینایی اخروی کافران -----
- ۳۰۶ - ۲- آثار بینایی خدا -----
- ۳۰۶ - ۳- ابداع حس بینایی -----
- ۳۰۷ - ۴- اهمیت بینایی -----
- ۳۰۷ - ۵- بینایی اخروی کوردلان -----
- ۳۰۸ - ۶- بینایی انسان -----
- ۳۰۹ - ۷- بینایی خدا -----
- ۳۱۰ - ۸- بینایی معبود راستین -----
- ۳۱۱ - ۹- بینایی نوزاد -----
- ۳۱۱ - ۱۰- بینایی یعقوب(ع) -----
- ۳۱۳ - ۱۱- تصرف در بینایی -----
- ۳۱۳ - ۱۲- خطای بینایی ملکه سبأ -----
- ۳۱۵ - ۱۳- رفع خطای بینایی ملکه سبأ -----
- ۳۱۵ - ۱۴- زمینه بینایی انسان -----
- ۳۱۵ - ۱۵- سلب بینایی -----
- ۳۱۵ - ۱۶- شگفتی بینایی اخروی کافران -----
- ۳۱۷ - ۱۷- قدرت بینایی شیطان -----
- ۳۱۷ - ۱۸- محدودیت بینایی انسان -----
- ۳۱۷ - ۱۹- محدودیت بینایی شیطان -----
- ۳۱۷ - ۲۰- مرکز بینایی -----

- ۲۱- منشأ بینایی ..... ۳۱۷
- ۲۲- منشأ نعمت بینایی ..... ۳۱۹
- ۲۳- نعمت بینایی ..... ۳۱۹
- ۲۴- نقش بینایی ..... ۳۲۲
- ۱۶- بینش ..... ۳۲۵
- ۱- آثار اخروی بینش ..... ۳۲۵
- ۲- آثار بینش باطل ..... ۳۲۵
- ۳- آثار بینش صحیح ..... ۳۲۵
- ۴- آثار بینش طبقاتی ..... ۳۲۶
- ۵- آثار بینش غلط ..... ۳۲۶
- ۶- ارزش بینش الهی ..... ۳۲۸
- ۷- بی ارزشی بینش هواپرستان ..... ۳۲۸
- ۸- بینش آخرت طلبان ..... ۳۲۸
- ۹- بینش آزر ..... ۳۲۸
- ۱۰- بینش آسیه ..... ۳۳۰
- ۱۱- بینش آل یعقوب ..... ۳۳۰
- ۱۲- بینش ابراهیم(ع) ..... ۳۳۰
- ۱۳- بینش ابلیس ..... ۳۳۲
- ۱۴- بینش ابو لهب ..... ۳۳۶
- ۱۵- بینش اخروی انسان ها ..... ۳۳۶
- ۱۶- بینش اسماعیل(ع) ..... ۳۳۶
- ۱۷- بینش اشراف ..... ۳۳۶
- ۱۸- بینش اشراف فرعون ..... ۳۳۸
- ۱۹- بینش اشراف قوم ثمود ..... ۳۳۹
- ۲۰- بینش اشراف قوم عاد ..... ۳۴۰
- ۲۱- بینش اشراف قوم فرعون ..... ۳۴۰

- ۲۲- بینش اشرف قوم نوح ..... ۳۴۰
- ۲۳- بینش اشرف مکه ..... ۳۴۴
- ۲۴- بینش اصحاب اخدود ..... ۳۴۴
- ۲۵- بینش اصحاب ایکه ..... ۳۴۶
- ۲۶- بینش اصحاب کهف ..... ۳۴۶
- ۲۷- بینش اعراب جاهلیت ..... ۳۴۸
- ۲۸- بینش اعراب دوران بعثت ..... ۳۴۸
- ۲۹- بینش اقوام پیشین ..... ۳۵۰
- ۳۰- بینش انبیا ..... ۳۵۰
- ۳۱- بینش انبیای انطاکیه ..... ۳۵۲
- ۳۲- بینش انسان ..... ۳۵۲
- ۳۳- بینش انسان کامل ..... ۳۵۲
- ۳۴- بینش انسان ها ..... ۳۵۴
- ۳۵- بینش اولیاء الله ..... ۳۵۴
- ۳۶- بینش اهالی جزیره العرب ..... ۳۵۵
- ۳۷- بینش اهالی جزیره العرب و کعبه ..... ۳۵۶
- ۳۸- بینش اهل انطاکیه ..... ۳۵۶
- ۳۹- بینش اهل کتاب ..... ۳۵۸
- ۴۰- بینش اهل مدین ..... ۳۵۹
- ۴۱- بینش اهل مکه ..... ۳۶۰
- ۴۲- بینش بادیه نشینان ..... ۳۶۲
- ۴۳- بینش باطل ..... ۳۶۲
- ۴۴- بینش باطل فرعون ..... ۳۶۵
- ۴۵- بینش باطل مشرکان ..... ۳۶۶
- ۴۶- بینش باطل مکذبان معاد ..... ۳۶۶
- ۴۷- بینش باطل منافقان ..... ۳۶۸

- ۴۸- بینش باطل ولید بن مغیره ----- ۳۶۸
- ۴۹- بینش باغدار متکبر ----- ۳۶۸
- ۵۰- بینش بت پرستان ----- ۳۷۰
- ۵۱- بینش بدکاران ----- ۳۷۰
- ۵۲- بینش برادران یوسف ----- ۳۷۰
- ۵۳- بینش برده داران ----- ۳۷۶
- ۵۴- بینش بنی اسرائیل ----- ۳۷۶
- ۵۵- بینش بهشتیان ----- ۳۷۸
- ۵۶- بینش بیماردلان ----- ۳۷۸
- ۵۷- بینش پادشاه مصر ----- ۳۸۰
- ۵۸- بینش پسر نوح(ع) ----- ۳۸۰
- ۵۹- بینش پوچی خلقت انسان ----- ۳۸۰
- ۶۰- بینش پیروان سامری ----- ۳۸۰
- ۶۱- بینش پیروان شیاطین ----- ۳۸۲
- ۶۲- بینش پیروان طغیانگران ----- ۳۸۲
- ۶۳- بینش توطئه گران علیه آیات خدا ----- ۳۸۲
- ۶۴- بینش ثروت اندوزان ----- ۳۸۳
- ۶۵- بینش ثروتمندان ----- ۳۸۴
- ۶۶- بینش جادوگران فرعون ----- ۳۸۴
- ۶۷- بینش جامعه دوران اصحاب کهف ----- ۳۸۶
- ۶۸- بینش جاهلان ----- ۳۸۶
- ۶۹- بینش جهنمیان ----- ۳۸۶
- ۷۰- بینش حبیب نجار ----- ۳۸۸
- ۷۱- بینش حس گرایان ----- ۳۸۹
- ۷۲- بینش حق ناپذیران ----- ۳۹۰
- ۷۳- بینش خضر(ع) ----- ۳۹۰

- ۳۹۰ ..... ۷۴- بینش داود(ع)
- ۳۹۲ ..... ۷۵- بینش دختر شعیب(ع)
- ۳۹۲ ..... ۷۶- بینش دنیاپرستان
- ۳۹۲ ..... ۷۷- بینش دنیاطلبان
- ۳۹۴ ..... ۷۸- بینش دنیاطلبان بنی اسرائیل
- ۳۹۵ ..... ۷۹- بینش ذوالقرنین
- ۳۹۶ ..... ۸۰- بینش رهبران دینی
- ۳۹۷ ..... ۸۱- بینش رهبران شرک
- ۴۰۱ ..... ۸۲- بینش رهبران کفر
- ۴۰۳ ..... ۸۳- بینش زکریا(ع)
- ۴۰۴ ..... ۸۴- بینش زلیخا
- ۴۰۵ ..... ۸۵- بینش زنان اشراف مصر
- ۴۰۶ ..... ۸۶- بینش ساقی پادشاه مصر
- ۴۰۶ ..... ۸۷- بینش سامری
- ۴۰۷ ..... ۸۸- بینش سست ایمانان
- ۴۰۸ ..... ۸۹- بینش سلیمان(ع)
- ۴۱۰ ..... ۹۰- بینش شعیب(ع)
- ۴۱۰ ..... ۹۱- بینش صالح(ع)
- ۴۱۱ ..... ۹۲- بینش صحیح
- ۴۱۲ ..... ۹۳- بینش طغیانگران
- ۴۱۲ ..... ۹۴- بینش ظالمان
- ۴۱۳ ..... ۹۵- بینش عقل
- ۴۱۴ ..... ۹۶- بینش علما
- ۴۱۶ ..... ۹۷- بینش علمای بنی اسرائیل
- ۴۱۶ ..... ۹۸- بینش علمای دینی مقارن بعثت
- ۴۱۶ ..... ۹۹- بینش علمای یهود



- ۴۱۸ ..... ۱۰۰- بینش عوام یهود
- ۴۱۸ ..... ۱۰۱- بینش عیسی(ع)
- ۴۲۰ ..... ۱۰۲- بینش غلط
- ۴۲۴ ..... ۱۰۳- بینش غلط بادیه نشینان
- ۴۲۴ ..... ۱۰۴- بینش غلط بنی اسرائیل
- ۴۲۴ ..... ۱۰۵- بینش غلط خطاکاران
- ۴۲۴ ..... ۱۰۶- بینش غلط درباره خدا
- ۴۲۵ ..... ۱۰۷- بینش غلط طغیانگران
- ۴۲۶ ..... ۱۰۸- بینش غلط غافلان
- ۴۲۶ ..... ۱۰۹- بینش غلط فرعون
- ۴۲۶ ..... ۱۱۰- بینش غلط فرعونیان
- ۴۲۶ ..... ۱۱۱- بینش غلط قوم ثمود
- ۴۲۸ ..... ۱۱۲- بینش غلط کافران
- ۴۲۸ ..... ۱۱۳- بینش غلط مال دوستان
- ۴۲۹ ..... ۱۱۴- بینش غلط مشرکان
- ۴۳۰ ..... ۱۱۵- بینش غلط مشرکان جاهلیت
- ۴۳۰ ..... ۱۱۶- بینش غلط مشرکان صدراسلام
- ۴۳۲ ..... ۱۱۷- بینش غلط مکذبان آخرت
- ۴۳۲ ..... ۱۱۸- بینش فاسدان
- ۴۳۲ ..... ۱۱۹- بینش فرعون
- ۴۴۰ ..... ۱۲۰- بینش فرعونیان
- ۴۴۴ ..... ۱۲۱- بینش فقرا
- ۴۴۴ ..... ۱۲۲- بینش قدرتمندان
- ۴۴۴ ..... ۱۲۳- بینش قوم ابراهیم
- ۴۴۸ ..... ۱۲۴- بینش قوم الیاس
- ۴۴۸ ..... ۱۲۵- بینش قوم ثمود

- ۱۲۶- بینش قوم عاد - ۴۵۱
- ۱۲۷- بینش قوم لوط - ۴۵۴
- ۱۲۸- بینش قوم نوح - ۴۵۵
- ۱۲۹- بینش کاروان یابنده یوسف - ۴۵۶
- ۱۳۰- بینش کاشفان اصحاب کهف - ۴۵۷
- ۱۳۱- بینش کافران - ۴۵۸
- ۱۳۲- بینش کافران جاهل - ۴۷۶
- ۱۳۳- بینش کافران صدر اسلام - ۴۷۷
- ۱۳۴- بینش کافران مستکبر - ۴۸۲
- ۱۳۵- بینش کافران مکه - ۴۸۲
- ۱۳۶- بینش کفرآمیز - ۴۸۴
- ۱۳۷- بینش گمراهان - ۴۸۴
- ۱۳۸- بینش لاوی - ۴۸۶
- ۱۳۹- بینش لقمان - ۴۸۷
- ۱۴۰- بینش متخلفان از مسافرت به حدیبیه - ۴۸۸
- ۱۴۱- بینش متقین - ۴۸۸
- ۱۴۲- بینش مجاهدان - ۴۸۸
- ۱۴۳- بینش محمد(صلی الله علیه و آله) - ۴۹۰
- ۱۴۴- بینش مخالفان انبیا - ۴۹۰
- ۱۴۵- بینش مخالفان محمد(صلی الله علیه و آله) - ۴۹۰
- ۱۴۶- بینش مخلصان - ۴۹۰
- ۱۴۷- بینش مردم - ۴۹۲
- ۱۴۸- بینش مردم جاهلیت - ۴۹۲
- ۱۴۹- بینش مردم جزیره العرب - ۴۹۲
- ۱۵۰- بینش مردم صدر اسلام - ۴۹۲
- ۱۵۱- بینش مردم مقارن بعثت - ۴۹۴

- ۱۵۲- بینش مرفهان ..... ۴۹۶
- ۱۵۳- بینش مرفهان صدر اسلام ..... ۴۹۸
- ۱۵۴- بینش مریم(س) ..... ۴۹۸
- ۱۵۵- بینش مستضعفان ..... ۴۹۹
- ۱۵۶- بینش مستکبران ..... ۵۰۰
- ۱۵۷- بینش مسلمانان صدر اسلام ..... ۵۰۰
- ۱۵۸- بینش مشرکان ..... ۵۰۲
- ۱۵۹- بینش مشرکان جاهلیت ..... ۵۲۰
- ۱۶۰- بینش مشرکان صدر اسلام ..... ۵۲۳
- ۱۶۱- بینش مشرکان مقارن بعثت ..... ۵۲۹
- ۱۶۲- بینش مشرکان مکه ..... ۵۳۰
- ۱۶۳- بینش مشمولان نعمت ..... ۵۳۷
- ۱۶۴- بینش مصریان باستان ..... ۵۳۸
- ۱۶۵- بینش معرضان از خدا ..... ۵۳۸
- ۱۶۶- بینش مفسدان ..... ۵۳۸
- ۱۶۷- بینش مکذبان قیامت ..... ۵۴۰
- ۱۶۸- بینش مکذبان محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۵۴۰
- ۱۶۹- بینش مکذبان معاد ..... ۵۴۰
- ۱۷۰- بینش مکذبان مقدرات خدا ..... ۵۴۴
- ۱۷۱- بینش ملائکه ..... ۵۴۴
- ۱۷۲- بینش ملکه سبأ ..... ۵۴۴
- ۱۷۳- بینش منافقان ..... ۵۴۶
- ۱۷۴- بینش منافقان صدر اسلام ..... ۵۵۰
- ۱۷۵- بینش منافقان مدینه ..... ۵۵۱
- ۱۷۶- بینش موحدان ..... ۵۵۲
- ۱۷۷- بینش مورخان مقارن بعثت ..... ۵۵۲

- ۱۷۸- بینش موسی(ع) ..... ۵۵۳
- ۱۷۹- بینش مؤمن آل فرعون ..... ۵۶۰
- ۱۸۰- بینش مؤمنان ..... ۵۶۰
- ۱۸۱- بینش هارون(ع) ..... ۵۶۴
- ۱۸۲- بینش همبندان یوسف(ع) ..... ۵۶۴
- ۱۸۳- بینش هود(ع) ..... ۵۶۴
- ۱۸۴- بینش یعقوب(ع) ..... ۵۶۴
- ۱۸۵- بینش یوسف(ع) ..... ۵۶۷
- ۱۸۶- بینش یوشع(ع) ..... ۵۷۰
- ۱۸۷- بینش یونس(ع) ..... ۵۷۰
- ۱۸۸- بینش یهود ..... ۵۷۰
- ۱۸۹- تحلیل بینش منافقان ..... ۵۷۲
- ۱۹۰- حقیقت بینش ..... ۵۷۲
- ۱۹۱- زمینه بینش پوچی خلقت انسان ..... ۵۷۲
- ۱۹۲- زیان در بینش مکذبان معاد ..... ۵۷۳
- ۱۹۳- سلب بینش صحیح ..... ۵۷۴
- ۱۹۴- شگفتی بینش مشرکان ..... ۵۷۴
- ۱۹۵- عوامل بطلان بینش اهل کتاب ..... ۵۷۴
- ۱۹۶- مبارزه با بینش غلط ..... ۵۷۶
- ۱۹۷- ملاک ارزش بینش ..... ۵۷۶
- ۱۹۸- منشأ بینش ذلت یتیم ..... ۵۷۶
- ۱۹۹- منشأ بینش غلط ..... ۵۷۶
- ۲۰۰- موانع بینش صحیح ..... ۵۷۸
- ۲۰۱- موجبات بینش غلط ..... ۵۷۸
- ۲۰۲- نشانه های بینش صحیح ..... ۵۷۸
- ۲۰۳- نشانه های بینش غلط ..... ۵۷۹

- ۵۸۰ - - - - - ۲۰۴- نقش بینش
- ۵۸۰ - - - - - ۲۰۵- نقش بینش انسان ها
- ۵۸۰ - - - - - ۲۰۶- {بینش توحیدی}
- ۵۸۱ - - - - - ۱۷- پا
- ۵۸۱ - - - - - ۱- آثار گواهی اخروی پا
- ۵۸۱ - - - - - ۲- پا زدن ایوب(ع)
- ۵۸۱ - - - - - ۳- پوشش پا در حجاب
- ۵۸۳ - - - - - ۴- تهدید به قطع پا
- ۵۸۳ - - - - - ۵- جانداران دو پا
- ۵۸۳ - - - - - ۶- قطع پا
- ۵۸۵ - - - - - ۷- قطع پا در حکومت فرعون
- ۵۸۶ - - - - - ۸- گواهی اخروی پا
- ۵۸۷ - - - - - ۹- محدوده مسح پا در وضو
- ۵۸۷ - - - - - ۱۰- مسح پا در وضو
- ۵۹۰ - - - - - درباره مرکز

## مشخصات کتاب

نام کتاب: علم مفاهیم شناسی در قرآن جلد 26

تحقیق و تالیف: رسول ملکیان اصفهانی - 1400 ش

ناشر دیجیتالی: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

## 1- بی تقویان

### 1- بی تقویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 202 - 4،5،1

1 - بی تقویان، برادران شیطان هستند.

و إخوانهم

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر در «إخوانهم» به «الشیطان» در آیه قبل برگردد، که به قرینه مقابله مراد از «اخوان» بی تقویان است. گفتنی است که چون «ال» در «الشیطان» برای جنس است، ضمیر جمع می تواند به آن ارجاع شود.

4 - مشرکان، مصداق بارز بی تقویان هستند.

و إخوانهم

چنانچه گذشت مراد از «اخوان» بی تقویان هستند و چون آیات پیشین درباره مشرکان بود، می توان گفت مصداق مورد نظر برای بی تقویان، اهل شرک هستند.

5 - شیطان برادر انسان های مشرک و بی تقواست.

و إخوانهم یمدونهم فی الغی

ضمیر در «إخوانهم» می تواند به مشرکان و بی تقویان برگردد. بر این مبنا مراد از «اخوان»، به قرینه آیه قبل، شیطان است. قابل ذکر است که در این صورت ضمیر فاعلی در «یمدونهم» به «اخوان» و ضمیر مفعولی به مشرکان و بی تقویان برمی گردد.

## 2- آثار اخروی دوستی با بی تقویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 67 - 4

4 - آشکار شدن آثار زیانبار دوستی و مودّت بی تقوایان در روز قیامت

الأخلاء یومئذ بعضهم لبعض عدو إلا المتّیین

دوستانی که دوستی خویش را بر غیر تقوا بنا نهاده اند، در قیامت خواهند فهمید که چه اثرات شومی را به واسطه آن متحمل شده اند و در نتیجه با یکدیگر دشمن خواهند شد.

ص: 1

### 3- اندوه اخروی بی تقویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 35 - 8

8 - ترس و اندوه در قیامت بر ناصالحان و بی تقویان سایه گستر خواهد شد.

فمن اتقى وأصلح فلا خوف عليهم ولا هم يحزنون

### 4- بی تقویان از مهاجران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 8 - 14

14 - وجود عناصری ناخالص، در میان مهاجران صدر اسلام\*

المهجرین الذین... بیتغون فضلاً من الله ورضوناً وینصرون الله ورسوله أول-

برداشت یادشده بدان احتمال است که فعل های «بیتغون...» و «ینصرون...» قیده‌ای احترازی باشد؛ نه توضیحی.

### 5- ترس اخروی بی تقویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 35 - 8

8 - ترس و اندوه در قیامت بر ناصالحان و بی تقویان سایه گستر خواهد شد.

فمن اتقى وأصلح فلا خوف عليهم ولا هم يحزنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 68 - 7

7 - سیطره وحشت و هراس بر غیر متقین در قیامت

یعباد لا خوف علیکم الیوم ولا أنتم تحزنون

از این که خوف و حزن تنها از تقوایبندگان نفی شده است، به دست می آید که غیر آنان گرفتار بیم و اندوه خواهند بود.



## 6- تهديد بى تقوايان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

4 - نساء - 4 - 133 - 6

6 - تهديد بى تقوايان كفر پيشه به هلاكت و نابودى ، از سوى خداوند

ان اتقوا الله و إن تكفروا .. ان يشأ يذهبكم ايها الناس

ص: 2

## 7- زمینه عذاب بی تقویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 4 - 4

4 - رهاکنندگان عبادت خدا، تقوای الهی و اطاعت از پیامبران، در معرض عذاب الهی و مرگ زودرس قرار دارند.

أن اعبدوا الله... و يؤخركم إلى أجل مسمى

## 8- زیان اخروی دوستی با بی تقویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 67 - 4

4 - آشکار شدن آثار زینبار دوستی و مودت بی تقویان در روز قیامت

الأخلاء يومئذ بعضهم لبعض عدو إلا المتقين

دوستانی که دوستی خویش را بر غیر تقوا بنا نهاده اند، در قیامت خواهند فهمید که چه اثرات شومی را به واسطه آن متحمل شده اند و در نتیجه با یکدیگر دشمن خواهند شد.

## 9- شیطان و بی تقویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 202 - 2, 3, 5

1 - بی تقویان، برادران شیطان هستند.

وإخوانهم

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر در «إخوانهم» به «الشیطان» در آیه قبل برگردد، که به قرینه مقابله مراد از «اخوان» بی تقویان است. گفتنی است که چون «ال» در «الشیطان» برای جنس است، ضمیر جمع می تواند به آن ارجاع شود.

2 - شیاطین، بی تقویان را به گمراهی می کشانند و آنان را در ضلالت فرو می برند.

وإخوانهم یمدونهم فی الغی

ضمیر فاعلی در «یمدونهم» به شیاطین برمی گردد و ضمیر مفعولی به «اخوان»، یعنی «و اخوان الشیاطین یمدهم الشیاطین فی الغی».

«مد» (مصدر یمدون) به معنای کشیدن است و آوردن «فی» به جای «إلی» برای رساندن این معناست که شیطان بی تقوایان را به عمق گمراهی می برد.

3 - شیطان پس از گمراه ساختن بی تقوایان آنان را در رها نمی کند و همچنان در منجلاب گمراهی نگه می دارد .

ثم لا یقصرون

برداشت فوق مبتنی بر این است که ضمیر در «لا یقصرون» به شیطان بازگردانده شود. «اقصار» (مصدر یقصرون) به معنای دست برداشتن است.

5 - شیطان برادر انسان های مشرک و بی تقواست .

وإخوانهم یمدونهم فی الغی

ضمیر در «إخوانهم» می تواند به مشرکان و بی تقوایان برگردد. بر این مبنا مراد از «اخوان»، به قرینه آیه قبل، شیطان است.

ص: 3

قابل ذکر است که در این صورت ضمیر فاعلی در «یمدونهم» به «اخوان» و ضمیر مفعولی به مشرکان و بی تقوایان برمی گردد.

### 10- فرجام بی تقوایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 98 - 4

4 - بیان فرجام کفرپیشگان بی تقوا، از روش های قرآن در هدایت مردم به ایمان و تقواست .

و لكن كذبوا فأخذنهم . . . أو أمن أهل القرى أن يأتيهم بأسنا

### 11- کیفر بی تقوایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 7 - 17

17 - بی تقوایان و مخالفت کنندگان با پیامبر (صلی الله علیه و آله)، دارای کیفری شدید

و ما اتيكم الرسول فخذوه . . . و اتقوا الله إن الله شديد العقاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 115 - 4

4 - اضلال، از کیفر های الهی برای بی تقوایان

ما كان الله ليضل . . . حتى يبين لهم ما يتقون

### 12- گمراهی بی تقوایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 202 - 3,6,2

2 - شیاطین، بی تقوایان را به گمراهی می کشانند و آنان را در ضلالت فرو می برند .

و إخوانهم يمدونهم في الغي

ضمیر فاعلی در «یمدونهم» به شیاطین برمی گردد و ضمیر مفعولی به «اخوان»، یعنی «و اخوان الشیاطین یمدهم الشیاطین فی الغی».

«مد» (مصدر یمدون) به معنای کشیدن است و آوردن «فی» به جای «إلی» برای رساندن این معناست که شیطان بی تقوایان را به عمق گمراهی می برد.

3 - شیطان پس از گمراه ساختن بی تقوایان آنان را در رها نمی کند و همچنان در منجلاب گمراهی نگه می دارد .

ثم لا یقصرون

برداشت فوق مبتنی بر این است که ضمیر در «لا یقصرون» به شیطان بازگردانده شود. «اقصار» (مصدر یقصرون) به معنای دست برداشتن است.

ص: 4

6 - پافشاری مشرکان و بی تقوایان پیرو شیطان به گمراهی خویش

ثم لا يقصرون

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر در «لا يقصرون» به مشرکان و بی تقوایان برگردانده شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 115 - 4

4 - اضلال ، از کیفر های الهی برای بی تقوایان

ما كان الله ليضل . . . حتى يبين لهم ما يتقون

### 13- مرگ بی تقوایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 4 - 4

4 - رهاکنندگان عبادت خدا ، تقوای الهی و اطاعت از پیامبران ، در معرض عذاب الهی و مرگ زودرس قرار دارند .

أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ . . . وَيُؤَخَّرَكُمْ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى

### 14- هشدار به بی تقوایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 1 - 20

20 - هشدار خداوند به مردمان بی تقوا و قاطع رحم

وَ اتَّقُوا اللَّهَ . . . وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 4 - 29

29 - هشدار و تهدید خداوند نسبت به کسانی که تقوا را رعایت نکنند و پرهیزگار نباشند .

وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ

جمله «ان الله...» در مقام تهدید بی تقوایان است.

## 15- هلاکت بی تقوایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 97 - 4

4 - هلاکت امت های بی تقوا و تکذیب کننده پیامبران ، عبرتی برای امت های بعدی است .

و لكن كذبوا فأخذناهم .. أفأمن أهل القرى أن يأتيهم بأسنا

ص: 5

## 16- آثار بی تقوایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 9 - 7

7- بی تقوایی آدمی نسبت به حقوق ایتام دیگران، زمینه ساز پایمال شدن حقوق یتیمان وی از سوی جامعه

ولیکش الذین لو ترکوا من خلفهم ذریه ضعیفاً خافوا علیهم فلیتقوا الله

برداشت فوق را فرمایش امام صادق (ع) تأیید می کند که فرمود: یعنی لیکش ان اخلفه فی ذریته کما صنع بهؤلاء الیتامی.

---

کافی، ج 5، ص 128، ح 1؛ تفسیر عیاشی، ج 1، ص 238، ح 38.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 131 - 12، 13، 15، 11

11 - عدم رعایت تقوا، نوعی کفر است .

ان اتقوا الله و إن تکفروا

خداوند، بی تقوایی را کفر نامیده است. چون مراد از «ان تکفروا»، «ان لاتتقوا» می باشد.

12 - بی تقوایی، زمینه گرایش آدمی به کفر

ان اتقوا الله و إن تکفروا

جمله «و ان تکفروا...» پس از امر به رعایت تقوا، می تواند اشاره به این باشد که بی تقوایی، آدمی را به کفر گرایش می دهد.

13 - بی تقوایی و کافر شدن مردم، هیچ ضرری را متوجه خداوند نخواهد کرد .

و إن تکفروا فان لله ما فی السموت و ما فی الأرض و کان الله غنیاً حمیداً

15 - بازگشت زیان کفر و بی تقوایی، به خود انسان نه به خداوند

و إن تکفروا فان لله ما فی السموت و ما فی الأرض



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 133 - 5

5 - کفر و بی تقوایی ، زمینه هلاکت و انقراض ملتها

وإن تکفروا .. ان یشأ یدهبکم ایها الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 108 - 11

11 - رعایت نکردن تقوا و بی اعتنائی به دستورات خداوند ، فسق و مایه محرومیت از هدایت خاص الهی است .

واسمعوا و اللّٰه لایهدی القوم الفسّٰقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 6

3 - انسان های بی تقوا ، محروم از دستیابی به بصیرت ویژه الهی برای تمییز حق و باطل و شناخت حقایق

إن تتقوا الله يجعل لكم فرقانا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - بی تقوایی یهودیان عصر بعثت عامل پیمان شکنی آنان

ينقضون عهدهم في كل مره و هم لا يتقون

جمله حالیه «و هم لا يتقون» بیانگر ریشه پیمان شکنی یهودیان و به اصطلاح حال معلله است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - عدم رعایت تقوا در عمل ، نشانه عدم صداقت مدعی ایمان

اتقوا الله و كونوا مع الصديقين

از اینکه خداوند مؤمنان متقی را «صادق» شمرده است، برداشت می شود که: اظهارکنندگان ایمان، اگر عملاً به احکام دین پایبند نباشند و تقوا پیشه نکنند، در اظهار ایمان صادق نیستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - تعرض و اهانت به مهمان دیگران ، عملی ناپسند و به دور از تقوایشگی

قال إن هؤلاء ضيفي . . . و اتقوا الله و لاتخزون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - عصیان و سرپیچی از فرمان های خدا (بی تقوایی) ، در پی دارنده فرجامی شوم و موجب گرفتار شدن به عذاب اخروی

اتَّقُوا رَبَّكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 53 - 2

2- بی تقوایی مردمان ، عامل برهم زدن وحدت رویه پیامبران و پیدایش تفرقه های دینی

و إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً .. فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبُرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 87 - 3

3- تردید در یگانگی خدا ، علی رغم اعتراف به مالکیت مطلق او بر سراسر هستی ، ناشی از بی پروایی و بیم نداشتن از عذاب او

سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ

ص: 7

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 146 - 7

7 - بی تقوایی و مخالفت با پیامبران ، ناسپاسی و تهدید کننده بقای نعمت های دنیایی

أَلَا تَتَّقُونَ .. فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ... أَتُرْكُونَنِي فِي مَا هَيَّنَّا آمَنِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 125 - 12

12 - بی تقوایی ، زمینه ساز انحراف از مسیر حق و افتادن در دام آیین شرک و بت پرستی

إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَلَا تَتَّقُونَ . أَتَدْعُونَ بَعْلًا وَتَذَرُونَ أَحْسَنَ الْخَلْقِينَ

برداشت یاد شده به دلیل این نکته است که الیاس(ع)، پیش از سرزنش قوم خود به جهت گرویدن آنان به آیین شرک، آنان را به دلیل بی تقوایی سرزنش کرده است و این مطلب می رساند که بی تقوایی، زمینه ساز گرایش به آیین های باطل (همچون بت پرستی) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 55 - 4

4 - طغیان ، ناسازگار با تقوایی است و بی تقوایی نوعی طغیان می باشد .

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لِحَسَنٍ مَثَابًا .. هَذَا وَإِنَّ لِلطَّغْيَانِ لَشَرًّا مَثَابًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 67 - 5

5 - دوستی های بنا شده بر بی تقوایی ، دارای باطنی عداوت خیز و دشمنی پرور

الْأَخْلَاءَ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ

برداشت یاد شده بدین احتمال است که آیه شریفه اشاره به کشف باطن این گونه دوستی ها در قیامت داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 45 - 2

2 - گذراندن زندگی دنیا همراه با بی پروایی ، سرمست شدن به ثروت و مکننت و بی رحمی و آدم کشی ، در پی دارنده قطعی عذاب هولناک دوزخ

فی سموم و حمیم . . . إثمهم كانوا قبل ذلک مترفین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 92 - 10 - 7

7 - بی تقوایی و ترک انفاق ، سوق دهنده انسان به سوی فرجامی سخت

فأما من أعطى واتقى . . . وأما من . . . فسنبسره للعسرى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 8

3 - ترک انفاق و تقوا، ساقط کننده انسان و مایه هلاکت اخروی او است .

فَأَمَّا مَنْ أَعْطَىٰ وَاتَّقَىٰ . . . وَأَمَّا مَنْ ... إِذَا تَرَدَّى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - شقاوت، برخاسته از بی تقوایی است .

الأشقی

به قرینه مقابله «أشقی» با «أتقی» (در آیات بعد)، مراد از «شقاوت» فاصله گرفتن از تقوا است.

### 17- آثار بی تقوایی قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - ریشه تمام مفساد اجتماعی و روحی قوم عاد، در بی تقوایی و دوری آنان از ارزش های الهی بود .

أَتَبْنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ . . . بَطْشَتُمْ جَبَّارِينَ . فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

از این که هود(ع) پس از سرزنش عادیان به خاطر روحیه بیهوده کاری، کاخ نشینی و خشونت با دیگران، آنان را به تقوای الهی فرا خوانده است، نشان می دهد که آن مفساد، همگی ریشه در بی تقوایی آنان دارد.

### 18- بی تقوایی اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - مردم سرزمین ایکه، مردمی بی تقوا و گناه پیشه

إِذْ قَالَ لَهُمْ شُعَيْبٌ أَلَا تَتَّقُونَ

5 - اصحاب ایکه مورد سرزنش شعیب (ع) به خاطر بی تقوایی و گناه پیشگی

إذ قال لهم شعيب ألا تتقون

استفهام در جمله «ألا تتقون» می تواند برای توبیخ و سرزنش باشد. برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 181 - 1

1 - فساد اقتصادی و تجاری ، بارزترین جلوه بی تقوایی مردم «ایکه»

ألا تتقون .. أوفوا الكيل و لا تكونوا من المخسرین

«إيفاء» (مصدر «أوفوا») مرادف «إتمام» و «کیل» به معنای پیمانۀ است. «إخسار» (مصدر «مخسرین») نیز معادل «تنقیص» و به معنای کم فروشی است؛ یعنی، «پیمانۀ را کامل بدهید و از کم فروشان نباشید».

ص: 9

## 19- بی تقوایی اصحاب شمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 45 - 1

1 - اصحاب شمال ، مجموعه ای از انسان های بی پروا ، متنعمان سرمست و جباران ( انسان های بی رحم و آدم کش )

إِثْمَ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكِ مَتْرَفِينَ

«مترف» (مفرد «مترفین») در معانی زیر به کار می رود: الف) انسان یله و رهایی که بدون هیچ مانعی هرچه دلش بخواهد انجام می دهد (بی پروا)؛ ب) کسی که تنعم و رفاه او را سرمست کرده باشد؛ ج) جبار و ستمگر (قاموس المحيط).

## 20- بی تقوایی الیاس (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 124 - 3

3 - الیاس پیامبر ، قوم خود را به خاطر بی تقوایی شان سرزنش کرد .

إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَلَا تَتَّقُونَ

همزه در «أَلَا تَتَّقُونَ» برای استفهام انکاری توییخی است.

## 21- بی تقوایی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 131 - 16

16 - کفرورزی انسان ها و بی تقوایی آنان ، خارج از خواست و اختیار خداوند نخواهد بود .

وإن تكفروا فإن لله ما فى السموت و ما فى الأرض

بیان مالکیت خداوند نسبت به تمامی هستی پس از جمله «ان تکفروا»، می تواند اشاره به این معنا باشد که، کفرورزی انسانها چون خارج از هستی نیست، در اختیار خداوند است.

## 22- بی تقوایی اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



5 - اهل كتاب ، فاقد انگيزه كافي براي ايمان و تقوا

و لو ان اهل الكتب ءامنوا و اتقوا

بيان شرط با كلمه «لو» حكايست از آن دارد كه ايمان و تقواپيشگي از اهل كتاب امري بعيد است.

6 - اهل كتاب در عصر پيامبر (صلى الله عليه و آله) مردمي بي ايمان و فاقد تقوا

ص: 10

و لو ان أهل الكتب ءامنوا و اتقوا

### 23- بی تقوایی در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 194 - 16

16 - خطر خروج از مرز عدالت و تقوا در جنگ و پاسخ به تعدیات دشمن (مقابله به مثل)

فاعتدوا علیه .. و اتقوا الله

تأکید به رعایت تقوا با جمله «واتقوا الله» و نیز «واعلموا ..» پس از تجویز مقابله به مثل، می رساند که: اجرای این قانون خطر عدم رعایت حد و مرز مقابله به مثل و خروج از عدالت را در پی دارد؛ لذا برای جلوگیری از ابتلا به این امر ناروا، بر رعایت تقوا تأکید شده است.

### 24- بی تقوایی قایل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 27 - 19،23

19 - هابیل پذیرفته نشدن قربانی برادرش قایل را معلول بی تقوایی او دانست .

و لم يتقبل من الاخر قال لاقتلنك قال انما يتقبل الله من المتقين

23 - قایل ، انسانی ناآشنا به معارف الهی ، بی تقوا و حسود

قال لاقتلنك .. قال انما يتقبل الله من المتقين

### 25- بی تقوایی قوم الیاس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 124 - 2

2 - قوم الیاس پیامبر ، مردمی بی تقوا بودند .

إذ قال لقومه ألا تتقون

### 26- بی تقوایی قوم نُمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 142 - 4,6

4 - ثمودیان ، مردمی بی تقوا و گنه پیشه

إذ قال لهم... ألا تتقون

ص: 11

6- ثمودیان ، مورد سرزنش صالح (ع) به خاطر بی تقوایی و گنه پیشگی

إذ قال لهم أخوهم صلح ألا تتقون

استفهام در جمله «ألا تتقون» می تواند برای توبیخ و سرزنش باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 150 - 6

6- بی تقوایی و گنه پیشگی ، بزرگ ترین مشکل ثمودیان

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

در سفارش های حضرت صالح(ع)، توصیه به تقوا بیش از همه توصیه ها تکرار شده است و این نشان می دهد که مشکل عمده ثمودیان، مسأله بی تقوایی آنان بوده است.

### 27- بی تقوایی قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 124 - 4,6

4- قوم عاد ، مردمی بی تقوا و گنه پیشه

إذ قال لهم ... ألا تتقون

6- عادیان ، مورد سرزنش هود (ع) به خاطر بی تقوایی و گنه پیشگی

إذ قال لهم أخوهم هود ألا تتقون

استفهام در جمله «ألا تتقون» می تواند برای توبیخ و سرزنش باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 132 - 4

4- بی تقوایی ، بزرگ ترین مشکل عادیان

إذ قال لهم أخوهم هود ألا تتقون ... فاتقوا الله... واتقوا الذي أمركم بما تعمل

در سفارش های حضرت هود(ع)، توصیه به تقوا بیش از همه توصیه ها تکرار شده است و این نشان می دهد که مشکل عمده عادیان، بی تقوایی آنان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 135 - 1

1 - تأکید هود (ع) بر بیمناک بودن درباره سرنوشت قومش ، به خاطر بی تقوایی و ناسپاسی آنان

فَاتَّقُوا اللَّهَ .. . الذی أمّکم ... إنی أخاف علیکم عذاب یوم عظیم

### **28- بی تقوایی قوم لوط**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 12

20- قوم لوط ، فاقد حتی یک انسان فهمیده ، غیور و خداترس

فاتقوا الله و لاتخزون فی ضیفی ألیس منکم رجل رشید

«رشید» به معنای راه یافته است و به مناسبت جمله «اتقواالله» و «لاتخزون فی ضیفی» مصداق راه یافتگی، خداترسی و غیرت و حمیت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 161 - 4,6

4 - قوم لوط ، مردمی بی تقوا و گناه پیشه بودند .

إذ قال لهم أخوهم لوط ألا تتقون

6 - قوم لوط ، مورد سرزنش وی به خاطر بی تقوایی و گناه پیشگی

إذ قال لهم أخوهم لوط ألا تتقون

استفهام در جمله «ألا تتقون» می تواند برای توبیخ و سرزنش باشد.

## 29- بی تقوایی قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 106 - 4,6

4 - قوم نوح ، مردمی بی تقوا و گناه پیشه

إذ قال لهم أخوهم نوح ألا تتقون

دعوت نوح (ع) از قوم خویش به رعایت تقوا و خداترسی، بیانگر مطلب یاد شده است.

6 - قوم نوح ، مورد سرزنش وی به خاطر بی تقوایی و گناه پیشگی

إذ قال لهم أخوهم نوح ألا تتقون

استفهام در جمله «ألا تتقون» می تواند برای توبیخ و سرزنش باشد.

## 30- بی تقوایی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 202 - 4

4 - مشرکان ، مصداق بارز بی تقوایان هستند .

وإخوانهم

چنانچه گذشت مراد از «اخوان» بی تقوایان هستند و چون آیات پیشین درباره مشرکان بود، می توان گفت مصداق مورد نظر برای بی تقوایان، اهل شرک هستند.

ص: 13

### 31- بی تقوایی مکذبان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 17 - 5

5- بی تقوایی و هواپرستی ، بزرگ ترین مشکل تکذیب کنندگان دین در قیامت

فویل یومئذ للمکذبین .. هذه النار الّتی کنتم بها تکذبون ... إنّ المتّین فی

در این آیات، «متّین» جبهه مقابل «مکذبین» قرار گرفته است. از این تقابل مطلب استفاده می شود.

### 32- بی تقوایی مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 44 - 8

8 - تکذیب گران روز جزا ، فاقد تقوا و روح احسان و نیکوکاری اند .

ویل یومئذ للمکذبین .. إنّ المتّین ... إنّ کذلک نجزی المحسنین

از تقابل تکذیب گران با تقواییان و محسنان در آیات مورد بحث، برداشت یاد شده استفاده می شود.

### 33- بی تقوایی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 56 - 11

11 - یهودیان عصر بعثت بی هیچ ترس و پروایی از پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مسلمانان ، پیمانهایشان را نقض می کردند .

و هم لایتقون

برای فعل «یتقون» چندین متعلق می توان لحاظ کرد ؛ از جمله ضمیر «ک» که خطاب به پیامبر (صلی الله علیه و آله) باشد و یا کلمه ای همانند «المؤمنین».

### 34- بی تقوایی یهود صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



12 - جامعه یهود در عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله)، جامعه ای به دور از تقوا و پرهیزگاری \*

و هم لایتقون

برداشت فوق بر این اساس است که متعلق «لایتقون»، الله باشد؛ یعنی یهودیان ترسی از خداوند ندارند و تقوای الهی را رعایت نمی کنند.

13 - بی تقوایی یهودیان عصر بعثت عامل پیمان شکنی آنان

ینقضون عهدهم فی کل مره و هم لایتقون

جمله حالیه «و هم لایتقون» بیانگر ریشه پیمان شکنی یهودیان و به اصطلاح حال معلله است.

ص: 14

### 35- بی تقوایی یهود کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 56 - 10

10 - بی پروایی یهودیان کفرپیشه از پیمان شکنی های مکرر

و هم لایتقون

### 36- زمینه بی تقوایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 1 - 9

9 - انفال و غنایم جنگی ، زمینه لغزش و ابتلای مردم به سوء استفاده و بی تقوایی است .

قل الأنفال لله و الرسول فاتقوا الله

هشدار خداوند با امر به تقوا پس از بیان حکم انفال، حاکی از برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 18 - 12

12 - احساس اقتدار و ایمنی از آسیب دشمن ، زمینه ساز غفلت و کم تقوایی است . \*

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ لَتُنظَرَ . . . وَ اتَّقُوا اللَّهَ

در آیات پیشین خداوند به مؤمنان اطمینان داد که کافران یهود از این پس، تاب رویارویی مستقیم نخواهند داشت و منافقان هم کاری از پیش نخواهند برد؛ ولی پس از آن اطمینان بخشی، اکنون توصیه به تقوا کرده است. گویی که احساس ایمنی، زمینه غفلت را فراهم می آورد.

### 37- زیان بی تقوایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 131 - 15

15 - بازگشت زیان کفر و بی تقوایی ، به خود انسان نه به خداوند

وإن تكفروا فإن لله ما فى السموت وما فى الأرض

### 38- علايم بى تقوايى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 15

31 - تسلیم نبودن در برابر احکام الهی و هراس از رویارویی با دشمن ، نشانه بی تقوایی

وقالوا ربنا لم کتبت علينا القتال لولا اخرتنا الی اجل قریب و الاخره خیر لمن ات

مفعول «اتقی» می تواند مسائلی باشد که در آیه به متخلفان از جهاد نسبت داده شد ؛ همانند اعتراض به حکم خدا و ترس از جنگ.

### 39- فرجام بی تقوایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 15 - 20

20- بی تقوایی و هواپرستی ، منتهی به خلود در آتش دوزخ

زین له سوء عمله و اتبعوا أهواءهم .. هو خلد فی النار

### 40- موارد بی تقوایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 96 - 10

10 - صید حیوانات صحرائی و خوردن گوشت آنها در حال احرام بی تقوایی است .

و حرم علیکم صید البر ما دمتم حرماً و اتقوا الله

از مصادیق مورد نظر برای «تقوا» به قرینه «حرم علیکم ..» پرهیز از صید در حال احرام است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 69 - 4

4 - رعایت نکردن احکام الهی در بهرهوری از غنایم جنگی بی تقوایی است .

فلکوا مما غنمتم حللاً طیباً و اتقوا الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 189 - 20

20 - به کارگیری روش های نادرست و غیر منطقی برای انجام کارها ، خلاف تقواست .

ليس البر بأن تأتوا البيوت من ظهورها .. و أتوا البيوت من أبوابها و اتقوا الله

فرمان به رعایت تقوا، پس از ارشاد به اتخاذ روش صحیح برای رسیدن به مقصود، بیانگر یکی از این دو نکته است: 1- اتخاذ روش و وسیله صحیح و منطقی از مصداقهای تقواست. 2- ضرورت رعایت تقوا در پیمودن راهها برای رسیدن به مقاصد. برداشت فوق ناظر به احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 194 - 12

ص: 16

12 - بی عدالتی در مقابله به مثل ، خلاف تقوایبشگی است .

فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیکم و اتقوا الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 78 - 15،18

15- اطفای شهوت جنسی از غیر طریق ازدواج و انتخاب همسر ، خلاف تقوا و خداترسی است .

فاتقوا الله

18- رسوا ساختن افراد در میان مردمان ، خلاف تقوا و خداترسی است .

فاتقوا الله و لاتخزون فی ضیفی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 183 - 2

2 - کاستن از ارزش کالای مردم و کم ب ها جلوه دادن آن به هنگام خرید ، از مصادیق بی تقوایی است .

فاتقوا الله . . . و لاتبخسوا الناس اشیاءهم

#### 41- موانع بی تقوایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 35 - 13

13 - ایمان ، ناسازگار با بی تقوایی ، ترک جهاد و بی اعتنایی به وسایل تقرب به خدا

یأیها الذین ءامنوا اتقوا الله و ابتغوا الیه الوسیله و جهدوا فی سبیله

#### 42- نشانه های بی تقوایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 2 - 43

43 - تعدی و تجاوز حتی به دشمنان ، تعاون در گناه و تجاوز و ترک همکاری در کار های نیک ، حاکی از بی تقوایی است .

لايجرمناكم... ولا تعاونوا على الاثم والعدون واتقوا الله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

4 - مائده - 5 - 11 - 7

7 - یاد نکردن و به فراموشی سپردن نعمت های خداوند ، نشانه بی تقوایی است .

اذكروا... واتقوا الله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

4 - مائده - 5 - 88 - 14

ص: 17

14 - عمل به احکام الهی نشانگر تقوای پیشگی و تجاوز از حدود خداوندی نشانه بی تقوایی است .

و لاتعتدوا .. و اتقوا الله الذی انتم به مؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 112 - 15

15 - درخواست های نابجا از پیامبران الهی ، نشانه بی تقوایی

ان ينزل علينا مائده .. اتقوا الله ان كنتم مؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 34 - 8

8 - بازداشتن مؤمنان از ورود به مسجدالحرام ، حاکی از نداشتن تقواست .

يصدون عن المسجدالحرام .. إن أولياؤه إلا المتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 180 - 13

13 - ترک وصیت های مالی نشانه بی تقوایی است .

كتب عليكم .. الوصيه ... حقاً على المتقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 31 - 16

16 - شرک پیشگی و انکار ربوبیت خدا - علی رغم اعتقاد به رازقیت ، حاکمیت ، حیات بخشی و تدبیر بیوقفه خدا نسبت به امور جهان - نشانه ای از وجود روحیه بی پروایی در انسان است .

قل من يرزقكم .. فسيقولون الله فقل أفلاتتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 78 - 21



21- همجنس بازی ، مخالف تقوا و خداترسی و ناسازگار با رشد و فهمیدگی است .

فاتقوا الله .. أليس منكم رجل رشيد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 72 - 5

5- ترک تقوا ، ظلم است و ظلم نشانه بی تقوایی .

ثمّ نَجِّى الَّذِينَ اتَّقَوْا وَ نَذَرَ الظَّالِمِينَ

در این آیه، مردم به دودسته تقسم شده اند: متقی یا ظالم. براین اساس شخص بی تقوا از ظالمان است و ظلم نیز نشانه بی تقوایی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 18

10 - فروهستن مسؤولیت های دینی و بی تفاوتی در برابر مشکلات جامعه ، بی تقوایی است .

فأصلحوا .. و اتقوا الله

از مفهوم آیه شریفه، استفاده می شود که اگر به وظایف یاد شده در صدر آیه عمل نشود و مؤمنان خود را در قبال دیگر برادران ایمانی مسؤول ندانند، تقوا را رعایت نکرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

21 - بدگمانی ، تجسس و غیبت نسبت به مؤمنان ، بی تقوایی ، گناه و نیازمند توبه است .

اجتنبوا کثیراً من الظنّ .. و لاتجسسوا و لایغتب بعضکم بعضاً ... و اتقوا الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - خودداری از انفاق ، نمودی از دنیامداری و بی تقوایی

فأعرض عن من تولّى .. لم یرد إلاّ الحیوه الدنیا... فلا تزکّوا أنفسکم هو أعلم بمن

در صورتی که مراد از «تولّى» اعراض از انفاق باشد، از تفریع «أفرايت..» بر آیات پیشین، می توان استفاده کرد که دریغورزان از انفاق، در زمره دنیامداران بی تقوا قرار دارند.

### 43- نشانه های بی تقوایی قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - هم جنس گرایی ، بارزترین نمود بی تقوایی قوم لوط

فأتقوا الله .. أتأتون الذکران من العلمین

## 2- بی عقلی

### 1- آثار بی عقلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 93 - 11

11 - ارزش گذاری غلط و ترجیح دادن همنشینی با عاجزان بر شرکت در جهاد ، معلول جهل و نابخردی

رضوا بأن یكونوا مع الخوالمف وطبع الله علی قلوبهم فهم لا یعلمون

برداشت فوق بر این مبنا است که طبع قلب و عدم علم، عامل موضع گیریهای متخلفان از جهاد باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 100 - 6

6 - به کار نبستن عقل و خرد ، عامل آلودگی انسان به پلیدیهاست .

و یجعل الرجس علی الذین لا یعقلون

### 2- آثار بی عقلی اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 46 - 8

8 - نسبت جنون به پیامبر (صلی الله علیه و آله) از سوی مردم مکه ، ناشی از بی اندیشگی بوده است .

ثم تفکروا ما بصاحبکم من جنّه

### 3- بی عقلی بت پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 199 - 5

5 - بت پرستان و مشرکان ، مردمی بی خرد و نادانند .

و أعرض عن الجهلین

از مصادیق مورد نظر برای «الجاهلین»، به قرینه آیات قبل، مشرکان و بت پرستان هستند.

ص: 20

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 55 - 2

2- مشرکان و بت پرستان ، مردمی ساده اندیش و بی خرد

و يعبدون من دون الله ما لا ينفعهم ولا يضرهم

یادآوری ناتوانی معبودها از رسانیدن نفع و یا دفع ضرر، در مقام محکومیت شرک و بت پرستی، می تواند اشاره به این حقیقت عقلایی داشته باشد که عملی که هیچ سودآور نباشد و یا زیانی را دور نسازد، عملی به دور از خرد و سرزنش آمیز است و هیچ عاقلی دست به چنین کاری نخواهد زد.

#### 4- بی عقلی حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 44 - 7

7- تعقل و اندیشه ، حق شنوی و درس آموزی ، از ویژگی های انسان و فارق میان او و حیوان است .

أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ

#### 5- بی عقلی شفیعان مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 43 - 3

3- معبود ها و شفیعان مشرکان عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، فاقد هرگونه توانایی و تعقل

قُلْ أُولُو كَانُوا لَا يَمْلِكُونَ شَيْئًا وَلَا يَعْقِلُونَ

#### 6- بی عقلی عبرت ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 128 - 12

12- کسانی که از سرنوشت اقوام پیشین عبرت نمی گیرند ، از خرد بی بهره اند .

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّأُولِي النُّهَى

## 7- بی عقلی قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 67 - 5

ص: 21

5- قوم بت پرست ابراهیم ، مردمی سطحی نگر و کم خرد بودند .

أفتعبدون من دون الله ما لا ينفعكم شيئاً ولا يضرکم . أف لكم ... أفلاتعقلون

برداشت یاد شده از عبادت بی حاصل قوم ابراهیم و سرزنش شدن آنان از سوی آن حضرت بر تعقل نکردن و اندیشه نوزیدن به دست می آید. گفتمی است به کسی که عقل خود را به کار نیندازد و در حد قوه نگه دارد، کم خرد اطلاق می شود؛ به عبارت دیگر بی خردی یا کم خردی نسبت به خرد بالفعل است نه بالقوه.

### 8- بی عقلی قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 78 - 20

20- قوم لوط ، فاقد حتی یک انسان فهمیده ، غیور و خداترس

فاتقوا الله و لاتخزون فی ضیفی ألیس منکم رجل رشید

«رشید» به معنای راه یافته است و به مناسبت جمله «اتقواالله» و «لاتخزون فی ضیفی» مصداق راه یافتگی، خداترسی و غیرت و حمیت است.

### 9- بی عقلی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 9 - 39 - 21

21 - مؤمنان ، برخوردار از عقل سلیم و خردناب و کافران فاقد آن هستند .

إتّما یتذکّر أولوا الألب

این که خداوند فرمود: تنها صاحبان خردناب پندپذیراند، اشاره به گروه مؤمنان و کافران دارد؛ زیرا آیات یاد شده درصدد توصیف این دو گروه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 21 - 39 - 20

20 - مؤمنان ، برخوردار از عقل و خرد و کافران فاقد آن

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرَى لَأُولَى الْأَلْبَابِ

برداشت بالا از ارتباط آیه شریفه با آیات گذشته به دست می آید؛ زیرا آیات پیش درباره اوصاف مؤمنان در مقابل کافران بود و در این آیه نیز یکی دیگر از اوصاف مؤمنان بیان شده است.

### **10- بی عقلی گوساله پرستان بنی اسرائیل**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 89 - 5

ص: 22



5- گوساله پرستان بنی اسرائیل ، مردمی جاهل و دور از اندیشه و فکر

أفلا يرون ألا يرجع إليهم قولا

### 11- بی عقلی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 199 - 5

5- بت پرستان و مشرکان ، مردمی بی خرد و نادانند .

و أعرض عن الجاهلین

از مصادیق مورد نظر برای «الجاهلین»، به قرینه آیات قبل، مشرکان و بت پرستان هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 55 - 2

2- مشرکان و بت پرستان ، مردمی ساده اندیش و بی خرد

و يعبدون من دون الله ما لا ينفعهم ولا يضرهم

یادآوری ناتوانی معبودها از رسانیدن نفع و یا دفع ضرر، در مقام محکومیت شرک و بت پرستی، می تواند اشاره به این حقیقت عقلایی داشته باشد که عملی که هیچ سودآور نباشد و یا زیانی را دور نسازد، عملی به دور از خرد و سرزنش آمیز است و هیچ عاقلی دست به چنین کاری نخواهد زد.

### 12- بی عقلی مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 44 - 4

4- بیشتر مشرکان مکه ، مردمانی حق نشنو و نابخرد

إذا رأوك إن يتخذونك .. أم تحسب أن أكثرهم يسمعون أو يعقلون

برداشت فوق، با توجه به نزول آیه شریفه در مکه است؛ چرا که بیشتر مشرکان آن شهر در نیمه نخست بعثت دارای چنین خصلتی بودند.

### 13- بی عقلی معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 43 - 3

3 - معبود ها و شفیعان مشرکان عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، فاقد هرگونه توانایی و تعقل

قل أولو كانوا لا يملكون شيئاً ولا يعقلون

ص: 23

#### 14- بی عقلی معبودان مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 22 - 5

5 - معبود های مشرکان ، فاقد شعور و درک

ما کانوا یعبدون

از آمدن «ما» - که برای موجودات فاقد شعور به کار می رود - درباره معبودهای مشرکان، برداشت یاد شده به دست می آید.

#### 15- بی عقلی مکذبان آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 100 - 3

3 - کسانی که پیامبران الهی را تکذیب کنند و به آیات و نشانه های خدا ایمان نیاورند ، مردمی بی خرد و نادان هستند .

و يجعل الرجس علی الذین لا یعقلون

مراد از «الذین لا یعقلون» - به قرینه مقابله با «ما کان لنفس آن تؤمن . . .» - تکذیب کنندگان و کافران هستند. گفتنی است ذکر «لا یعقلون» به جای «لایؤمنون» برداشت فوق را تأیید می کند.

#### 16- بی عقلی مکذبان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 100 - 3

3 - کسانی که پیامبران الهی را تکذیب کنند و به آیات و نشانه های خدا ایمان نیاورند ، مردمی بی خرد و نادان هستند .

و يجعل الرجس علی الذین لا یعقلون

مراد از «الذین لا یعقلون» - به قرینه مقابله با «ما کان لنفس آن تؤمن . . .» - تکذیب کنندگان و کافران هستند. گفتنی است ذکر «لا یعقلون» به جای «لایؤمنون» برداشت فوق را تأیید می کند.

#### 17- بی عقلی مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- ناباوران به حقایق قرآن و الهی بودن آن ، از خردمندی بی بهره اند .

أفمن يعلم .. كمن هو أعمى إنما يتذكر أولوا الألباب

ص: 24

## 18- بی عقلی مکذبان محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 52 - 3

3 - درخواست نامه های سرگشاده و جداگانه برای خود ، جلوه نابخردی و سبک مغزی کافران مخالف پیامبر (صلی الله علیه و آله)

فما لهم عن التذکره معرضین .. بل یرید کل امریء منهم أن یوتی صحفاً منشره

## 19- بی عقلی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - منافقون - 63 - 4 - 16

16 - « عن أبي جعفر (ع) فی قوله : « کأنهم خشب مسندة » یقول : لایسمعون و لایعقلون ؛

از امام باقر (ع) درباره سخن خداوند: «کأنهم خشب مسندة» روایت شده مقصود خداوند [از این تشبیه] این است که آنان نه گوش شنوا دارند و نه تعقل می کنند».

## 20- بی عقلی هواپرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 44 - 1,6

1 - پندار حق شنوی و خرد ورزی بیشتر هواپرستان ، پنداری بس واهی و به دور از واقعیت

من اتخذ إلهه هویه .. أم تحسب أن أكثرهم یسمعون أو یعقلون

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که «أم» در آیه شریفه، از نوع منقطعه و برای اضراب (مانند «بل») و متضمن معنای استفهام انکاری است. گفتنی است مقصود از «یسمعون» شنیدن ظاهری نیست؛ بلکه مراد شنیدن با گوش دل و حرف شنوی است.

6 - مردمان هواپرست را ، در حق شنوی و بی خردی ، جز به چهارپایان ( شتر ، گاو و گوسفند ) نمی توان تشبیه کرد .

إن هم إلا كالأنعم

«أنعام» نامی است که شامل سه نوع حیوان می شود: شتر و گاو و گوسفند.

## 21- بی عقلی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 14 - 16

16 - یهود ، مردمانی دور از اندیشه و خردورزی \*

ذلک بأنهم قوم لا یعقلون

با توجه به بازگشت ضمیر «هم» به یهودیان، اسناد عدم تعقل به «قوم»؛ می تواند اشاره به خصوصیت این «قوم» داشته باشد.

ص: 25

## 22- نهمت بی عقلی به یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 94 - 8

8- سست شدن عقل و خرد بر اثر پیری و کهنسالی ، اتهام خانواده یعقوب به آن حضرت

لولا آن تقنّدون

«فَنَدَد» به معنای فساد عقل بر اثر پیری است و «تقنید» (مصدر تقنّدون) ؛ یعنی ، کسی را به خاطر پیری و فرتوتی سست اندیشه شمردن (کشاف).

## 23- نشانه های بی عقلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 14 - 13

13 - پذیرش ولایت معبودانی نیازمند و ناتوان از رفع نیاز دیگران، نشانه بی خردی است.

قل أغیر الله أتخذ ولیا فاطر السموت و الأرض و هو یطعم و لا یطعم

استفهام انکاری همراه با توییخ و تعجب در «قل أغیر الله» حکایت از آن دارد که پذیرش ولایت غیر خدا توجیه صحیحی ندارد و کاری ست دور از منطق و خرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 195 - 5

5- پرسش چیزی ناتوانتر از پرستنده آن ، نابخری و مایه شگفتی است .

ألهم أرجل یمشون بها .. أم لهم اذان یسمعون بها

استفهام در جمله «ألهم ..» به انگیزه تعجب ایراد شده و منشأ تعجب به مناسبت مورد، نابخردی پرستشگران بتهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 2 - 2

2- انکار وحی و رسالت انسان از جانب خدا ، نشانه بی خردی و کوتاه نظری

أكان للناس عجباً أن أوحينا إلى رجل منهم

استفهام در «أكان للناس عجباً» استفهام انکاری و برای اظهار شگفتی از موضع گیری انکارآمیز مردم مکه در برابر پدیده وحی و رسالت انسان از جانب خداست. اظهار شگفتی خداوند، نشان دهنده این حقیقت است که: مسأله وحی و نبوت مسأله ای بدیهی و ضروری و از مقتضیات ربوبیت خدا نسبت به انسان است و انکار آن به منزله انکار امور بدیهی و ضروری بوده و بیانگر بی خردی و کوته نظری منکران آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 16 - 9

ص: 26



9- انکار آسمانی بودن قرآن و رسالت حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) علی رغم آگاهی به زندگی و شخصیت پیش از بعثت او، نشانه بی خردی است .

قل لو شاء الله ما تلوته علیکم . . . فقد لبثت فیکم عمراً من قبله أفلا تعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- یونس - 10 - 35 - 12

12- پیروی از غیر خدا و سر برتافتن از هدایت های الهی ، نشانه ای است از کوتاه نظری و نابخردی .

أفمن یهدی الی الحق أحق أن یتبع أمن لایهدی . . . فما لکم کیف تحکمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- هود - 11 - 29 - 21

21- شرک و کفر ، نشانه نادانی و بی خردی است .

ولکنی أریکم قومًا تجهلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- هود - 11 - 51 - 12

12- شرک‌ورزی و انکار رسالت پیامبران ، نشانه بی خردی است .

یقوم اعبدوا الله . . . أفلا تعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- یوسف - 12 - 109 - 16

16- تکذیب پیامبر (صلی الله علیه و آله) به خاطر بشر بودنش ، نشانه بی خردی و دلیل بی اطلاعی از تاریخ بشر ، پیامبران پیشین و سنت الهی است .

و ما أرسلنا من قبلك إلا رجلاً نوحی إلیهم من أهل القرى . . . أفلا تعقلون

لحن جمله «و ما أرسلنا . . .» گویای این است که آن جمله در پاسخ این توهم ایراد شده که: فرستاده خدا نمی تواند فردی از افراد بشر باشد؛ بلکه باید از فرشتگان و مانند آنها باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 6 - 6

6- اطلاع کافران از عاقبت شوم کفرپیشگان گذشته و عبرت نگرفتن از آنان ، مایه تعجب و شگفتی و نشانه بی خردی آنان است .

و يستعجلونك بالسيئه قبل الحسنه و قد خلت من قبلهم المثلث

آیه شریفه در مقام تعجب و بیان سخافت رأی و خرد کفرپیشگان است و جمله حالیه (و قد خلت . .) به منزله دلیل برای اثبات آن می باشد. از این رو باید آنان از گرفتار شدن امتهای کفرپیشه گذشته به عقوبتهای الهی مطلع باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 36 - 1

ص: 27

1 - برابر دانستن مسلمانان با مجرمان ، نشانه کوتاه فکری و بی خردی است .

ما لکم کیف تحکمون

آیه شریفه دارای دو استفهام است: 1- «ما» که درصدد بیان منشأ و اساس قضاوت است؛ 2- «کیف» که مربوط به کیفیت قضاوت است. این عبارت در جایی به کار می رود که فردی بدون داشتن دلیل و منطق صحیح، درباره چیزی قضاوت کند و این کار افراد جاهل و بی خرد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 8 - 4

4 - احساس امنیت در برابر عذاب الهی به جهت برخورداری از امکانات مادی ، احساسی بی پایه و نشان نابخردی است .

لذی حجر .. الّتی لم یخلق مثلها فی البلد

خبر از هلاکت قوم عاد با وجود تمدن پیشرفته آنها - پس از سوگندهایی که خردمندان را مخاطب ساخته بود - نشانگر این است که اهل خرد، امکانات مادی را نجات بخش از عذاب الهی نمی دانند.

## 24- نشانه های بی عقلی فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 8 - 7

7 - کشتن پسران بنی اسرائیل از سوی و برگرفتن موسی (ع) از آب از سوی دیگر ، نمود خطاپیشگی و نابخردی فرعونیان

یذبح أبناءهم .. فالتقطه آل فرعون

## 25- نشانه های بی عقلی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 6 - 6

6- اطلاع کافران از عاقبت شوم کفرپیشگان گذشته و عبرت نگرفتن از آنان ، مایه تعجب و شگفتی و نشانه بی خردی آنان است .

و یتعجلونک بالسیئه قبل الحسنه و قد خلت من قبلهم المثلث

آیه شریفه در مقام تعجب و بیان سخافت رأی و خرد کفرپیشگان است و جمله حالیه (و قد خلت ..) به منزله دلیل برای اثبات آن می

باشد. از این رو باید آنان از گرفتار شدن امتهای کفرپیشه گذشته به عقوبت‌های الهی مطلع باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 50 - 4

4 - روی گردانی کافران از کلام بیداربخش و پندآموز قرآن، ناشی از نابخردی و کوته فکری آنان بود.

فما لهم عن التذکره معرضین . کأنهم حمر مستنفره

ص: 28

### 3- بی گناهان

#### 1- ابتلای بی گناهان به عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 25 - 2

2 - برخی از گناهان و ستمکاری ها در جامعه ایمانی مایه گرفتار شدن همگان ( مرتکبان گناه و غیر آنها ، یعنی ظالم و غیر ظالم ) به عذاب های الهی است .

و اتقوا فتنه لاتصیبین الذین ظلموا منکم خاصه

«لا» در «لاتصیبین» نافی و «خاصه» حال برای «الذین» است. جمله «لاتصیبین الذین ...» تبیین و توضیحی است برای «فتنه». و مراد از انتفاء فتنه، پرهیز از عامل آن می باشد که به قرینه «ظلموا»، ستمکاری است. بنابراین معنای آیه چنین می شود: ای اهل ایمان از گناهایی که موجب فتنه ای عظیم می شود بپرهیزید ؛ آن گونه فتنه ای که نه تنها دامنگیر گناهکار می شود، بلکه همگان را در شعله های خود خواهد سوزانید.

#### 2- اجتناب از کیفر بی گناهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 79 - 4

4- لزوم پرهیز حاکمان از مجازات بی گناهان به جای گنه کاران

قال معاذ الله أن نأخذ إلا من وجدنا متعنا عنده

#### 3- بی گناهان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 161 - 13

13 - وجود افرادی نیک کردار و پاکدامن از گناهان در میان قوم موسی

سنزید المحسنین

کلمه «المحسنین» می تواند در مقابل گروهی از بنی اسرائیل باشد که از جمله «نغفر لکم خطیئتکم» به دست می آید. یعنی بنی اسرائیل دو گروه بودند: گروهی گنهکار که جمله «نغفر لکم خطیئتکم» اشاره به آنان دارد و پاکدامنان از گناه که



«المحسنين» عهده دار تبیین آن گروه است.

#### 4- ظلم قتل بی گناهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 39 - 2

2- تهاجم بی دلیل به انسان ها و کشتار آنها ، ظلم است .

أذن للذين يقتلون بأنهم ظلموا

#### 5- ظلم کیفر بی گناهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 79 - 12

12- مجازات بی گناهان به جای مجرمان ، گناه و از مصادیق ظلم است .

قال معاذ الله ... إنا إذا لظلمون

#### 6- کیفر بی گناهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 26 - 11

11 - بی گناهان جامعه ، در خطر گرفتار آمدن به کیفر گناهکاران

قال فانها محرمه عليهم اربعين سنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 79 - 2,3

2- داوطلب شدن بی گناهان برای مجازات شدن به جای مجرمان ، مجوز کیفر دادن آنان نیست .

فخذ أهدنا مكانه ... معاذ الله أن نأخذ إلا من وجدنا متعنا عنده

3- قوانین جزایی مصر در زمان یوسف ، کیفر بی گناهان را به جای مجرمان هر چند داوطلبانه باشد ، مجاز نمی شمرد . \*

برداشت فوق را می توان از به کارگیری ضمیرهای متکلم مع الغیر به جای ضمیر متکلم وحده استفاده کرد؛ یعنی، یوسف(ع) با جمله «بازداشت نمی کنیم» به جای «بازداشت نمی کنم» اشاره به این معنا می کند که قوانین مصر چنین اجازه ای به من نمی دهد که بی گناه را به جای گنهکار بازداشت کنم، هر چند او خود داوطلب باشد.



## 7- گناه کیفر بی گناهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 79 - 12

12- مجازات بی گناهان به جای مجرمان ، گناه و از مصادیق ظلم است .

قال معاذ الله .. إنا إذا لظلمون

## 8- ناپسندی قتل بی گناهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 74 - 10

10- کشتن فرد بی گناه ، کاری زشت و ناروا است .

لقد جئت شیئاً نكراً

«نکر» صفت مشبه و به معنای «منکر» است «یعنی کار قبیح و ناپسند و خلاف معروف».

## 9- هلاکت بی گناهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 155 - 13

13 - هلاکت گروهی به سبب گناه گروهی دیگر ، خلاف سنن الهی در دیدگاه موسی (ع)

أتهلكنا بما فعل السفهاء منا

ص: 31

#### 4- بی لیاقتی

##### 1- اعلان بی لیاقتی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 83 - 7

7 - اعلان عدم صلاحیت منافقان برای همراه شدن با پیامبر (صلی الله علیه و آله) جهت مقابله با دشمنان دین

فقل لن تخرجوا معی أبداً و لن تقتلوا معی عدواً

##### 2- بی لیاقتی بخیلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 38 - 18

18- شرافت پاسداری از دین ، شایسته ملت های مجاهد و انفاقگر و نه بخلورزان دنیاگرا

و إن تتولوا یستبدل قومًا غیرکم ثم لا یكونوا أمثلکم

با توجه به این که آیات پیشین در زمینه جهاد و انفاق و نیز روی گردانان از جهاد و انفاق بود؛ این آیه می تواند خطاب به جامعه مسلمین عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) باشد که اگر آنان از جهاد و انفاق روی گردانند، خداوند شرافت پاسداری از دین را از آنان سلب کرده و به امتی خواهد داد که این چنین نباشند.

##### 3- بی لیاقتی تارکان زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 18 - 5

ص: 32

5- کافران ، مشرکان و مسلمانان بی مبالات و ناپایبند به نماز و زکات ، فاقد صلاحیت تعمیر و رسیدگی به امور مساجدند .

إنما يعمر مسجد الله من آمن بالله و اليوم الآخر و أقام الصلوه و ءاتى الزكوه

#### 4- بی لیاقتی نارکان نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 18 - 5

5- کافران ، مشرکان و مسلمانان بی مبالات و ناپایبند به نماز و زکات ، فاقد صلاحیت تعمیر و رسیدگی به امور مساجدند .

إنما يعمر مسجد الله من آمن بالله و اليوم الآخر و أقام الصلوه و ءاتى الزكوه

#### 5- بی لیاقتی خویشاوندان زکریا(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 5 - 19 - 2

2- بستگان زکریا ، در نظر وی برای تسلط بر امور مادی و اجتماعی او صلاحیت نداشتند . \*

وإتی خفت المولی من وراءی

از معانی «موالی» خویشاوندانی از قبیل پسر عمو، پسر خواهر و نظایر آنان است (تاج العروس).

#### 6- بی لیاقتی دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 38 - 18

18- شرافت پاسداری از دین ، شایسته ملت های مجاهد و انفاقگر و نه بخلورزان دنیاگرا

وإن تتولوا یستبدل قومًا غیرکم ثم لا یكونوا أمثلکم

با توجه به این که آیات پیشین در زمینه جهاد و انفاق و نیز روی گردانان از جهاد و انفاق بود؛ این آیه می تواند خطاب به جامعه مسلمین عصر پیامبر(صلی الله علیه و آله) باشد که اگر آنان از جهاد و انفاق روی گردانند، خداوند شرافت پاسداری از دین را از آنان سلب کرده و به امتی خواهد داد که این چنین نباشند.

#### 7- بی لیاقتی شیاطین

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

13 - شعراء - 26 - 211 - 1

ص: 33

1 - شیاطین ، فاقد کمترین شایستگی برای نزول قرآن

و ما ینبغی لهم

ضمیر فاعل در «ینبغی» به «تنزل» (مصدر «تنزلت») بازمی گردد «استطاعه» (مصدر «یستطیعون») به معنای توانایی است؛ یعنی، «و ما ینبغی لهم أن یتنزلوا به و لایقدرون علی التنزل به؛ نه می سزد که شیاطین قرآن را نازل کنند و نه می توانند».

### 8- بی لیاقتی ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 113 - 11

11- ستمکاران ، شایسته ولایت و سرپرستی نیستند .

و لا ترکنوا إلى الذین ظلموا . . . و ما لکم من دون الله من أولیاء

### 9- بی لیاقتی قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 36 - 7

7- نومیدی نوح (ع) از هدایت یابی قومش و آگاهی او از ناشایستگی آنان برای ایمان ، زمینه ساز رفع اندوه از او

لن یؤمن من قومک . . . فلا تبتس بما کانوا یفعلون

برداشت فوق ، از تفریح «لا تبتس» بر اخبار از ایمان نیاروردن کافران استفاده شده است؛ یعنی ، حال که از هدایت نیافتن کافران آگاه شدیو احساس مسؤولیت نمی کنی، زمینه ای برای اندوه وجود ندارد پس غمگین مباش.

### 10- بی لیاقتی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 18 - 5

5 - کافران ، مشرکان و مسلمانان بی مبالا و ناپابیند به نماز و زکات ، فاقد صلاحیت تعمیر و رسیدگی به امور مساجدند .

إنما یعمّر مسجد الله من ءامن بالله و الیوم الآخر و أقام الصلوه و ءاتی الزکوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20- مشرکان ، کافران به خدا و ناباوران به قیامت ، فاقد صلاحیت برای ارائه برنامه و مقررات برای انسانها

إِنِّي تَرَكْتُ مِلَّةَ قَوْمٍ لَّيْئِمْنُونَ بِاللَّهِ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَفْرُونَ

ص: 34

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - کافرون - 109 - 6 - 8

8 - برخی کافران ناتوان از درک دین پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ارزش آن و نالایق برای استفاده از آن

ولی دین

### 11- بی لیاقتی مسرفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 152 - 2

2 - اسراف گران و فسادانگیزان ، فاقد صلاحیت رهبری و فرماندهی

ولا تطيعوا أمر المسرفين . الذين يفسدون في الأرض

### 12- بی لیاقتی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 17 - 2, 1

1 - مشرکان ، صلاحیت تعمیر و رسیدگی به مساجد را ندارند .

ما كان للمشركين أن يعمروا مسجد الله

2 - وانهادن امور مساجد به شرک پیشگان ، ممنوع است .

ما كان للمشركين أن يعمروا مسجد الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 18 - 5

5 - کافران ، مشرکان و مسلمانان بی مبالا و ناپایبند به نماز و زکات ، فاقد صلاحیت تعمیر و رسیدگی به امور مساجدند .

إنما يعمر مسجد الله من آمن بالله و اليوم الآخر و أقام الصلوة و آتى الزكوة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20- مشرکان ، کافران به خدا و ناباوران به قیامت ، فاقد صلاحیت برای ارائه برنامه و مقررات برای انسانها

ینی ترکت ملّہ قوم لایؤمنون بالله و هم بالأخره هم کفرون

ص: 35



### 13- بی لیاقتی معبودان مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 33 - 6, 5

5- معبود های اهل شرک ، فاقد ویژگی های خدایی و شایستگی پرستش

قل سمّوهم

«تسمیه» (مصدر سمّوا) به معنای نام نهادن و یا نام بردن است و مراد از نام بردن معبودهای پنداری - به قرینه بیان صفت ویژه خداوند - توصیف آنها و برشمردن ویژگیهای آنهاست نه مجرد نام بردن و گفتن اینکه فلان بت نامش لات یا عزّی و یا .. است.

6- توجه به صفات خدایان اهل شرک ، کافی در اطمینان آدمی به شریک نبودن آنها برای خدا و شایسته نبودنشان برای پرستش

قل سمّوهم

جمله «قل سمّوهم» (بگو: خدایان پنداری را توصیف کنید) در حقیقت استدلالی است برای بی اساس بودن پندار شرک ؛ یعنی، شما خود ویژگیهای بتها را برشمردید. همین امر کافی است که دریابید آنها شایسته الوهیت و ربوبیت نیستند و نمی توانند شریک خدا شمرده شوند.

### 14- بی لیاقتی مفسدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 142 - 22

22 - مفسدان شایسته حکومت بر مردم نیستند .

ولا تتبع سبیل المفسدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 152 - 2

2 - اسراف گران و فسادانگیزان ، فاقد صلاحیت رهبری و فرماندهی

ولا تطیعوا أمر المسرّفین . الذین یفسدون فی الأرض

### 15- بی لیاقتی مکذبان آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20- مشرکان ، کافران به خدا و ناباوران به قیامت ، فاقد صلاحیت برای ارائه برنامه و مقررات برای انسانها

إِنِّي تَرَكْتُ مِلَّةَ قَوْمٍ لَّيُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَفَرُونَ

ص: 36

## 16- دلایل بی لیاقتی شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 211 - 3

3 - شرارت و پلیدی نهفته در نهاد شیاطین ، دلیل بیگانگی عمیق آنان با ما فهمیم هدایتگر قرآن

و ما ینبغی لهم

مقصود از برداشت یاد شده این است که با توجه به محتوای هدایتگر و تکامل بخش قرآن عرصه ای بر این اتهام - که عناصر پلیدی چون شیاطین در آن دخالت داشته باشند - باقی نمی ماند.

## 17- دلایل بی لیاقتی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 1 - 7

7 - کفر به حق و اصالت وحی ، دلیل عدم شایستگی کافران برای دوستی

تلقون إلیهم بالموذّه وقد کفروا بما جاءکم من الحقّ

عبارت «وقد کفروا...» در حقیقت بیانگر علت نهی (لا تتخذوا عدوی) است.

## 18- نشانه بی لیاقتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 45 - 6

6- گرفتاری به عذاب الهی با توجه به رحمانیت خداوند ، نشانه کمال بی لیاقتی و محرومیت از تمام زمینه های رحمت الهی است .

أن یمسک عذاب من الرحمن

ص: 37

## 5- بی نیازی

### 1- آثار احساس بی نیازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - علق - 96 - 7 - 2

2 - احساس بی نیازی - حتی در صورت کاذب بودن آن - زمینه گستاخی و تجاوزگری انسان

أن رءاه استغنى

فعل «رأه» دلالت دارد که عامل طغیان، این است که شخص خود را بی نیاز ببیند. بنابراین، درک یا توهم بی نیازی، عامل طغیان است؛ نه وجود حقیقی آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - علق - 96 - 9 - 5

5 - خوی ثروت اندوزی و احساس بی نیازی، زمینه ساز مخالفت با برگزاری نماز

أن رءاه استغنى . . . أراءيت الذی ینهى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - علق - 96 - 14 - 7

7 - حالت طغیان گری و ثروت اندوزی و احساس بی نیازی مطلق، مایه بی پروا شدن انسان در برابر نظارت خداوند

لیطغى . أن رءاه استغنى ... ألم یعلم بأنّ الله یری

### 2- آثار بی نیازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 74 - 15

15 - بی نیازی و رفاه، زمینه ساز طغیان و ستیزه جویی با حق

وما نقموا إلا أن أغنیهم الله ورسوله من فضله

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

11 - حج - 22 - 64 - 6

ص: 38

6- بی نیازی و واجد بودن همه کمالات ، شرط شایستگی برای ربوبیت و تدبیر امور عالم و آدم

وإنَّ اللهَ لَهُوَ الغنَى الحمید

### 3- آثار بی نیازی از پادشاهی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 8 - 92 - 4

4- احساس بی نیازی از پاداش های موعود خداوند ، زمینه بخل ورزی و ترک انفاق

فأما من أعطى . . . و أما من بخل و استغنى

در برداشت یاد شده، عطف «استغنى» بر «بخل»، عطف سبب بر مسبب دانسته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 9 - 92 - 3

3- بخلورزی ، ترک انفاق و احساس بی نیازی از پاداش های الهی ، نشانه بی اعتمادی به وعده های خداوند است .

و أما من بخل و استغنى و كذب بالحسنی

از عطف این آیه بر آیه قبل - چه عطف سبب بر مسبب باشد و چه عکس آن - برداشت یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 10 - 92 - 6

6- بخلورزی و احساس بی نیازی از پاداش های الهی و تکذیب آن ، مایه محرومیت از امداد های خداوند در دنیا و گرفتاری به فرجامی سخت در آخرت است .

و أما من بخل و استغنى . و كذب بالحسنی . فسنيسره للعسرى

مراد از «عسرى» - به قرینه آیه بعد - زمان سقوط و هلاکت است و بر دنیا و آخرت تطبیق می کند. آیه «وإنَّ لنا للآخرة والأولى» نیز مؤید تعمیم به آن دو است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - سقوط و هلاکت ثروتمندان بخیل در دنیا و آخرت ، گواه بی ثمر بودن ثروت و واهی بودن احساس بی نیازی آنان از پاداش های الهی است .

استغنی . . و ما یغنی عنه ماله إذا تردّی

#### 4- آثار بی نیازی از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - « عن أبي جعفر (ع) فی قول الله عزّوجلّ « . . . فسنيّسره للعسرى » قال : لا يريد شيئاً من الشرّ إلاّ يسهّره له ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خدای عزوجل «فسنيسره للعسرى»، روایت شده که فرمود: [هرکه بخل ورزد و خود را از خدا بی نیاز بیند و نیکوترین پاداش الهی را تکذیب کند]، درباره انجام دادن هیچ شری تصمیم نمی گیرد؛ جز آن که خداوند آن را برای او آسان می سازد».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - علق - 96 - 7 - 3

3 - احساس بی نیازی از خداوند ، زمینه ساز سرکشی از خواسته های او است .

ربِّ الأکرم . الذی علّم ... إنّ الإنسن لیطغی . أن رءاه استغنی

آیات آغازین سوره، قرینه بر متعلق «یطغی» و «استغنی» است و نشان می دهد که طغیان در برابر خداوند و استغنا از او، از مصادیق مورد نظر آن است.

### 5- آثار بی نیازی از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 7 - 6

6 - بی نیاز دیدن خویش از تعالیم دین ، مصداق بارز ناپاکی و محرومیت از ترکیه است .

أما من استغنی . . . و ما علیک إلاّ یرگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 9 - 5

5 - احساس بی نیازی از تعالیم دین ، زمینه ساز غفلت از خداوند و بی باکی از آلودگی به پلیدی ها است .

أما من استغنی . . . ألاّ یرگی ... و هو یخشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 40 - 2

2 - احساس بی نیازی از تعالیم دین ، مایه روسیاهی در قیامت

أما من استغنی . فأنت له تصدّی ... و وجوه یومئذ علیها غبره



ارائه دو ترسیم از حاضران صحنه قیامت در ذیل سوره، ممکن است اشاره به تقسیمی باشد که در آغاز سوره انجام گرفته بود که در یک طرف ابن ام مکتوم و در طرف دیگر اشراف قرار داشتند.

## 6- آثار بی نیازی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 133 - 11

11 - بی نیازی و رحمت خداوند موجب امهال به جوامع کفر و ستم پیشه و نابود ساختن آنان است.

وریک الغنی ذو الرحمه إن یثأ یذهبکم و یستخلف من بعدکم

ص: 40

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- ابراهیم - 14 - 8 - 7

7- بی نیازی و ستودگی خداوند ، دلیل زیان ندیدن او از کفر مردم

إن تكفروا أنتم و من فی الأرض جميعاً فإن الله لغنی حمید

«إن الله لغنی حمید» در مقام تعلیل جزای شرط محذوف است . در این صورت، معنا چنین می شود: چون خداوند بی نیاز است، کفران شما به او ضرری نمی رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 111 - 6

6- اختصاص همه ستایش ها به خداوند ، در پرتویی نیازی او از داشتن فرزند ، شریک و حمایتگر است .

الحمد لله الذی لم یتخذ . . . و لم یکن له ولیّ

اگر خداوند نیاز به فرزند، شریک و حمایتگر می داشت هر کدام از اینها دلیل نقص و کاستی بود. در آن صورت همه ارزشهای ستایش برانگیز منحصر به خداوند نمی شد؛ پس انحصار ستایشها به خدا، در صورتی است که او را بی نیاز مطلق بشناسیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 15 - 8

8 - غنا و بی نیازی هیچ کس جز خداوند ، قابل ستایش و مدح نیست .

والله هو الغنی الحمید

برداشت یاد شده از آمدن صفت حمید، به دنبال صفت غنی به دست می آید.

### 7- احساس بی نیازی از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 64 - 8

8 - احساس بی نیازی از خداوند، زمینه غفلت از یاد او و گرایش به شرک است.

تدعونه تضرعاً و خفيه . . . قل الله ینجیکم منها و من کل کرب ثم أنتم تشرکون

## **8- احساس بی نیازی طغیانگران**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - علق - 96 - 11 - 6

6 - طغیان گران ، بی اعتنا به هدایت یافته بودن نماز گزاران و گرفتار احساس بی نیازی از رهنمود های آنان

لیطغی . أن رءاه استغنی ... أرءیت إن کان علی الهدی

ص: 41

## 9- ارزش بی نیازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 273 - 6

6 - ارجمندی عفت نفس ، خویشتن داری و تظاهر به بی نیازی ، علی رغم نیازمندی شدید

يَحْسِبُهُمُ الْجَاهِلُ اغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ .. لا يَسْتَلُونَ النَّاسَ الْحَافًا

چون آیه در مقام مدح چنین افرادی است، صفات شمرده شده به عنوان ارزش تلقی می شود. گفتنی است که «الحاف» به معنای اصرار است و جمله «لا یستلون» به قرینه «یحسبهم الجاهل اغنیاء» و نیز به قرینه «تعفف» باید به این معنا باشد که تقاضا نمی کنند تا به اصرار منجر شود؛ نه اینکه تقاضا می کنند ولی اصرار نمیورزند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 75 - 17

17 - الوهیت و خدایی ، تنها از آن کسی است که ازلی ، ابدی و منزه از هر گونه نیازمندی باشد .

ما المسيح ابن مريم الا رسول قد خلت من قبله الرسل .. كانا يأكلان الطعام

## 10- امتحان با بی نیازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 27 - 4

4 - آزمون دانستن فقر و غنا ، گرامی داشت یتیمان ، سیر کردن گرسنگان ، تصرف نکردن ارث دیگران و پرهیز از مال دوستی ، زمینه ساز اعتماد به رهایی از صحنه های وحشت بار قیامت

فَأَمَّا الْإِنْسَنُ إِذَا مَا ابْتَلِيَهُ .. يَأْتِيهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ

«نفس مطمئن» - به قرینه آیات پیشین - انسانی است که از اوصاف ذکر شده در آن آیات، مبرا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 28 - 8

8 - آزمون دیدن فقر و غنا ، گرامی داشت یتیمان ، تغذیه فقیران ، ترک تصرف ارث دیگران و پرهیز از مال دوستی ، مایه احساس رضایت

انسان از خداوند و زمینه ساز رضایت خداوند از او است .

فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ .. راضيه مرضيه

نفس «راضی» و «مرضی» - به قرینه آیات پیشین - انسانی است که از اوصاف ذکر شده در آن آیات، مبرّا باشد.

### 11- انفاق در بی نیازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9 - 79 - 3

3- انفاق در حال تهیدستی ، دارای ارزشی برتر نسبت به انفاق در حال غنا و توانگری

الذین یلمزون المطوعین .. و الذین لایجدون إلا جهدهم

ص: 42

عنوان «مَطْوَع» هم شامل توانگران و هم شامل تهیدستان می شود. بنابراین ذکر دوباره تهیدستان می تواند به اهمیت برتر انفاق آنان اشاره داشته باشد.

## 12- اهمیت بی نیازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 55 - 3

3 - غم، شادی، مرگ، حیات و نیازمندی و غنا، هر یک ضرورت و نعمتی در نظام زندگی انسان \*

فَبَأَىءِ الْآلَاءِ رَبِّكَ تَتَمَارَى

در صورتی که تعبیر «آلاء» در مورد مطالب آیات پیشین به کار رفته باشد، مطلب یاد شده را می توان به دست آورد.

## 13- بی نیازی از پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اخلاص - 112 - 3 - 5,6

5 - خداوند، نیاز به فرزند و پدر و مادر ندارد.

اللّٰهُ الصَّمَدُ . لَمْ يَلِدْ و لَمْ يُولَدْ

این آیه و آیه بعد، چنانچه تفسیر آیه قبل باشد؛ نداشتن فرزند و مبدأ پیدایش را، مصداق معنای «صمد» (بی نیازی) قرار داده است.

6 - نیاز همه موجودات به خداوند، دلیل بی نیازی او از فرزند و پدر و مادر است.

الصَّمَدُ . لَمْ يَلِدْ و لَمْ يُولَدْ

این آیه، می تواند بیانگر لوازم «صمد» بودن خداوند باشد.

## 14- بی نیازی از غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 65 - 7

7- خداوند، برای همگان کارساز و حامی کافی است و جز او به کسی نیازی نیست.

و کفی بر بک وکیلاً

## 15- بی نیازی از فرزند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اخلاص - 112 - 3 - 5,6

ص: 43

5 - خداوند ، نیاز به فرزند و پدر و مادر ندارد .

اللّٰهُ الصَّمَدُ . لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ

این آیه و آیه بعد، چنانچه تفسیر آیه قبل باشد؛ نداشتن فرزند و مبدأ پیدایش را، مصداق معنای «صمد» (بی نیازی) قرار داده است.

6 - نیاز همه موجودات به خداوند ، دلیل بی نیازی او از فرزند و پدر و مادر است .

الصَّمَدُ . لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ

این آیه، می تواند بیانگر لوازم «صمد» بودن خداوند باشد.

### 16- بی نیازی از مادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اخلاص - 112 - 3 - 5,6

5 - خداوند ، نیاز به فرزند و پدر و مادر ندارد .

اللّٰهُ الصَّمَدُ . لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ

این آیه و آیه بعد، چنانچه تفسیر آیه قبل باشد؛ نداشتن فرزند و مبدأ پیدایش را، مصداق معنای «صمد» (بی نیازی) قرار داده است.

6 - نیاز همه موجودات به خداوند ، دلیل بی نیازی او از فرزند و پدر و مادر است .

الصَّمَدُ . لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ

این آیه، می تواند بیانگر لوازم «صمد» بودن خداوند باشد.

### 17- بی نیازی از مبلغان تقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - علق - 96 - 12 - 8

8 - بی توجهی به مریبان تقوا و احساس بی نیازی از آنان ، نشان طغیان گری است .

ليطغى . إن رءاه استغنى ... ينهى . عبداً ... أمر بالتقوى

### 18- بی نیازی از مردم



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 72 - 6

6 - استغنا از مردم ، در برابر تبلیغ دین و هدایت آنان ، سیره ای پیامبرگونه است .

أم تسئلهم خرَجًا

ص: 44

## 19- بی نیازی از موعظه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 5 - 1

1 - برخی از حاضران مجلس پیامبر (صلی الله علیه و آله) در ماجرای ابن ام مکتوم، خود را از پند و اندرز های الهی بی نیاز می دیدند و از فرجام خود نگرانی نداشتند .

أَمَا مِنْ اسْتغْنَى

به قرینه «جاءك» و «یخشی» - در آیات بعد - مراد از جمله «استغنی»، احساس بی نیازی نسبت به حضور در مجلس وعظ و ارشاد و نیز بی خطر دیدن عاقبت خویش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 6 - 2

2 - فرد خشمگین از حضور ابن ام مکتوم در مجلس پیامبر (صلی الله علیه و آله)، تمام توجه خود را معطوف کسی ساخته بود که خود را از فراگیری آموزه های آن مجلس بی نیاز می دانست .

أَمَا مِنْ اسْتغْنَى . فَأَنْتَ لَهُ تَصَدَّى

## 20- بی نیازی انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 72 - 4

4 - استغنا از مردم، شرط لازم نبوت و درخواست کمترین مزد از آنان، نشانه عدم صداقت مدعی پیامبری است .

أَمْ تَسْأَلُهُمْ خَرْجًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 8 - 4,5

4 - داشتن ثروتی بی نیاز کننده از هرگونه داد و ستد با مردم، و تأمین شدن نیاز های مادی از سوی خداوند و یا داشتن بوستانی پر ثمر، نشانه درستی ادعا پیامبری در دیدگاه کافران

أُو يَلْقَى إِلِيهِ كَنْزُ أُو تَكُونُ لَهُ جَنَّةٌ يَأْكُلُ مِنْهَا

5 - خودکفایی مالی و بی نیازی از تلاش اقتصادی، حداقل شرط پیامبری و کمترین شایستگی لازم برای احراز مقام نبوت، در دیدگاه سران کفر و شرک

أُو يَلْقَى إِلِيهِ كَنْزُ أُو تَكُونُ لَهُ جَنَّةٌ يَأْكُلُ مِنْهَا

برداشت یاد شده، از آن جا است که در آیه پیش آمده بود: «کافران این نکته را القا کردند که پیامبر(صلی الله علیه و آله) از نظر جسمی نباید نیازمند به تغذیه و داد و ستد اقتصادی باشد»؛ ولی در این آیه از آن نکته صرف نظر کردند و گفتند: «پیامبر باید از نظر معیشتی و مالی خودکفا باشد».

ص: 45

## 21- بی نیازی حاضران در مجلس محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 5 - 1

1 - برخی از حاضران مجلس پیامبر (صلی الله علیه و آله) در ماجرای ابن ام مکتوم، خود را از پند و اندرز های الهی بی نیاز می دیدند و از فرجام خود نگرانی نداشتند.

أَمَا مِنْ اسْتغْنَى

به قرینه «جاءك» و «یخشی» - در آیات بعد - مراد از جمله «استغنی»، احساس بی نیازی نسبت به حضور در مجلس وعظ و ارشاد و نیز بی خطر دیدن عاقبت خویش است.

## 22- بی نیازی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 110 - 13

13 - خداوند، بی نیاز از اعمال خیر بندگان ( اقامه نماز، پرداخت زکات و ... )

و ما تقدموا لأنفسكم من خير تجدوه عندالله

هدف از آوردن قید «لأنفسكم» (برای خودتان) توجه دادن انسانها به این حقیقت است که: آنچه انجام می دهید خود از آن بهره می گیرید. مبدا خیال کنید که خداوند به آنها نیازمند است و سودی عاید او می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 117 - 5,9

5 - آفرینش آسمان ها و زمین، بدون مثال و الگویی از پیش، دلیل منزه بودن خدا از اختیار کردن فرزند و نیاز داشتن به آن

قالوا اتخذ الله ولداً سبحانه بل... بدیع السموت و الأرض

برداشت فوق بر این اساس است که «بدیع السماوات...» همانند جمله «له ما فی السماوات...»، دلیل و برهانی برای تنزیه خداوند از داشتن فرزند باشد.

9 - خداوند، در ایجاد اشیا بی نیاز از استخدام وسایط است.

إذا قضى أمراً فإنما يقول له كن فيكون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 255 - 6

6 - بی نیازی مطلق خداوند از غیر

هو الحیّ القيوم

برخی در معنای کلمه «قیوم» گفته اند: «هو القائم بذاته». (روح المعانی) و لازمه قیام به ذات، بی نیازی از غیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 263 - 9،12

ص: 46

9- بی نیازی خداوند از انفاق آدمیان و بردباری او در کیفر دادن به انفاق کنندگان آزاررسان

قول... و الله غنیّ حلیم

12- غنای الهی، کفایت کننده نیاز محرومان از انفاق های همراه با آزار و اذیت

و الله غنیّ حلیم

بکارگیری صفت «غنی» بیانگر این است که نیازی به انفاق همراه با آزار محرومان نیست و خداوند با غنای خود روزی آنان را خواهد داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 267 - 13، 11

11 - خداوند، ستایشگر انفاق کنندگان، در عین بی نیازی از انفاق آنان

أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ

«حمید» در برداشت فوق به معنای حامد (ستایش کننده) گرفته شده است.

13 - توجه به غنای الهی و ستایش وی از انفاق کنندگان، برانگیزنده آدمی به انفاق از اموال پاکیزه خویش

و اعلموا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ

مقصود از توجه دادن مؤمنان به بی نیازی خداوند و نیز ستایش وی از انفاق کنندگان، ایجاد انگیزه انفاق صحیح در آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 2 - 7

7 - خداوند، بی نیاز از دیگران

اللَّهُ... الْحَيُّ الْقَيُّومُ

قیوم (قائم به ذات)، یعنی کفایت ذات در قوام خویش؛ و این معنا مستلزم بی نیازی از غیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 181 - 9

9 - خداوند، غنی و بی نیاز از انفاق بندگان

انّ اللّٰذین . . انّ اللّٰه فقیر و نحن اغنیاء سنکتب ما قالوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 126 - 5

5 - خداوند ، بی نیاز از دوست گرفتن مردم - حتی بر گزیدگان ایشان - برای خویش

و اتخذ اللّٰه ابرهیم خلیلاً. و لله ما فی السموت و ما فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 131 - 14،18،19

14 - مالکیت انحصاری خداوند بر تمامی هستی و غنای وی ، دلیل مصونیت او از هرگونه خسارت و آسیب از کفر کافران

و إن تکفروا فان لله . . و کان الله غنیاً حمیداً

18 - خداوند بی نیاز ، سزاوار ستایش است .

ص: 47

و كان الله غنياً حميداً

19 - خداوند ، بی نیاز از تقوا و ایمان مردم است .

ان اتقوا الله و إن تكفروا فان لله . . . و كان الله غنياً حميداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 147 - 1

1 - خداوند ، بندگان را از سر نیاز عذاب نمی کند .

ما يفعل الله بعذابكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 170 - 9

9 - بازگشت سود و زیان ایمان به خود انسان نه خداوند

فامنوا خيراً لكم و إن تكفروا فان لله ما فى السموت و الارض

جواب شرط «ان تكفروا» به قرینه «خيراً لكم» و نیز جمله «فان لله . . .» می تواند به این گونه باشد «يكن شراً لكم و لا يضر الله شيئاً».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 54 - 39

39 - توان و غنای نامحدود و علم گسترده خداوند ، تضمین کننده جریان خواست ها و مشیت های او

ذلك فضل الله يؤتیه من یشاء و الله واسع علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 14 - 12، 7، 1

1 - جز خداوند خالق آسمانها و زمین و روزی دهنده بی نیاز، کسی شایسته ولایت و سرپرستی نیست.

قل أغیر الله أتخذ ولیا فاطر السموت و الأرض و هو یطعم و لا یطعم

7 - تنها خداوند، روزی دهنده مخلوقات و خود بی نیاز از روزی است.



و هو يطعم ولا يطعم

12 - پذیرش ولایت خالق روزی دهنده بی نیاز، حکم فطرت و عقل است.

قل أغیر الله أتخذ ولیا فاطر السموت و الأرض و هو یطعم و لا یطعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 102 - 1،2

1 - تنها خدای مبدع آسمانها و زمین و آفریننده هستی و بی نیاز از شریک و فرزند، شایسته پروردگاری آدمیان است.

بدیع السموت . . . ذلکم الله ربکم لا إله إلا هو

در آیه گذشته، صفات متعددی برای خداوند ذکر گردید و «ذلکم» در این آیه اشاره به خداوند، با تمامی صفات مذکور در آیه پیشین، است.

2 - الوهیت، مخصوص پروردگاری است که آفریننده هستی و بی نیاز از شریک و فرزند است.

ص: 48

بديع السموت و الأرض أنى يكون له ولد و لم تكن له صحبه . . . ذلكم الله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

5 - انعام - 6 - 133 - 6، 5، 4، 2، 1

1 - تنها پروردگار، بی نیاز مطلق و دارای رحمت گسترده است.

و ربك الغنى ذو الرحمه

معرفه بودن مبتدا و خبر و دارای «ال» بودن «الغنى» مفید حصر است.

2 - رحمت فراگیر خداوند به بندگان در اوج بی نیازی او از ایشان است.

و ربك الغنى ذو الرحمه

4 - فرستادن پیامبران و استقرار نظام عمل و جزاء، در عین بی نیازی خداوند، جلوه ای از رحمت گسترده اوست.

لكل درجت ما عملوا . . . و ربك الغنى ذو الرحمه

5 - بود و نبود انسانها هیچ نفع و زیانی برای خداوند ندارد.

و ربك الغنى ذو الرحمه إن يشأ يذهبكم

جمله «و ربك الغنى . . .» به منزله تمهیدی برای جمله شرطیه «إن يشأ . . .» است. یعنی خداوند به دلیل نیازمند نبودن، اگر بخواهد آدمیان را از صحنه زمین محو خواهد کرد.

6 - اگر جن و انس راه طاعت و یا عصیان پیشه کنند، هیچ سود و زیانی به خداوند نمی رساند.

و ربك الغنى ذو الرحمه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

7 - توبه - 9 - 41 - 7

7 - تأکید خداوند بر جهاد با مال و جان (در عین بی نیازی او از جهاد و تلاش مردم)، به خاطر تأمین مصالح خود انسانهاست .

ما لكم إذا قيل لكم انفروا . . . إلا تنفروا يعذبكم . . . انفروا خفافاً و ثقلاً جهدوا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

7 - یونس - 10 - 35 - 6

6 - خدا، هادیِ بی نیاز از هدایت

قل الله يهدى للحق آمن يهدى إلى الحق . . إلا أن يهدى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 68 - 4,5

4 - خداوند، غنی مطلق است و ماسوای او همه به او نیازمندند .

هو الغنی

«الغنی» مسند محلی به «الف و لام جنس» مفید حصر می باشد.

5 - اختیار فرزند، معلول نیاز است و خداوند بی نیاز مطلق است .

قالوا اتخذ الله ولداً سبحانه هو الغنی

ص: 49

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 12 - 13

13- استقلال همه جانبه خداوند و کمال ذاتی او ، مستلزم اختصاص توکل بر او

و ما لنا الا نتوكل على الله وقد هدينا سبلنا .. و على الله فليتوكل المتوكل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 75 - 9

9- تمامی هستی در برابر خداوند غنی ، فقیر و نیازمند مطلق است .

ضرب الله مثلاً عبداً مملوكاً لا يقدر على شيء و من .. فهو ينفق منه سرّاً و جهراً

برداشت فوق بر این اساس است که خداوند در مقام ردّ عقیده مشرکان و تبیین این حقیقت که خداوند قابل مقایسه با خلق نیست از مثالی استفاده کرده است که مجموعه هستی را به منزله برده ای ناتوان و جایگاه خداوندی را به مثابه توانمندی انفاقگر دانسته است که هستی از نعمتهای او ارتزاق می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 40 - 6

6- خداوند ، بدون فرزند و بی نیاز از آن است .

ما كان لله أن يتخذ من ولد .. إنا نحن نرث الأرض و من عليها

در آیات قبل ، سخن از پندار فرزند عیسی (ع) برای خداوند به میان آمد. این آیه با بیان رجوع نهایی همه موجودات به خداوند و نفی نیاز از او ، بر بطلان آن پندار تأکید میورزد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 111 - 5

5- بی نیازی مطلق خداوند از غیر خود

القيوم

«قیوم» به کسی گفته می شود که قائم به ذات بوده و در وجود، متکی به غیر نباشد (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 47 - 9

9- خداوند در رسیدگی به اعمال بندگان ، حسابگری با کفایت و بی نیاز از کمک و یاری دیگران در روز قیامت است .

و کفی بنا حسین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 64 - 4،7

4 - خدا، تنها وجود غنی ، بی نیاز ، حمید و ستوده در سراسر هستی

وإنّ الله لهو الغنیّ الحمید

«هو» ضمیر فصل و «الغنی» خبر اول «إنّ» و «الحمید» خبر دوم است و «ال» در آنها برای جنس و مفید حصر می باشد. گفتنی است که این قسمت، متضمن دلیل دیگری بر موهوم بودن اندیشه شرک است؛ زیرا با توجه به این که سراسر

ص: 50

هستی، ستایشگر خدا و تنها نیازمند به او است، دیگر جایی برای موجود دیگری - که بی نیاز باشد و نیاز دیگران را بر آورده کند و بدین جهت مورد ستایش آنان واقع شود - وجود ندارد.

7 - مالکیت و بی نیازی مطلق خدا، سرچشمه شایستگی او برای حمد و ستایش

له ما فی السموت . . . و إنّ الله لهو الغنی الحمید

ذکر «حمید» در پی «مالکیت و غنای مطلق»، بیانگر مطلب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 2 - 4

4 - خدا، از نماز نمازگزاران بی نیاز است و فواید آن تنها به خود نمازگزاران بازمی گردد.

الذین هم فی صلاتهم خشعون

اضافه «صلاه» به ضمیر «هم»، اضافه لامیه و به تقدیر «صلاه لهم» می باشد؛ یعنی، نمازی که از آن مؤمنان است و نفع آن به خود آنان بازمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 9 - 4

4 - خدا از نمازگزاران، بی نیاز است و فایده های آن، تنها به خود آنان بازمی گردد.

و الذین هم علی صلواتهم یحافظون

اضافه «صلوات» به ضمیر «هم»، اضافه لامیه و به تقدیر «صلوات لهم» می باشد؛ یعنی، نمازهایی که از آن مؤمنان است و سود آن، به خود آنان بازمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 91 - 1

1 - خدا، بی نیاز از گزینش فرزند

ما اتخذ الله من ولد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

21 - خداوند ، بی نیاز از شکرگزاری خلق به درگاه او

و من كفر فإنّ ربّي غنيّ كريم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 6 - 5، 4

4 - خداوند ، قطعاً از همه جهانیان ، بی نیاز است .

إنّ الله لغنيّ عن العملين

5 - بی نیازی مطلق خداوند از همه ، دلیل بازگشت دستاورد تلاش هرکسی به خود او است .

و من جهد فإنّما يجهد لنفسه إنّ الله لغنيّ عن العملين

ص: 51

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 12 - 16، 12

12 - خداوند ، از شکر بندگان بی نیاز است .

و من یشکر فإِنَّمَا یشکر لنفسه و من کفر فإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حمید

16 - بازگشتِ شکر به درگاه خداوند ، به خود انسان ، برخاسته از بی نیازی خداوند است .

و من یشکر فإِنَّمَا یشکر لنفسه .. فإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 26 - 7، 8

7 - تنها خداوند ، از هر چیز و از هر کس بی نیاز است .

إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ

جمله اسمیه و حرف تأکید «إِنَّ» و ضمیر فصل «هو» همه، دلالت بر انحصاری بودن غنای ذاتی خداوند دارند.

8 - توصیه خداوند به ادای حمد به درگاه او ، به خاطر انجام دادن وظیفه انسان ها است و نه نیاز خدا به حمد .

قل الحمد لله .. إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ

اعلام بی نیازی مطلق خداوند در پی توصیه به حمد او، می تواند به حقیقت یاد شده، دلالت داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 15 - 2، 4، 5، 11

2 - غنا و بی نیازی مطلق ، حقیقی و کامل ، تنها از آن خداوند است .

أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ

4 - بی نیازی خداوند ، از عبادت ، ستایش و حاجت خواهی بندگان

إِنْ تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دَعَاءَكُمْ .. أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ

5 - نیاز همه جانبه انسان به خدا و بی نیازی مطلق خداوند ، نشانه قدرت و یکتایی او



أنتم الفقراء إلى الله و الله هو الغني

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که این آیه در سلسله آیاتی قرار دارد که در صدد اثبات قدرت و یکتایی خداوند می باشد. گفتنی است برخی از مفسران از این آیه، برای یکی از براهین اثبات وجود خدا (برهان امکان و وجوب و فقر و غنا) استفاده کرده اند.

11 - غنا و بی نیازی مطلق و ستودنی خداوند، دلیل شایستگی او برای عبادت و حاجت خواهی از او

إن تدعوهم لا يسمعوا دعاءكم .. و الله هو الغني الحميد

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که این آیه در ردیف آیاتی قرار گرفته که درباره عبادت و حاجت خواهی مشرکان از معبودهای ادعایی خود، بحث می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 28 - 3

3 - نابود کردن جوامع محکوم به فنا، امری آسان برای خدا و او بی نیاز از لشکر آسمانی است .

جند من السماء و ما كنا منزلين

تأکید خداوند بر نفرستادن هیچ لشکر آسمانی و نیز عذاب و نابود کردن انسان های محکوم به فنا تنها با یک صیحه - که در

ص: 52

آیه بعد آمده است - می تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 82 - 2

2 - خداوند در آفرینش پدیده ها ، از هرگونه ابزار و وسایل و کمک و هم فکری ، بی نیاز است .

إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ

قصر در «إِنَّمَا أَمْرُهُ ..» قصر اضافی است. این عبارت در مقابل عقیده منکران معاد ادا شده است؛ زیرا آنان تجدید حیات انسان ها از استخوان های پوسیده و پراکنده را، امری غیر ممکن می دانستند؛ چرا که بر این تصور بودند که جمع کردن استخوان های پوسیده و پراکنده و دمیدن حیات در آن، نیاز به ابزار، وسایل، کمک و هم فکری دیگران دارد و باید وقت و زمان بسیاری صرف شود و خداوند از انجام چنین کاری ناتوان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 7 - 2، 1

1 - خداوند ، بی نیاز از انسان ها است .

إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ

2 - خداوند ، از ایمان مردم بی نیاز است و از آن بهره ای نخواهد برد .

إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 68 - 5

5 - خداوند ، در آفرینش پدیده ها از هرگونه ابزار و وسایل و کمک و هم فکری ، بی نیاز است .

فَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ

قصر در «فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ ..» قصر اضافی است و در مقابل عقیده منکران معاد ادا شده است؛ زیرا آنان تجدید حیات انسان ها را، امری غیر ممکن می دانستند. آنها بر این تصور بودند که جمع کردن اجزای پوسیده و پراکنده بدن بشر و دمیدن حیات به آن، امری است که نیاز به ابزار و کمک و هم فکری دیگران و صرف وقت دارد و خداوند از چنین کاری ناتوان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- بی نیازی مطلق خداوند ، از عبادت انسان ها

فإن استكبروا فالذين عند ربك يسبحون له

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 21 - 11

11- بی نیازی خداوند از طاعت و جهاد بندگان ، و بهره مندی خود انسان ها از نتایج آن \*

فإذا عزم الأمر فلو صدقوا الله لكان خيراً لهم

تأکید بر «لکان خیراً لهم»، می تواند دربردارنده معنای بالا باشد.

ص: 53

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 32 - 7

7- ایمان و کفر و طاعت و معصیتِ خلق ، بی تأثیر در ساحت خداوندی \*

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا و... لَنْ يَضُرَّوْا اللَّهَ شَيْئًا

جمله «لَنْ يَضُرَّوْا اللَّهَ شَيْئًا» می رساند که کفر و عصیان خلق در برابر خدا و رسول او، زیانی به خداوند نمی رساند. به قرینه مقابله می توان استفاده کرد که ایمان و طاعت آنان نیز، نفعی برای خداوند ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 36 - 9

9- خداوند ، اعطا کننده پاداش و نه نیازمند به اموال و دارایی خلق

يُؤْتِكُمْ أَجُورَكُمْ و لَا يَسْئَلُكُمْ أَمْوَالَكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 38 - 8،9،11

8- خداوند ، بی نیاز مطلق و خلق ، سراپا نیاز به درگاه او

وَاللَّهُ الْغَنِيُّ و أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ

9- انفاق های خلق در راه خدا ، سودمند به حال خود ایشان و بی تأثیر در ذات بی نیاز یگانه معبود هستی

تَدْعُونَ لِتَتَفَقَّوْا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ... و اللَّهُ الْغَنِيُّ

11- قوانین شریعت ، در جهت رفع نیاز های واقعی خود مردم و بی تأثیر در ذات بی نیاز خداوند

وَاللَّهُ الْغَنِيُّ و أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ

با توجه به این که «وَاللَّهُ الْغَنِيُّ و أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ» در بیان غنای الهی و نیز فقر خلق مطلق است؛ این نکته استفاده می شود که همه دستورات دین برای رفع نیاز های خلق است؛ و نفعی برای ذات خدا ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 16 - 3،5

3 - خداوند ، آگاه به ضمیر آدمیان و بی نیاز از اظهار و اعلام آنان

قل أتعلّمون الله بدينكم والله يعلم ما في السموت و ما في الأرض

5 - خداوند ، به دلیل آگاهی بر تمامی هستی ، بی نیاز از گزارش خلق برای اطلاع از ایمانشان

قل أتعلّمون الله بدينكم والله يعلم ما في السموت و ما في الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 17 - 8

8 - انسان ، خود بهره‌ور از ثمرات ایمان ، و خداوند بی نیاز از ایمان وی

يَمْتُونُ عَلَيْكَ ... قُلْ لَا تَمْتُوا ... بَلِ اللَّهُ يَمُنُّ عَلَيْكُمْ أَنْ هَدَيْكُمْ لِلْإِيمَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 5 - 4

ص: 54

4 - خداوند جهان آفرین حکیم و قادر ، بی نیاز از گزافه گویی و صادق در وعده های خویش

والذريت ذرّوا . فالحملت وقرّا . فالجريت يسرا . فالمقسّمت امرّا . إنّما تو

با توجه به این که «إنّما..» جواب سوگندهای آیات پیشین است، از ارتباط نزدیک میان جواب قسم و مقسم به، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 47 - 3

3 - خداوند ، آفریدگاری بی نیاز و توانا

و السّماء بنینها. .. و إنّنا لموسعون

«موسع» (مفرد «موسعون») به معنای غنی قدرتمند است؛ یعنی، «إنّا لذو واسعہ فی القدره و الغنی».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 57 - 4، 2، 1

1 - خداوند ، بی نیاز از رزق و عطایای بندگان خویش

ما أُرید منهم من رزق

2 - عبادت و بندگی خلق به درگاه خداوند ، فاقد کمترین سود برای ذات بی نیاز او

و ما خلقت .. . إلّا لیعبدون . ما أُرید منهم من رزق

تعبیر «ما أُرید..» - در پی «إلّا لیعبدون» - می رساند که حتی عبادت خلق نیز به خاطر آن نیست که نیازی از خدا را برآورده می سازد.

4 - خداوند ، بی نیاز مطلق

و ما أُرید منهم من رزق و ما أُرید أن یطعمون

تعبیر «رزق» با تنوین تکبیر، می رساند که خداوند به هیچ نوع از روزی - چه کم و چه زیاد، چه مادی و چه معنوی و چه.. - نیاز ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 50 - 2

2- بی نیازی خداوند به زمان ، برای خلق اشیاء

و ما أمرنا إلاّ وحده كلمح بالبصر

عبارت «کلمح بالبصر» (مانند چشم به هم زدن) ظاهراً اشاره به سرعت تحقق «امر» دارد؛ یعنی، به گونه ای است که میان فرمان و تحقق شیء هیچ فاصله ای نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 24 - 6

6- فرمان خداوند به انفاق ، بدان معنا نیست که او به انفاق آنان نیازمند است .

و من يتولّ فإنّ الله هو الغنيّ الحميد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 55

23 - تشریح جهاد از سوی خداوند ، به معنای نیاز داشتن او به یاری دیگران نیست .

و أنزلنا الحديد . . . إنَّ الله قویّ عزیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 6 - 15، 10، 9

9 - خداوند ، حقیقتی بی نیاز

و استغنی الله

10 - خداوند ، بی نیاز از ایمان انسان ها

و استغنی الله

متعلق و مورد استغنیای خداوند در آیه شریفه، می تواند دو چیز باشد: 1- استغنیای خداوند از ایمان انسان ها به او؛ 2- استغنیای الهی از این که پس از ارائه معجزات و دلایل روشن از سوی پیامبران، باز هم معجزات و دلایل دیگری به بشر عرضه دارد؛ زیرا همین مقدار برای هدایت بشر کافی است. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

15 - خداوند بی نیاز ، ستودنی و قابل ستایش است .

و الله غنیّ حمید

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که «حمید»، صفت برای «غنی» باشد؛ نه صفت مستقل برای «الله».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 92 - 13 - 4

4 - خداوند ، بی نیاز از انفاق ، تقوا و ایمان مردم و مصون از آسیب بخلورزی و تکذیب گری ثروت اندوزان \*

فأما من أعطی . . . و أمّا من بخل . . . و إنَّ لنا للأخرة و الأولى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اخلاص - 112 - 2 - 6، 3



3 - خداوند ، بی نیاز مطلق

اللّٰهُ الصَّمَدُ

کسی که همه چیز، در تمامی حوائج به او توجّه می کنند، خود به آنها نیازی ندارد.

6 - خداوند ، منزّه از کاستی های درونی و بی نیاز از غذا و آب است .

اللّٰهُ الصَّمَدُ

«صمد»؛ یعنی، «مُصَمِّمَت» و آن موجودی است که جوف (درون خالی) ندارد (تاج العروس). درون خالی نداشتن موجود زنده، بر بی نیازی او از غذا و آب دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اخلاص - 112 - 3 - 5

5 - خداوند ، نیاز به فرزند و پدر و مادر ندارد .

اللّٰهُ الصَّمَدُ . لم يلد و لم يولد

این آیه و آیه بعد، چنانچه تفسیر آیه قبل باشد؛ نداشتن فرزند و مبدأ پیدایش را، مصداق معنای «صمد» (بی نیازی) قرار

ص: 56

### 23- بی نیازی ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 95 - 1

1- ذوالقرنین ، از کمک های مادّی مردم در برابر ساختن سدّ در مقابل یاجوج و ماجوج ، اظهار بی نیازی کرد .

فهل نجعل لك خرجًا .. قال ما مكّنتي فيه ربّي خير

### 24- بی نیازی مادی ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 28 - 6

6 - ملائکه ، بی نیاز از خوردن غذا ، حتی در صورت تجسم به شکل بشر

قال ألا تأكلون .. قالوا لا نخف

از آیه شریفه استفاده می شود که ملائکه سرانجام از غذای ابراهیم(ع) نخوردند، هر چند شکل بشری یافته بودند.

### 25- بی نیازی معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 98 - 6

6 - معبودی سزاوار پرستش است که بی نیاز از شریک بوده و علم او مطلق و محیط بر همه چیز باشد .

إنّما إلهکم الله .. وسع کلّ شیء علمًا

جمله «وسع ..» بدل برای «لا إله إلاّ هو» است و هر دو، تعلیل برای «إنّما إلهکم...» می باشند.

### 26- بی نیازی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 28 - 16

16 - غنا و بی نیازی مؤمنان ، پرتوی از فضل الهی نسبت به آنان

فسوف یغنیکم اللّٰه من فضله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 20 - 4

ص: 57

4- روشنگری های قرآن ، بی نیاز کننده مؤمنان از طرح ها و ایده های جاهلانه و هواپرستانه ظالمان

و لا تتبع أهواء الذين لا يعلمون . . . هذا بصائر للناس

### 27- تعقل در بی نیازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 30 - 5

5- اندیشه صحیح نسبت به فقر و غنا ، برخورد شایسته با یتیمان و مسکینان ، قطع حرام خواری و دل نبستن به ثروت ، زمینه ساز ورود به بهشت برین

فأما الإنسن إذا ما ابتليه . . . و ادخلی جنّتی

### 28- دلایل بی نیازی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 101 - 11

11 - انحصار آفرینش هستی به خدا، دلیل بی نیازی او از فرزند و شریک است.

أنی یکون له ولد . . . و خلق کل شیء و هو بکل شیء علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 68 - 7

7 - مالکیت مطلق خداوند بر تمامی موجودات ، دلیل بی نیازی او از برگزیدن فرزند

قالوا اتخذ الله ولداً سبحانه هو الغنی له ما فی السموت و ما فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 92 - 2

2 - احاطه علمی خدا بر سراسر هستی ، بی نیاز کننده او از داشتن شریک

سبحن الله عمّا یصفون . علم الغیب و الشهده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 2 - 8

8 - پادشاهی و حاکمیت مطلق خداوند بر جهان ، دلیل بی نیازی او از گزینش فرزند و داشتن شریک و همتا

الذی له ملک السموت و الأرض و لم یتخذ ولداً و لم یکن له شریک فی الملک

ذکر حاکمیت و پادشاهی و حاکمیت مطلق خداوند بر هستی در ابتدای آیه، می تواند مقدمه و زمینه چینی برای ابطال عقیده فرزندگزینی و شریک داشتن خدا باشد که از اصول اعتقادات مشرکان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 58

17- قدرت خداوند بر از میان بردن یک قوم و جایگزین ساختن قومی دیگر ، به جای ایشان دلیل بی نیازی مطلق او از خلق

والله الغنیّ . . . و إن تتولّوا یستبدل قومًا غیرکم

از این که جمله «و إن تتولّوا . . .» به دنبال «والله الغنیّ و أنتم الفقراء» آمده است؛ محتوای آن «و إن تتولّوا» را دلیل و مؤید بی نیازی خداوند دانست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 47 - 4

4 - مطالعه بنای شگفت آسمان ، راهنمای انسان به عظمت قدرت و بی نیازی آفریدگار آن

و السّماء بنینها بأیّید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 58 - 2

2 - رازقیت یگانه خداوند در نظام وجود ، دلیل بی نیازی مطلق او از خلق

و ما أُرید منهم أن یطعمون . إنّ الله هو الرّزّاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اخلاص - 112 - 3 - 6

6 - نیاز همه موجودات به خداوند ، دلیل بی نیازی او از فرزند و پدر و مادر است .

الصمد . لم یلد و لم یولد

این آیه ، می تواند بیانگر لوازم «صمد» بودن خداوند باشد.

## 29- دلایل بی نیازی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 107 - 13

13- خضوع و سجود آگاهان در برابر قرآن، گواه بی‌نیازی آن از ایمان دیگران و بی‌تأثیری بی‌ایمانی آنان \*

ءامنوا به أو لاتؤمنوا إن الذین أوتوا العلم من قبله إذا یتلی علیهم یخرون

برداشت فوق‌بر این اساس است که «إن» تعلیل باشد برای جمله «آمنوا به أو..»؛ یعنی، چون اهل دانش به قرآن ایمان می‌آورند، ایمان و عدم ایمان دیگران مساوی بوده و نیازی به ایمان آنان نیست.

### 30- زمینه بی‌نیازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 3 - 6

6 - توکل بر خداوند، از موجبات جلب امداد‌های او و بی‌نیازی در زندگی

ص: 59

و من يتوكل على الله فهو حسبه

### 31- زمینه بی نیازی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 40 - 24,25

24 - غنا (بی نیازی) و کرم (بخشندگی) لازمه پروردگاری خداوند

فإن ربّي غنيّ كريم

25 - ربوبیت آمیخته به غنا و کرم خداوند، مقتضی نعمت بخشی به خلق حتی با وجود ناسپاسی آنان

و من كفر فإنّ ربّي غنيّ كريم

ارتباط «فإن ربّي» با «من كفر» بیانگر این نکته است که گرچه ناسپاسان، مستحق دوری از رحمت و نعمت اند؛ اما چون خداوند در مقام ربوبیت است و غنی و کریم نیز می باشد، باز بر آنان نعمت هایش را ارزانی می دارد.

### 32- سرزنش بی نیازی از پادشاهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 8 - 92 - 3

3 - اعتماد به اموال خویش و احساس بی نیازی در برابر پادشاهای موعود خداوند، خصلتی نکوهیده است .

و صدّق بالحسنی . . . فأما من . . . استغنی

مراد از «استغنی» - به قرینه جمله «صدّق بالحسنی» در آیات پیشین - ممکن است استغنائی از «حسنی» (پادشاهای نیک خداوند) باشد. بیان فرجام دشوار (العسری) برای صاحبان این خصلت ها (در آیات بعد) بیانگر نکوهش آن خصلت ها است.

### 33- شکر در بی نیازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 9 - 7

7- انسان، باید همواره و در همه حال (فقر، غنا و . . .) سپاسگزار خداوند باشد .

ولئن أذقنا الإنسن منا رحمه . . . إنّه لیئوس کفور



### 34- عبودیت در بی نیازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 11 - 2

ص: 60

2- پابندی بر بندگی خدا در حال غنا، تنگدستی، کامیابی و ناکامی، نشانه قوت، ثبات و استحکام ایمان است.

و من الناس من یعبد الله علی حرف . . . انقلب علی وجهه

### 35- علم به فلسفه بی نیازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 27 - 5

5- آگاهی از فلسفه فقر و غنا و برخورد صحیح با یتیمان، مسکینان و اموال مردم و دل نبستن به ثروت، فرونشاندن اضطراب درونی و مایه اطمینان نفس انسان

فأما الإنسن إذا ما ابتلیه . . . یأیئها النفس المطمئنّه

توصیف «نفس» به «مطمئن» - در قیامت - ممکن است به اعتبار اطمینانی باشد که در دنیا، برای او حاصل شده بود.

### 36- عوامل بی نیازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 17 - 2

2- مال و اولاد، دو عنصر کارساز و مایه بی نیازی در زندگی دنیایی

لن تغنی عنهم أموالهم ولا أولدهم من الله شیئاً

### 37- عوامل بی نیازی ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 47 - 21

21- مهربانی و لطف خداوند به حضرت ابراهیم(ع)، بی نیازکننده او از خانه و کاشانه آزر و محبت او

قال سلم علیک . . . إنّه کان بی حفیاً

جمله «إنّه کان بی حفیاً» پاسخ ابراهیم(ع) به برخورد ناشایست آزر نیز می باشد؛ یعنی اگر چه تو مرا از خانه طرد کرده و به رجم تهدید می کنی، ولی لطف و عنایت خداوند برای من کافی است.

### 38- فرجام بی نیازی از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 41 - 2

2- روسیاهی در قیامت ، فرجام بی نیاز دیدن خود از پند و اندرز قرآن

أما من استغنى . . . كلاً إنها تذكرة . . . ترهتها قتره

ص: 61

ارتباط این آیه با آیات آغاز سوره، گویای برداشت یاد شده است.

### 39- مدح بی نیازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - ضحی - 93 - 8 - 3

3 - فقر ، حالتی نامطلوب و تبدیل آن به توانگری ، امری ستوده است .

و وجدک عائلاً فأغنی

لحن آیه شریفه - که در مقام امتنان بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) است - بیانگر برداشت یاد شده است.

### 40- منشأ بی نیازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 245 - 10، 9

9 - تنگدستی و فراخ روزی آدمیان ، به دست خداوند است .

والله یقبض و یبسط

10 - حاکمیت خداوند بر وسعت ها و محدودیت های امکانات مادی انسانها

والله یقبض و یبسط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 74 - 17

17 - خداوند ، یگانه منبع و منشأ فیض ، رحمت و غنا

أن أغنیهم الله ورسوله من فضله

گرچه خداوند نام پیامبر (صلی الله علیه و آله) را در کنار نام خود آورده است، اما فضل را تنها به خود نسبت داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 48 - 6

6 - « قال أمير المؤمنين (ع) في قول الله « وانه هو أغنى وأقنى » قال أغنى كل انسان بمعيشته وأرضاه بكسب يده ;

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده که درباره آیه «وأنه هو أغنى وأقنى» فرمود: او است که هرکس را در معیشت بی نیاز می کند و وی را به کسب و درآمدش خوشنود می سازد».

#### **41- منشأ بی نیازی کافران**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 33 - 2

ص: 62

2 - خداوند ، به منظور جلوگیری از گرایش عمومی انسان ها به کفر ، زندگی تمامی کافران را سرشار از امکانات رفاهی و تجملی نساخت ؛ بلکه فقر و غنا را نیز در میان ایشان تقسیم کرد .

و لولا أن يكون الناس أمه وحده لجعلنا . . . سقفاً من فضة

#### 42- منشأ بی نیازی متوکلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 3 - 4

4 - خداوند ، کفایت کننده امور متوکلان و بی نیازکننده آنان است .

و من يتوكل على الله فهو حسبه

#### 43- منشأ بی نیازی محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - ضحی - 93 - 8 - 2

2 - خداوند ، تنگدستی پیامبر (صلی الله علیه و آله) را به ثروتمندی و بی نیازی از دیگران مبدل ساخت .

فأغنى

«غنى»، به معنای توانگر بودن (صحاح اللغة) و «غناء» (بر وزن کلام) به معنای اکتفاکردن است (مصباح). فعل «أغنى» به دلیل حذف متعلقات آن، می تواند هر دو معنا را برساند.

#### 44- موانع بی نیازی از هدایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 19 - 5

5 - توجه انسان به دوران نطفه بودن و ناتوانی های خویش در آغاز پیدایش ، از میان برنده احساس بی نیازی از رهنمود های خداوند است .

أما من استغنى . . . من أي شيء خلقه . من نطفه خلقه

#### 45- نشانه های بی نیازی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 39 - 8

8 - قدرت نامحدود خداوند ، نشان بی نیازی او از جهاد مؤمنان و آسیب ناپذیری او ، از تخلف آنان

إلا تتفروا... و لا تضروه شيئاً و الله على كل شيء قدير

ص: 63

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 40 - 1

1 - نصرت خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) در سخت ترین شرایط هجرت ، نشان قدرت و بی نیازی خدا از نصرت دیگران برای تحقق اراده خویش است .

والله على كل شيء قدير. إلا تنصروه فقد نصره الله إذ أخرجه الذين كفروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 26 - 12

12 - خالقیت خداوند و مالکیت انحصاری او بر عالم ، نشانه بی نیازی او است .

من خلق السموت .. ليقولنّ الله ... لله ما في السموت والأرض إنّ الله هو الغن

خلق شدن آسمان ها و زمین از سوی خداوند و نیز مملوک خدا بودن شان، عین احتیاج آنها به خدا است. بنابراین، ذکر دو نکته یاد شده، قبل از «الله هو الغنی» به منزله تمهیدی برای بیان غنای مطلق الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 16 - 3

3 - توانایی خداوند بر نابودی کامل ملّتی و جایگزین کردن مردمی جدید به جای آنان نشانه غنا و بی نیازی مطلق او از بندگان و عبادت آنان است .

والله هو الغنى الحميد . إن يشاء يذهبكم و يأت بخلق جديد

برداشت بالا- با توجه به این نکته است که آیه شریفه، در جهت تبیین مطلب یاد شده در آیه قبل (قدرت مطلق خداوند و غنا و بی نیازی مطلق و ستودنی او) است.

## 46- نعمت بی نیازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 55 - 3

3 - غم ، شادی ، مرگ ، حیات و نیازمندی و غنا ، هر یک ضرورت و نعمتی در نظام زندگی انسان \*



در صورتى كه تعبیر «آلاء» در مورد مطالب آیات پیشین به كار رفته باشد، مطلب یاد شده را مى توان به دست آورد.

#### 47- ویژگیهای بی نیازی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 6 - 10

10 - غنا و بی نیازی خداوند ، مبرّا از هرگونه صفات ناستوده

فإنّ الله هو الغنى الحميد

وصف «الحميد» پس از «الغنى»، مى تواند تعريض بدان داشته باشد كه توانمندی و غناى خداوند، همچون ديگر توانمندان نيست كه با بخل، آز و محدوديت در توانمندی و .. آميخته باشد.

ص: 64

## 6- بی همسران

### 1- امداد به بی همسران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 33 - 6

6 - مردان و زنان غیر متأهل عقیف ، از فضل و امداد خداوند در فراهم آمدن امکانات ازدواج ، برخوردارند .

و لیستعفف الذین لایجدون نکاحًا حتّٰی یغنیهم اللّٰه من فضله

### 2- اهمیت عفت بی همسران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 33 - 1

1 - لزوم عفت گزینی و پاکدامنی ، بر کسانی که به همسر مناسب و امکانات لازم برای ازدواج ، دستیابی ندارد .

و لیستعفف الذین لایجدون نکاحًا

### 3- تأمین نیاز بی همسران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 33 - 8

8 - وعده خداوند به برطرف ساختن نیاز های غیر متأهلان فاقد امکانات ازدواج ، در صورت رعایت عفت و پاکدامنی

و لیستعفف الذین لایجدون نکاحًا حتّٰی یغنیهم اللّٰه من فضله

ص: 65

#### 4- تفضل به بی همسران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 33 - 6

6 - مردان و زنان غیر متأهل عقیف ، از فضل و امداد خداوند در فراهم آمدن امکانات ازدواج ، برخوردارند .

و لیستعفف الذین لایجدون نکاحًا حتّٰی یغنیهم اللّٰه من فضله

#### 5- توصیه به بی همسران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 33 - 4

4 - ضرورت اقدام عملی برای فراهم آوردن تسهیلات ازدواج در جهت حل مشکلات جنسی غیر متأهلان ، قبل از توصیه آنان به عفت و پاکدامنی

و أنكحوا الأیمی منکم . . . و لیستعفف الذین لایجدون نکاحًا

توصیه به فراهم ساختن امکانات ازدواج مجردان، پیش از توصیه به عفت گزینی، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

#### 6- عفت بی همسران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 33 - 4

4 - ضرورت اقدام عملی برای فراهم آوردن تسهیلات ازدواج در جهت حل مشکلات جنسی غیر متأهلان ، قبل از توصیه آنان به عفت و پاکدامنی

و أنكحوا الأیمی منکم . . . و لیستعفف الذین لایجدون نکاحًا

توصیه به فراهم ساختن امکانات ازدواج مجردان، پیش از توصیه به عفت گزینی، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

#### 7- فضایل بی همسران عقیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 33 - 6

6 - مردان و زنان غیر متأهل عقیف ، از فضل و امداد خداوند در فراهم آمدن امکانات ازدواج ، برخوردارند .

و لیستعفف الذین لایجدون نکاحًا حتّٰی یغنیهم اللّٰه من فضله

ص: 66

## 8- لغزشگاههای بی همسران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 33 - 10,3

3- زنان و مردان غیر متأهل، بیش از دیگران در معرض فحشا و آلودگی جنسی اند.

و لیستعفف الذین لایجدون نکاحًا

فرمان خداوند به عفت گزینی افراد غیر متأهل، می تواند گویای این نکته باشد که آنان بیش از افراد متأهل، در معرض فساد جنسی اند.

10- زنان و مردان غیر متأهل فقیر و فاقد امکانات ازدواج، بیش از دیگران در معرض آلودگی به فساد جنسی اند.

و لیستعفف الذین لایجدون نکاحًا حتّٰی یغنیهم الله من فضله

توصیه خداوند به افراد غیر متأهل فقیر و فاقد امکانات ازدواج مبنی بر عفت و پاکدامنی، می تواند بیانگر نکته یاد شده باشد.

## 9- مسؤولیت اولیای بی همسران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 32 - 1

1- فراهم آوردن تسهیلات لازم برای ازدواج زنان و مردان مؤمن غیر متأهل، تکلیفی است بر عهده اولیای آنان.

و أنکحوا الأیمی منکم

«ایامی» (جمع «ایم») به معنای زنان و مردان مجرد و بی همسر است؛ چه آنان از ابتدا بی همسر باشند و چه همسران خود را از دست داده باشند.

## 10- مسؤولیت بی همسران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 33 - 5

5- لزوم خودداری غیر متأهلان فاقد تسهیلات ازدواج، از دستیازی به اموال و امکانات حرام برای ازدواج خود

و لیستعفف الذین لایجدون نکاحًا حتّٰی یغنیهم الله من فضله

مقصود از نیافتن نکاح، می تواند اسباب و امکانات مالی برای ازدواج باشد و عفت گزینی نیز، مربوط به همین امکانات باشد؛ یعنی، از اسباب و امکانات حرام نباید تسهیلات ازدواج را فراهم ساخت.

بی همسری

ص: 67

## 11- آثار بی همسری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 33 - 2،10

2 - نیافتن همسر مناسب و امکانات ازدواج، مجوز آلودگی به فحشا و فساد جنسی نیست.

و لیستعفف الذین لایجدون نکاحًا

10 - زنان و مردان غیر متأهل فقیر و فاقد امکانات ازدواج، بیش از دیگران در معرض آلودگی به فساد جنسی اند.

و لیستعفف الذین لایجدون نکاحًا حتی یغنیهم الله من فضله

توصیه خداوند به افراد غیر متأهل فقیر و فاقد امکانات ازدواج مبنی بر عفت و پاکدامنی، می تواند بیانگر نکته یاد شده باشد.

ص: 68

## 7- بیابان

### 1- بنی اسرائیل در بیابان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 57 - 10، 3

3 - خداوند ، برای تغذیه قوم موسی - به هنگام عبورشان از صحرا - برای آنان « منّ » ( ترنجبین ) و « سلوی » ( بلدرچین ) فرستاد .

و أنزلنا علیکم المنّ و السلوی

کلمه «منّ» در لغت به ترنجبین و نیز به شربتی شیرین، همانند عسل معنا شده است و در معنای «سلوی» گفته شده که پرنده ای است سفید رنگ همانند بلدرچین و برخی نیز گفته اند «سلوی» همان بلدرچین است.

10 - دسترسی قوم موسی به غذا های طیب و غیر طیب ( حلال و حرام ) در پی عبورشان از دریا و دوران صحراگردی

كلوا من طيب ما رزقنكم

آوردن کلمه «طیبات» و اضافه کردن آن به «ما رزقناکم» بیانگر برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 58 - 2

2 - فرمان تصرف بیت المقدس به بنی اسرائیل ، پس از زندگانی بیابانی آنان بود .

و ظللنا علیکم الغمام . . . و إذ قلنا ادخلوا هذه القرية

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 80 - 7

7 - نزول « منّ و سلوی » بر بنی اسرائیل ، پس از نجات آنان از چنگال فرعون و استقرار آنها در بیابان بوده است .

قد أنجینکم . . . وعدنکم . . . و نزلنا علیکم المنّ و السلوی

نزول «منّ و سلوی»، نشان عاری بودن منطقه از مواد غذایی متداول و بیابانی بودن محیط استقرار آنها است.

### 2- تبدیل باغ ها به بیابان



جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

10 - کہف - 18 - 40 - 6

ص: 69

6- تبدیل شدن بوستان های زیبا و حاصل خیز، به کویری خشک و بی حاصل، با عذاب الهی، در نتیجه کفر و فخر و مباحثات به دیگران، امری ممکن است.

فَعَسَى رَبِّي .. يَرْسِلْ عَلَيْهَا حِسَابًا مِّنَ السَّمَاءِ فَتَصْبِحُ صَعِيدًا زَلَقًا

«صعید» یعنی، روی زمین و «زلق» یعنی، بدون گیاه.

### 3- تبدیل زمین به بیابان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 8 - 4

4- زمین، در نهایت، به کویری بی حاصل و خالی از گیاه، تبدیل خواهد شد.

و إِنَّا لَجَعَلُونَهَا صَعِيدًا جَرًّا

### 4- راهیابی در بیابان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 97 - 1

1 - خداوند ستارگان را برای راهیابی انسان در ظلمتهای دشت و دریا قرار داده است.

و هو الذی جعل لکم النجوم لتبهتوا بها فی ظلمت البر و البحر

### 5- سرگردانی در بیابان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 71 - 19

19 - مرتد به سرگردانی در بیابان می ماند که شیطانها او را به بی راهه می خوانند و گروهی نیز او را به راه هدایت دعوت می کنند.

كالذی استهوته الشیطن فی الأرض حیران له أصحاب یدعونه إلی الهدی ائتنا

«فی الأرض» متعلق به «استهوی» است، و «استهوی فی الأرض» به معنی عقل او را در بیابان ریخته اند، می تواند باشد و مراد از «اصحاب» در «له اصحاب یدعونه» ممکن است مشرکان و یا موحدان باشند که در برداشت فوق احتمال دوم برگزیده شده است.

### 6- نجات از گرفتاری در بیابان

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

19 - قلم - 68 - 49 - 2

ص: 70

2- نعمت و لطف ویژه خداوند به یونس (ع)، مانع گرفتار شدن او به بیابان خشک و بی آب و گیاه شد.

لولا أن تدرکه نعمه من ربّه لنبذ بالعراء

### 7- یونس (ع) در بیابان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 145 - 1

1- یونس (ع) با اراده الهی، از شکم ماهی در زمینی خالی از درخت و پوشش گیاهی بیرون افکنده شد.

فنبذنه بالعراء

«نبذ» (مصدر «نبذنا») به معنای افکندن است و «عراء» به سرزمینی خالی از درخت و پوشش گیاهی گفته می شود.

ص: 71

## 8- بیان

### 1- آزادی بیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 168 - 10

10 - آزادی بیان مسلمانان عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) در عقاید و موضعگیری های خویش

لواطعوننا ما قتلوا

### 2- آزادی بیان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 34 - 9

9 - پیامبران الهی ، مجاز به اظهار نظر در پیشگاه خدا درباره رسالت خویش

قال ربّ . . . و أخی هرون ... إني أخاف أن يكذبون

آزادی بیان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 27 - 13

13- آزاد و بدون مانع بودن سخن گفتن برای برخی از افراد در قیامت

ثمّ يوم القيّمه . . . قال الذين أوتوا العلم

### 3- آزادی بیان متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - علق - 96 - 12 - 5

5 - کسی که فرمان به تقوای پیشگی در گفتار او نمودار یا محتمل است ، هرگز نباید او را به سکوت وادار کرد .

أرءیت الذی ینهی . . . أرءیت إن ... أمر بالتّقوی



حرف «إن»، برای شرط و بیانگر کافی بودن احتمال در این موارد است.

#### 4- آزادی بیان مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - علق - 96 - 14 - 6

6 - کسانی که خداوند را ناظر خویش می دانند، از تبلیغات هدایت پیشگان و دعوت کنندگان به تقوا جلوگیری نمی کنند.

أرءیت إن كان علی الهدی . أو أمر بالتقوی ... ألم یعلم بأنّ اللّٰه یری

#### 5- اهمیت بیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 4 - 2

2 - قدرت بیان، از امتیازهای مهم انسان و دارای نقش اساسی در زندگی او

خلق الإنسن . علّمه البیان

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که از میان اوصاف و ویژگی های انسان، تنها به قدرت بیان تکیه شده است.

#### 6- اهمیت بیان قصه ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 51 - 1

1- پیامبر (صلی الله علیه و آله) وظیفه دار باخبر ساختن بندگان از ماجرای مهمانان حضرت ابراهیم (فرشتگان)

و نَبَّئَهُمْ عَنْ ضَیْفِ اِبْرٰهٖمِ

#### 7- اهمیت بیان مشکلات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 13 - 8

8 - باید به هنگام پذیرش مسؤلیت های محوله، تمامی مشکلات، کاستی ها و پی آمد های آنها را با مقام بالاتر در میان گذاشت.

وإذ نادى ربك موسى أن ائت القوم الظلمين . . . قال رب إني أخاف أن يكذبون . و يضيق صدرى ولا ينطق لسانى

ص: 73



## 8- بیان حاجت در دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 38 - 4

4- حسن عرض حاجت کردن و بر زبان راندن نیازها و مشکلات به درگاه خداوند به هنگام دعا

ربّ اجعل هذا البلد آمناً... ربّنا إني... بواد غير ذى زرع... ربّنا إنيك تعلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 80 - 4

4- بر زبان آوردن خواسته ها در پیشگاه خدا، از آداب دعا و نیایش

وقل ربّ أدخلني مدخل صدق

## 9- بیان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 53 - 23، 25

23 - خداوند، هیچ گونه ملاحظه ای برای بیان حق ندارد.

والله لا يستحيى من الحقّ

25 - در بیان حق، نباید شرم و حیا داشت.

والله لا يستحيى من الحقّ

## 10- بیان حقایق کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 175 - 8

8- بیان حقایق کتاب های آسمانی، موجب دستیابی به هدایت و مغفرت الهی است.

إن الذين يكتُمون... أولئك الذين اشتروا الضلّله بالهدى والعذاب بالمغفره

برداشت فوق از مفهوم آیه به دست می آید.

### 11- بیان راز عمل خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 70 - 4,5

4- خضر موسی (ع) را از این که آنچه انجام خواهد داد، بی دلیل و حکمت نیست، آگاه ساخت.

حَتَّىٰ أُحَدِّثَ لَكَ مِنْهُ ذِكْرًا

5- خضر (ع) به موسی (ع) وعده داد که در نهایت، بخشی از اسرار کار خود را برای او تبیین خواهد کرد.

ص: 74

أحدث لك منه ذكرًا

«من» در «منه» برای تبعیض است و گویای این که خضر، تنها، به بیان گوشه ای از ویژگی های کردار خویش وعده داد.

## 12- بیان عوامل عبرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 89 - 11

11- مبلغان دین باید از بازگویی تاریخ و فرجام گذشتگان، سود جسته و با بیان علل سرنوشت آنان، مردمان را به آیین پیامبران گرایش دهند.

و يقوم لایجرمنکم شقاقی أن یصیبکم مثل ما أصاب قوم نوح

## 13- بیان فرجام ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 45 - 15

15- بیان سرگذشت ستم پیشگان کیفر شده و نیز داستان های مثال زدنی و درس آموز، در قلمرو موضوعات قرآن

و سکنتم فی مسکن الذین... و تبین لکم کیف فعلنا بهم و ضربنا لکم الأمثال

## 14- بیان فرجام عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 87 - 12

12- توجیه پیشنهاد ها و توصیه ها با بیان فرجام و نتیجه آنها، امری شایسته و نیکوست.

لأتأیئسوا من روح الله إنه لایأیئس من روح الله إلا القوم الکفرون

جمله «إنه لایأیئس...» تعلیل برای «لأتأیئسوا...» است. یعقوب(ع) توصیه خویش (مأیوس نشدن از رحمت الهی) را با بیان فرجام آن (سقوط به ورطه کفر) تعلیل و توجیه کرد و این درسی است برای همگان که توصیه و یا فرمان خویش را با دلیل و بیان فرجام آن قرین سازند.

## 15- بیان فرجام گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 45 - 5

5- ذکر فرجام شوم گمراهان در کنار فرجام سعادت‌مندانة تقوایپیشگان ، از روش های هدایتی قرآن \*

الغاوین . و إن جهنم لموعدهم أجمعین... إن المتقین فی جنّات و عیون

ص: 75

## 16- بیان فرجام متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 45 - 5

5- ذکر فرجام شوم گمراهان در کنار فرجام سعادت‌مندانة تقواییشان، از روش‌های هدایتی قرآن \*

الغاوین . وإن جهنم لموعدهم أجمعین... إن المتقین فی جنّات و عیون

## 17- بیان قصه یوسف (ع) برای یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 100 - 8

8- یوسف (ع) پس از ورود خاندانش به مصر ، خلاصه‌ای از سرگذشت خویش و احسان‌های خداوند را درباره خود برای پدرش یعقوب (ع) بازگو کرد .

یأبت . . . قد أحسن بی إذ أخرجنی من السجن و جاء بکم من البدو

## 18- بیان کنندگان حق در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 174 - 17

17- خداوند در قیامت ، عالمان متعهد و بیان‌کنندگان حقایق و معارف کتاب‌های آسمانی را مورد لطف خویش قرار خواهد داد و با آنان سخن خواهد گفت .

إن الذین یتقون . . . لایکلمهم اللّٰه

برداشت فوق از مفهوم جمله «إن الذین . . . لایکلمهم اللّٰه» استفاده شده است.

## 19- بیان نعمتهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 39 - 6

6- برشمردن و به زبان آوردن نعمت‌ها به هنگام حمد و ستایش خداوند ، امری پسندیده و از آداب دعاست .

الحمد لله الذى وهب لى على الكبر إسمعيل وإسحق

جلد - نام سورہ - سورہ - آيہ - فيش

9 - نحل - 16 - 82 - 8

ص: 76

8- بیان نعمت های الهی در ابعاد زندگی، از مصادیق «بلاغ مبین» (بیان روشن دین) است.

والله جعل لكم ممّا خلق ظللاً... كذلك يتمّ نعمته عليكم لعلكم تسلمون... فإنما

در آیات گذشته نعمتهای مختلف خداوند بیان گردید و در پایان اشاره شد که هدف از بیان نعمتها، تسلیم شدن انسانها در برابر خداست و اگر مردم روی گردانند، وظیفه ای جز همین بیان روشن (بیان نعمتها) نیست.

## 20- تاریخ آزادی بیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 67 - 9

9- آزادی ابراز عقیده و بیان اندیشه در جامعه دینی عصر موسی

أنتخذنا هزواً

## 21- تنوع بیان در تبلیغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 65 - 10

10 - مبلغان دین وظیفه دار تأمل و تحقیق در شیوه های بیان حقایق در قرآن و به کارگیری آن در تبلیغ هستند.

انظر كيف نصرّف الأيت لعلهم يفقهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 113 - 6

6 - تنوع بیان و ارائه صورت های گوناگون آن، از روش های قرآن در تبلیغ و تربیت

وصرّفنا فيه من الوعيد لعلهم يتّقون

## 22- تنوع در بیان تعلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 65 - 13

13 - بیان مطلب به شیوه های گوناگون و متنوع، روشی کارساز در تعلیم و تربیت است.

انظر كيف نصراف الأیت لعلهم یفقهون

«لعل» حرف ترجی و کاربرد آن در جایی است که امید به عملی شدن فعل وجود داشته باشد. در این بخش از آیه چون فعل «یفقهون» در پی حرف ترجی آمده، چنین بر می آید که «فهم» پس از بیان آیات به شیوه های مختلف متوقع است.

ص: 77



### 23- درخواست آزادی بیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 21 - 1

1- درخواست آزادی بیان ، پیشنهاد موسی (ع) به فرعونیان پس از یأس از ایمان آوردن آنان

وإن لم تؤمنوا لی فاعترلون

«فاعترلون»، کنایه از این است که اگر خود اهل ایمان نیستید، لااقل متعرض من نباشید تا آزادانه پیامم را به مردم برسانم.

### 24- ذکر نعمت بیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 9 - 4

4- توجه به خدادادی بودن نعمت بیان و ابزار آن ، مایه یقین به آگاهی خداوند از نیت ها ، افکار و دانسته های انسان است .

أیحسب أن لم یره أحد . ألم نجعل له ... ولساناً وشفقتین

### 25- سرزنش غفلت از قدرت بیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 9 - 2

2- بی توجهی به قدرت بیان و ابزار آن و غفلت از وابستگی آنها به خداوند ، شگفت آور و سرزنش بار است .

ألم نجعل له ... ولساناً وشفقتین

### 26- شگفتی غفلت از قدرت بیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 9 - 2

2- بی توجهی به قدرت بیان و ابزار آن و غفلت از وابستگی آنها به خداوند ، شگفت آور و سرزنش بار است .

ألم نجعل له ... ولساناً وشفقتین

## 27- صراحت در بیان عقیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 46 - 8

8 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مسلمانان ، در مجادله با اهل کتاب ، موظف اند که به صراحت ، اعتقادات توحیدی خود را مطرح کنند

قولوا ءامناً بالذی أنزل إلینا وأنزل إلیکم وإلینا وإلکم وحد

ص: 78

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 65 - 5

5 - پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) ، مأمور اعلام صریح مواضع عقیدتی خود به مردم

قل . . . ما من إله إلا الله الواحد القهار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جن - 72 - 20 - 1

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مأمور بیان علنی مواضع اعتقادی خویش برای همگان

قل

## 28- ظلم کیفر بی بیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 70 - 17

17 - کیفر انسان ها ، قبل از تبیین حق و باطل برای آنان ، ظلم و دور از ساحت قدس خداست .

أتتهم رسالهم بالبینة فما كان الله ليظلمهم

نفی ظلم از خدا و متفرع شدن آن بر وجود بینات، بیانگر این نکته است که: در صورت ارائه نشدن دلایل روشن، به هلاکت رساندن انسانها ظلم می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 209 - 7

7 - مؤاخذه بندگان ، قبل از بیان و اتمام حجت بر ایشان ، ظلم و دور از ساحت خداوند است .

و ما أهلكنا من قرية .. ذكرى و ما كنا ظلمين

مفاد مطلب یاد شده، همان «قبیح عقاب بلا بیان» است که از آیه مورد بحث استفاده می شود.

## 29- عذاب بدون بیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 115 - 6

6 - خداوند ، بدون بیان ، کسی را عقاب نخواهد کرد .

و من يشاقق الرسول من بعد ما تبين له الهدى . . . نصله جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 144 - 12

12 - خداوند بدون حجت و برهان ، کسی را عقاب نخواهد کرد .

ص: 79

أتریدون أن تجعلوا الله عليكم سلطاناً مبیناً

### 30- عذاب بی بیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 24 - 6

6 - منکران دین بدون اتمام حجت با آنان ، به آتش دوزخ گرفتار نخواهند شد .

فإن لم تفعلوا ولن تفعلوا فاتقوا النار

جواب شرط «فان لم تفعلوا» محذوف است و جمله «فاتقوا ..» جانشین آن شده است. جمله با تقدیر آن چنین است: فان لم تفعلوا تمت علیکم الحججه و ثبت لیدیکم ان القرآن منزل من عندالله فاتقوا ...

### 31- فضایل بیان کنندگان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 174 - 17

17- خداوند در قیامت ، عالمان متعهد و بیان کنندگان حقایق و معارف کتاب های آسمانی را مورد لطف خویش قرار خواهد داد و با آنان سخن خواهد گفت .

إن الذین یکتُمون .. لایکلمهم الله

برداشت فوق از مفهوم جمله «إن الذین .. لایکلمهم الله» استفاده شده است.

### 32- فلسفه بیان قصه یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 103 - 4

4- خداوند با بیان مکر برادران یوسف علیه وی ، تسلی دهنده پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر مخالفت مردمان با وی

إذ أجمعوا أمرهم و هم یمکرون. و ما أكثر الناس و لو حرصت بمؤمنین

برداشت فوق، مقتضای ارتباط میان «ما أكثر الناس ..» با خصوص مکر برادران یوسف علیه وی (و هم یمکرون) است و به این نکته اشاره دارد که: ای پیامبر! آنان که فرزندان یعقوب پیامبر بودند با پدر و برادرشان آن گونه رفتار کردند، پس مبادا از ایمان نیابند مردم

اندوهگین باشی و خود را مقصر پنداری چرا که عموم مردم حق ناپذیرند.

### 33- قاعده عقاب بلا بیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 22 - 18

ص: 80

18 - خداوند بدون اتمام حجت، بندگان متخلف را توبیخ نخواهد کرد.

ألم أنهكما عن تلكما الشجره وأقل لكما إن الشيطان لكما عدو مبين

### 34- قاعده قبح کیفر بی بیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 6 - 4

4 - مؤاخذه کفار به جرم مبارزه با اسلام، پیش از ارائه معارف الهی قرآن به آنان و تمام شدن حجت بر ایشان، ممنوع است.

و خذوهم و احصروهم... و إن أحد من المشركين استجارك فأجره حتى يسمع كلم الله

### 35- قاعده کیفر بی بیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 15 - 10

10 - عقاب و کیفر دادن بر هر عملی بدون بیان زشتی و خلاف بودن آن عمل، زشت و ناپسند است.

و ما كنا معذبين حتى نبعث رسولا

اینکه خداوند فرمود: «ما بدون اینکه رسولی برای تبیین حقایق برای مردم بفرستیم، عذاب و کیفرشان نمی کنیم» احتمال دارد به جهت این داوری عقل باشد که: «عقاب بدون بیان زشت و قبیح است».

### 36- قدرت بیان انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 4 - 8

8 - انسان موجودی توانمند برای بیان مقاصد و نظرات خویش

فإذا هو خصيم مبين

### 37- کیفر بدون بیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - هلاک جوامع بشری، بدون فرستادن هدایت برای ایشان، کاری ظالمانه و به دور از ساحت قدس الهی است.

ذک أن لم یکن ربک مهلک القرى بظلم

«بظلم» می تواند حال برای «ربک» باشد. در این صورت معنای جمله چنین می شود: خداوند از روی ظلم جامعه ناآگاه را هلاک نمی کند. بنابراین هلاکت در صورت عدم ابلاغ کاری ظالمانه است.

ص: 81



### 38- کيفر بی بیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 165 - 8

8 - خداوند کسی را بدون اتمام حجت عقاب نمی کند .

رسلا .. لئلا يكون للناس على الله حجه بعد الرسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 68 - 3

3 - سنت خداوند بر عقوبت نکردن انسان ها پیش از بیان دستورات خویش است .

لولا كتب من الله سبق لمسكم فيما أخذتم

در اینکه مراد از «کتب ..» چیست، چندین نظر ایراد شده است؛ از جمله سنت الهی بر اینکه تا دستوری را به روشنی برای مردم بیان نکند، آنان را به عذاب گرفتار نمی سازد. و اسیر گرفتن در جنگ بدر هر چند کاری بسیار ناصواب بوده، ولی حکم آن به روشنی بیان نشده بود و لذا خداوند مرتکبان این عمل ناصواب را به عذاب گرفتار نساخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 47 - 9

9 - نزول عذاب استیصال، همواره پس از تمام شدن حجت خدا بر مردم است .

فإذا جاء رسولهم قضی بينهم بالقسط

### 39- مراد از بیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 4 - 4

4 - « فی مجمع البیان قال الصادق (ع) : البیان الإسم الأعظم الذی به علم کلّ شیء ؛

در مجمع البیان آمده است که امام صادق (ع) فرمود: «بیان» اسم اعظم الهی است که به وسیله آن آگاهی بر همه چیز حاصل می شود».

### 40- ناپسندی کيفر بی بیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 134 - 3

3 - کیفیت دادن قبل از بیان و اتمام حجت ، کاری ناروا است .

ولو آتانا .. لولا أرسلنا إلینا رسولاً

ص: 82

گرچه «لولا أرسلت» در این آیه، اعتراضی است که از زبان کافران نقل شده؛ ولی از آن جهت که بر این اعتراض فرضی، ترتیب اثر داده شده است، بر می آید که این اعتراض، قابل قبول بوده و فرستادن رسولان برای اتمام حجت، ضرورت داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 47 - 3

3 - مجازات خطاکاران پیش از تبیین راه صواب و خطا برای ایشان ، امری نادرست و نکوهیده در بینش الهی

و لولا أن تصيبهم مصيبة . . . و نکون من المؤمنین

#### 41- نعمت بیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 4 - 1

1 - تکلم و قدرت بیان مفاهیم ، از نعمت های مهم الهی برای انسان

الرحمن . . . علّمه البيان

#### 42- نقش بیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 4 - 2

2 - قدرت بیان ، از امتیاز های مهم انسان و دارای نقش اساسی در زندگی او

خلق الإنسن . علّمه البيان

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که از میان اوصاف و ویژگی های انسان، تنها به قدرت بیان تکیه شده است.

ص: 83

## 9- بیت المال

### 1- تقسیم بیت المال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 59 - 4

4 - حق تصمیم گیری در نحوه تقسیم و صرف بیت المال با پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود .

ماء اتیهم الله ورسوله

### 2- خیانت به بیت المال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 161 - 16

16 - به مجازات رسیدن خیانتکاران در اموال امام در قیامت

و من یغلل یأت بما غلّ

امام صادق (ع): الغلول کلّ شیء غلّ عن الامام.

---

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 205، ح 148؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 324، ح 2.

### 3- روش حفاظت از بیت المال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 62 - 12

12- سهمیه بندی کالاها در شرایط بحرانی و دریافت بهای کالای اعطا شده، مقتضای حراست از بیت المال و آگاهی به امور اقتصادی است .

اجعلنی علی خزائن الأرض إنی حفیظ علیم . . . اجعلوا بضعتم فی رحالهم

عملکرد یوسف (ع) (سهمیه بندی در شرایط کمبود و دریافت بهای کالاها) به عنوان مدیر و مسؤولی حفیظ و علیم، گویای برداشت فوق است.



#### 4- غصب بیت المال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 188 - 9

9 - چنگ اندازی به اموال و دارایی های عمومی ، حرام است .

لتأكلوا فريقاً من أموال الناس بالأثم

مقصود از «أموال الناس» می تواند اموال و داراییهای شخصی افراد باشد، همچنین منظور از آن می تواند اموال عمومی باشد. برداشت فوق ناظر به احتمال دوم است.

#### 5- محمد (صلی الله علیه و آله) و بیت المال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 59 - 4

4 - حق تصمیم گیری در نحوه تقسیم و صرف بیت المال با پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود .

ما ءأتیهم الله ورسوله

#### 6- مصارف بیت المال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 11 - 2,8

2 - مخارج و مهریه ای که مرد مؤمن برای همسر کافر خویش ، صرف کرده و اکنون به حکم اسلام از او جدا شده است ، باید از بیت المال و غنایم جنگی ، به مرد مؤمن پرداخت شود .

وإن فاتکم شیء من أزواجکم إلى الکفار فعاقبتکم

واژه «عاقبتکم»، به معنای «اصبتم منهم غنیمه» دانسته شده است.

8 - « عن یونس عن أصحابه عن أبی جعفر (ع) و أبی عبد الله (ع) قال : قلت : . . . و قد قال الله عزوجل فی کتابه « و إن فاتکم شیء من أزواجکم إلى الکفار فعاقبتکم . . . » ما معنی العقوبه هاهنا ؟ قال : إن الذی ذهب إمرأه فعاقب علی إمرأه أخرى غیرها یعنی تزوجها [بعقب . . . ] فعلى الإمام أن يعطيه مهر إمرأه الذاهبه ؛

از یونس از اصحابش از امام باقر(ع) و امام صادق(ع) روایت شده که گفت: به امام(ع) عرض کردم: ... خداوند عزوجل فرموده است: «و إن فاتکم شیء من أزواجکم إلی الکفار فعاقبتهم» مراد از این عقوبت در این جا چیست؟ امام فرمود: مردی که همسرش از دست او رفته [و به کفار ملحق شده] و در پی آن همسر دیگری اختیار کرده ... برعهده امام است که مهر زنی را که رفته به آن مرد بپردازد [و معنای «عاقبتهم» یعنی پس از رفتن آن زن، همسر دیگری گرفته باشد].

ص: 85

## 7- منافقان و بیت المال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 59 - 2

2- نارضایتی برخی از مسلمانان ( منافقان ) نسبت به سهم خود از بیت المال

و لو أنهم رضوا ما آتاهم الله ورسوله

## 8- یوسف (ع) و بیت المال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 88 - 11

11- یوسف (ع) دارای اختیاراتی ویژه در دخل و تصرف بیت المال و بذل و بخشش آذوقه های ذخیره شده

و جئنا ببضعه مزجیه فأوف لنا الكیل و تصدق علينا

ص: 86



## 10- بیت المعمور

### 1- بیت المعمور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 4 - 5

5 - « بیت المعمور » نام دیگر کعبه

و البیت المعمور

تعبیر «و البیت المعمور» - به جای «و الکعبه» - می تواند بدان جهت باشد که در آن زمان، کعبه به این نام نیز خوانده می شده است.

### 2- مکان بیت المعمور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 4 - 6,7,8

6 - « فی مجمع البیان ، ( فی قوله ) « و البیت المعمور » هو بیت فی السماء الرابعه بحیال الکعبه تعمره الملائکه بما یکون منها فیه من العباده . . . و روی ایضاً عن أمير المؤمنين ( ع ) قال : و یدخله کلّ یوم سبعون ألف ملک . . . » ;

در مجمع البیان آمده است: بیت المعمور خانه ای است در آسمان چهارم موازی کعبه، که فرشتگان با عبادت خود آن را آباد نگه می دارند. . . و این مطلب از امام علی (ع) نیز روایت شده و فرموده است: در هر روزی هفتاد هزار فرشته [برای عبادت] داخل آن بیت می شوند...».

7 - « عن النبی (صلی الله علیه و آله) ، قال : « البیت المعمور » فی السماء السابعه یدخله کلّ یوم سبعون ألف ملک لایعودون إلیه حتّی تقوم الساعه ;

از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت شده که بیت المعمور در آسمان هفتم قرار گرفته و هر روز، هفتاد هزار فرشته [برای عبادت] وارد آن می شوند [و این فرشتگان پس از خروج] دیگر باز نمی گردند و این کار تا قیامت ادامه دارد».

8 - « عن ابی هریره عن النبی (صلی الله علیه و آله) قال : البیت المعمور فی السماء الدنيا . . . » ;

ابی هریره از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت نموده که بیت المعمور در آسمان دنیا است».

### 3- نزول قرآن به بیت المعمور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



8 - « قال الصادق (ع) نزل القرآن في ليلة القدر إلى البيت المعمور جمله ثم نزل من البيت المعمور على رسول الله (صلى الله عليه و آله) في طول عشرين سنه ;

امام صادق(ع) فرمود: قرآن در شب قدر به صورت کامل و یک جا، به بیت المعمور نازل گشت و سپس از بیت المعمور به رسول خدا(صلی الله علیه و آله) در طول بیست سال [به صورت تدریجی] نازل شد».

#### 4- ویژگیهای بیت المعمور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 4 - 6,7

6 - « في مجمع البيان ، ( في قوله ) « و البيت المعمور » هو بيت في السماء الرابعه بحیال الكعبه تعمره الملائكه بما يكون منها فيه من العباده . . . و روى ايضا عن أميرالمؤمنين (ع) قال : و يدخله كل يوم سبعون ألف ملك . . . ;

در مجمع البيان آمده است: بیت المعمور خانه ای است در آسمان چهارم موازی کعبه، که فرشتگان با عبادت خود آن را آباد نگه می دارند. .. و این مطلب از امام علی(ع) نیز روایت شده و فرموده است: در هر روزی هفتاد هزار فرشته [برای عبادت] داخل آن بیت می شوند...».

7 - « عن النبي (صلى الله عليه و آله) ، قال : « البيت المعمور » في السماء السابعه يدخله كل يوم سبعون ألف ملك لا يعودون إليه حتى تقوم الساعة ;

از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) روایت شده که بیت المعمور در آسمان هفتم قرار گرفته و هر روز، هفتاد هزار فرشته [برای عبادت] وارد آن می شوند [و این فرشتگان پس از خروج] دیگر باز نمی گردند و این کار تا قیامت ادامه دارد».

ص: 88

## 11- بیع

### 1- آثار بیع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جمعه - 62 - 10 - 6

6 - وجود خطر غافل شدن از یاد خدا، در کسب و کار و خرید و فروش

و ابتغوا من فضل الله و اذكروا الله كثيرا

### 2- آداب بیع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جمعه - 62 - 10 - 5

5 - ذکر و یاد فراوان خدا، به هنگام کسب و کار و خرید و فروش، توصیه الهی به مؤمنان

و ابتغوا من فضل الله و اذكروا الله كثيرا

### 3- احکام بیع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 19 - 22

22- وکالت از جانب خریدار، جایز است .

فابعثوا احدکم بورقکم

جمله «فابعثوا ..» گرچه گفته اصحاب کهف است و گفتار و کردار غیر پیامبران برای استنباط حکم شرعی کارایی ندارد، ولی بیان آن در قرآن، به زبان مدح و تمجید، گویای جواز و صحت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جمعه - 62 - 9 - 13

13 - خرید و فروش و کسب و کار، پیش از اعلام نماز جمعه جایز است .

إذا نودى للصلوة من يوم الجمعة فاسعوا إلى ذكر الله وذروا البيع

ص: 89

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جمعه - 62 - 10 - 1

1 - جواز خرید و فروش ، پس از تمام شدن نماز جمعه

فإذا قضيت الصلوة فاتتثروا في الأرض وابتغوا من فضل الله

#### 4- بیع بعد از نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جمعه - 62 - 10 - 1

1 - جواز خرید و فروش ، پس از تمام شدن نماز جمعه

فإذا قضيت الصلوة فاتتثروا في الأرض وابتغوا من فضل الله

#### 5- بیع حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جمعه - 62 - 9 - 16

16 - « قال رسول الله (صلى الله عليه وآله) حرمت التجاره يوم الجمعة ما بين الأذان الأول إلى الإقامه إلى انصراف الإمام لأن الله يقول :  
« يا أيها الذين آمنوا إذا نودي للصلاه من يوم الجمعة فاسعوا إلى ذكر الله وذروا البيع ;

از رسول خدا(صلى الله عليه وآله) روایت شده که فرمود: ما بین اذان اول تا اقامه و انصراف امام از آن، تجارت حرام است؛ زیرا خدای تعالی می فرماید: یا ایها الذین آمنوا إذا نودی للصلاه من یوم الجمعة فاسعوا إلى ذکر الله و ذروا البیع».

#### 6- بیع هنگام نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جمعه - 62 - 9 - 16، 13

13 - خرید و فروش و کسب و کار ، پیش از اعلام نماز جمعه جایز است .

إذا نودی للصلاه من یوم الجمعة فاسعوا إلى ذکر الله و ذروا البیع

16 - « قال رسول الله (صلى الله عليه وآله) حرمت التجاره يوم الجمعة ما بين الأذان الأول إلى الإقامه إلى انصراف الإمام لأن الله يقول :

« يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ;

از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) روایت شده که فرمود: ما بین اذان اول تا اقامه و انصراف امام از آن، تجارت حرام است؛ زیرا خدای تعالی می فرماید: يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ».

ص: 90

## 7- ترک بیع هنگام نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جمعه - 62 - 9 - 7,9

7- تعطیل کردن خرید و فروش و هر عملی که مانع شرکت در نماز جمعه می شود، فرمان الهی به مؤمنان

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا .. وَذَرُوا الْبَيْعَ

مراد از «ذروا البیع» - با توجه به دعوت مردم به شرکت در نماز جمعه - تنها رها کردن خرید و فروش نیست؛ بلکه ذکر خرید و فروش، از باب ذکر بارزترین مصداقی است که مانع شرکت در نماز جمعه می شود. بر این اساس هر عملی که مانع شرکت در نماز جمعه شود، باید ترک گردد.

9- فریضه نماز جمعه و رها کردن داد و ستد به هنگام اقامه آن، در جهت تأمین مصالح و منافع خود مؤمنان است.

إِذَا نُوذِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ .. ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ

## 8- وکالت در بیع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 19 - 22,24

22- وکالت از جانب خریدار، جایز است.

فَابِعْثُوا أَحَدَكُمْ بَورِقِكُمْ

جمله «فابعثوا..» گرچه گفته اصحاب كهف است و گفتار و کردار غیر پیامبران برای استنباط حکم شرعی کارایی ندارد، ولی بیان آن در قرآن، به زبان مدح و تمجید، گویای جواز و صحت است.

24- نامشخص بودن جنس و مقدار کالا، مانع از صحت وکالت نیست.

فَابِعْثُوا .. فَلَیْآتُكُمْ بَرَزَقٌ مِنْهُ

ص: 91



### 1- آثار بیعت با رهبران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 18 - 15

15 - پیمان وفاداری با رهبری الهی ، در پی دارنده آسایش روحی و پیروزی عملی برای امت \*

بیایعونک .. فأنزل السکینه علیهم و أثبهم فتحاً قریباً

می توان از مورد آیه، الغای خصوصیت کرده و به موارد مشابه سرایت داد.

### 2- آثار بیعت با محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 18 - 14

14 - آرامش درونی ، و پیروزی صلح حدیبیه و فتح خیبر ، نتیجه بیعت مهم مؤمنان با پیامبر (صلی الله علیه و آله)

إذ یبایعونک تحت الشجره .. فأنزل السکینه علیهم و أثبهم فتحاً قریباً

عبارت «فتحاً قریباً» ممکن است اشاره به «فتحاً مبیناً» (صلح حدیبیه) و یا فتح خیبر داشته باشد؛ چه این که هر دو فتح با فاصله ای نه چندان دور، صورت گرفته و اطلاق فتح قریب بر هر دو ممکن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 12 - 2

2 - پیوستن به صف مؤمنان در صدر اسلام ، مستلزم بیعت با پیامبر (صلی الله علیه و آله)

یأتیها النبئی إذا جاءک المؤمنت یبایعنک

### 3- آثار بیعت رضوان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 18 - 14، 13، 3

3- «بیعت رضوان»، حرکتی مؤثر و سرنوشت ساز، در جریان حدیبیه

ص: 92

لقد رضی اللہ عن المؤمنین إذ یبایعونک تحت الشجره

تأکید خداوند در این آیات، بر مسأله بیعت مؤمنان و اعلام رضایت از آنان، حکایت از اهمیت این رخداد در روند حرکت اسلام دارد.

13 - صلح حدیبیه و پیروزی های پس از آن ، پاداش الهی به مؤمنان حاضر در بیعت رضوان

لقد رضی اللہ عن المؤمنین إذ یبایعونک .. و أثبهم فتحاً قریباً

بنابراین که مراد از «فتحاً قریباً» - به قرینه سیاق آیات - صلح حدیبیه باشد، برداشت یاد شده به دست می آید.

14 - آرامش درونی ، و پیروزی صلح حدیبیه و فتح خیبر ، نتیجه بیعت مهم مؤمنان با پیامبر (صلی الله علیه و آله)

إذ یبایعونک تحت الشجره ... فأنزل السکینه علیهم و أثبهم فتحاً قریباً

عبارت «فتحاً قریباً» ممکن است اشاره به «فتحاً مبیناً» (صلح حدیبیه) و یا فتح خیبر داشته باشد؛ چه این که هر دو فتح با فاصله ای نه چندان دور، صورت گرفته و اطلاق فتح قریب بر هر دو ممکن است.

#### 4- آثار بیعت زنان با محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 12 - 18

18 - توصیه خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، در دعا برای زنان بیعت کننده با آن حضرت و آمرزش خواهی برای آنان

و استغفر لهنّ اللّٰه

#### 5- اخلاص در بیعت رضوان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 18 - 7

7 - خداوند ، آگاه از خلوص و صداقت باطنی مؤمنان در بیعت رضوان

لقد رضی اللّٰه .. فعلم ما فی قلوبهم

مراد از «ما» در «ما فی قلوبهم» - به قرینه «رضی اللّٰه ..» می تواند صداقت و خلوص مؤمنان باشد؛ زیرا این امور است که رضایت و خشنودی را در پی دارد.

#### 6- اهمیت بیعت با رهبری

4 - ضرورت اقدام رهبری ، به اخذ پیمان از پیروان ، در مقاطع حساس و سرنوشت ساز \*

إِنَّ الَّذِينَ يَبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ

پیامبر(صلی الله علیه و آله) در شرایط بحرانی قبل از انعقاد صلح حدیبیه، از مسلمانان بیعت مجدد بر دفاع از دین گرفت. از این نکته استفاده می شود که رهبری، نباید همیشه به نخستین اعلام وفاداری افراد، تکیه کند؛ بلکه باید در شرایط حساس و سرنوشت ساز با

اخذ بیعت مجدد، پیمان گذشته را تحکیم بخشد.

### 7- اهمیت تجدید بیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 18 - 5

5- اهمیت اخذ بیعت مجدد رهبری از پیروان، در شرایط حساس و سرنوشت ساز

لقد رضی الله عن المؤمنین إذ بیایعونک تحت الشجره

پیامبر(صلی الله علیه و آله)، در جریان پرمخاطره حدیبیه اقدام به اخذ بیعت کرد و خداوند نیز آن را تأیید نمود، بنابراین، اخذ بیعت در موارد مشابه آن، مطلوب است.

### 8- بشارت به بیعت کنندگان با محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 19 - 1

1 - نوید الهی به بیعت کنندگان در حدیبیه، در زمینه دستیابی آنان به غنایمی فراوان

بیایعونک... و مغانم کثیره یاخذونها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 20 - 1

1 - بشارت خدا به مسلمانان حاضر در حدیبیه، مبنی بر برخورداری آنان از غنایم فراوان در آینده

وعدکم الله مغانم کثیره تأخذونها

### 9- بیعت از مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 18 - 2

2- پدید آمدن شرایطی حساس و نیازمند اخذ بیعتی ویژه از مسلمانان، در جریان حدیبیه

لقد رضى الله عن المؤمنين إذ يبايعونك تحت الشجرة

ایمان نخستین، خود بیعتی با پیامبر (صلی الله علیه و آله) است. حال از این که دوباره از مؤمنان بیعت گرفته شد، ویژه و حساس بودن شرایط استفاده می شود.

ص: 94

## 10- بیعت با خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 10 - 1

1 - حقیقت بیعت و پیمان با پیامبر (صلی الله علیه و آله)، بیعت با خداوند است .

إِنَّ الَّذِينَ يَبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ

## 11- بیعت با رهبری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 246 - 12

12 - لزوم پیمان گرفتن رهبری جامعه از مردم، برای پابندی بر تبعیت از وی در جنگ و غیر آن

قال هل عسيتم ان كتب عليكم القتال ألا تقاتلوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 64 - 12

12 - پذیرش توبه نقض کنندگان حاکمیت اسلامی، در گرو بیعت مجدد با رهبری است .

و لو انهم اذ ظلموا انفسهم جاؤك فاستغفروا لله و استغفر لهم الرسول

## 12- بیعت با محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 10 - 5

5 - قدرت خداوند، حاکم بر بیعت کنندگان با پیامبر (صلی الله علیه و آله)

إِنَّ الَّذِينَ يَبَايِعُونَكَ .. يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ

بنابراین که «ید» کنایه از قدرت باشد، جمله «یدالله فوق ایدیهم» پیام هشدار است به این که: ای بیعت کنندگان! از شکستن بیعت ها پرهیزید که با قدرت خداوند، مواجه خواهید بود.

4 - بیعت ویژه مؤمنان با پیامبر (صلی الله علیه و آله)، در جریان حدیبیه، باعث غفران لغزش های گذشته آنان نزد خداوند \*

لقد رضی الله عن المؤمنین إذ یبایعونک تحت الشجره

تعبیر «رضی الله عن المؤمنین» - به جای تعبیر «رضی عن بیعتکم» - این برداشت را افاده می کند که خود مؤمنان - علاوه بر عملشان - مورد رضایت الهی قرار گرفتند.



### 13- بیعت زنان با محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 12 - 27، 1

1 - فرمان خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله)، در پذیرش بیعت زنان گرویده به ایمان و پایبند به لوازم آن

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ... فَبَايِعْهُمْ

27 - «عن أبي عبد الله (ع) قال: لما فتح رسول الله مكة بايع الرجال ثم جاء النساء يبایعنه فأنزل الله عز وجل «يا أيها النبي إذا جاءك المؤمنات يبایعنك... فبایعهن»... فقالت أم حكيم: ... يا رسول الله كيف نبایعك؟ قال: إني لا أصافح النساء فدعا بقدر من ماء فأدخل يده ثم أخرجها فقال أدخلن أيديكن في هذه الماء فهي البيعه؛

از امام صادق (ع) روایت شده است: هنگامی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مکه را فتح کرد، مردان با آن حضرت بیعت کردند. سپس زنان آمدند تا بیعت کنند. خدای عزوجل این آیه را نازل فرمود (یا أيها النبي إذا جاءك المؤمنات... فبایعهن) ... زنی به نام أم حکیم گفت: ... ای رسول خدا! چگونه بیعت کنیم؟ حضرت فرمود: من با زنان مصافحه نمی کنم و قدحی از آب خواست و دست خود را در آب فرو برد و بیرون آورد و فرمود: دست های خود را در این آب فرو برید و همین بیعت است».

### 14- بیعت مسلمانان با محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 10 - 3

3 - بیعت مجدد مسلمانان با پیامبر (صلی الله علیه و آله)، در شرایط بحرانی قبل از صلح حدیبیه

إِنَّ الَّذِينَ يَبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يَبَايِعُونَ اللَّهَ

از قرینه های موجود در آیه شریفه، استفاده می شود که بیعت مورد نظر، بیعت خاصی بوده است و از تعبیر «فمن نكث..» بحرانی بودن آن شرایط استفاده می شود و شأن نزول نیز مؤید این دیدگاه است.

### 15- پاداش بیعت کنندگان با محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 18 - 13

13 - صلح حدیبیه و پیروزی های پس از آن، پاداش الهی به مؤمنان حاضر در بیعت رضوان

لقد رضی اللہ عن المؤمنین إذ یبایعونک . . . و أثبہم فتحاً قریباً

بنابراین که مراد از «فتحاً قریباً» - به قرینه سیاق آیات - صلح حدیبیه باشد، برداشت یاد شده به دست می آید.

## 16- تجدید بیعت با رهبری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 18 - 5

5- اهمیت اخذ بیعت مجدد رهبری از پیروان، در شرایط حساس و سرنوشت ساز

ص: 96

لقد رضی اللہ عن المؤمنین إذ یبایعونک تحت الشجره

پیامبر (صلی الله علیه و آله)، در جریان پر مخاطره حدیبیه اقدام به اخذ بیعت کرد و خداوند نیز آن را تأیید نمود، بنابراین، اخذ بیعت در موارد مشابه آن، مطلوب است.

### 17- حامی بیعت کنندگان با رهبران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 10 - 7

7 - خداوند ، حامی و یاری دهنده بیعت کنندگان با پیامبر (صلی الله علیه و آله) و رهبران الهی

إِنَّ الَّذِينَ يَبَايِعُونَكَ .. يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ

برداشت بالا بر این اساس است که تعبیر «ید اللّٰه ..» در مقام تأیید و تشویق و دلجویی باشد؛ یعنی، ای بیعت کنندگان با پیامبر! شما با خدا بیعت کرده اید و از حمایت او برخوردار خواهید بود.

### 18- حامی بیعت کنندگان با محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 10 - 7

7 - خداوند ، حامی و یاری دهنده بیعت کنندگان با پیامبر (صلی الله علیه و آله) و رهبران الهی

إِنَّ الَّذِينَ يَبَايِعُونَكَ .. يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ

برداشت بالا بر این اساس است که تعبیر «ید اللّٰه ..» در مقام تأیید و تشویق و دلجویی باشد؛ یعنی، ای بیعت کنندگان با پیامبر! شما با خدا بیعت کرده اید و از حمایت او برخوردار خواهید بود.

### 19- حقیقت بیعت با محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 10 - 1

1 - حقیقت بیعت و پیمان با پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، بیعت با خداوند است .

إِنَّ الَّذِينَ يَبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يَبَايِعُونَ اللَّهَ

## 20- رضایت از بیعت کنندگان با محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 18 - 1

1 - خشنودی و رضایت حتمی خداوند، از مؤمنان بیعت کننده با پیامبر (صلی الله علیه و آله) در سفر حدیبیه

ص: 97

لقد رضی اللہ عن المؤمنین إذ یبایعونک تحت الشجره

## 21- شرایط بیعت با محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 12 - 19

19 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، موظف به پذیرش بیعت متعهدان به شرایط ایمان ، با وجود پیشینه ناشایست آنان

يَأْتِيهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ . . . فَبَايَعَهُنَّ وَاسْتَغْفَرَ لَهُنَّ اللَّهُ

از سیاق آیه و شرایط تاریخ نزول آن، استفاده می شود که برخی از زنان بیعت کننده، خطاهایی در گذشته داشته اند که چه بسا پذیرش بیعت آنان دشوار می نموده است؛ ولی خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمان داده تا بیعت ایشان را بپذیرد و برای آنان طلب آمرزش کند.

## 22- غنایم بیعت کنندگان با محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 19 - 5

5 - تنها بیعت کنندگان با پیامبر (صلی الله علیه و آله) در جریان حدیبیه ، برخوردار از غنایم خیبر \*

إذ یبایعونک تحت الشجره . . . و مغانم کثیره یأخذونها

از این که «مغانم کثیره» به مؤمنان بیعت کننده نوید داده شده است ، مطلب بالا احتمال می رود.

## 23- فضایل بیعت کنندگان با محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 18 - 1

1 - خشنودی و رضایت حتمی خداوند ، از مؤمنان بیعت کننده با پیامبر (صلی الله علیه و آله) در سفر حدیبیه

لقد رضی اللہ عن المؤمنین إذ یبایعونک تحت الشجره

## 24- قصه بیعت رضوان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - خداوند ، آگاه از خلوص و صداقت باطنی مؤمنان در بیعت رضوان

لقد رضی اللّٰه . . . فعلم ما فی قلوبهم

مراد از «ما» در «ما فی قلوبهم» - به قرینه «رضی اللّٰه . . .» می تواند صداقت و خلوص مؤمنان باشد؛ زیرا این امور است که

ص: 98

رضایت و خشنودی را در پی دارد.

8- اقدام مؤمنان، به بیعت رضوان، علی رغم همه نگرانی ها و احساس خطر ها \*

یبایعونک تحت الشجره فعلم ما فی قلوبهم

می توان گفت: مراد از «ما فی قلوبهم» - به قرینه «فأنزل السکینه» - نوعی اضطراب و نگرانی و احساس خطر نسبت به رخدادهای آینده آن سفر باشد.

## 25- مفاد بیعت زنان با محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 12 - 6,8,9,13

6- پرهیز از کمترین شرک به خداوند، نخستین موضوع بیعت زنان مؤمن با پیامبر (صلی الله علیه و آله)

علی أن لا یشرکن بالله شیئاً

8- پرهیز از دزدی، زنا و فرزندکشی (سقط جنین و...)، از جمله مواد مورد بیعت زنان مؤمن با پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و لا یسرqn و لا یزنین و لا یقتلن أولدهنّ

9- پرهیز از نسبت دادن فرزند زنا به همسر، از جمله مواد مورد بیعت زنان مؤمن با پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و لا یأتین ببهتن یفتینه بین ایدیهنّ و أرجلهنّ

13- عدم مخالفت با رهنمود های ارزشی پیامبر (صلی الله علیه و آله)، از جمله مواد بیعت زنان با آن حضرت

و لا یعصینک فی معروف

## 26- مکان بیعت رضوان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 18 - 6

6- صورت گرفتن بیعت رضوان، در سایه درخت «سمره»

یبایعونک تحت الشجره

«الف و لام» در «الشجره» برای عهد است و اشاره به درخت خاصی دارد که بیعت زیر آن صورت گرفت.

## 27- نعمتهای بیعت کنندگان با محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 19 - 2

2- غنایم سرشار خیبر ، موهبت الهی به پیروزمندان آزمون حدیبیه

بیایعونک . . . و مغانم کثیره یاخذونها

ص: 99



## 28- آثار بیعت رضوان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 18 - 13، 14، 3

3- «بیعت رضوان»، حرکتی مؤثر و سرنوشت ساز، در جریان حدیبیه

لقد رضی الله عن المؤمنین إذ یبایعونک تحت الشجره

تأکید خداوند در این آیات، بر مسأله بیعت مؤمنان و اعلام رضایت از آنان، حکایت از اهمیت این رخداد در روند حرکت اسلام دارد.

13 - صلح حدیبیه و پیروزی های پس از آن، پاداش الهی به مؤمنان حاضر در بیعت رضوان

لقد رضی الله عن المؤمنین إذ یبایعونک .. و أثبهم فتحاً قریباً

بنابراین که مراد از «فتحاً قریباً» - به قرینه سیاق آیات - صلح حدیبیه باشد، برداشت یاد شده به دست می آید.

14 - آرامش درونی، و پیروزی صلح حدیبیه و فتح خیبر، نتیجه بیعت مهم مؤمنان با پیامبر (صلی الله علیه و آله)

إذ یبایعونک تحت الشجره .. فأنزل السکینه علیهم و أثبهم فتحاً قریباً

عبارت «فتحاً قریباً» ممکن است اشاره به «فتحاً مبیناً» (صلح حدیبیه) و یا فتح خیبر داشته باشد؛ چه این که هر دو فتح با فاصله ای نه چندان دور، صورت گرفته و اطلاق فتح قریب بر هر دو ممکن است.

## 29- اخلاص در بیعت رضوان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 18 - 7

7 - خداوند، آگاه از خلوص و صداقت باطنی مؤمنان در بیعت رضوان

لقد رضی الله .. فعلم ما فی قلوبهم

مراد از «ما» در «ما فی قلوبهم» - به قرینه «رضی الله ..» می تواند صداقت و خلوص مؤمنان باشد؛ زیرا این امور است که رضایت و خشنودی را در پی دارد.

## 30- قصه بیعت رضوان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 18 - 7,8

7 - خداوند ، آگاه از خلوص و صداقت باطنی مؤمنان در بیعت رضوان

لقد رضی الله .. فعلم ما فی قلوبهم

مراد از «ما» در «ما فی قلوبهم» - به قرینه «رضی الله ..» می تواند صداقت و خلوص مؤمنان باشد؛ زیرا این امور است که رضایت و خشنودی را در پی دارد.

8 - اقدام مؤمنان ، به بیعت رضوان ، علی رغم همه نگرانی ها و احساس خطر ها \*

یبایعونک تحت الشجره فعلم ما فی قلوبهم

ص: 100

می توان گفت: مراد از «ما فی قلوبهم» - به قرینه «فأنزل السکینه» - نوعی اضطراب و نگرانی و احساس خطر نسبت به رخدادهای آینده آن سفر باشد.

### 31- مکان بیعت رضوان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 18 - 6

6 - صورت گرفتن بیعت رضوان ، در سایه درخت « سمره »

بیایعونک تحت الشجره

«الف و لام» در «الشجره» برای عهد است و اشاره به درخت خاصی دارد که بیعت زیر آن صورت گرفت.

ص: 101

## 13- بیگانگان

### 1- بیگانگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 118 - 4،13

4 - منزلت والای جامعه ایمانی ، در برابر بیگانگان و جوامع غیر ایمانی \*

یا ایها الذین امنوا .. من دونکم

استعمال کلمه «دون» به جای «غیر»، می تواند اشاره به حقارت جوامع غیر ایمانی باشد.

13 - کینه های نهانی و قلبی بیگانگان نسبت به مؤمنان ، شدیدتر و عمیقتر از آن چیزی است که از لابلای گفتارشان آشکار می گردد .

قد بدت البغضاء من افواههم و ما تخفی صدورهم اکبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 119 - 5

5 - کینه و دشمنی کافران و بیگانگان نسبت به اهل ایمان ، علی رغم ابراز محبت مؤمنان به آنان

ها اتم اولاء تحبونهم و لا یحبونکم

### 2- اصول رابطه با بیگانگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 57 - 8،9،13

8 - جواز ایجاد روابط با اهل کتاب در صورتی که مقدسات اسلام و معارف الهی را محترم شمرده و قداست آن را محفوظ دارند . \*

لاتتخذوا الذین اتخذوا دینکم هزواً و لعباً

جمله «الذین اتخذوا» اشاره به علت تحریم ایجاد روابط با اهل کتاب دارد، بنابراین در صورتی که آنان دین اسلام را محترم بشمارند، ایجاد روابط با آنان جایز است.

9 - حفظ قداست و احترام اسلام ، اصلی ضروری در روابط با بیگانگان

يأيتها الذين ءامنوا لاتتخذوا الذين اتخذوا دينكم هزواً ولعباً .. أولياء

13 - پذيرش ولايت و دوستی کافران و تمسخر کنندگان اسلام ، ناسازگار با ايمان و تقوا

واتقوا الله ان كنتم مؤمنين

ص: 102

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 58 - 4,5

4 - حرمت ایجاد روابط دوستی با کسانی که نماز و اذان را بازیچه می پندارند و آن را به تمسخر می گیرند .

لاتتخذوا الذين اتخذوا دينكم هزواً ولعباً .. و إذا ناديتهم إلى الصلوة

5 - تمسخر برخی اهل کتاب نسبت به نماز و اذان ، دلیل تحریم روابط دوستی با آنان

لاتتخذوا الذين .. و إذا ناديتهم إلى الصلوة اتخذوها هزواً ولعباً

### 3- افشای راز برای بیگانگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 16 - 8,9

8 - هشدار تهدیدآمیز خداوند به عناصر سست ایمان ، نسبت به همراز شدن با بیگانگان و در میان نهادن اسرار مسلمانان با آنان

أم حسبتم أن تتركوا ولما يعلم الله الذين .. و لم يتخذوا من دون الله و لا رسو

9 - حرمت برقرار کردن روابط پنهانی با بیگانگان و در میان نهادن اسرار مسلمانان با آنان

أم حسبتم أن تتركوا ولما يعلم الله الذين .. لم يتخذوا من دون الله و لا رسوله

### 4- اندوه بیگانگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 118 - 8

8 - رفاه ، آسایش و امنیّت جامعه ایمانی ، مایه غم و اندوه بیگانگان

وَدَّوْا مَا عَنْتُمْ

از مفهوم جمله «وَدَّوْا مَا عَنْتُمْ»، استفاده شده است.

### 5- اهمیت شناسایی بیگانگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- رهبران جامعه باید احراز کنند که بیگانگان وارد شده به قلمرو حکومتی آنان ، خرابکار و فسادگر نیستند .

تالله لقد علمتم ما جئنا لنفسد فی الأرض و ما كنا سرفین

ص: 103

## 6- بدخواهی بیگانگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 118 - 18

18 - دشمنی ، توطئه‌گری و بدخواهی بیگانگان ( کافران ) ، از دلایل ضرورت پرهیز جامعه اسلامی از ایجاد روابط صمیمانه با آنان

لا تتخذوا... لا یألونکم خیالاً... و ما تخفی صدورهم اکبر

جمله «لا یألونکم...» ، بیان علت برای «لا تتخذوا...» است.

## 7- توطئه بیگانگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 118 - 6،17،24،25

6 - توطئه و تلاش پیگیر بیگانگان و غیر مؤمنان ، برای ایجاد اخلال و فساد در میان اهل ایمان و جامعه ایمانی

یا ایها الذین امنوا... لا یألونکم خیالاً

17 - ضرورت بررسی گفتار و منویات درونی بیگانگان ( کافران ) ، برای شناسایی توطئه‌های آنان علیه جامعه اسلامی

لا تتخذوا بطنانه من دونکم لا یألونکم خیالاً و دوا ما عنتم قد بدت البغضاء من افواه

24 - اتمام حجّت خداوند به مؤمنان ، درباره افشاگری چهره حقیقی بیگانگان و دشمنان دین و ارائه روش‌های مصونیت از توطئه‌های آنان

یا ایها الذین امنوا... قد بیننا لکم الایات

25 - افشاگری دسیسه و توطئه بیگانگان و دشمنان دین ، از آیات الهی است .

قد بدت البغضاء من افواههم... قد بیننا لکم الایات

## 8- حرمت رابطه با بیگانگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 16 - 9



9 - حرمت برقرار کردن روابط پنهانی با بیگانگان و در میان نهادن اسرار مسلمانان با آنان

أم حسبتم أن تتركوا ولما يعلم الله الذين . . . لم يتخذوا من دون الله ولا رسوله

### 9- خواسته های بیگانگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 118 - 7

7 - بیگانگان ، خواهان گرفتاری جامعه ایمانی به رنج ، مشقت و ضرر

وَدَّوَا مَا عَنَّا

ص: 104

«ما» در «ما عنتّم»، مصدریّه است و «عنت» به معنای شدت گرفتاری و رنج است.

## 10- دشمنی بیگانگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 118 - 9،12،14،18

9 - دشمنی بیگانگان با اسلام و جامعه ایمانی، آشکار از لابلای گفتار ایشان

قد بدت البغضاء من افواههم

12 - لزوم هوشیاری مستمر جامعه ایمانی، در برابر توطئه ها و نفوذ های دشمنان دین

یا ایها الذین امنوا... لا یألونکم خبالا... وّدوا ما عنتّم... قد بدت البغضاء

بیان دشمنی و کینه بیگانگان، دلالت بر لزوم هوشیاری جامعه ایمانی در قبال آنان دارد.

14 - افشاگری عداوت های قلبی بیگانگان (کفار) با اسلام و اهل ایمان، از سوی خداوند

و ما تخفی صدورهم اکبر

18 - دشمنی، توطئه گری و بدخواهی بیگانگان (کافران)، از دلایل ضرورت پرهیز جامعه اسلامی از ایجاد روابط صمیمانه با آنان

لا تتخذوا... لا یألونکم خبالا... و ما تخفی صدورهم اکبر

جمله «لا یألونکم...»، بیان علت برای «لا تتخذوا...» است.

## 11- رابطه با بیگانگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 140 - 10

10 - جواز معاشرت و مجالست با کافران، آنگاه که آیات الهی را استهزا نکنند و سخنانشان کفر به آیات الهی نباشد.

فلا تتعدوا معهم حتی یخوضوا فی حدیث غیره

مفهوم جمله «حتی یخوضوا...»، جواز معاشرت با شرط ذکر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- وابستگی به بیگانگان کافر، خصیصه بیمار دلان سست ایمان

اقسموا بالله جهد ايمانهم انهم لمعكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 16 - 7

7- وجود برخی افراد سست ایمان و مرتبط با بیگانگان، در میان مسلمانان صدر اسلام

ولم يتخذوا من دون الله ولا رسوله ولا المؤمنين وليجه

ص: 105

## 12- روابط با بیگانگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 118 -

1,2,3,15,18,19,28

1 - لزوم پرهیز اهل ایمان، از محرم اسرار قرار دادن بیگانگان

یا ایها الذین امنوا لا تتخذوا بطنه من دونکم

«بطنه» به معنی آستر لباس در مقابل «ظهاره»، که رویه لباس است؛ کنایه است از کسی که او را برای اطلاع از کار خود برگزینی (مفردات راغب).

2 - ضرورت حفاظت اطلاعات و اسرار جامعه اسلامی، از بیگانگان (کافران، منافقان و...)

یا ایها الذین امنوا لا تتخذوا بطنه من دونکم

3 - ممنوعیت روابط دوستانه و صمیمانه با غیر اهل ایمان (بیگانگان)

یا ایها الذین امنوا لا تتخذوا بطنه من دونکم

لازمه نهی از محرم اسرار قرار دادن، نهی از روابط دوستانه و خالصانه است.

15 - بدخواهی، توطئه گری و عداوت قلبی اهل کتاب نسبت به مؤمنان، و خطر ایجاد روابط صمیمانه جامعه ایمانی با آنان

یا ایها الذین امنوا لا تتخذوا بطنه من دونکم... صدورههم اکبر

بنابر اینکه مراد از «من دونکم»، اهل کتاب باشند؛ به قرینه آیات قبل.

18 - دشمنی، توطئه گری و بدخواهی بیگانگان (کافران)، از دلایل ضرورت پرهیز جامعه اسلامی از ایجاد روابط صمیمانه با آنان

لا تتخذوا... لا یألونکم خبالا... و ما تخفی صدورههم اکبر

جمله «لا یألونکم...»، بیان علت برای «لا تتخذوا...» است.

19 - مناسبات صمیمانه جامعه اسلامی با بیگانگان، هموارکننده نفوذ ایشان در آن جامعه و اخلال در آن

لا تتخذوا بطنه من دونکم لا یألونکم خبالا

جمله «لا یألونکم . . .»، بیان علت برای «لا تتخذوا...» است.

28 - ایجاد روابط دوستانه با بیگانگان و محرم اسرار خویش گرفتن آنان ، نشانه بی عقلی آدمی

یا ایها الذین امنوا لا تتخذوا بطانه من دونکم . . ان کنتم تعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 119 - 1,3

1 - محبت برخی از مؤمنان نسبت به بیگانگان و اهل کفر ، و دغلبازی اینان با مؤمنان

یا ایها الذین امنوا . . ها انتم اولاء تحبونهم . . و اذا خلوا عضوا علیکم الا نام

3 - اندیشه در آیات الهی ( افشای توطئه و دشمنی کافران ) ، موجب رویگردانی اهل ایمان از محبت بیگانگان

لا یألونکم خبالا و دوا ما عنتم . . قد بینا لکم الایات ان کنتم تعقلون. ها انت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 120 - 7

7 - قطع دوستی مسلمانان با دشمنان دین ، دربردارنده ناگواریهها

ص: 106

لا تتخذوا بطنه من دونكم .. و ان تصبروا

توصیه به صبر و تقوا پس از دستور به قطع رابطه با دشمنان دین، اشاره به این حقیقت دارد.

### 13- روش برخورد با بیگانگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 91 - 4

4- لزوم هشیاری در برابر ادعا های صلحجویانه بیگانگان

ستجدون اخرین یریدون ان یامنوکم و یامنوا قومهم کلّما ردّوا الی الفتنه ارسوا فی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 73 - 5

5- رهبران جامعه باید احراز کنند که بیگانگان وارد شده به قلمرو حکومتی آنان ، خرابکار و فسادگر نیستند .

تالله لقد علمتم ما جننا لفسد فی الأرض و ما کنا سرقین

### 14- سلطه بیگانگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 168 - 16

16 - زنده ماندن حتی به بهای پذیرش سلطه دشمنان و بیگانگان ، ارزشی در دیدگاه منافقان

وقیل لهم تعالوا قاتلوا فی سبیل الله او اذفعا .. قالوا ... لو اطاعونا ما قتل

### 15- شیوه برخورد با بیگانگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 118 - 23، 24

23- پاسداری جامعه ایمانی از خطر نفوذ بیگانگان و دشمنان دین ، وظیفه و مسؤولیت همه اهل ایمان

یا ایها الذین امنوا لا تتخذوا بطنه من دونکم

به نظر می رسد هدف از دستور خداوند مبنی بر اینکه کافران را محرم اسرار قرار ندهید، جلوگیری از نفوذ آنان در جامعه اسلامی باشد.

24 - اتمام حجّت خداوند به مؤمنان ، درباره افشاگری چهره حقیقی بیگانگان و دشمنان دین و ارائه روش های مصونیت از توطئه های آنان

یا ایها الذین امنوا .. قد بیّنا لکم الایات

ص: 107

## 16- عوامل وابستگی به بیگانگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 139 - 13

13 - نفاق ، مایه وابستگی سیاسی به بیگانگان و عدم استقلال در عرصه های بین المللی است .

أیتغون عندهم العزّه

## 17- مجازات بیگانگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 74 - 4

4- جواز کیفر مجرمان بیگانه مطابق موازین خود آنان

فما جزؤه إن کنتم کذبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 76 - 16

16- مجازات مجرمان بیگانه بر اساس مقررات خود آنان ، با قوانین و مقررات مصر در زمان وزارت یوسف (ع) مخالفتی نداشت .

ما کان لیأخذ أخاه فی دین الملک إلا أن یشاء الله

## 18- معاشرت با بیگانگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 109 - 26

26 - اهل کتاب با جامعه مسلمانان صدر اسلام برخورد و حشر و نشر نداشتند .

فاعفوا و اصفحوا حتی یأتی الله بأمره إن الله علی کل شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 69 - 6



6 - همنشینی با کافران و مشرکانی که به استهزا و مغالطه در قرآن و اسلام نپردازند، حرام نیست.\*

و ما علی الذین یتقون من حسابهم من شیء

در این آیه فاعل «یتقون» کافران، و مرجع ضمیر «حسابهم» خوض کنندگان فرض شده است؛ یعنی حساب کافرانی که از خوض پرهیز می کنند، از حساب خوض کنندگان جدا و همنشینی با آنان بی اشکال است.

ص: 108

## 19- ملاک مجازات بیگانگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 74 - 3

3- جواز عقوبت مجرمان بیگانه بر اساس قوانین کیفری خود آنان ، از مقررات جزایی مصر در عصر یوسف

قالوا فما جزؤه إن كنتم كذبین

جمله «فما جزاؤه» که پرسش از تعیین کیفر سارق است، می تواند به این معنا باشد که متهمان خود کیفری را برای سارق مشخص کنند. همچنین می تواند به این معنا باشد که بیان کنند در شریعت و آیین آنان برای سارق چه کیفری مقرر شده است. برداشت فوق ناظر به احتمال دوم است.

بیگانه

## 20- آثار سلطه بیگانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 34 - 3

3- ویرانی شهرها ، تباهی جامعه و ذلت عزتمندان ، نتیجه همیشگی سلطه شاهان بر کشور بیگانه

إنّ الملوک إذا دخلوا قرية أفسدوها و جعلوا أعزّه أهلها أذله

ص: 109

## 1- احکام بیمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 173 - 22

22 - محمد بن مسلم گوید: «سألت أبا عبد الله (ع) عن الرجل والمرأة يذهبان بصره فيأتيه الأطباء فيقولون: نداويك شهراً أو اربعين ليلة مستلقياً كذلك يصلي؟ فرخص في ذلك، وقال: فمن اضطر غير باغ ولا عاد فلا اثم عليه؛

از امام صادق (ع) درباره زن یا مردی که دید چشم آنان از دست رفته سؤال کردم که پزشکان به او گفته اند: تو را درمان می کنیم به شرطی که یک ماه یا چهل روز به پشت بخوابی، آیا او همان طور که خوابیده است نماز بخواند؟ امام اجازه داد همان طور نماز بخواند و فرمود: «فمن اضطر غير باغ ولا عاد فلا اثم عليه».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 184 - 27، 25، 23، 4، 3

3 - روزه گرفتن بر مریض و مسافر در ماه رمضان مشروع نیست .

فمن كان منكم مريضاً أو على سفر فعده من أيام آخر

کلمه «عده» مبتدا و خبر آن به قرینه «کتب علیکم» و جمله بعد، «علیه» است؛ یعنی: فمّن کان . . . فعليه عده من أيام آخر. این جمله بیانگر آن است که: مکلف اگر در «ایام معدودات» (ماه رمضان) مریض و یا مسافر باشد، وظیفه او روزه گرفتن در غیر ماه رمضان است و این بدان معناست که او نباید در ماه رمضان روزه بگیرد.

4 - وجوب قضای روزه ماه رمضان، بر کسی که در آن ماه مسافر و یا مریض بوده است .

فمن كان منكم مريضاً أو على سفر فعده من أيام آخر

23 - از امام سجاد (ع) روایت شده که فرمودند: «فأما صوم السفر والمرض . . . يفطر في الحالين جميعاً فان صام في السفر أو في حال المرض فعليه القضاء فان الله عز وجل يقول «فمن كان منكم مريضاً أو على سفر فعده من أيام آخر؛

مسافر و مریض . . . در حال مسافرت و بیماری باید روزه خود را افطار کنند؛ پس اگر در حال سفر و یا بیماری روزه گرفتند بایستی قضای آن روز را به جا آورند. خداوند عز و جل می فرماید: هر کس از شما بیمار یا مسافر باشد تعدادی از روزهای دیگر را روزه بدارد».

25 - ابی بصیر می گوید: «سألت عن رجل مرض من رمضان إلى رمضان قابل ولم يصح بينهما ولم يطق الصوم قال: تصدق مكان كل يوم أفطر على مسكين مداً من طعام وان لم يكن حنطه فمّن تمر وهو قول الله: «فديه طعام مسكين»؛

از آن حضرت (امام باقر یا امام صادق(ع) از بیماری که از این رمضان تا رمضان سال آینده بیماری اش طول کشیده و توان روزه گرفتن ندارد، سؤال کردم، امام فرمودند: در ازای هر روزی که روزه نگرفته، یک مد طعام (از نوع گندم) به تهیدست

ص: 110

صدقه دهد و اگر گندم نبود، از خرما صدقه دهد و این سخن خداست که می فرماید: فدیة طعام مسکین».

27 - از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: « حد المرض الذی یجب علی صاحبہ فیہ الأفتار . . . لقول اللہ عز و جل « فمن کان منکم مریضاً أو علی سفر فعدہ من آیام آخر » ان یکون العلیل لایستطیع أن یصوم أو یکون ان استطاع الصوم زاد فی علتہ و خاف منه علی نفسه . . . فإن أحس ضعفاً فلیفطر و إن وجد قوه علی الصوم فلیصم کان المرض ما کان . . . » ;

ملاک بیماری که شخص بیمار باید روزه خود را افطار کند آن طور که خداوند فرموده: «فمن کان منکم مریضاً أو علی سفر فعدہ من آیام آخر» این است که بیمار توانایی روزه گرفتن را نداشته باشد و یا روزه باعث افزایش بیماری او بشود و از ضرر بر جان خود بترسد (احتمال ضرر بدهد)؛ بنابراین اگر بیمار احساس ضعف کرد، باید روزه خود را افطار نماید و اگر در خود توان روزه گرفتن یافت روزه بگیرد، بیماری هر نوع که می خواهد باشد . . . ».

28 - از امام صادق (ع) روایت شده است که: « یقضی شهر رمضان من کان فیہ علیلاً أو مسافراً عدہ ما اعتل أو سافر فیہ إن شاء متصلاً و إن شاء مفترقاً قال اللہ عز و جل « فعدہ من آیام آخر » . . . » ;

مسافر و مریض باید تعداد روزهایی را که بیمار و یا در سفر بوده قضا نماید، خواه پیوسته و متصل و خواه متفرق به جا آورد، خدای عز و جل فرموده: «فعدہ من آیام آخر» . . . ».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 185 - 16، 17، 15

15 - روزه بر مریض و مسافر واجب نبوده و مشروع نیست .

و من کان مریضاً أو علی سفر فعدہ من آیام آخر

16 - قضای روزه های ماه رمضان، بر کسی که در این ماه مریض و یا مسافر بوده، واجب است .

و من کان مریضاً أو علی سفر فعدہ من آیام آخر

17 - تعداد روزه های قضا، باید به تعداد روزهایی باشد که مکلف در آنها مریض و یا مسافر بوده است .

فعدہ من آیام آخر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 196 - 27، 8

8 - مُحرمی که بیمار باشد و یا از ناحیه سر در اذیت است، می تواند قبل از قربانی کردن، سرش را بتراشد .

و لا تحلقوا رءوسكم . . . فمن كان منكم مريضاً

مراد از «مريض» به قرینه قسیمش (او به اذی من رأسه)، مرضی است که مداوای آن در گرو تراشیدن سر است. و مراد از «به اذی»، آزاری است که از غیر ناحیه مرض، همانند وجود حشرات، در موهای مُحرم باشد.

27 - مريض ، مصداق محصور در حج

فان احصرتم

امام صادق (ع): . . . المحصور المريض.

---

کافی، ج 4، ص 369، ح 3؛ نورالثقلین، ج 1، ص 183، ح 654.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 43 - 18

18 - وظیفه مریضی که آب برای او ضرر داشته باشد، تیمم است .

ص: 111

و ان كنتم مرضى . . . فتيّموا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

4 - نساء - 4 - 102 - 21

21 - معافيت مسلمانان از حمل سلاح ، به هنگام نماز خوف در صورت بيمارى و يا در آزار بودن به واسطه بارش باران

و لاجناح عليكم ان كان بكم اذى من مطر او كنتم مرضى ان تضعوا اسلحتكم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

4 - مائده - 5 - 6 - 12

12 - وظيفه مريض ، كه آب براى او ضرر داشته باشد ، تيمم است .

و ان كنتم مرضى . . . فلم تجدوا ماء فتيمموا

جمله «فلم تجدوا ماء» نسبت به مريض به اين معناست كه آب براى او موجب ضرر شود.

## 2- انبيا و شفای بیمار

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

8 - يوسف - 12 - 93 - 8

8- امكان پديدار شدن امور خارق العاده از ناحيه پيامبران و شفا يافتن بيماران با اشياى وابسته به آنان

اذهبوا بقميصي هذا فالقوه على وجه ابي يأت بصيراً

## 3- اهميت ملاقات بیمار

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

19 - جمعه - 62 - 10 - 11

11 - « روى عن أنس عن النبيّ (صلى الله عليه وآله) قال : فى قوله : « فإذا قضيت الصلاة فانتشروا . . . » ليس لطلب دنيا و لكن عياده

مريض و حضور جنازه و زياره أخ فى الله . . . »

آنس از رسول خدا (صلى الله عليه وآله) روايت نموده كه آن حضرت درباره سخن خداوند «فإذا قضيت الصلاة فانتشروا . . .» فرموده: [اين

انتشار و پراكنده شدن در زمين] براى به دست آوردن دنيا نيست؛ بلكه براى عيادت بيمارى يا حضور بر جنازه اى و يا زيارت برادرى براى

خداوند است...».

#### 4- بیمار دلی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 53 - 3

3- جبهه کفر و شرک در طول تاریخ ، متشکل از انسان هایی بیمار دل و قسی القلب

ص: 112



و ما أرسلنا من قبلك من رسول . . . للذين فى قلوبهم مرض و القاسية قلوبهم

## 5- توطئه قلب بیمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 52 - 2

2 - شتاب زدگی بیمار دلان سست ایمان و محروم از هدایت الهی ، در پذیرش ولایت و دوستی یهود و نصارا

فترى الذین فى قلوبهم مرض یسرعون فیهم

در برداشت فوق «یسرعون فیهم» - به قرینه آیه قبل - به معنای «یسارعون فى تولیهم» گرفته شده است.

## 6- روزه بیمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 184 - 23, 27, 28, 3, 4, 5

3 - روزه گرفتن بر مریض و مسافر در ماه رمضان مشروع نیست .

فمن كان منكم مریضاً أو علی سفر فعده من أيام آخر

کلمه «عده» مبتدا و خبر آن به قرینه «کتب علیکم» و جمله بعد، «علیه» است؛ یعنی: فمن كان . . . فعلیه عده من أيام آخر. این جمله بیانگر آن است که: مکلف اگر در «ایام معدودات» (ماه رمضان) مریض و یا مسافر باشد، وظیفه او روزه گرفتن در غیر ماه رمضان است و این بدان معناست که او نباید در ماه رمضان روزه بگیرد.

4 - وجوب قضای روزه ماه رمضان ، بر کسی که در آن ماه مسافر و یا مریض بوده است .

فمن كان منكم مریضاً أو علی سفر فعده من أيام آخر

5 - تعداد روزه های قضا ، باید به تعداد روزهایی باشد که مکلف در آنها مریض و یا مسافر بوده است .

فعده من أيام آخر

آوردن کلمه «عده» - که به معنای تعداد و شماره است - گویای این معناست که: باید روزه هایی که به عنوان قضا گرفته می شود، شمارش شود. هدف از ضرورت شمارش روزه های قضا تطابق تعداد آنها با تعداد روزه هایی است که از مکلف فوت شده است.

23 - از امام سجاد (ع) روایت شده که فرمودند: «فأما صوم السفر و المرض . . . یفطر فی الحالین جمیعاً فان صام فی السفر أو فی حال

المرض فعليه القضاء فان الله عز و جل يقول « فمن كان منكم مريضاً أو على سفر فعده من أيام آخر ;

مسافر و مريض . . . در حال مسافرت و بیماری باید روزه خود را افطار کنند؛ پس اگر در حال سفر و یا بیماری روزه گرفتند بایستی قضای آن روز را به جا آورند. خداوند عز و جل می فرماید: هر کس از شما بیمار یا مسافر باشد تعدادی از روزهای دیگر را روزه بدارد».

27 - از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: « حد المرض الذی یجب علی صاحبه فیہ الأفتار . . . لقول الله عز و جل « فمن كان منكم مريضاً أو على سفر فعده من أيام آخر » ان یكون العلیل لا یستطیع أن یصوم أو یكون ان استطاع الصوم زاد فی علقته و خاف منه علی نفسه . . . فإن أحس ضعفاً فلیفطر و إن وجد قوه علی الصوم فلیصم کان المرض ما کان . . . »

ملاک بیماری که شخص بیمار باید روزه خود را افطار کند آن طور که خداوند فرموده: «فمن كان منكم مريضاً أو على سفر فعده من أيام آخر» این است که بیمار توانایی روزه گرفتن را نداشته باشد و یا روزه باعث افزایش بیماری او بشود و از ضرر بر

ص: 113

جان خود بترسد (احتمال ضرر بدهد); بنابراین اگر بیمار احساس ضعف کرد، باید روزه خود را افطار نماید و اگر در خود توان روزه گرفتن یافت روزه بگیرد، بیماری هر نوع که می خواهد باشد . . .».

28 - از امام صادق (ع) روایت شده است که: « یقضی شهر رمضان من کان فیہ علیلاً أو مسافراً عده ما اعتل أو سافر فیہ إن شاء متصلاً و إن شاء مفترقاً قال الله عز و جل « فعدة من أيام أخر » . . . » ;

مسافر و مریض باید تعداد روزهایی را که بیمار و یا در سفر بوده قضا نماید، خواه پیوسته و متصل و خواه متفرق به جا آورد، خدای عز و جل فرموده: « فعدة من أيام أخر » . . .».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 185 - 15,16,17,22

15 - روزه بر مریض و مسافر واجب نبوده و مشروع نیست .

و من کان مریضاً أو علی سفر فعدة من أيام أخر

16 - قضای روزه های ماه رمضان ، بر کسی که در این ماه مریض و یا مسافر بوده ، واجب است .

و من کان مریضاً أو علی سفر فعدة من أيام أخر

17 - تعداد روزه های قضا ، باید به تعداد روزهایی باشد که مکلف در آنها مریض و یا مسافر بوده است .

فعدة من أيام أخر

22 - سختی و دشواری روزه بر مریض و مسافر ، دلیل و حکمت برداشتن روزه از آنان است .

و من کان مریضاً . . . یرید الله بکم الیسر و لایرید بکم العسر

جمله «یرید الله . . .» را می توان ناظر به جمله «من کان . . .» دانست و آن را دلیل و حکمت برداشتن روزه از مسافر و مریض شمرد و نیز می توان آن را ناظر به اصل و جوب روزه و بیان حکمت آن دانست. برداشت فوق بر اساس نظر اول است.

## 7- سجده بیمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 107 - 15

15 - « علی بن محمد . . . قال : سئل أبو عبد الله (ع) عن من بجهته علیه لایقدر علی السجود علیها قال : یضع ذقنه علی الأرض ان الله عزوجل یقول : « و یخرون للأذقان سجداً » ;

علی بن محمد . . . گفت: از امام صادق(ع) درباره کسی که بر پیشانی او علتی است (زخم، یا دمل و یا...) که نمی تواند سجده کند سؤال شد، حضرت فرمود: چانه اش را روی زمین بگذارد؛ زیرا خداوند می فرماید: **وَيَخْرَوْنَ لِلْأَذْقَانِ سَجْدًا**».

### 8- سرزنش قلب بیمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 52 - 18

18 - تخطئه پندار بیمار دلان سست ایمان درباره بی ثباتی و شکست اسلام از سوی خداوند

فَعَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِنْ عِنْدِهِ

ص: 114

## 9- شخصیت بیمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 61 - 5

5- شخصیت افراد نابینایان، لنگ ها و مریضان، برابر شخصیت دیگر انسان ها است.

ليس على الأعمى حرج... أن تأكلوا من بيوتكم... أو ما ملكتم مفاتحه أو صدقكم

از این که افراد ناقص العضو (مانند نابینایان و...) در استفاده از خوراکی های منازل خویشان خود همانند دیگر افراد جامعه شمرده شدند، حاکی از حقیقت یاد شده است. گفتنی است آنچه در برخی از تواریخ آمده که برخی از مردم از هم غذا شدن با نابینایان، مریضان و... خودداری می کردند تأیید کننده همین برداشت است؛ زیرا اسلام خواسته است با چنین سنت نادرستی مبارزه کند.

## 10- شفای بیمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 110 - 41

41- معجزه حضرت عیسی (ع) در شفای بیماران و زنده کردن مردگان متناسب با شیوع بیماری در آن زمان و نیاز شدید مردم به طب بود.

و تبری الاکمه و الابرص باذنی و اذ تخرج الموتی باذنی

امام رضا(ع):... «ان الله تبارک و تعالی بعث عیسی فی وقت ظهرت فيه الزمانات و احتاج الناس الی الطب فاتاهم من عند الله تعالی بما لم یکن عندهم مثله، و بما احیی الهم الموتی و ابرء الاکمه و الابرص باذن الله...»

---

عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 80، ح 12، ب 32؛ نورالثقلین، ج 1، ص 342، ح 145.

## 11- صفات قلب بیمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 53 - 5

5- وابستگی به بیگانگان کافر، خصیصه بیمار دلان سست ایمان

اقسموا بالله جهد ايمانهم انهم لمعكم

عهد شکنی قلب بیمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 53 - 10

10 - نقض پیمان و شکستن سوگند ، خصیصه بیمار دلان سست ایمان

ص: 115

## 12- قرآن و قلبهای بیمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 125 - 8

8 - زراره بن اعین روایت کرد که امام باقر (ع) فرمود: «و اما الذين في قلوبهم مرض فزادتهم رجساً إلى رجسهم يقول: شكاً إلى شكهم» ;

اینکه خداوند می فرماید: «اما کسانی که در قلبهای آنان مرض است [سوره نازل شده] رجسی را بر رجس آنان می افزاید» مراد این است که شکی را بر شک آنان می افزاید».

## 13- قلب بیمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 52 - 1,6,8,9,14,22

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، شاهد تلاش آشکار و شتابزده بیمار دلان سست ایمان برای پیوستن به یهود و نصارا

فتری الذين في قلوبهم مرض يسرعون فيهم

کلمه «فیهم»، می رساند که بیمار دلان علاوه بر طرح دوستی با یهود و نصارا، اراده پیوستن به آنها را در سر می پروراندند.

6 - شتاب بیمار دلان سست ایمان در دوستی و پذیرش ولایت یهود و نصارا ، پیامد محرومیت آنان از هدایت الهی

إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ. فتری الذين في قلوبهم مرض يسرعون فيهم

8 - بیمار دلان سست ایمان ، از زمره ستمگران

إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ. فتری الذين في قلوبهم مرض يسرعون فيهم

9 - گرایش بی حد و مرز گروهی از مسلمانان بیمار دل به سوی یهود و نصارا ، دلیلی روشن برای محرومیت ستمگران از هدایت الهی

إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ. فتری الذين في قلوبهم مرض يسرعون فيهم

تفریع جمله «فتری» بر جمله «ان الله...»، می رساند که گرایش عمیق بیمار دلان، بیان مصداقی برای جمله «ان الله لا يهدى...» است.

14 - مصلحت اندیشی و ترس از پیشامد های ناگوار ، بهانه بیمار دلان برای دوستی با یهود و نصارا

«دائره» از مصدر «دوران» (چرخیدن) است؛ که در برداشت فوق به معنای حادثه های ناگوار گرفته شده؛ چون چرخش روزگار احياناً موجب کمبودهایی نظیر قحطی، خشکسالی و ديگر حوادث تلخ می شود.

22- پیروزی مسلمانان، مایه پشیمانی بیمار دلان سست ایمان عصر بعثت از شک و تردید نسبت به حقانیت اسلام

فَعَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ أَوْ... فَيَصْبِحُوا عَلَى مَا أَسْرَوْا فِي أَنْفُسِهِمْ نَدْمِينَ

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از «ما اسروا فی انفسهم»، تردید مسلمانان سست ایمان نسبت به حقانیت اسلام باشد. «فی قلوبهم مرض»، این احتمال را تأیید می کند.



## 14- قلب های بیمار و صدای طنّازانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 32 - 4

4 - صدای نرم و طنّازانه زنان ، موجب طمع قلب های بیمار در آنان است .

فلاتخضعن بالقول فيطمع الذي في قلبه مرض

## 15- محدوده اختیارات بیمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 61 - 3،4،2

2 - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های اهل خانه خود ( فرزندان و همسر ) بدون هیچ اجازه ای ، مجازاند .

ليس على الأعمى حرج ولا على الأعرج حرج ولا على المريض حرج .. أن تأكلوا من بيوتكم

برداشت فوق، مبتنی بر این است که جمله «و لا علی افسسکم آن تأکلوا من بیوتکم» عطف بر جمله پیشین باشد. گفتنی است مقصود از «بیوتکم» (خانه های خود) خانه همسر و فرزندان است که از افراد خودی هر شخصی محسوب می شوند.

3 - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

ليس على الأعمى حرج .. أن تأكلوا من ... بيوت ءابائكم ... أو بيوت أخوتكم

4 - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های منزلی که کلید های آنها را در دست دارند و نیز از منازل دوستان خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

ليس على الأعمى حرج .. أن تأكلوا من بيوتكم ... أو ما ملكتم مفاتحه أو صدقكم

## 16- محرومیت قلب بیمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 54 - 32

32 - بیمار دلان سست ایمان و پذیرای ولایت و دوستی کافران ، محروم از فضل خاص خداوند

من یرتد منکم عن دینه فسوف یأتی اللّٰه یقوم . . . ذلک فضل اللّٰه

## 17- معذوریت بیمار

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

17 - فتح - 48 - 17 - 1

ص: 117

1 - افراد نابینا، لنگ و مریض، معاف از شرکت در جنگ

لیس علی الأعمی حرج و لا علی الأعرج حرج و لا علی المریض حرج

### 18- نگرانی بیمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 17 - 3

3 - افراد مریض و ناتوان از شرکت در سفر حدیبیه، نگران از عدم حضور خود و همراهی نکردن مسلمانان در آن سفر \*

لیس علی الأعمی حرج و لا علی الأعرج حرج و لا علی المریض حرج

توییح شدید متخلفان از سفر حدیبیه در آیات گذشته و استثنای معذوران در این آیه؛ بیانگر آن است که مؤمنان معذور، نگران آن بوده اند که مشمول توییح خداوند باشند. خداوند در این آیه، به رفع این نگرانی آنان پرداخته است.

### 19- نگرانی قلب بیمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 52 - 12

12 - مسلمانان سست ایمان و بیمار دل عصر بعثت، نگران از سرنوشت خویش به خاطر پندار بی ثباتی و شکست اسلام

يقولون نخشى ان تصيبنا دائرة

مراد از «دائرة» می تواند چرخش وضع موجود و برگشت به حالت سابق باشد. یعنی شکست اسلام و برگشت کفر و شرک.

### 20- نماز بیمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 191 - 37

37 - انسان سالم نماز را ایستاده و مریض آن را نشسته و ناتوانتر از او آن را به پهلو می خواند .

يذكرون الله قياماً وقعوداً و على جنوبهم

امام باقر (ع) درباره آیه فوق فرمود: .. «قياماً» الاصحاء و «قعوداً» یعنی المرضى «و على جنوبهم» قال: اعلّ مَمَّن يَصَلِّي جالساً و اوجع.

---

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 211، ح 173؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 333، ح 7.

بیماران

ص: 118

## 21- معذوریت از بیماران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 91 - 1

1 - افراد ضعیف و مریض و فاقد هزینه و امکانات جنگی ، از شرکت در جنگ معافند و گناهی بر آنان نیست .

لیس علی الضعفاء ... حرج

## 22- مقدار تهجد بیماران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 20 - 15

15 - رعایت حال مریضان ، مسافران تاجر و سوداگر و جنگ جویان خداجو ، فلسفه تخفیف دادن تکلیف شب زنده داری و کاستن از آن ، به میزان میسور و ممکن

فاقرءوا ما تيسر من القرآن علم أن سيكون منكم مرضى و .. و آخرون يقتلون في سبي

عبارت «ضرب في الأرض» در معانی سفر برای تجارت و خارج شدن برای جنگ آمده است؛ ولی با آمدن «و آخرون يقتلون في سبيل الله» معنای اول مراد است.

## 23- همسفرگی با بیماران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 61 - 38, 19

19 - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، می توانند با دیگر اعضای خانواده خود و نیز با خویشاوندان و دوستان خویش باهم ( بر سر یک سفره ) و یا جداگانه ، غذا میل کنند .

لیس علی الأعمى حرج .. و لا علی أنفسکم أن تأکلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم ... أ

38 - « عن أبي جعفر (ع) في قوله « ليس على الأعمى حرج ولا على الأعرج حرج ولا على المريض حرج » وذلك أن أهل المدينة قبل أن يسلّموا كانوا يعزلون الأعمى والأعرج والمريض وكانوا لا يأكلون معهم وكان الأعمى والمريض يقولون : لعلنا نؤذيهم إذا أكلنا معهم فاعتزلوا مواكلتهم فلما قدم النبي (صلى الله عليه وآله) سألوه عن ذلك فأنزل الله « ليس عليكم جناح أن تأكلوا جميعاً أو أشتاتاً ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند «ليس على الأعمى حرج ..» فرمود: اهل مدینه قبل از آنکه مسلمان شوند، نابینایان، لنگان و بیماران

را از خود جدا می کردند و با آنان هم غذا نمی شدند... و کوران و بیماران می گفتند: شاید اگر ما با دیگران هم غذا شویم، موجب اذیت آنان باشیم. از این رو از هم غذا شدن با دیگران کناره می گرفتند. پس هنگامی که پیامبر(صلی الله علیه و آله) وارد مدینه شد، از آن حضرت سؤال کردند. خداوند این آیه را نازل فرمود: لیس علیکم جناح أن تأکلوا جميعاً أو أشتاتاً».

بیماردلان

ص: 119

## 24- {بیماردلان}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 10 - 1,2

1 - دل و اندیشه منافقان ، مبتلا به مرضی سخت

فی قلوبهم مرض

سخت بودن بیماری از نکره آمدن «مرض» استفاده شده است.

2 - خداوند ، افزایش دهنده بیماری در دل و جان منافقان

فزادهم الله مرضاً

## 25- آواره سازی بیماردلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 61 - 2

2 - تداوم آزار و اذیت زنان مسلمان ، از سوی بیماردلان ، موجب سخت گیری پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر آنان ، در حد آواره سازی همراه با لعن خدا می شد .

لئن لم ينته ... و الذين في قلوبهم مرض ... لنغرينك بهم ثم لا يجاورونك فيها إلاّ

## 26- آواره سازی بیماردلان مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 60 - 19

19 - در صورتی که منافقان و بیماردلان و شایعه پراکنان ، در مدینه ، به کارهای خلاف خود ادامه می دادند ، چنان مورد قهر پیامبر (صلی الله علیه و آله) قرار می گرفتند که مجبور به ترک مدینه می شدند .

لنغرينك بهم ثم لا يجاورونك فيها إلاّ قليلاً

«لایجاورونک فیها إلاّ قلیلاً» کنایه از آوارگی و در به دری است. لازم به ذکر است که «قلیلاً» صفت مفعول مطلق محذوف (جوار) است.

## 27- اذیتهای بیماردلان

2 - تداوم آزار و اذیت زنان مسلمان ، از سوی بیمار دلان ، موجب سخت گیری پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر آنان ، در حد آواره سازی همراه با لعن خدا می شد .

لئن لم ينته .. و الذین فی قلوبهم مرض ... لنغریبنک بهم ثم لایجاورونک فیها إلاّ



## 28- اذیت‌های بیمار دلان مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 60 - 3

3 - افرادی ضعیف‌الایمان و بیمار دل، در مدینه بودند که متعرض زنان مؤمن می‌شدند.

لئن لم ینته... و الذین فی قلوبهم مرض... لنغریتنک بهم

## 29- استهزاهای بیمار دلان مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 63 - 5

5 - منافقان و بیمار دلان مدینه، با طرح پرسش‌هایی از امور غیبی، مانند «زمان وقوع قیامت»، در صدد استهزای پیامبر (صلی الله علیه و آله) بودند.

لئن لم ینته المنفقون و الذین فی قلوبهم مرض... یستلک الناس عن الساعه

بنابراین که «ال» در «الناس» عهد ذکر می‌باشد و به منافقان و بیمار دلان در آیه شصت برگردد، نکته بالا، قابل استفاده است.

## 30- اغواپذیری بیمار دلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 53 - 1

1 - حکمت آزاد گذاشته شدن شیطان از سوی خداوند، برای القای شبهات پیرامون آیات الهی، این بود که افراد بیمار دل و قسی القلب گمراه شوند و گرفتار دام فتنه‌های شیطان گردند.

و ما أرسلنا من قبلك... ألقى الشیطن فی أُمْنِیْتِه... لیجعل... و القاسیه قلوبهم

«فتنه» برای بیان چند معنا به کار می‌رود: یکی از معانی آن - که در آیه فوق به همان معنا به کار رفته است - اضلال و گمراه کردن است. بنابراین معنای جمله فوق چنین می‌شود: «تا خدا آنچه را که شیطان القا می‌کند، برای کسانی که در دل هایشان بیماری است و نیز برای کسانی که سنگدل اند، مایه گمراهی قرار دهد». گفتنی است که از آیه پیش دو مطلب استفاده می‌شود: 1- خداوند اجازه می‌داد تا شیطان در آیات وحی - که توسط پیامبران تلاوت می‌شد - القای شبهه کند. 2- خداوند شبهه‌های شیطان را محو می‌کرد و از چهره آیاتش می‌زدود. آیه مورد، بحث تعلیل برای مطلب اول است؛ یعنی، خداوند بدان جهت اذن می‌داد که شیطان در تلاوت آیات شبهه آفرینی کند

تا آنها را مایه ضلالت و گمراهی بیمار دلان و سنگ دلان قرار دهد.

### **31- افساد بیمار دلان مدینه**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 121

19 - در صورتی که منافقان و بیمار دلان و شایعه پراکنان، در مدینه، به کارهای خلاف خود ادامه می‌دادند، چنان مورد قهر پیامبر (صلی الله علیه و آله) قرار می‌گرفتند که مجبور به ترک مدینه می‌شدند.

لنغرینک بهم ثم لایجاورونک فیها إلا قلیلاً

«لایجاورونک فیها إلا قلیلاً» کنایه از آوارگی و در به دری است. لازم به ذکر است که «قلیلاً» صفت مفعول مطلق محذوف (جوار) است.

### 32- بهانه جویی بیمار دلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 13 - 11، 8

8 - برخی از منافقان و بیمار دلان مدینه، از پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای ترک جهاد در غزوه احزاب، به بهانه ناامن بودن خانه و کاشانه شان، مصرانه اجازه می‌خواستند.

و یستئذن فریق منهم النبیّ یقولون إنّ بیوتنا عوره

مراد از «عوره» در آیه، مستحکم نبودن خانه و قابل ورود بودن آن برای هر کس است که بخواهد وارد شود (مفردات راغب).

11 - مستحکم نبودن خانه و کاشانه، بهانه منافقان و افراد بیمار دل برای گریز از جهاد در غزوه احزاب بود.

و یستئذن فریق منهم النبیّ یقولون إنّ بیوتنا عوره و ما هی بعوره إنّ یریدون إلاّ فر

### 33- بیمار دلان مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 12 - 9، 5، 3

3 - غیر از چهره های منافق، افراد بیمار دل نیز در مدینه عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) وجود داشتند.

و إذ یقول المنفقون و الذین فی قلوبهم مرض

«و الذین فی قلوبهم مرض» می‌تواند عطف جمله ای مستقل بر اسم باشد. در نتیجه، افزون بر منافقان، گروه دیگری هم بودند که به دلیل داشتن نوعی بیمار دلی و ضعف اعتقاد، در صف و جبهه منافقان عمل می‌کردند.

5 - منافقان و بیمار دلان مدینه، وعده خدا و پیامبر را بر پیروزی، فریب و خدعه ای بیش نمی‌دانستند.

وإذ يقول المنافقون و الذين في قلوبهم مرض ما وعدنا الله ورسوله إلا غرورًا

9- ظن وگمان منافقان و بیماردلان مدینه ، در غزوه احزاب ، این بود که وعده خدا و پیامبرش ، جز فریب نیست .

و تظنون بالله الظنونا . . . و إذ يقول المنافقون ... ما وعدنا الله ورسوله إلا

«و إذ يقول» می تواند تفسیر «الظنونا» باشد.

#### **34- بیماردلان مدینه در غزوه احزاب**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 122

8 - برخی از منافقان و بیمار دلان مدینه ، از پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای ترک جهاد در غزوه احزاب ، به بهانه ناامن بودن خانه و کاشانه شان ، مصرانه اجازه می خواستند .

و یستئذن فریق منهم النبیّ یقولون إنّ بیوتنا عوره

مراد از «عوره» در آیه، مستحکم نبودن خانه و قابل ورود بودن آن برای هر کس است که بخواهد وارد شود (مفردات راغب).

11 - مستحکم نبودن خانه و کاشانه ، بهانه منافقان و افراد بیمار دل برای گریز از جهاد در غزوه احزاب بود .

و یستئذن فریق منهم النبیّ یقولون إنّ بیوتنا عوره و ما هی بعوره إنّ یریدون إلاّ فر

### 35- بیمار دلان مدینه و مکر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - منافقان و بیمار دلان مدینه ، وعده خدا و پیامبر را بر پیروزی ، فریب و خدعه ای بیش نمی دانستند .

و إذ یقول المنفقون و الذین فی قلوبهم مرض ما وعدنا الله و رسوله إلاّ غرورًا

9 - ظن و گمان منافقان و بیمار دلان مدینه ، در غزوه احزاب ، این بود که وعده خدا و پیامبرش ، جز فریب نیست .

و تظنّون بالله الظنوننا . . . و إذ یقول المنفقون . . . ما وعدنا الله و رسوله إلاّ

(و إذ یقول) می تواند تفسیر «الظنوننا» باشد.

### 36- بیمار دلان مدینه و وعده پیروزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - منافقان و بیمار دلان مدینه ، وعده خدا و پیامبر را بر پیروزی ، فریب و خدعه ای بیش نمی دانستند .

و إذ یقول المنفقون و الذین فی قلوبهم مرض ما وعدنا الله و رسوله إلاّ غرورًا

### 37- بیمار دلان مدینه و وعده خدا

9- ظن و گمان منافقان و بیماردلان مدینه، در غزوه احزاب، این بود که وعده خدا و پیامبرش، جز فریب نیست.

و تظنّون بالله الظنوناً .. و إذ يقول المنفقون ... ما وعدنا الله ورسوله إلاّ

«و إذ يقول» می تواند تفسیر «الظنوناً» باشد.

### 38- بیمار دلان مدینه و وعده محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 12 - 9

9- ظن و گمان منافقان و بیمار دلان مدینه، در غزوه احزاب، این بود که وعده خدا و پیامبرش، جز فریب نیست.

و تظنون بالله الظنون... و إذ يقول المنفقون... ما وعدنا الله ورسوله إلا

«و إذ يقول» می تواند تفسیر «الظنون» باشد.

### 39- بیمار دلان و اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 49 - 4

4- دین اسلام در بینش منافقان و بیمار دلان، دینی فریبنده و به دور از واقعنگری

يقول المنفقون... غر هؤلاء دينهم

### 40- بینش بیمار دلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 22 - 6

6- جهاد، در نگاه بیمار دلان سست ایمان، عامل فساد، فتنه و برادرکشی \*

الذين في قلوبهم مرض... إن توليتم أن تفسدوا في الأرض

برداشت بالا بدان احتمال است که مجموع آیه، پاسخی به بهانه جویی ها و دستاویزهای منافقان و عناصر سست ایمان باشد؛ زیرا از این پاسخ، استفاده می شود که بیمار دلان برای توجیه فرار خویش از جهاد، آن را مایه فساد و برادرکشی می شمردند؛ ولی خداوند به ایشان یادآور شده که مفسد و برادرکش واقعی شماست که به دنیا چسبیده و برای حفظ دنیایان هر کاری خواهید کرد.

### 41- پرسش بیمار دلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 31 - 11

11 - ذکر تعداد فرشتگان نگهبان دوزخ در قرآن ، مورد پرسش انکار آمیز کافران و گروه بیمار دل و مغرض قرار گرفت .

و ليقول الذين في قلوبهم مرض و الكفرون ماذا أراد الله بهذا مثلاً

ص: 124



## 42- ترس بیمار دلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 20 - 8

8- نگاه بیمار دلان به پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، پس از نزول آیات جهاد ، نگاهی وحشت زده و محتضرگونه

ینظرون إلیک نظر المغشىّ علیه من الموت

## 43- تشبیه نگاه بیمار دلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 20 - 8

8- نگاه بیمار دلان به پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، پس از نزول آیات جهاد ، نگاهی وحشت زده و محتضرگونه

ینظرون إلیک نظر المغشىّ علیه من الموت

## 44- تلاش بیمار دلان مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 12 - 6

6- فعالیت تبلیغاتی منافقان و بیمار دلان مدینه ، برای ایجاد تزلزل در روحیه مسلمانان ، شایسته یادآوری است .

و إذ یقول المنفقون و الذین فی قلوبهم مرض

«و إذ» عطف به «إذ زاغت» است و «أذکر» در تقدیر می باشد.

## 45- حق ناپذیری بیمار دلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 23 - 6

6- بیمار دلان گریزان از جهاد و فساد انگیز و قطع کننده رحم ، مردمی کر و کور در برابر حق

أولئک الذین .. فأصمّهم و أعمی أبصرهم

## 46- زمینه گمراهی بیمار دلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 53 - 1

1 - حکمت آزاد گذاشته شدن شیطان از سوی خداوند ، برای القای شبهات پیرامون آیات الهی ، این بود که افراد بیمار دل و قسی القلب گمراه شوند و گرفتار دام فتنه های شیطان گردند .

ص: 125

و ما أرسلنا من قبلك .. ألقى الشيطان في أمْنِيَّتِهِ .. ليَجْعَلَ ... و القاسية قلوبهم

«فتنه» برای بیان چند معنا به کار می رود: یکی از معانی آن - که در آیه فوق به همان معنا به کار رفته است - اضلال و گمراه کردن است. بنابراین معنای جمله فوق چنین می شود: «تا خدا آنچه را که شیطان القا می کند، برای کسانی که در دل هایشان بیماری است و نیز برای کسانی که سنگدل اند، مایه گمراهی قرار دهد». گفتنی است که از آیه پیش دو مطلب استفاده می شود: 1- خداوند اجازه می داد تا شیطان در آیات وحی - که توسط پیامبران تلاوت می شد - القای شبهه کند. 2- خداوند شبهه های شیطان را محو می کرد و از چهره آیاتش می زدود. آیه مورد، بحث تعلیل برای مطلب اول است؛ یعنی، خداوند بدان جهت اذن می داد که شیطان در تلاوت آیات شبهه آفرینی کند تا آنها را مایه ضلالت و گمراهی بیمار دلان و سنگ دلان قرار دهد.

#### 47- سرزنش بیمار دلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 24 - 1

1- توبیخ بیمار دلان حق گریز، از سوی خداوند به خاطر نیندیشیدن در ژرفای مفاهیم قرآن

أفلا يتدبرون القرآن

#### 48- صفات بیمار دلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 26 - 6

6- بیمار دلان و منافقان گریزان از تکالیف دینی، دارای زمینه گرایش به دشمنان اسلام

و ذكر فيها القتال رأيت الذين في قلوبهم مرض.. قالوا للذين كرهوا... سنطيعكم

با توجه به ارتباط این آیه با آیات پیشین، می توان نتیجه گرفت که میان بیمار دلی و گریز از تکالیف دشوار و تمایل به دشمنان اسلام، ارتباطی تنگاتنگ وجود دارد.

#### 49- ظلم بیمار دلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 53 - 4

4- بیمار دلان و افراد سنگ دل، مردمانی ظالم و بی دادگر

لذین فی قلوبهم مرض و القاسیه قلوبهم و إنّ الظلمین لفی شقاق بعید

مراد از «ستمگران» افراد بیمار دل و قسی القلب است و «شقاق» به معنای مخالفت و ستیزه جویی می باشد. «بعید» صفت «شقاق» و به معنای دور و دراز است؛ یعنی، این گروه ستمگر، در ستیز جویی دور و درازی با حق هستند؛ مقصود این که فاصله میان آنها و حق، چنان زیاد است که نباید هیچ گونه امیدی به دست برداشتن آنها از مخالفت و ستیزه جویی با آن داشت. در واقع، این توصیه ای است به پیامبر (صلی الله علیه و آله) که از آنها قطع امید کند و به ایمان آوردن آنان دل نبندد.

ص: 126

## 50- عجز بیماردلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 23 - 8

8- بیماردلانِ منافق، ناتوان از درک خیر واقعی خویش و پیمودن راه صدق و جهاد

فلو صدقوا الله لكان خيراً لهم . . . أولئك ... فأصمّهم و أعمى أبصرهم

با توجه به ارتباط آیات، ممکن است به میان آوردن «أصمّ» و «أعمى» - در پی «فلو صدقوا الله لكان خيراً لهم» - بیانگر این معنا باشد که صداقت با خدا و دستورات او، تضمین گر منافع آدمی است؛ اما افسوس که بیماردلان در نتیجه کوری باطنی عاجز از درک مصالح آن اند.

## 51- قتل بیماردلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 61 - 6

6- بیماردلانی که اقدام به فساد و آزار زنان می کنند، در صورت ادامه کار خود، محکوم به قتل اند .

لئن لم ينته . . . و الذین فی قلوبهم مرض ... ملعونین اینما تقفوا أخذوا و قتلوا

## 52- قتل بیماردلان مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 62 - 4

4- فرمان مهدورالدم بودن منافقان و بیماردلان و شایعه پراکنان در مدینه، ادامه اجرای سنت تغییر ناپذیر الهی بوده است .

اینما تقفوا أخذوا و قتلوا . . . سنّه الله ... ولن تجد لسنة الله تبديلاً

## 53- قرآن و بیماردلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 32 - 1

1 - آموزه های قرآن، بی تأثیر در بیماردلان و کافران

و ليقول الذين في قلوبهم مرض و الكفرون . . . و ما هي إلا ذكرى للبشر . كلاً

«كلاً» در این آیه برای انکار است؛ انکار تذکار بودن قرآن برای بیمار دلان و کافران حق ناپذیر.

ص: 127

## 54- کوری بیمار دلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 23 - 6

6- بیمار دلان گریزان از جهاد و فساد انگیز و قطع کننده رحم ، مردمی کر و کور در برابر حق

أولئك الذين .. فأصمّهم و أعمى أبصرهم

## 55- کوری بیمار دلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 23 - 6

6- بیمار دلان گریزان از جهاد و فساد انگیز و قطع کننده رحم ، مردمی کر و کور در برابر حق

أولئك الذين .. فأصمّهم و أعمى أبصرهم

## 56- لعن بر بیمار دلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 23 - 1

1- عناصر بیمار دل روی گردان از جهاد و دستورات الهی ، مورد نفرین خداوند

رأيت الذين في قلوبهم مرض .. فهل عسيتم إن توليتم ... أولئك الذين لعنهم الله

برداشت یاد شده بنابر این نکته است که مشارالیه «أولئك»، کسانی باشند که «تولّیتم» خطاب به آنان است و «تولّی» به معنای روی گردانی از جهاد و یا مجموعه فرمان های حق باشد.

## 57- مبارزه محمد (صلی الله علیه و آله) با بیمار دلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 61 - 2

2 - تداوم آزار و اذیت زنان مسلمان ، از سوی بیمار دلان ، موجب سخت گیری پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر آنان ، در حد آواره سازی همراه با لعن خدا می شد .

لئن لم ينته . . . و الذين فى قلوبهم مرض ... لنغرينك بهم ثم لا يجاورونك فيها إلاّ

## 58- منشأ گمراهی بیمار دلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 31 - 16

ص: 128



16 - ازدیاد شک و تردید نسبت به حقانیت قرآن ، بر اثر یادآوری بعضی از حقایق الهی ، جلوه ای از گمراه شدن کافران و بیمار دلان از سوی خداوند

كذلك يضلّ الله من يشاء و يهدى من يشاء

### 59- نقش بیمار دلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 60 - 11

11 - بیمار دلان ، آسیب رسانان به هنجار های اجتماعی اند .

لئن لم ينته ... و الذين في قلوبهم مرض ... لنغرينك بهم

### 60- هشدار به بیمار دلان مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 60 - 4

4 - هشدار شدید خداوند ، به افراد بیمار دل مدینه ، برای پایان دادن به کار های خلاف شان

لئن لم ينته ... و الذين في قلوبهم مرض ... لنغرينك

### 61- یأس از ایمان بیمار دلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 53 - 7

7 - توصیه خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مبنی بر این که از حق ستیزان بیمار دل و قسی القلب قطع امید کند و به ایمان آوردن آنان دل نبندد .

وإنّ الظلمین لفی شقاق بعید

بیماردلی

### 62- بیمار دلی مخالفان محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- مخالفان پیامبر (صلی الله علیه و آله) در صدر اسلام، مردمانی بودند بیمار دل، قسی القلب و ستم پیشه .

ليجعل ما يلقي الشيطان . . . وإنّ الظلمين لفي شقاق بعيد

ص: 129

### 63- بیمار دلی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 53 - 3

3 - جبهه کفر و شرک در طول تاریخ ، متشکل از انسان هایی بیمار دل و قسی القلب

و ما أرسلنا من قبلك من رسول . . . للذین فی قلوبهم مرض و القاسیه قلوبهم

### 64- بیمار دلی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 110 - 1,3

1 - شک و تردید ، بیماری مزمن قلب منافقان

لا یزال بنینهم الذی بنوا ربه فی قلوبهم

3 - مرگ ، تنها درمان قلب آکنده از شک و تردید منافقان

لا یزال . . . إلا أن تقطع قلوبهم

### 65- زمینه بیمار دلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 3 - 3

3- لهُو و دل مشغولی به امور غیر مهم و بی ارزش ، از بیماری های قلب و امری زشت و ناپسند

لا هیة قلوبهم

آیه شریفه، در مقام بیان اوصاف ناپسند و ویژگی های منفی مشرکان و مذمت از آنان است.

### 66- نشانه های بیمار دلی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 128 - 9

9- روی گردانی منافقان از پیامبر خیرخواه ، دلسوز و مهربان ، نشانه پلیدی و بیماردلی آنان

الذین فی قلوبهم مرض . . . صرف اللّٰه قلوبهم . . . لقد جاءكم رسول من أنفسكم . . . بالمؤ

بیماری

ص: 130

## 67- آثار بیماری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 61 - 20، 1

1 - ناینایی ، لنگی و مرض ، سه عامل معاف شدن از تکالیفی است که در آنها ، بینایی ، حرکت و راه رفتن و سلامت لازم است .

لیس علی الأعمی حرج و لا علی الأعرج حرج و لا علی المریض حرج

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که جمله «ولا- علی أنفسکم أن تأکلوا..» استینافیه و جدا از جمله «لیس علی الأعمی حرج...» باشد. بر این اساس جمله «لیس علی الأعمی...» درصدد بیان قانون و اصلی کلی است و آمدن آن به تناسب بیان احکام افرادی است که به شکلی از برخی از تکالیف معاف اند؛ مانند زنان سالخورده که از حجاب معاف اند و نیز معاف بودن فرزندان و برادر زادگان و... از اجازه خواستن جهت ورود به خانه دیگران که در دنبال همین آیه ذکر شده است.

20 - نقص عضو مانند ناینایی ، لنگی و بیماری را ، نباید مانع از هم غذا شدن با افراد سالم دانست .

لیس علی الأعمی حرج... و لا علی أنفسکم أن تأکلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم... أ

توصیه خداوند به این که افراد ناقص العضو، ناینایان و.. حق دارند با افراد سالم هم غذا شوند، می تواند به این دلیل باشد که کسی گمان نکند که نقص عضو، مانع از هم غذا شدن است و باید از افراد ناقص العضو، اجتناب کرد. گفتنی است آنچه در برخی از تواریخ آمده است که برخی از مردم از هم غذا شدن با ناینایان و... خودداری می کردند، مؤید همین برداشت است.

## 68- آثار بیماری روانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 9 - 3

3- مخالفت با پیام اصول وحی ، ریشه در انحرافات روحی و روانی فرد دارد ؛ نه پیچیدگی و ابهام مفاهیم آن .

بل هم فی شکّ یلعبون

«شک» و «لعب» - آن هم شکی که دستمایه بازی و سرگرمی و بحث و لجاج قرار گیرد - از موانع رسیدن به حق و اقرار به آن می باشد و ویژگی چنین شکی، بیماری روحی است.

## 69- آثار بیماری قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نفاق ، خدعه گری و دروغ پردازی ، رذایلی هستند برخاسته از بیماری دل

و من الناس من يقول ءامنا .. یخدعون الله ... فی قلوبهم مرض

«فی قلوبهم مرض» بیانگر ریشه رذایلی است که در آیات قبل و فرازهای بعد، برای منافقان بیان شده است.

5 - سرایت بیماری دل و اندیشه آدمی به تمامی وجود او

فی قلوبهم مرض فزادهم الله مرضاً

جمله نخست حاکی است که دل و اندیشه منافقان، بیمار است و جمله بعد، دلالت می کند که بیماری وجود آنان را فرا می گیرد؛ زیرا نفرمود «فزادها الله مرضاً». این اختلافِ تعبیر یا اشاره به این معنا دارد که تمام حقیقت آدمی، دل و اندیشه

ص: 131

اوست؛ و یا حاکی از آن است که بیماری دل به همه وجود سرایت کرده و همه حرکات و سکنات آدمی را متأثر می سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 11 - 7

7 - فسادگری و نصیحت ناپذیری منافقان ، برخاسته از بیمار دلی آنان است .

فی قلوبهم مرض . . . و إذا قيل لهم لا تفسدوا فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 12 - 5

5 - بیمار دلی منافقان ، مانع از درک فسادگری خویش

فی قلوبهم مرض . . . ألا إنهم هم المفسدون و لكن لا یشعرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 13 - 4

4 - بیمار دلی اهل نفاق ، منشأ متهم ساختن اهل ایمان به بی خردی است .

فی قلوبهم مرض . . . قالوا أنؤمن كما آمن السفهاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 52 - 3,5

3 - بیمار دلی و ضعف ایمان ، زمینه تخلف از فرامین خداوند

لا تتخذوا اليهود و النصرى أولیاء . . . فترى الذین فی قلوبهم مرض یسرعون فیهم

5 - بیماری دل و سستی ایمان ، زمینه محرومیت از هدایت الهی

إنّ الله لا یهدى القوم الظالمین. فترى الذین فی قلوبهم مرض یسرعون فیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 125 - 7

7- بیمار دلی و پلیدی باطن ، زمینه ساز مردن بر حال کفر است .

و أما الذین فی قلوبهم مرض . . . و ماتوا و هم کفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 53 - 2

2- بیمار دلی و قساوت ، زمینه ای مناسب برای قرار گرفتن در دام فتنه ها و اغواگری های شیطان

لیجعل ما یلقى الشیطن فتنه . . . و القاسیه قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 50 - 2

2- بیمار دلی ، از نشانه های نفاق و اوصاف منافقان

ص: 132



أفی قلوبهم مرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 80 - 2

2- بی اثر بودن قرآن در برخی از انسان ها ، معلول بیماری خود آنان است ، نه ابهام و نارسایی پیام الهی .

إِنَّكَ عَلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ . إِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَى ... إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ

پس از این که خداوند حقانیت پیامبر(صلی الله علیه و آله) و قرآن را بیان فرمود، این سؤال مطرح می شود که پس چرا برخی این سخن حق را نمی پذیرند؟ قرآن پاسخ می دهد: که مشکل از ناحیه حق نیست؛ بلکه مشکل از ناحیه خود آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 32 - 10

10 - بیمار دلی ، باعث طمع ورزی در زنان نامحرم است .

فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 31 - 14

14 - بیمار دلی و نفاق ، از موانع شناخت و حق پذیری

و ليقول الذين في قلوبهم مرض . . . ماذا أراد الله بهذا مثلاً

### 70- آثار بیماری قلب منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 11 - 5

5- منافقان بر اثر بیماری دل و اندیشه ، فسادگری های خویش را اصلاح طلبی قلمداد می کنند .

فی قلوبهم مرض . . . قالوا إنما نحن مصلحون

### 71- ازدیاد بیماری قلب منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 10 - 2

2 - خداوند ، افزایش دهنده بیماری در دل و جان منافقان

فزادهم الله مرضاً

ص: 133

## 72- برادران یوسف و بیماری یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 85 - 3

3- فرزندان یعقوب، نگران وضعیت رو به وخامت پدر خویش و ناراحت از قرار گرفتنش در معرض بیماری و هلاکت

قالوا تالله تفتوا تذكر يوسف حتى تكون حرضا أو تكون من الهلكين

## 73- بیماری ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 88 - 4

4 - « عن الكاظم (ع) . . . قد قال الله تعالى في حق ابراهيم (ع) : . . . « فنظر نظره في النجوم . فقال إني سقيم » فلو لم يكن عالماً بعلم النجوم ما نظر فيها وما قال : « إني سقيم » . . . »

از امام کاظم (ع) روایت شده . . . که خداوند متعال در حق ابراهیم (ع) فرموده: . . . « فنظر نظره في النجوم . فقال إني سقيم » اگر ابراهیم عالم به علم نجوم نبود در ستارگان نظر نمی افکند و نمی گفت: « إني سقيم » . . . .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 89 - 1,2,3,4,7,8

1 - ابراهیم (ع) ، پس از اندیشه عمیق ، مریض بودن خود را به قومش اعلام کرد .

فنظر نظره في النجوم . فقال إني سقيم

2 - مریض بودن ابراهیم (ع) ، به هنگام دعوت شدن از جانب قوم خود برای خروج از شهر

فقال إني سقيم

3 - مریض بودن ، عذر و دلیل ابراهیم (ع) برای پذیرفتن دعوت قوم خود برای خروج از شهر و شرکت در مراسم سالانه مشرکان

فقال إني سقيم

4 - ابراهیم (ع) ، به مرضی موسمی و فصلی مبتلا بود .

فنظر نظره في النجوم . فقال إني سقيم

اگر پذیرفته شود که نگاه ابراهیم(ع) به ستارگان نگاه با چشم و حقیقی بود، می توان گفت که اظهار بیماری پس از این نگاه، حاکی است که ایشان به مرضی موسمی و فصلی گرفتار بود که با نگاه به ستارگان، توانسته بود وقت رو به رو شدن با مرض موسمی خود را پیش بینی کند (هم زمان با روز مراسم ویژه).

7 - « عن رجل من أصحابنا عن أبي عبد الله (ع) قال : سألته عن قول الله - عز وجل - . . . « إني سقيم » قال : ما كان ابراهيم (ع) سقيماً و ما كذب إنما عني سقيماً في دينه مرتاداً . . . » ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند (.. «إنی سقیم» روایت شده که ابراهیم(ع) بیمار [جسمی] نبود و در عین حال دروغ هم نگفت؛ بلکه مقصود او این بود که به علت دینی که دارم از کفر کافران دل آزرده ام و من در طلب حقیقت هستم».

8 - « قال أبو عبد الله (ع) : التقية من دين الله . . . و لقد قال ابراهيم : « إني سقيم » والله ما كان سقيماً ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: تقیه جزئی از دین خدا است . . . و ابراهیم گفت: «إنی سقیم» در حالی که به خداوند سوگند او مریض نبود».

3 - « عن حجر عن أبي عبدالله (ع) قال : خالف ابراهيم (ع) قومه و عاب آلهتهم . . . قال أبو جعفر (ع) : عاب آلهتهم « فنظر نظره في النجوم فقال إنني سقيم » . . . والله ما كان سقيماً و ما كذب فلماً تولوا عنه مدبرين إلى عيد لهم ، دخل ابراهيم إلى آلهتهم فكسر ها إلا كبيراً لهم . . . »

از حجر نقل شده که از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: ابراهیم با قومش مخالفت کرد و خدایان آنها را مورد عیب جویی خود قرار داد . . . امام باقر(ع) فرمود: از معبودهای آنان خرده گرفت «فنظر نظره فی النجوم فقال إني سقيم»... به خدا سوگند ابراهیم مریض نبود و دروغ هم نگفت. پس چون قومش برای عیدی که داشتند از پیش ابراهیم(ع) رفتند، او [با تبر] به سوی معبودهای آنان رفت و آنها را شکست مگر بزرگ ترین بت آنان را...».

#### 74- بیماری ایوب(ع)

2- ایوب (ع) به انواع ناگواری ها ، ناراحتی ها ، فقر و مرض مبتلا بود .

أني مسني الضرّ

«الضّرّ» اسم مصدر و به معنای سوء حال، فقر و ناراحتی بدنی می باشد و نیز هر آن چه که ضد نفع است (لسان العرب).

#### 75- بیماری در بهشت

2- در بهشت اصحاب الیمین ، هرگز مانعی همچون سیر بودن ، بیمار بودن ، در دسترس نبودن و . . . برای تناول میوه وجود ندارد .

و فكهه . . . و لا ممنوعه

#### 76- بیماری روانی

3- بیهوده گویی و دادن نسبت های ناروا، دو بیماری روحی - روانی برای انسان ها

إِلَّا قِيلًا سَلَمًا سَلَمًا

از تعبیر «سلاماً» استفاده می شود که «لغو» و «تأثیم» - که در آیه پیش آمده - دو گونه از بیماری است.

ص: 135

## 77- بیماری قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 12 - 8

8 - امکان دارد که نوعی بیماری معنوی ، بر قلب انسان عارض شود .

و الذین فی قلوبهم مرض

مراد از «مرض» بیماری جسمی و فیزیکی نیست و به قرینه مقام، بیمار دلی است که باعث می شود شخص بیمار دل، اقدام به کارهایی خلاف اعتدال بکند.

## 78- بیماری قلب مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 85 - 4

4 - شرک ، نوعی از بیماری های قلبی است .

إذ جاء ربّہ بقلب سلیم . إذ قال لأبیہ و قومہ ماذا تعبدون

## 79- بیماری قلب منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 10 - 4،9،1

1 - دل و اندیشه منافقان ، مبتلا به مرضی سخت

فی قلوبهم مرض

سخت بودن بیماری از نکره آمدن «مرض» استفاده شده است.

4 - منافقان ، خود موجب پیدایش بیماری دل و اندیشه ، در خویشتن

فی قلوبهم مرض

برداشت فوق از مقایسه دو جمله «فی قلوبهم مرض» (در قلب منافقان بیماری است) و «فزادهم الله مرضاً» (پس خداوند بیماری آنان را افزون کرد) به دست می آید؛ زیرا در جمله دوم خداوند را افزایش دهنده بیماری می داند، ولی در جمله نخست بیمار شدن قلب منافقان را به

خداوند نسبت نمی دهد؛ یعنی اصل پیدایش مرض را از خود آنان می شمرد.

9- دروغ گویی مداوم منافقان ، موجب افزایش بیماری در دل و جان آنان

فزادهم الله مرضاً .. بما كانوا يكذبون

برداشت فوق مبتنی بر این است که «بما كانوا ..» علاوه بر تعلقش به «لهم عذاب الیم»، متعلق به «فزادهم ...» نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 11 - 10، 7

7- فسادگری و نصیحت ناپذیری منافقان ، برخاسته از بیمار دلی آنان است .

ص: 136



فی قلوبهم مرض . . . و إذا قیل لهم لا تقسدا فی الأرض

10 - فسادگری منافقان ، زمینه ساز افزایش بیماری دل و اندیشه آنان

فزادهم الله مرضاً . . . بما كانوا یكذبون . و إذا قیل لهم لا تقسدا

برداشت فوق مبتنی بر دو امر است: 1- «إذا قیل . . .» عطف بر «یکذبون» باشد. 2- «بما كانوا یكذبون» علاوه بر تعلقش به «و لهم عذاب الیم» - متعلق به «فزادهم الله» نیز باشد. بر این مبنا جمله چنین می شود: «فزادهم الله مرضاً . . . بما كانوا اذا قیل لهم . . . لهم».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 12 - 5

5 - بیمار دلی منافقان ، مانع از درک فسادگری خویش

فی قلوبهم مرض . . . ألا إنهم هم المفسدون و لكن لا یشعرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 13 - 4

4 - بیمار دلی اهل نفاق ، منشأ متهم ساختن اهل ایمان به بی خردی است .

فی قلوبهم مرض . . . قالوا أنؤمن كما آمن السفهاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 125 - 2

2 - منافقان ، دارای پلیدی باطن و بیماری دل

و أما الذین فی قلوبهم مرض فزادتهم رجساً إلى رجسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 50 - 2

2 - بیمار دلی ، از نشانه های نفاق و اوصاف منافقان

أفی قلوبهم مرض

## 80- بیماری قلب منافقان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 50 - 1

1 - منافقان صدراسلام ، به بیمار دلی مبتلا بودند .

أفی قلوبهم مرض

همزه در «أفی» برای استفهام است؛ ولی متضمن معنای تقریر می باشد که برای سرزنش بیشتر منافقان آمده است.

ص: 137

## 81- بیماری قلب منافقان مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 12 - 2

2 - منافقان مدینه ، شخصیت هایی با قلب های بیمار بودند .

و إذ يقول المنفقون و الذین فی قلوبهم مرض

«و الذین فی قلوبهم مرض» می تواند عطف تفسیری از «المنافقون» باشد. در این صورت، معنای یاد شده به دست می آید.

## 82- بیماری محرومان از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 83 - 8

8- اعراض از خدا در حال رفاه ، و به پوچی و یأس رسیدن در ناگواری ها ، بیماری محرومان از هدایت قرآن است .

و ننزل ... شفاء و رحمه للمؤمنین و لایزید الظلمین إلا خسارًا . و إذا أنعمنا ع

## 83- بیماری معنوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 12 - 8

8 - امکان دارد که نوعی بیماری معنوی ، بر قلب انسان عارض شود .

و الذین فی قلوبهم مرض

مراد از «مرض» بیماری جسمی و فیزیکی نیست و به قرینه مقام، بیمار دلی است که باعث می شود شخص بیمار دل، اقدام به کارهایی خلاف اعتدال بکند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 60 - 17

17 - رخنه بیماری معنوی در جان آدمی ، امری امکان پذیر است .

## 84- بیماری یونس (ع)

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

15 - صافات - 37 - 145 - 4، 2

2- یونس (ع) ، به هنگام بیرون افتادن از شکم ماهی ، بیمار بود .

فنبذنه بالعراء و هو سقیم

4 - "قال رسول اللہ (صلی اللہ علیہ و آلہ): "لما أراد اللہ حبس یونس - علیہ السلام - فی بطن الحوت، أوحى اللہ إلى الحوت أن خذه، و

ص: 138

لاتخشد له لحماً، ولا تكسر له عظماً، فأخذه ثم أهوى به إلى مسكنه في البحر، فلما انتهى به إلى أسفل البحر سمع يونس حساً فقال في نفسه: ما هذا...؟ فأوحى الله إليه وهو في بطن الحوت: إن هذا تسييح دواب الأرض فسبح و هو في بطن الحوت فسمعت الملائكة - عليهم السلام - تسيحه فقالوا: ربنا إنا نسمع صوتاً ضعيفاً بأرض غربه، قال: ذاك عبدى يونس، عصاني فحبسته في بطن الحوت في البحر، قالوا: العبد الصالح الذى كان يصعد إليك منه فى كل يوم عمل صالح؟ قال: نعم. فشفعوا له عند ذلك، فأمره فقذفه فى الساحل، كما قال الله: "وهو سقيم";

رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمود: خداوند اراده نمود که یونس را در شکم ماهی زندانی کند به ماهی وحی (الهام) نمود: او را بگیر، اما خدشه ای به گوشت او وارد نکن و استخوانش را نشکن. پس ماهی یونس را گرفت و به سوی جایگاهش در دریا حرکت کرد پس چون به قعر دریا رسید، یونس صدای خفیفی شنید و با خود گفت: این صدا چیست...؟ سپس خدا به یونس - که در شکم ماهی بود - وحی کرد که: این تسییح جنبندگان زمین است، پس یونس در حالی که در شکم ماهی بود تسییح گفت: ملائکه تسییح او را شنیدند و گفتند: پروردگارا! ما صدای ضعیفی را در زمینی ناآشنا می شنویم؟ خداوند فرمود: این بنده من یونس است. وی نافرمانی من نمود، پس او را در شکم ماهی در دریا زندانی کردم. ملائکه گفتند: همان بنده صالحی که هر روز عمل صالحی از او به سوی تو بالا می آمد؟ خدا فرمود: آری. پس ملائکه در این هنگام یونس را شفاعت کردند، سپس خدا به ماهی امر کرد و ماهی یونس را در ساحل انداخت، چنان که خدا فرمود: و هو سقیم".

## 85- درمان بیماری روانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 82 - 9

9- راه یابی برخی بیماری های فکری ، روحی و اخلاقی در مؤمنان و نیاز آنان به درمان خویش با قرآن

و ننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمه للمؤمنین

## 86- درمان بیماری روانی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 82 - 9

9- راه یابی برخی بیماری های فکری ، روحی و اخلاقی در مؤمنان و نیاز آنان به درمان خویش با قرآن

و ننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمه للمؤمنین

## 87- زمینه ازدیاد بیماری قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - فسادگری منافقان ، زمینه ساز افزایش بیماری دل و اندیشه آنان

فزادهم الله مرضاً .. بما كانوا يكذبون. و إذا قيل لهم لا تفسدوا

برداشت فوق مبتنی بر دو امر است: 1- «إذا قيل . . .» عطف بر «يكذبون» باشد. 2- «بما كانوا يكذبون» علاوه بر تعلقش به

«و لهم عذاب أليم» - متعلق به «فزادهم الله» نیز باشد. بر این مبنا جمله چنین می شود: «فزادهم الله مرضاً... بما كانوا اذا قيل لهم... لهم».

### 88- زمینه بیماری روانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 82 - 5

5- انسان ، بدون هدایت وحی ، گرفتار نوعی بیماری فکری ، روحی و اخلاقی است .

و نزل من القرآن ما هو شفاء و رحمه

از اینکه نزول قرآن برای شفابخشی معرفی شده است، حکایت از آن دارد که بدون وحی، بشر گرفتار مرضهای علاج ناپذیر روحی است.

### 89- زمینه بیماری یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 85 - 2

2- یعقوب (ع) در اثر درد طاقت سوز فراق یوسف (ع) ، در معرض زمین گیر شدن و یا از دست دادن جان خویش بود .

قالوا تالله تفتؤا تذكر يوسف حتى تكون حرضاً أو تكون من الهالكين

«حرض» به بیماری گفته می شود که بنیانش تباه شده و مشرف بر هلاکت باشد.

### 90- شفای بیماری ایوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبياء - 21 - 84 - 2,6

2- خداوند ، مشکلات ایوب (ع) را گشود و غم و اندوه آن حضرت را از جسم و جان وی زدود .

وأيوب... فكشفنا ما به من ضرر

6- رفع بیماری ، غم و گرفتاری ایوب (ع) و بازگشت خانواده اش به آن ، رحمتی از جانب خدا بر او بود .

فكشفنا ما به... رحمه من عندنا

## 91- شفای بیماری روانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 82 - 8

8- شفابخشی قرآن نسبت به بیماری های روحی ، فکری و اخلاقی توأم با رحمت ، شفقت و مهربانی است .

ص: 140



ذکر دو صفت «شفاء» و «رحمت» برای قرآن، در کنار یکدیگر، می تواند مشعر به معنای یاد شده باشد.

## 92- عذاب با بیماری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 21 - 13

13 - « عن أبي ادريس الخولاني (رض) قال : سألت عباده بن الصامت (رض) عن قول الله : « ولنذيقنهم من العذاب الأدنى دون العذاب الأكبر » فقال : سألت رسول الله (صلى الله عليه وآله) عنها ، فقال : هي المصائب و الأسقام و الأنصاب ، عذاب للمسرف في الدنيا ، دون عذاب الآخرة . . . » ;

ابوادریس خولانی گوید: از عباده بن صامت(رض) از این سخن خدا: «ولنذيقنهم من العذاب الأدنى دون العذاب الأكبر» پرسیدم. گفت: از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) پرسیدم، فرمود: عذاب نزدیک تر، مصیبت ها و بیماری ها و رنج ها است. [آن]، عذابی دنیایی است برای مسرف، نه این که عذاب آخرت باشد».

## 93- عوامل از دیاد بیماری قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 10 - 9

9- دروغ گویی مداوم منافقان ، موجب افزایش بیماری در دل و جان آنان

فزادهم الله مرضاً .. بما كانوا يكذبون

برداشت فوق مبتنی بر این است که «بما كانوا ..» علاوه بر تعلقش به «لهم عذاب الیم»، متعلق به «فزادهم ...» نیز باشد.

## 94- عوامل بیماری قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 10 - 4

4 - منافقان ، خود موجب پیدایش بیماری دل و اندیشه ، در خویشان

فی قلوبهم مرض

برداشت فوق از مقایسه دو جمله «فی قلوبهم مرض» (در قلب منافقان بیماری است) و «فزادهم الله مرضاً» (پس خداوند بیماری آنان را افزون کرد) به دست می آید؛ زیرا در جمله دوم خداوند را افزایش دهنده بیماری می داند، ولی در جمله نخست بیمار شدن قلب منافقان را به خداوند نسبت نمی دهد؛ یعنی اصل پیدایش مرض را از خود آنان می شمرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 10 - 12

12 - بروز برخی از حالت های روانی و روحی برای انسان ، ممکن است که فعالیت قلب را از سیستم عادی خارج کرده و او را

ص: 141

غیر متعادل سازد .

إذ جاءوكم .. وبلغت القلوب الحناجر

### 95- عوامل بیماری یونس (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 145 - 3

3- بلعیده شدن یونس (ع) به وسیله ماهی ، موجب بیماری او گردید .

فالتقمه الحوت .. فنبذنه بالعراء و هو سقیم

### 96- عوامل درمان بیماری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 82 - 3,4,9

3- نقش نزول تدریجی آیه های قرآن ، در زدایش بیماری انسانها

و ننزل من القرءان ما هو شفاء و رحمه

برخی اهل لغت برآنند که ماده «نزل» در باب تفعیل، به معنای نزول تدریجی است. بنابراین، ذکر نزول قرآن به صورت تدریجی و یادآوری هدف آن که شفاست، گویای حقیقت فوق است.

4- قرآن ، شفابخش هرگونه بیماری در انسانهاست .

و ننزل من القرءان ما هو شفاء

9- راه یابی برخی بیماری های فکری ، روحی و اخلاقی در مؤمنان و نیاز آنان به درمان خویش با قرآن

و ننزل من القرءان ما هو شفاء و رحمه للمؤمنین

### 97- عوامل شفای بیماری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 69 - 16

16- خداوند ، شفای امراض انسان را از راه علل و اسباب طبیعی ، مقدر کرده است .

شراب مختلف ألونه فيه شفاء للناس

برداشت فوق، به خاطر این است که خداوند بهبودی بیماری انسان را به وسیله عسل - که از راههای طبیعی به دست می آید و خود از عوامل طبیعت است - قرار داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 27 - 6

6- دعا در درمان بیماری ها و شفای آسیب دیدگی های انسان مؤثر است .

ص: 142

واحلل عقده من لسانی

گفته شده است لکنت زبان موسی(ع)، از صدمه دیدن براثر آتشی بوده که در دوران کودکی به دهان برده و بر زبان نهاده بود.

### 98- منشأ بیماری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 78 - 16

16 - خداوند ، منشأ تمام نعمت ها ( مانند سلامتی ، امنیت و گشایش روزی ) و تمام بلا ها ( از قبیل بیماری ، ترس و گرسنگی )

و ان تصبهم حسنةً يقولوا هذه من عند الله و ان تصبهم سيئةً يقولوا هذه من عندك قل

از ائمه معصومین (ع) در معنای حسنات و سیئات در آیه فوق روایت شده است: .. الصحة والسلامة والامن والسعة في الرزق وقد سماها الله حسنات ... یعنی بالسیئه ها هنا المرض والخوف والجوع ....

---

تفسیر قمی، ج 1، ص 144؛ نورالثقلین، ج 1، ص 519، ح 416.

### 99- منشأ رفع بیماری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 27 - 5

5 - خداوند ، قادر به دفع امراض و رفع هرگونه نقص و عیب از موجودات است .

واحلل عقده من لسانی

### 100- منشأ شفای بیماری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 80 - 1

1 - شفای انسان ، پس از بیماری به دست خدا است .

و إذا مرضت فهو يشفين

## 101- موارد بیماری قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 32 - 11

11 - رفتار جنسی خارج از اعتدال ، مثل طمعورزی در زنان نامحرم ، نوعی بیماری است .

ص: 143

## 102- نشانه های بیماری قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 11 - 8

8 - فسادگری و نصیحت ناپذیری ، از نشانه های بیماری دل و اندیشه است .

فی قلوبهم مرض . . . و إذا قيل لهم لا تفسدوا في الأرض قالوا إنما نحن مصلحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 52 - 15

15 - گسستن سرنوشت خویش از سرنوشت اسلام و مسلمین ، علی رغم اظهار دیانت ، نشانه بیماری دل و سستی ایمان

فتری الذین فی قلوبهم مرض . . . يقولون نخشى ان تصيبنا دائرة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 54 - 16,25

16 - تهی بودن دل از محبت خدا ، بی مهری نسبت به اهل ایمان ، احساس کوچکی در برابر کافران ، از نشانه های بیماری دل و ضعف ایمان

فتری الذین فی قلوبهم مرض . . . اذله علی المؤمنین اعزه علی الکفرین

ارتباط آیه مورد بحث با آیات پیش گویای این است که بیماردلان (الذین فی قلوبهم مرض) از مصادیق مرتدان می باشند و چون صفات شمرده شده برای مؤمنان واقعی نقطه مقابل مرتدان قرار گرفته ؛ است معلوم می شود نبود این صفات در مدعیان اسلام، نشانه بیماردلی آنان است.

25 - گریز از جهاد و ترس از ملامت دشمنان دین ، از نشانه های بیماری دل و ضعف ایمان

فتری الذین فی قلوبهم مرض . . . یجهدون فی سبیل اللّٰه و لایخافون لومه لائم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 49 - 11

11 - ناباوری به حمایت خدا از متوکلان ، نشانه بیمار دلی و ضعف ایمان است .

إذ يقول المنافقون و الذين في قلوبهم مرض .. فإن الله عزيز حكيم

برداشت فوق با توجه به توضیح برداشت قبل به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 125 - 3

3 - کفر و نفاق ، نشان بیماری دل و پلیدی باطن است .

الذين في قلوبهم مرض .. رجسهم ... وهم كفرون

ص: 144



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 22 - 8

8- حق ناپذیری ، نشانه بیماری قلب است . \*

فالذین لایؤمنون بالآخره قلوبهم منکره

فعل «لایؤمنون» (ایمان نمی آورند) حکایت از حق ناپذیری دارد و «منکره» به معنای زیر بار حق نرفتن است که بیماری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 20 - 7

7- ترس و هراس از جهاد در راه خدا ، نشان بیمار دلی انسان

و ذکر فیها القتال رأیت الذین فی قلوبهم مرض ینظرون إلیک نظراًمغشیّ علیه من الموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 29 - 8

8- کینه و عداوت نسبت به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان ، نوعی بیمار دلی است .

أم حسب الذین فی قلوبهم مرض أن لن یرج الله أضغثهم

### 103- نشانه های بیماری قلب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 31 - 13

13 - مخالفت برخی از کافران با قرآن و رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، ناشی از بیمار دلی و غرضورزی آنان بود .

و ليقول الذین فی قلوبهم مرض . . . ماذا أراد الله بهذا مثلاً

ص: 145

1- آثار بینایی اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 38 - 8

8- شنوایی و بینایی کافران در قیامت ، موجب نجات آنان نمی گردد .

أسمع بهم وأبصر يوم يأتوننا لكن الظلمون اليوم في ضلل مبين

«ال» در «اليوم» چنانچه عهد ذکری باشد، مراد روز قیامت است که در «يوم يأتوننا» مطرح شده است و «لكن» استدراک از توهّم نجات است که جمله «أسمع بهم وأبصر» آن را پدید آورده است.

2- آثار بینایی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 46 - 6

6- شنوایی و بینایی خداوند ، پشتوانه ای اطمینان بخش برای تضمین یاری موسی و هارون (ع) در برابر فرعون بود .

إتني معكما أسمع وأرى

3- ابداع حسی بینایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 78 - 2

2- دستگاه شنوایی ، بینایی و تعقل انسان ، دستگاهی بدیع و بی مانند در نظام خلقت

وهو الذي أنشأ لكم السمع والأبصر والأفئدة

«إنشاء» (مصدر «أنشأ») به ایجاد بدون طرح و الگوی قبلی، گفته می شود.

#### 4- اهمیت بینایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 31 - 6,7

6- شنوایی و بینایی، از مهمترین و کارآمدترین قوای موجود در انسان

أمن يملك السمع والأبصر

گزیش دو قوه «شنوایی» و «بینایی»، از میان دیگر قوا، مفید برداشت فوق است.

7- شنوایی و بینایی و دیگر حواس، از جلوه های ربوبیت خدا بر انسانها

أمن يملك السمع والأبصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 78 - 4,8

4- شنوایی، بینایی و قلب (مرکز ادراک) مهم ترین ابزار شناخت

و الله أخرجكم... لاتعلمون شيئاً و جعل لكم السمع والأبصر والأفئدة

8- توجه به اهمیت شنوایی، بینایی و ادراک، مستلزم سپاسگزاری انسان از خداوند

و جعل لكم السمع والأبصر والأفئدة لعلكم تشكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 26 - 7

7- اهمیت ویژه بینایی، شنوایی و نیروی ادراکی انسان، در مقایسه با سایر نعمت های الهی

و لقد مكّنهم... و جعلنا لهم سمعاً وأبصاراً وأفئدة

از اختصاص به ذکر یافتن چشم، گوش و قلب، مطلب بالا استفاده می شود.

#### 5- بینایی اخروی کوردلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- چشم های نابینا در برابر حق ، در قیامت ، شعله های آتش دوزخ را خواهد دید .

و عرضنا جهنم یومئذ للكفرین عرضاً . الذین كانت أعینهم فی غطاء عن ذکری

عرضه شدن جهنم بر کافران در قیامت و رویت آن، عقوبتی متناسب با بهره نبردن آنان از بینایی برای شناخت خداوند است، همانگونه که گوش ناشنوای آنان نیز صدای جهنم را در خواهد یافت، زیرا، عرضه جهنم، محدود به عرضه بصری نیست.

## 6- بینایی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 171 - 5

5 - حواس آدمی ( شنوایی ، بینایی و . . . ) از ابزار درک و شناخت اوست .

ص: 147

صم بکم عمی فهم لایعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 23 - 4

4 - انسان ، برخوردار از قدرت شنوایی ، بینایی و تعقل

و جعل لکم السمع و الأبصر و الأفنده

مقصود از «أفنده» - به قرینه «سمع» و «أبصار» - عقول است و استعمال این واژه در معنای یاد شده، در قرآن بسیار شایع است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 2 - 9

9 - خداوند ، انسان را شنوا و بینا آفرید .

فجعلنه سمیعاً بصیراً

## 7- بینایی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 46 - 5

5 - خداوند ، شنوای هر گفتار ، بینای هر کردار و دانای هر چیز است .

أسمع و أری

ذکر نشدن مفعول خاص برای فعل های «أسمع» و «أری» افاده عموم می کند. و مراد از آگاهی خداوند به تمام شنیدنی ها و دیدنی ها، علم مطلق او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 28 - 8

8 - شنوایی و بینایی خداوند ، پشتوانه کیفر و پاداش آدمیان پس از رستاخیز است .

ما خلقکم و لابعثکم إلا کنفس وحده إنّ الله سمیع بصیر

احتمال دارد ذکر «إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ» پس از بیان قدرت خداوند بر بازآفرینی انسان ها پس از مرگ، به این جهت باشد که بازآفرینی، برای حساب رسی اعمال است و پشتوانه آن هم، آگاهی خداوند از اعمال انسان ها است.

## 8- بینایی معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 198 - 7

7 - معبود راستین باید شنوا و بینا باشد .

إِن تَدْعُوهُمْ... لَاسْمَعُوا... وَهُمْ لَا يَبْصُرُونَ

ص: 148

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 42 - 7

7- شنوایی، بینایی (ادراک) و قدرت بر رفع نیاز، از شروط بدیهی معبود حقیقی است.

لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئًا

### 9- بینایی نوزاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 78 - 3

3- عدم برخورداری فرزند انسان از علم و آگاهی از طریق ابزار شنوایی، بینایی و قلب به هنگام تولد، از نشانه های تدبیر و حکمت الهی \*

وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بَطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَاتَعْلَمُونَ شَيْئًا

این آیه در مقام اثبات توحید و توجه دادن انسانها به آثار و نشانه های الهی است. بنابراین عالم نبودن فرزندان و عدم توجه آنان به موقعیت خویش، در مراحل تولد و پس از آن، می تواند اشاره به حکمت الهی و اهمیت این موضوع در زندگی انسانها داشته باشد.

### 10- بینایی یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 93 - 2,7

2- یوسف (ع) از برادرانش خواست پیراهن او را به صورت یعقوب (ع) بیفکنند تا بینا شود.

فَأَلْقَاهُ عَلَى وَجْهِ أَبِي يَأْتُ بَصِيرًا

«یأت» در آیه شریفه به معنای یصیر (می گردد و مبدل می شود) است. جمله «فارتد بصیراً» در آیه 96 مؤید این معناست. قابل ذکر است که برخی برآند که «یأت» به معنای «می آید» است و «بصیراً» حال می باشد؛ یعنی، او به مصر می آید در حالی که بیناست.

7- بینا شدن یعقوب (ع) به وسیله پیراهن یوسف (ع)، کرامتی از یوسف

فَأَلْقَاهُ عَلَى وَجْهِ أَبِي يَأْتُ بَصِيرًا

فعل «یأت» جواب امر «فألقوه» است و لذا با حرف شرطی مقدر مجزوم شده است. تقدیر کلام چنین می باشد: «إن تلقوه علی وجه ابی یأت بصیراً». این معنا گویای تأثیر پیراهن یوسف (ع) در بینا شدن چشم یعقوب (ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 96 - 4,5,8

4- چشمان یعقوب (ع) بلافاصله پس از قرار گرفتن پیراهن یوسف (ع) بر آن، فروغ گرفت و بینایش بازگشت.

أَلْقِيهِ عَلٰى وَجْهِهِ فَارْتَدِ بَصِيرًا

«ارتداد» (مصدر ارتد) به معنای بازگشتن چیزی و یا حالتی به صورت و حالت سابق خود است. حرف «فاء» در جمله

ص: 149



«فارتد...» حاکی از دو معناست: 1- ترتب و سببیت میان افکندن پیراهن و بینا شدن یعقوب(ع)، 2- نبود فاصله و تراخی میان آن دو.

5- پیشگویی یوسف (ع) مبنی بر بینا شدن یعقوب (ع) به وسیله پیراهنش، تحقق یافت.

اذهبوا بقمیصی هذا فآلقوه علی وجه اُبی یأت بصیراً.. ألقیه علی وجهه فارتد بصیراً

ضمیر «ه» در «ألقاه» به قمیص باز می گردد و مراد از ضمیر در «وجهه» و «ارتد» یعقوب(ع) است و در مرجع ضمیر فاعلی «ألقى» دو نظر ابراز شده است: برخی گفته اند به «بشیر» باز می گردد و برخی مراد از آن را یعقوب(ع) دانسته اند.

8- ظهور کرامت و معجزه یوسف (ع) با شفا یافتن چشمان بی فروغ یعقوب (ع) به وسیله پیراهن او

ألقیه علی وجهه فارتد بصیراً

## 11- تصرف در بینایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 44 - 8، 4، 1

1 - خداوند به هنگام رویارویی و شروع جنگ بدر، هر یک از دو سپاه ایمان و کفر را در نظر دیگری اندک نمایان ساخت.

و إذ یریکموهم إذالتقیم فی أعینکم قلیلا

4 - وقوع جنگ بدر با فرجام پیروزی مسلمانان در آن نبرد، هدف از تصرف خداوند در دید هر یک از دو سپاه و کم نمایاندن هر یک در نظر دیگری

و إذ یریکموهم إذالتقیم فی أعینکم قلیلا.. لیقضی الله أمران مفعولا

8 - کم نمایاندن هر یک از دو سپاه در جنگ بدر در نظر یکدیگر، امری شایسته و بایسته به یاد داشتن

و إذ یریکموهم إذالتقیم فی أعینکم قلیلا و یقللکم فی أعینهم

برداشت فوق مبتنی بر این است که «إذا» مفعول برای فعل مقدر «اذکروا» باشد.

## 12- خطای بینایی ملکه سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 44 - 5، 4، 2

2 - جلوه نمودن صحن بلورین قصر سلیمان به شکل آبیگری ژرف در نظر بلقیس

فلما رأته حسبته لجه

«لجه» معادل برکه، آبگیر و استخری است که آب زیادی در آن ایستاده باشد. بر این اساس معنای آیه چنین می شود: چون نگاه بلقیس به صحن افتاد، گمان کرد که آبگیری است پر از آب.

4- بلقیس، برای عبور از آبگینه های آب نما، دامن برکشید و ساق های پایش نمایان شد.

فلما رأته حسبته لجه و كشفت عن ساقیها

5- سلیمان (ع)، ناظر عکس العمل بلقیس، در مواجهه با آبگینه های آب نما

و كشفت عن ساقیها قال إنه صرح

مراد از ضمیر فاعل در «قال» سلیمان(ع) می باشد.

ص: 150

### 13- رفع خطای بینایی ملکه سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 44 - 6

6 - اقدام سلیمان (ع) به تصحیح خطای دید بلقیس در آب پنداشتن شیشه های مفروش

حسبته لجه . . . قال إنه صرح ممرّد من قواریر

### 14- زمینه بینایی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 86 - 7

7 - بینایی انسان در پرتو وجود روز ، نشانه ای از تدبیر خدای جهان

و النهار مبصرًا إنّ فی ذلک لآیت

وصف «مبصرًا» گرچه از نظر لفظ برای «نهار» آمده است؛ اما در حقیقت وصفی است برای انسان که در پرتو روشنی روز، قادر به دیدن اشیا می باشد.

### 15- سلب بینایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 46 - 3،5

3 - توانایی خداوند بر گرفتن قوه شنوایی و بینایی و از کار انداختن قوه درک انسان

إن أخذ الله سمعکم وأبصرکم و ختم علی قلوبکم

5 - اگر خداوند نعمت بینایی، شنوایی و ادراکی انسان را سلب کند، معبودهای باطل قدرت بازگرداندن آنها را ندارند.

إن أخذ الله سمعکم . . . من إله غیر الله یأتیکم به

### 16- شگفتی بینایی اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1- کافران در قیامت و به هنگام حضور در پیشگاه خداوند، شنوایی و بینایی اعجاب برانگیزی برخوردار خواهند بود.

أسمع بهم و أبصر يوم يأتوننا

«أسمع بهم» و «أبصر» صیغه های تعجب هستند، یعنی چقدر شنوا و بینا هستند!؟.

ص: 151

## 17- قدرت بینایی شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 27 - 13

13 - انسان در معرض دید شیاطین است و آنان از چشم آدمیان نهانند.

إنه یریکم هو و قبیلہ من حیث لا ترونہم

## 18- محدودیت بینایی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 27 - 13

13 - انسان در معرض دید شیاطین است و آنان از چشم آدمیان نهانند.

إنه یریکم هو و قبیلہ من حیث لا ترونہم

## 19- محدودیت بینایی شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 27 - 13

13 - انسان در معرض دید شیاطین است و آنان از چشم آدمیان نهانند.

إنه یریکم هو و قبیلہ من حیث لا ترونہم

## 20- مرکز بینایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 46 - 12

12 - قلب ، مرکز آگاهی ، شنوایی و بینایی انسان

فانہا لاتعمی الأبصر و لكن تعمی القلوب التی فی الصدور

## 21- منشأ بینایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 78 - 1

1 - دستگاه شنوایی ، بینایی و قوه تعقل در انسان ، جلوه هایی از تدبیر و ربوبیت خداوند

و هو الذى أنشأ لكم السمع و الأبصر و الأفئده

«فواد» (جمع «أفئده») به معنای دل (قوه ادراک و تعقل) است.

ص: 152

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 9 - 11

11 - قدرت شنوایی و بینایی و درک انسان ، از روح او است .

نفخ فيه من روحه و جعل لكم السمع و الأبصر و الأفئده

التفات از غیبت به خطاب، در آیه می تواند به این جهت باشد که پس از دمیده شدن روح، انسان، لایق خطاب می شود و این حکایت کننده آن است که روح، چنین توانی را برای انسان ایجاد می کند.

## 22- منشأ نعمت بینایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 46 - 6

6 - تنها خداوند یکتا، قادر بر بازگرداندن و اعطای شنوایی، بینایی و ادراک به انسان است.

إن أخذ الله سمعكم . . . من إله غير الله يأتيكم به

## 23- نعمت بینایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 46 - 4

4 - شنوایی، بینایی و عقل و درک آدمی، از مهمترین نعمتهای الهی در وجود انسان

إن أخذ الله سمعكم و أبصرکم و ختم علی قلوبکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 78 - 5

5- شنوایی ، بینایی و قلب ( قدرت ادراک ) ، از مهم ترین نعمت های خداوند به انسان

و الله أخرجکم . . . و جعل لكم السمع و الأبصر و الأفئده

برداشت فوق، از آن جاست که آیه شریفه علاوه بر بیان آیات قدرت الهی، در صدد برشمردن نعمتهای الهی و در مقام امتنان است.

7- بهره نگرفتن صحیح از نعمت شنوایی، بینایی و قلب برای شناخت حق، باعث مسؤولیت انسان نزد خداوند است.

ولا تفتف... إن السمع... کان عنه مسئولاً

خداوند، به منظور دور کردن انسانها از حرکت‌های غیر علمی، به آنان نعمت شنوایی، بینایی و قلب را یادآور شده است تا آنان، با بهره‌گیری صحیح از آن، به یقین دست یافته و بر اساس آن، حکم کرده و عمل نمایند.



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 78 - 4

4 - نیروی شنوایی ، بینایی و ادراکی انسان ، نعمت هایی الهی و در خور شکر و سپاس گزاری

و هو الذی أنشأ لکم . . . قليلاً ما تشكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 23 - 3,5,7,8,9

3 - پیدایش بشر و نعمت های نهفته در وجود او ( قدرت شنوایی ، بینایی و تعقل ) ، نشانه و جلوه قدرت خدای رحمان

الرحمن . . . هو الذی أنشأکم و جعل لکم السمع و الأبصر و الأفئده

5 - قدرت شنوایی ، بینایی و تعقل ، از نعمت های الهی و در خور شکر و سپاس

و جعل لکم السمع و الأبصر و الأفئده قليلاً ما تشكرون

7 - استفاده بهینه نکردن کافران تکذیب گر از نعمت شنوایی ، بینایی و تعقل

و جعل لکم السمع و الأبصر و الأفئده قليلاً ما تشكرون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که شکر نکردن انسان ها در برابر نعمت ها ، به معنای استفاده صحیح نکردن از آنها است .

8 - ناسپاسی بسیار انسان ها ، در برابر نعمت شنوایی ، بینایی و تعقل

و جعل لکم السمع و الأبصر و الأفئده

9 - کافران لجوج و دین گریز ، مردمی ناسپاس بوده و از نعمت شنوایی ، بینایی و تعقل بهره کافی نبرده اند .

و جعل لکم السمع و الأبصر و الأفئده قليلاً ما تشكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 17 - 4

4 - ایمان به آیات الهی ، سفارش یکدیگر به استقامت در تکالیف دشوار و اظهار محبت به بردگان ، یتیمان و تنگدستان ، قدردانی از نعمت های بینایی ، گویایی و هدایت است .

ألم نجعل له عينين . ولساناً وشفقتين . وهدينه النجدين ... ثمّ كان من الذين ءام

«الذين آمنوا» گرچه مطلق است؛ ولی مصداق بارز آنها - به قرینه «و الذين كفروا بآياتنا» در آیات بعد - مؤمنان به آیات الهی است و آیات پیشین - که بعضی از تکالیف را «عقبه» نامیده بود - قرینه بر مراد از «صبر» است و سیاق آیات نشان می دهد که مراد از «مرحمه»، ترحم بر «رقبه»، «یتیم» و «مسکین» است. ارتباط این آیات با آیه های پیشین - که نعمت های الهی را برشمرده - گویای برداشت یاد شده است؛ زیرا «بینایی و بصیرت»، زمینه ساز «ایمان» و «داشتن زبان و لب»، زمینه ساز توصیه است.

#### 24- نقش بینایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 31 - 21

21- قوای ادراکی بشر، تحت تأثیر مشاهده اوج زیبایی و جلوه های جمال، کارآیی خود را از دست می دهد.

ص: 154

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 78 - 7

7- حس و تجربه ( شنیدن و دیدن ) ، زمینه شکوفایی ادراک و دانش های بشر \*

و جعل لكم السمع و الأبصر و الأفئدة

این برداشت بدان احتمال است که تقدم «السمع و الأبصار» بر «الأفئدة» اشاره به مطلب مذکور داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 26 - 5

5- بینایی ، شنوایی و نیروی ادراک ، از پایه های مهم شناخت

و جعلنا لهم سمعًا و أبصرًا و أفئدة فما أغنى عنهم

در آیه شریفه «سمع»، «أبصار» و «أفئدة» عواملی کافی برای رهیابی انسان به حقایق معرفی شده است و قوم عاد به خاطر بهره نگرفتن از آنها، مورد سرزنش قرار گرفته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 2 - 10

10 - شنوایی و بینایی ، دو ابزار اصلی بشر برای معرفت حقایق

نبتلیه فجعلنه سمیعًا بصیرًا

سمیع و بصیر قرار داده شدن بشر در آستانه آزمایش او، می تواند به این دلیل باشد که آزمایش، نیاز به شناخت مواد آزمون و راه های قبولی آن دارد. از این رو خداوند، به بشر دو ابزار شناخت (قدرت شنوایی و بینایی) عطا فرموده است تا به این معرفت دست یازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 3 - 6

6 - قدرت شنوایی و بینایی ، دو ابزار لازم برای هدایت

فجعلنه سميعًا بصيرًا . إنا هدينه السبيل

ص: 155

### 1- آثار اخروی بینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 68 - 4

4 نزدیک‌ی‌ها و جدایی‌ها در صحنه قیامت، بر اساسا سنخیت‌های فکری و عملی خواهد بود.

لنحشرنهم والشیطن ثم لنحضرنهم

پیوستن منکران معاد به صف شیاطین در قیامت، به جهت سنخیتی است که در این از نظر فکری و عملی، در بین این دو طائفه به وجود آمده است. ذکر شیاطین در این آیه، برای بیان همین سنخیت و نتیجه‌ای است که از آن در صحنه قیامت بروز می‌کند.

### 2- آثار بینش باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 6 - 5

5- نارسایی‌های معنوی و باورهای نادرست، مانع درس آموزی انسان از الگوهای شایسته

أسوه حسنه لمن كان یرجوا الله و الیوم الآخر

تصریح به «لمن كان یرجوا..» در حقیقت می‌رساند که هر چند ابراهیم(ع)، الگویی برای همگان است؛ اما تنها کسانی از این الگو درس می‌گیرند که از روح معنویت (امید به رحمت حق) و ایمان به قیامت برخوردار باشند و اشخاصی که چنین نباشند؛ بهره‌ای نخواهند برد.

### 3- آثار بینش صحیح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 40 - 14

14 - ترک رفتار زشت و انجام عمل صالح، نتیجه درک صحیح از زندگی دنیایی و حیات اخروی

إنما هذه الحیوه الدنیا متع... من عمل سیئه... و من عمل صلحًا... فأولئك

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که مؤمن آل فرعون، در آغاز حقیقت دنیا و آخرت را به مردم شناساند آن گاه از آنان

خواست تا رفتار زشت را رها کرده و به عمل صالح روی آورند.

#### 4- آثار بیش طبقاتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 111 - 5

5- اشرافیت و بیش غلط طبقاتی ، مانع از ایمان آوردن به پیامبران

قالوا أنؤمن لك و اتبعك الأردلون

#### 5- آثار بیش غلط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 37 - 8

8- پایه های غرور ، بنا شده بر سراب پندار های بی اساس

و لاتمش فی الأرض مرحًا إنك لن تخرق الأرض و لن تبلغ الجبال طولاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 111 - 5

5- اشرافیت و بیش غلط طبقاتی ، مانع از ایمان آوردن به پیامبران

قالوا أنؤمن لك و اتبعك الأردلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 39 - 8

8- تصویر نادرست از زندگی دنیایی و اخروی ، منشأ اصلی انحراف ها ، خودکامگی ها و حق ستیزی ها است .

يقوم . . . و إنّ الآخره هی دار القرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 12 - 12

12 - پندارها و نگرش های غلط ، تباه کننده شخصیت و ارج انسانی

و ظننتم ظنّ السوء و کنتم قومًا بورًا

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که ظن سوء، زمینه جمله بعد باشد؛ یعنی، از آن زمان که بدگمان شدید به فساد و تباهی کشیده شدید.

ص: 157

## 6- ارزش بینش الهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 28 - 2

2 - تقلید از سنتهای زشت پیشینیان، امری نکوهیده در بینش الهی

و إذا فعلوا فحشه قالوا وجدنا علیها ءاباءنا

## 7- بی ارزشی بینش هواپرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 28 - 31

31- آرا و پیشنهاد های هواپرستان، بی ارزش، و اطاعت از آن ناروا است.

و لاتطع من ... اتبع هویه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 29 - 4

4- تنها راه شناخت شیوه برخورد با مؤمنان تهیدست، وحی الهی است نه آرای هواپرستان غافل از خداوند

و لاتطع من ... وقل الحق من ربکم

## 8- بینش آخرت طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 79 - 13

13 - قدرت و ثروت در نگاه مؤمنان آخرت جو، ملاک ارزش و معیار اصلی بهره مندی و خوشبختی نیست.

قال الذین یریدون الحیوه الدنیا یلیت لنا مثل ما أوتی قرون إته لذو حظّ عظیم

تعبیر «قال الذین یریدون الحیاه الدنیا» می رساند که این گفته، تنها مربوط به دنیا طلبان سست ایمان است؛ نه مؤمنان آخرت جو.

## 9- بینش آزر



12- آزر، گرایش خویش به بت پرستی را گرایشی عالمانه می پنداشت .

إِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ

از تعبیر «ما لم یأتک» معلوم می شود که ابراهیم(ع) در صدد بوده، آزر را به محرومیت از علم واقف سازد، این برخورد گویای مواجه شدن ابراهیم(ع) با کسی است که از جهل خویش بی خبر است و خود را آگاه می پندارد.

## 10- بینش آسیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 9 - 8

8- از دیدگاه آسیه ، نگه داری موسی (ع) پرکننده خلأ بی فرزندی ، مایه روشنی دیدگان و ارمغان آور سرور و شادمانی برای وی و فرعون بود .

وقالت .. قرّت عین لی و لک ... عسی أن ینفعنا أو نتّخذہ ولداً

## 11- بینش آل یعقوب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 95 - 1

1- بستگان یعقوب باور به زنده بودن یوسف (ع) را خطای دیرینه یعقوب (ع) و اصرار بر آن را برخاسته از کژاندیشی می شمردند .

إنک لفی ضللک القدیم

مقصود فرزندان و بستگان یعقوب از خطای دیرینه وی (ضلالک القدیم) می تواند اعتقاد او به زنده بودن یوسف (ع) و یا برتر دانستن وی بر دیگر فرزندان باشد. هر چند بعید نیست که هر دو معنا نیز مراد باشد.

## 12- بینش ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 126 - 4

4- ابراهیم (ع) ، کفرپیشگان مکه را شایسته بهره مند شدن از روزی های الهی نمی دانست .

و ارزق .. من ءامن منهم باللّٰه و الیوم الآخر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 36 - 1

1- از دیدگاه حضرت ابراهیم (ع) ، بت ها و بت پرستان عامل گمراهی بسیاری از مردم در عصر او بودند .

اجنبی و بنی أن نعبد الأصنام . ربّ إتهنّ أضللن کثیراً من الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 47 - 20

20- حضرت ابراهیم (ع)، لطف و عنایت ویژه خداوند به خود را، پشتوانه پذیرش استغفار خود می دانست .

سأستغفر لك ربِّي إنَّه كان بي حفيئًا

ص: 159

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 48 - 1

1- ابراهیم (ع)، زندگی در میان هم کیشان آزر را هم سان زندگی در خانه او، مانعی در راه خداپرستی خویش دیده و از همه آنها کناره گیری کرد.

و أعتزلکم و ما تدعون من دون الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 75 - 3

3 - لزوم استوار بودن باور های دینی بر دلایل عقلی و نه بر تقلید و سنت مَلّی، در بینش ابراهیم (ع)

قال أفرءیتم ما کنتم تعبدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 77 - 1

1 - بت و بت پرستی، دشمن اندیشه، سعادت و تکامل انسان در دیدگاه حضرت ابراهیم (ع)

فإنّهم عدوّ لی

ضمیر «هم» در «فإنّهم» به «أصنام» بازمی گردد.

### 13- بینش ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 33 - 4,5

4- ابلیس، با توجه به ماده اولیه خلقت انسان، او را شایسته مسجود شدن موجودی چون خود نمی دید.

قال لم أکن لأسجد لبشر خلقته من صلصل من حمأ مسنون

تعبیر «لم أکن لأسجد» به جای «لاأسجد» یا «لستأسجد»، می تواند بیانگر این نکته باشد که شیطان، مقام خود را برتر از آدم(ع) می دید.

5- ابلیس ، ضمن تحقیر آدم (ع) خود را دارای مقامی برتر از او می دانست .

قال لم أكن لأسجد لبشر خلقتة من صلصل من حما مسنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 39 - 1،4

1- ابلیس ، گمراه شدن خود از سوی خداوند را ، عامل زیبا نمایاندن زشتی ها و به گمراهی کشاندن همه انسان ها معرفی کرد .

قال ربّ بما أغويتني لأزيننّ لهم في الأرض و لأغوينهم أجمعين

«با» در «بما» بای سببیه است.

4- ابلیس گمراه شدن خود را ، نتیجه فرمان خداوند به سجده بر آدم (ع) می دانست .

ص: 160

فسجد الملائكة كلهم .. إلا إبليس أبى ... قال فاخرج منها فإنك رجيم ... قال رب

در اینکه مقصود ابلیس از اغوا شدنش توسط خداوند چیست؟ چند نظریه وجود دارد: یکی از آنها این است که چون خداوند، ابلیس را با فرمان سجده بر آدم (ع) مورد آزمایش قرار داد، او در این امتحان مردود شد و این مردود شدن نیز موجب لعن و طرد وی شد؛ لذا همین طرد و لعن - در نظر ابلیس - نوعی گمراهی تلقی گردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 61 - 12، 7

7- ابلیس ، موجود خلق شده از گل را از جنس خود پست تر و کم ارزش تر می دانست .

ءأسجد لمن خلقت طيناً

12- ابلیس ، ملاک ارزش را در نژاد و عنصر مادی می داند .

ءأسجد لمن خلقت طيناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 62 - 6

6- پندار ابلیس در بی توجهی خداوند به ضعف ها و آسیب پذیری های آدم و نسلش ، عامل اعتراض وی به تکریم آدم از سوی خداوند \*

أرءیتك الذی كرمت علیّ لئن أآخرتن إلی یوم القیمه لأحتنكنّ ذرّیته

ذکر «لئن أآخرتن .. لأحتنكنّ ...» پس از اعتراض به تکریم انسان، می تواند به منظور برشمردن آسیب پذیری، ضعف آدمیان و عدم صلاحیت آنان برای تکریم باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 20 - 3

3 - با پیروی مردم از ابلیس ، او گمان و حدسش را درباره اغوای مردم تحقق یافته دید .

ولقد صدق علیهم إبلیس ظنّه فاتّبعوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 76 - 12، 11

11 - ابلیس، فرمان خداوند به سجده بر آدم (ع) را، فرمانی نابه جا و برخلاف منطق و حکمت دانست .

فَقَعُوا لَهُ سَجْدِينَ . . . إِلَّا ابْلِيسَ اسْتَكْبَرَ . . . قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْ خَلْقَتِنِي مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ

از این که ابلیس، بر به جا بودن سرپیچی اش از فرمان سجده بر آدم دلیل آورده است، می توان مطلب یاد شده را به دست آورد.

12 - ابلیس خود را از مهتران و از موجودات بلندمرتبه و برتر از آدم (ع) می دانست .

أَسْتَكْبَرْتُ أُمُّ كُنْتُ مِنَ الْعَالِينَ . قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْ خَلْقَتِنِي مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که ابلیس در پاسخ به سؤال خداوند که: «تو متکبری یا از مهتران و عالی رتبه گانی؟» خود را از مهتران و برتر از آدم معرفی کرد.

ص: 161

#### 14- بینش ابولهب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مسد - 111 - 2 - 2

2 - ابولهب ، ثروت و موقعیت های اکتسابی خویش را ، نجات بخش از تهدید های الهی می دانست .

ما أغنی عنه ماله و ما کسب

#### 15- بینش اخروی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 125 - 11 ، 8

8 - حاضران صحنه قیامت ، خداوند را محشور کننده انسان ها و اختیاردار قوای درک و فهم آنان می دانند .

لم حشرتی أعمی

11 - در دیدگاه حاضران صحنه قیامت بدن انسان در آن جا ، باید با بدنی دنیایی او هماهنگ باشد .

لم حشرتی أعمی و قد کنت بصیراً

#### 16- بینش اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 102 - 18

18 - اسماعیل (ع) صبر و شکیبایی خود را در قربانی شدن به دست پدر ، منوط به مشیت خدا دانست .

یأبت افعل ما تؤمر ستجدنی إن شاء الله من الصبرین

#### 17- بینش اشراف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 33 - 11 ، 10

10 - بشر بودن و خوردن و آشامیدن همانند انسان ها ، مانع از رسالت در نظر اشراف و عناصر مرفه



ما هذا إلا بشر مثلكم يأكل ممّا تاكلون منه و يشرب ممّا تشربون

11 - توجه اشراف به خوردن و آشامیدن و غفلت آنان از فضایل علمی و معنوی مردان الهی

ما هذا إلا بشر . . . و يشرب ممّا تشربون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 34 - 3

2 - پیروی از پیامبر ، کاری زیانبار در بینش اشراف و عناصر رفاه زده

و لئن أطعتم . . . إنکم إذا لخرسون

ص: 162

3 - اعتقاد اشراف به لزوم برتری پیامبر بر مردم و داشتن جنسیتی غیر بشری

و لئن أطعتم بشرًا مثلكم إنكم إذا لخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 35 - 2

2 - تبدیل دوباره خاک و استخوان به شکل انسان و دمیده شدن حیات در آن ، امری غیر قابل قبول برای اشراف کفر پیشه

ایعدکم .. انکم مخرجون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 37 - 3

3 - دنیا و صحنه آمد و شد نسل ها و آفرینش آنها ، فاقد کمترین هدف و فرجام در بینش اشراف و مرفهان کفر پیشه

نموت و نحیا

مقصود از «نموت و نحیا» (می میریم و زنده می شویم) این است که نسلی می میرد و نسلی پدید می آید.

### 18- بینش اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 78 - 8

8 - فرعون و اطرافیانش ، قدرت و مکت خود را ، در دفاع از آیین نیاکانشان می دانستند .

قالوا أجبنا لتلفتنا عما وجدنا عليه آباءنا و تكون لكما الكبرياء فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 47 - 1

1 - فرعون و اشراف دربار او ، منکر صلاحیت بشر برای دستیابی به مقام رسالت الهی

فقالوا أنؤمن لبشرین مثلنا

همزه در «أنؤمن» برای استفهام انکاری است. «قوم» به معنای طایفه و «عباده» (مصدر «عابدون») در این آیه، به معنای خدمت گذاری

است.

## 19- بینش اشراف قوم نمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 37 - 1

1 - در دیدگاه اشراف و عناصر مرفه جامعه پس از نوح، زندگی انسان محدود به زندگی دنیایی بود.

إن هی إلاّ حیاتنا الدنیا .. و ما نحن بمبعوثین

«بعث» (مصدر مجهول «مبعوثین») به معنای برانگیخته شدن است.

ص: 163

## 20- بینش اشراف قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 37 - 1

1- در دیدگاه اشراف و عناصر مرفه جامعه پس از نوح ، زندگی انسان محدود به زندگی دنیایی بود .

إن هي إلا حياتنا الدنيا .. و ما نحن بمبعوثين

«بعث» (مصدر مجهول «مبعوثين») به معنای بر انگیزخته شدن است.

## 21- بینش اشراف قوم فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 127 - 6

6- موسی (ع) و قوم او در پندار اشرافیان و فرعونیان ، مردمی فسادگر بودند .

أتذر موسى وقومه ليفسدوا في الأرض

## 22- بینش اشراف قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 60 - 2,3

2- اشراف و سرشناسان قوم نوح وی را در احاطه گمراهی های آشکار می پنداشتند .

قال الملائ من قومه إنا لنرىك في ضلل مبين

3- ایمان به یگانگی خداوند و لزوم پرستش او و باور به معاد ، پندارهایی باطل و واهی در دیدگاه اشراف قوم نوح

قال الملائ من قومه إنا لنرىك في ضلل مبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 27 - 11,12,13 - 2,6

2- سران کفرپیشه قوم نوح ، بشر را شایسته رسالت نمی پنداشتند .

فقال الملاً .. ما نریک إلا بشرًا مثلنا

6- توده های غیر مرفه ، مردمی پست و حقیر در دیدگاه اشراف قوم نوح

ما نریک اتباعک إلا الذین هم أراذلنا

أراذل (مفرد أراذل) به معنای پست و حقیر می باشد.

11- اشراف قوم نوح ، ایمان توده های مستضعف را ایمانی سطحی و برخاسته از خوش باوری و عدم تفکر می شمردند .

ما نریک اتباعک إلا الذین هم أراذلنا بادی الرأی

«بادی» از «بدو» و به معنای ظاهر است. «ظاهر الرأی»؛ یعنی، دید سطحی و اندیشه خالی از تفکر و تأمل. «بادی الرأی» می تواند ظرف برای «اتبعک» باشد. براین اساس معنای جمله «مانریک ...» چنین است: می بینیم که أراذل از تو پیروی

ص: 164

کرده اند و پیروی آنان سطحی و بدون تأمل در درستی و نادرستی ادعای تو بوده است.

12- حقارت و پستی مؤمنان به نوح (ع) ، امری آشکار و روشن در نظر اشراف و سران قوم نوح

ما نریک اتبعک إلا الذین هم أراذلنا بادی الرأی

برداشت فوق، براساس این احتمال است که «بادی الرأی» ظرف برای مضمون جمله «هم أراذلنا» باشد؛ یعنی ، در یک نگاه ظاهری می توان دریافت که پیروان تو، مردمی پست و حقیرند.

13- اشراف و سران قوم نوح ، با این پندار که او و پیروانش هیچ مزیت و فضیلتی بر آنان ندارند ، ادعاهایشان را شایسته پذیرش نمی شمردند .

و ما نری لکم علینا من فضل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 28 - 12

12- اشراف و سران قوم نوح ، به معارف الهی تمایلی نشان نمی دادند و از آن بیزار و متنفر بودند .

و أنتم لها کرهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 29 - 3

3- دستیابی به مال و دارایی مردم به بهانه پیامبری ، تحلیل نابخردانه سران و اشراف قوم نوح از ادعای نبوت و رسالت آن حضرت

و یقوم لأسئلكم علیه مالا

از اینکه نوح(ع) در پاسخ به قوم خویش ، مطرح می سازد که کمترین مالی از آنان مطالبه نمی کند ، معلوم می شود که کفرپیشگان چنین اتهامی را متوجه او کرده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 31 - 2,9,10

2- اشراف و سران قوم نوح ، او را به دلیل ملک نبودن و دسترسی نداشتن به گنجینه های هستی و نداشتن علم غیب ، لایق مقام پیامبری نمی دانستند .

و لا أقول لكم عندي خزائن الله . . . و لا أقول إني ملك

به نظر می رسد جمله های «لا أقول لكم . . .» ناظر به «ما نرى لكم علينا من فضل» باشد و لذا اشاره به انتظارات نابه جای قوم نوح، از مدعیان نبوت دارد.

9- تهی دستان و مستضعفان جامعه، در نظر ظاهر بین اشراف قوم نوح، مردمی پست و حقیر

و لا أقول للذين تزدرى أعينكم لن يؤتيهم الله خيراً

إزدراء (مصدر تزدرى) به معنای حقیر شمردن و ناقص و معیوب دانستن است (لسان العرب). مفعول «تزدرى» ضمیر محذوفی است که به «الذين» برمی گردد و مراد از آن، پیروان حضرت نوح می باشد. یعنی «الذين تزدریهم أعینکم» (آنان که چشمان شما ایشان را حقیر و ناقص و معیوب می بیند). اسناد «تزدرى» به «أعینکم» اشاره به ظاهربینی اشراف و سران دارد.

10- سران و اشراف قوم نوح، محرومان و مستضعفان را، ناتوان از رسیدن به خیر و نیکی می پنداشتند .

لا أقول للذين تزدرى أعينكم لن يؤتيهم الله خيراً

ص: 165

جمله «لن يؤتاهم الله خيراً» بیان اندیشه سران و اشراف قوم نوح درباره محرومان و تهی دستان جامعه است. این جمله با توجه به کلمه «لن» حکایت از آن دارد که: اشراف دستیابی محرومان را به خیر و نیکی، نامحتمل می دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 24 - 14، 9، 7

7 - اعتقاد اشراف قوم نوح، به عدم صلاحیت بشر برای رسالت الهی

فقال الملوأ... ما هذا إلا بشر مثلكم

9 - تنها فرشتگان، شایسته رسالت الهی در بینش اشراف کافر قوم نوح

و لو شاء الله لأنزل ملئكة

«مشیه» (مصدر «شاء») به معنای خواستن و اراده کردن و «إنزال» (مصدر «أنزل») به معنای فرو فرستادن است. «ملائکه»، جمع «ملک» (فرشتگان) می باشد؛ یعنی: «اگر خدا می خواست، قطعاً فرشتگانی فرو می فرستاد».

14 - اشراف مرتجع قوم نوح، مدافع وضع موجود و مخالف دگرگونی و تحول

فقال الملوأ... ما سمعنا بهذا في ابائنا الأولين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 111 - 9

9 - برخورداری از امکانات مالی و اعتبار اجتماعی، معیار ارزش افراد در نگاه اشراف جامعه نوح

قالوا أنؤمن لك و اتبعك الأردلون

### 23- بینش اشراف مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 124 - 4

4 - سردمداران مشرکان مکه خود را همشأن پیامبر (صلی الله علیه و آله) در استحقاق نزول وحی و کتاب آسمانی می دانستند.

أكبر مجرميها... لن نؤمن حتى تؤتي مثل ما أوتي رسل الله

### 24- بینش اصحاب اخدود



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 7 - 3

3 - در دیدگاه اصحاب اخدود ، ایمان مردم ، جرمی سنگین و موجب کیفر سوزاندن بود .

ما يفعلون بالمؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 8 - 1،7

1 - اصحاب اخدود ، جز ایمان به خداوند ، هیچ یک از ویژگی های مؤمنان را ناپسند نمی شمردند .

ص: 166

و ما نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا

فعل «نَقَمَ»؛ یعنی، چیزی را به شدت ناپسند شمرد. (لسان العرب)

7- در دیدگاه اصحاب اخدود، ایمان به خداوند جرمی سنگین و غیر قابل گذشت بود.

و ما نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ

## 25- بَیِّنَاتُ أَصْحَابِ الْاَیْکَةِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 186 - 2

2- بشر بودن، مانع رسالت و پیامبری در دید مردم آیکه

و ما أنت إلا بشر مثلنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 187 - 3

3- فرو ریختن قطعات آسمانی، امری خارج از قلمرو قدرت شعیب (ع) در پندار مردم آیکه

فَأَسْقِطْ عَلَيْنَا كِسْفًا مِنَ السَّمَاءِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ

## 26- بَیِّنَاتُ أَصْحَابِ الْكُهْفِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 10 - 6

6- اصحاب كهف، گروهی یکتاپرست و دارای معرفت به ربوبیت یگانه خدا

فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 16 - 8

8- اطمینان اصحاب كهف به برخورداری از رحمت الهی در صورت هجرت کردن از حاکمیت شرک و جامعه مشرک

فأَوْوُوا إِلَى الْكَهْفِ يَنْشُرْ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ

فعل «ینشر» در جواب امر قرار گرفته و جزا برای شرط مقدر است؛ یعنی «إِنْ تَأْوُوا إِلَى الْكَهْفِ يَنْشُرْ..» و مفاد آن، حتمی بودن نشرِ رحمت الهی در صورت هجرت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 19 - 5،9

5- خواب اصحاب كهف، در نظر گروهی از آنان، درنگی یک روزه، یا کمتر از آن بود.

قالوا لبثنا يوماً أو بعض يوم

حرف «أو» برای تردید است و منشأ تردید در «یوماً أو بعض يوم» این بود که گویندگان این سخن، با نگاه به جایگاه

ص: 167

خورشید، مردّد ماندند که: «آیا شبی بر آن ها گذشته و در نتیجه یک شبانه روز در خواب بودند، یا هنوز در همان روزی به سر می برند که در آن به خواب رفتند؟». براساس این تقریب، کلمه «یوماً» به معنای یک شبانه روز خواهد بود و به جز ساعات نزدیک غروب، هر لحظه ای از روز را می توان لحظه آغاز خواب آنان تصوّر کرد.

9- گروهی از اصحاب کهف، با اعتراف به ناتوانی خود از تشخیص مدّت خواب اندک بودن آن را احتمالی ناصحیح دانسته و گفتگو درباره خواب را بی ثمر خواندند و تنها خداوند را به زمان دقیق آن آگاه دانستند.

قالوا ربکم أعلم بما لبثتم

کلمه «ربکم» قرینه بر این است که گویندگان جمله «ربکم أعلم» افرادی غیر آن دسته بودند که گفتند: «لبثنا یوماً..» زیرا، در غیر این صورت، گفتن «ربنا» مناسب می نمود. آن ها، با بیان آگاهی خداوند، در حقیقت، همراهان خود را در حدس شان (لبثنا یوماً أو بعض یوم) تخطئه کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 20 - 1، 12

1- اصحاب کهف، خود را در صورت اسارت به دست کافران، محکوم به سنگ سار و یا مجبور به پذیرش آیین شرک می دیدند.

إِنَّمَا إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ أَوْ يُعِيدُوكُمْ فِي مِلَّتِهِمْ

«ملّه» به معنای دین و آیین است و جمله «یعيدوكم في ملتهم» یعنی: شما را به دین و آیین خود، برمی گردانند.

12- اصحاب کهف، ارتداد و پذیرش دوباره شرک را، گناهی بزرگ و مانع سعادت جاودان خود می دانستند.

أَوْ يُعِيدُوكُمْ فِي مِلَّتِهِمْ وَلَنْ تُفْلِحُوا إِذًا أَبَدًا

## 27- بینش اعراب جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 9 - 2

2 - دختر بودن فرزند - در دیدگاه برخی از اعراب جاهلی - موجب استحقاق قتل بود.

بأی ذنب قتلت

## 28- بینش اعراب دوران بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - بردگان، در دید اعراب عصر بعثت، فاقد هرگونه هویت و ارزش بودند.

هل لكم... تخافونهم كخيفتكم أنفسكم

از این که مشرکان، از ناحیه بردگان خویش، یا احساس نگرانی نداشتند و یا چندان قابل توجه نبود، استفاده می شود که آنان را دارای قدر و منزلت نمی دانستند.

ص: 168

## 29- بینش اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 10 - 26، 22، 20

20- اقوام کافر گذشته ، انبیا را فاقد ویژگی ای می دانستند که پیروی از آنان را ایجاب کند .

قالوا إن أتمم إلا بشر مثلنا

کافران در جواب انبیا، آنان را انسانهایی مانند خود می دانستند و با این مطلب، درصدد بیان این نکته بودند که انبیا، موجوداتی برتر از آنها نبوده و در نتیجه ویژگی لازم را برای پیامبری ندارند.

22- اقوام کافر گذشته ، دعوت انبیا را به خداپرستی تلاشی برای خارج کردن معبودهایشان از صحنه می دانستند و با آن به مخالفت بر می خاستند .

تریدون أن تصدّونا عمّا كان يعبد ءاباؤنا

26- تداول و تداوم عقیده ای در میان چند نسل ، دلیل قابل قبول بودن آن از دیدگاه کافران اقوام پیشین

تریدون أن تصدّونا عمّا كان يعبد ءاباؤنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 11 - 1

1- انبیا در مقابل اقوام کافر که بشر بودن را با مقام پیامبری منافی می دانستند ، بر بشر بودن خود تأکید می کردند و عدم تنافی آن را با مقام نبوت اعلام می داشتند .

قالوا إن أتمم إلا بشر مثلنا .. قالت لهم رسلهم إن نحن إلا بشر مثلکم و لکنّ ا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 13 - 5

5- اقوام کافر ، عقاید خود را آیین و شریعتی قابل پیروی می دانستند .

أو لتعودنّ فی ملّتنا

## 30- بینش انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 129 - 9

9 - آموزش کتاب آسمانی؛ یادگیری حکمت، احکام و معارف الهی و زدودن آلودگی‌ها و ناپاکی‌ها از خویشتن، دارای جایگاهی رفیع و ارجمند در دیدگاه پیامبران الهی

ربنا وابعث فيهم رسولا منهم يتلوا... يزكّهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 11 - 11، 5

5- انبیای الهی، برگزیدگی خویش را از سوی خداوند به مقام پیامبری، نعمتی بزرگ از سوی او بر خود می دانستند.

ولكّنّ الله یمنّ علی من یشاء من عباده

ص: 169

11- انبیا در مقابل درخواست معجزه از سوی اقوام کفرپیشه ، خود را جز به اذن خداوند ، فاقد توانایی لازم برای آن می دانستند .

و ما كان لنا أن نأتیکم بسلطن إلا یاذن الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- ابراهیم - 14 - 12 - 3

3- همه انبیا خود را مدیون هدایت خاص خداوند می دانستند .

وقد هدینا سبلنا

### 31- بینش انبیای انطاکیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - 19 - 36 - 1

1 - پیامبران مردم انطاکیه ، بدبختی و زندگی شوم آنان را ناشی از عمل کرد خود مردم دانستند ، نه ناشی از تذکرات شان به آنان

قالوا طئركم معكم أنن ذکرتم

همزه در جمله «أنن ذکرتم» برای استفهام است و فعل مجزوم «ذُکِّرَ» فعل شرطی است که خبر آن مقدر می باشد و تقدیر آن، یا «أتسأمون بالتذکر إن ذکرتم» و یا «أتتوعدون إن ذکرتم» است. برداشت یاد شده براساس تقدیر نخست می باشد.

### 32- بینش انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - 7 - 96 - 5

5 - بینش انسان ، رفتار ساز و شکل دهنده کردار او است .

لیطغی . أن رءاء استغنی

### 33- بینش انسان کامل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 73 - 5



5- اولیای خداوند و افراد کامل ، خطای خود را در صورت فراموشی نیز مایه استحقاق مؤاخذه می دانند .

لاتواخذنی بما نسیت

در خواست موسی از خضر(ع) مبنی بر مؤاخذه نشدن، دال بر آن است که خطا، حتی در صورت نسیان نیز قابلیت مؤاخذه دارد.

ص: 170

### 34- بینش انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 49 - 11

11 - انسان ها ، آسودگی و برخورداری از نعمت ها را ، نتیجه دانش و تلاش خود می دانند .

ثم إذا خولنه نعمه متا قال إنما أوتيته على علم

### 35- بینش اولیاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 73 - 5

5- اولیای خداوند و افراد کامل ، خطای خود را در صورت فراموشی نیز مایه استحقاق مؤاخذه می دانند .

لاتؤاخذنی بما نسیت

در خواست موسی از خضر(ع) مبنی بر مؤاخذه نشدن، دال بر آن است که خطا، حتی در صورت نسیان نیز قابلیت مؤاخذه دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 95 - 4

4- مردان الهی ، در اوج قدرت و توانایی ، از خداوند و ولی نعمت خود غافل نیستند .

قال ما مکنّی فیه ربّی خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 15 - 6

6 - علم ، فضیلتی راستین در بینش مردان الهی

و لقد آتینا داود و سلیمان علماً و قالوا الحمد لله الذی فضّلنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 19 - 23

23 - شکوه و اقتدار مادی ، رنگ باخته و غیرقابل اتکا در مقایسه با مقام صالحان ، در نزد مردان الهی

و أَدْخَلَنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكِ الصَّالِحِينَ

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که سلیمان(ع) با داشتن همه امکانات، باز آرزوی مقام صالحان را داشت.

### **36- بئش اهالی جزیره العرب**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 171

11 - مکه ، مکانی مقدس و محترم برای مردم جزیره العرب

أولم نمکن لهم حرماً آمناً

مکه از آن جهت «حرم» نام گرفته که مورد حرمت و احترام مردم آن دیار بوده است.

### 37- بینش اهالی جزیره العرب و کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - حرمت و قداست کعبه در نزد مردم جزیره العرب مانع از تجاوز دیگران به مکه و برهم زدن امنیت و آرامش ساکنان آن

أولم نمکن لهم حرماً آمناً

### 38- بینش اهل انطاکیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - مردم انطاکیه ، پیامبران الهی را انسان هایی همانند خود می دانستند و هیچ برتری و امتیازی برای آنان قائل نبودند .

قالوا ما أنتم إلا بشر مثلنا

تصریح مردم انطاکیه به مثل و مانند خود بودن پیامبران، بیانگر نکته یاد شده است.

2 - مردم انطاکیه ، مسؤلیت پیامبری را در شأن انسان نمی دانستند و او را شایسته تلقی وحی از جانب خداوند نمی انگاشتند .

قالوا ما أنتم إلا بشر مثلنا

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، در مقام بیان علل و انگیزه های تکذیب رسولان الهی از جانب مردم است؛ همان طور که به این نکته در ذیل آیه تصریح شده است: «ما أنزل الرحمان من شیء إن أنتم إلا تكذبون».

3 - انسان بودن ، دلیل رد رسالت رسولان و نادرستی ادعا های آنان ، در دیدگاه مردم انطاکیه

قالوا ما أنتم إلا بشر مثلنا

5- مردم انطاکیه ، نزول چیزی را از ناحیه خداوند رحمان برای عالم دنیا و پدیده های آن ( انسان و . . . ) ، ممکن نمی دانستند .

و ما أنزل الرحمن من شیء

6- مردم انطاکیه ، نزول وحی و آمدن پیامی از جانب خدای رحمان بر پیامبران فرستاده شده به سوی خویش را ، انکار می کردند .

و ما أنزل الرحمن من شیء

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که چون آیه شریفه در مقام بیان علت انکار وحی از سوی کافران است، مقصود از «شیء» همان وحی خواهد بود.

9- فرستادن پیامبران ، همراه با پیام تکلیف آفرین ، مخالف رحمانیت خداوند در دیدگاه مردم انطاکیه بود .

و ما أنزل الرحمن من شیء

ص: 172

برخی از مفسران برآنند که ذکر رحمانیت خداوند از سوی مردم انطاکیه، می تواند به این جهت باشد که آنان، فرستادن پیامبر را ناسازگار با رحمانیت خدا می پنداشتند؛ زیرا آمدن پیامبران نوعاً همراه با تکلیف بوده و آنان این کار را با رحمانیت خدا ناسازگار می دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 18 - 3

1 - مردم انطاکیه ، آمدن پیامبران را برای خود به فال بد گرفته و وجودشان را مایه شرّ و بدبختی می پنداشتند .

قالوا إنا تطيرنا بكم

مقصود از «بکم» می تواند وجود خود پیامبران و یا دعوت و پیام آنان باشد. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

3 - مردم انطاکیه ، دعوت و پیام پیامبران را به فال بد گرفته و آن را مایه شرّ و بدبختی خود می دانستند .

قالوا إنا تطيرنا بكم

### 39- بینش اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 109 - 10,11

10 - تلاش تبلیغاتی اهل کتاب علیه اسلام و مسلمانان ، حتی در دیدگاه خودشان نیز ریشه مکتبی و دینی نداشت . \*

وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ .. . مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ

برداشت فوق مبتنی بر این است که «من عند أنفسهم» متعلق به «وَدَّ كَثِيرًا» باشد؛ یعنی، اهل کتاب از پیش خود و نه از روی احساس مسؤولیت دینی، در صدد بازگرداندن مسلمانان از اسلام بودند.

11 - ایمان به پیامبر (صلی الله علیه و آله) حتی در دیدگاه اهل کتاب ارزشمند بوده و کمال محسوب می شده است .

وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كَفَارًا حَسَدًا

برانگیخته شدن حسد در انسان به هنگامی است که محسود را برخوردار از نعمتی مادی یا کمالات انسانی ببیند. بنابراین در نظر اهل کتاب - که بر ایمان مسلمانان به پیامبر (صلی الله علیه و آله) رشک می بردند - باید ایمان، نعمت و کمالی ارجمند می بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 29 - 2

2- اهل کتاب ، بر این باور بودند که آنان تنها قوم صاحب فضیلت و شایسته نبوت اند .

لئالیعلم اهل الکتب الا یقدرون علی شیء

#### 40- بینش اهل مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 87 - 8

8- پایبندی جوامع به آرا و آداب باطل پیشینیان ، مانع بروز اندیشه های نو و برحق در میان آنان است .

أن نترک ما یعبدءاباؤنا

ص: 173

3- مردم مدین، بسیاری از تعالیم شعیب (ع) را، سخنانی سخیف و بی فایده می شمردند و شایسته اعتنا کردن نمی دانستند.

ما نفقه کثیراً مما تقول

مراد از جمله «ما نفقه ..» (بسیاری از سخنان را نمی فهمیم) می تواند معنای حقیقی آن باشد؛ یعنی، واقعاً توان درک تعالیم تو را نداریم، مسأله توحید برای ما لاینحل است، محدود دانستن مالک در تصرف اموال خویش قابل هضم نیست و ... و می تواند کنایه از نامعقول بودن و نابه جا و بی ثمر بودن باشد؛ یعنی، پیامهای تو آن قدر سخیف است که شایسته تأمل کردن و فهمیدن و عمل کردن نیست. برداشت فوق، ناظر به احتمال دوم است.

4- شعیب (ع) در نظر مردم مدین، به خاطر نداشتن پشتیبان و یاور، ضعیف و ناتوان بود.

وإنا لنرىك فينا ضعيفاً

کلمه «فینا» (در میان ما) گویای این است که مردم مدین حضرت شعیب (ع) را در قیاس با مخالفانش ناتوان می شمردند؛ نه اینکه او را شخصی ضعیف و ناتوان بدانند و لذا در برداشت «به خاطر نداشتن یاور» آورده شد.

5- مردم مدین، نفوذ پیام های شعیب (ع) در مردم و پیاده کردن رسالت های در جامعه را، نامحتمل شمردند.

قالوا يشعيب ما نفقه كثيرا مما تقول وإنا لنرىك فينا ضعيفاً

جمله «ما نفقه ..» به ضمیمه «وإنا لنراک ...» در حقیقت استدلالی است بر نامحتمل دانستن موفقیت شعیب (ع). مردم مدین با جمله های فوق، بیان می دارند که: آنان سخنان شعیب (ع) را درک نمی کنند و به آنها اعتنایی ندارند تا به او رایش پیدا کنند. و خود او نیز توان و قدرتی ندارد تا با قوه قهریه، افکار و آرایش را بر مردم تحمیل کند. بنابراین راهی برای موفقیت او نیست.

6- شعیب (ع)، در دیدگاه مردم مدین مستحق کیفر و مجازات و سنگسار شدن بود.

ولولا رهطك لرجمنك

11- مردم مدین، شعیب (ع) را به خاطر مبارزه اش علیه شرک و کفر و بی عدالتی، فاقد کرامت دانسته و شایسته احترام نمی شمردند.

و ما أنت علينا بعزیز

«عزیز» به معنای محترم و بزرگووار و نیز به معنای شکست ناپذیر می باشد. مراد از آن در آیه شریفه معنای اول است.



16 - هشدار دادن به مردم از عذابی که در پیش رو دارند ، در نگاه مردم مکه سخن جنون آمیز تلقی می شد .

ثم تفكروا ما بصاحبكم من جنة إن هو إلا نذير لكم بين يدي عذاب شديد

## 42- بینش بادیه نشینان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 98 - 1

1 - گروهی از بدویان بی فرهنگ در عصر بعثت، انفاق (زکات و صدقات) را غرامت و تاوان تلقی می کردند.

و من الأعراب من يتخذ ما ينفق مغرمًا

## 43- بینش باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 28 - 6

6 - کافران زشتکردار عصر جاهلی از سر جهل، انجام کارهای زشت و ناپسند را اجرای فرمان خدا می پنداشتند.

و إذا فعلوا فحشه قالوا .. الله أمرنا بها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 2 - 29 - 1

1 - آسوده داشتن خاطر، از ناحیه خداوند، به صرف اظهار ایمان، و پندار آزمون نشدن از سوی او، خیالی باطل است.

أحسب الناس أن يتركوا أن يقولوا آمنا وهم لا يفتنون

استفهام در «أحسب..» برای انکار ابطالی است و منظور از آن، مردود دانستن پندار کسانی است که احساس می کنند، به صرف اظهار ایمان زبانی، رها خواهند شد و آزموده نخواهند گردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 4 - 29 - 2

2 - پندار بدکاران در سیطره و غلبه بر دین خدا، پنداری خام و باطل است.

أم حسب الذين يعملون السيئات أن يسبقونا

بنابراین احتمال که مراد از «سبقت از خدا»، پشت سر نهادن دین خدا باشد که کنایه از مغلوب ساختن آن است، نکته بالا قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 39 - 6

6- برتری پسران و مردان بر دختران و زنان ، اندیشه ای پوچ و فاقد دلیل و برهان قطعی و روشن

فلیأت مستمعهم بسلطن مبین . أم له البننت و لکم البنون

یادآوری برتر دانستن پسر بر دختر از سوی مشرکان، پس از بیان پوچی و بی پایگی عقاید آنان، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 10 - 21

ص: 175

21 - برابر دانستن مؤمنان مجاهد و انفاق گر قبل از فتح مکه ، با مجاهدان و انفاق گران بعد از آن ، از نظر مقام و منزلت در پیشگاه خداوند ، پنداری باطل است .

لایستوی منکم من أنفق من قبل الفتح و قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 1 - 21

21 - پندار تأمین بعضی منافع از طریق روابط سرّی با دشمنان دین ، پنداری باطل و بی فرجام \*

و من یفعله منکم فقد ضلّ سواء السبیل

برداشت یاد شده با توجه به شأن نزول آیه شریفه است؛ یعنی، برقراری ارتباط برخی از مسلمانان با دشمن، به انگیزه حفظ منافع؛ نه خیانت به مسلمانان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 15 - 10

10 - خودپسندی و احساس شرافت مندی بر اثر ثروت ، حالتی نکوهیده و ناشایست است .

فیقول ربّی أکرمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکاثر - 102 - 3 - 1

1 - ثروت و منزلت ، نشانه برتری نیست و برتر پنداشتن خویش بر دیگران به جهت آن ، پنداری ناروا است .

کلاً

حرف «کلاً»، مطالب قبل خود را منتفی می داند و مخاطب را از باور داشتن آن باز می دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - همزه - 104 - 4 - 1

1 - مؤثر دانستن ثروت ، در جاودانگی و رهایی از نابودی و مرگ ، پنداری نادرست و ناروا است .

حرف «كلاً»، مخاطب را از پذیرش گفتارهای بیان شده در جملات پیش، بازمی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤنون - 23 - 115 - 2

2- كزاف و بی هدف شمردن آفرینش انسان ، پنداری غلط و ناروا

أفحسبتم أنما خلقنكم عبثاً

#### **44- بئش باطل فرعون**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 176

1 - آراسته نبودن موسی (ع) به دستبند های زرین ، دلیل بطلان رسالت او از نظر فرعون

فلولا ألقى عليه أسوره من ذهب

«أسوره» (جمع «سوار») به معنای دستبندها است.

#### 45- بینش باطل مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 35 - 8

8 - پندار باطل مشرکان ، در امتیاز آنان بر دیگران و بی نیازی از هدایت و ارشاد \*

أم خلقوا من غیر شیء

معنای «أم خلقوا من غیر شیء»، می تواند این باشد که آیا مشرکان مکه، خود را تافته جدا بافته ای در آفرینش می بینند که دیگران نیاز به هدایت دارند و اینان بی نیازند؟! بر این مبنا تقدیر آیه شریفه چنین می شود: «أم خلقوا من غیر شیء خلق منه غیرهم».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 23 - 20، 19

19 - خداوند هستی ، منزه از پندار های ناروا و نادرست مشرکان درباره او

سبحن الله عما یشرکون

20 - مشرکان ، دارای پندار های نادرست و غلط از خداوند و صفات او

سبحن الله عما یشرکون

#### 46- بینش باطل مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 11 - 1

1 - انسان در دیدگاه منکران معاد ; پس از مرگ نابود شده و از او چیزی جز استخوان های پوسیده باقی نمی ماند .

«نخیر»؛ یعنی، صدای بینی و «نخره» به استخوان کهنه و پوسیده ای گفته می شود که با اندک تماسی از هم بپاشد و چنانچه قدری از آن باقی باشد - به گونه ای که با وزش باد به صدا درآید - به آن «ناخر» می گویند. (لسان العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 12 - 2

2- منکران معاد، حیات دوباره انسان ها را پس از مرگ، حیاتی بی ثمر و سراسر زیان وانمود می کنند.

قالوا تلک إذا کره خاسره

«کره»؛ یعنی، رجوع. نسبت دادن زیان کاری به رجوع - نه رجوع کنندگان - مبالغه در ترسیم زیان کاری است.

ص: 177

#### 47- بینش باطل منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 18 - 8

8 - منافقان می پندارند ، در قیامت نیز می توان از سوگند دروغ بهره جست و خود را از مهلکه نجات داد .

فیحلفون له . . . و يحسبون أنهم على شيء

کلمه «شیء» در «أنهم على شیء» موصوف صفت محذوف است و تقدیر آن «علی شیء نافع» می باشد؛ یعنی، منافقان می پندارند که چیز مفیدی در اختیار دارند (مقصود سوگند دروغ است).

#### 48- بینش باطل ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 24 - 3

3 - قرآن ، در دیدگاه غرض آلود ولید بن مغیره ، سحری برگرفته شده از ساحران پیشین بود .

فقال إن هذا إلا سحر يؤثر

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که «یؤثر» از ماده «أثر» (روایت و مطلب نقل شده از پیشینیان) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 25 - 1

1 - قرآن ، در نظر غرض آلود ولید بن مغیره ، ساخته و پرداخته انسان است .

إن هذا إلا قول البشر

#### 49- بینش باغدار متکبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 35 - 7

7- ثروت مند مغرور ، باغ و بوستان و نعمت های خود را جاودانه و فناپذیر می پنداشت .



قال ما أظنّ أن تبید هذه أبداً

«تبید» از «بید» به معنای هلاک و نابود شدن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 36 - 10، 9، 2

2- به گمان مرد ثروت مند، عاملی که می توانست باغ ها و کشت زار او را نابود، کند قیامت بود.

ما أظنّ أن تبید هذه أبداً . و ما أظنّ الساعه قائمه

ص: 178

تناسب پایان آیه قبل و شروع این آیه را می توان این گونه بیان کرد که مرد ثروت مند، گمان نابودی اموال خود را نداشت. سخن از قطعی نبودن قیامت نیز، پاسخی از جانب او به این سؤال است که: «با قیامت چه خواهی کرد که همه چیز را درهم می ریزد؟» او برای پاسخ به این مشکل می گوید: «و ما أظنّ الساعة قائمه...».

9- رفاه مند مغرور، به برخورداری از عاقبتی نیکوتر و نعمت هایی برتر در صورت برپایی قیامت مطمئن بود.

ولئن رُددتُ إلى ربِّي لأجدنَّ خيراً منها منقلباً

10- مرد رفاه مند مغرور، به محبوبیت خود نزد خدا، اطمینان داشت.

ولئن رُددتُ إلى ربِّي لأجدنَّ خيراً منها منقلباً

اضافه «ربّ» به ضمیر متکلم، نشانه آن است که گوینده، خود را به «ربّ»، بسیار نزدیک می داند؛ چرا که او را «ربّ» خود می داند و فاصله ای بین خود و پروردگار خویش - از نظر معنوی - نمی بیند. این نکته و نیز اطمینان به آخرتی برتر، نشان می دهد که ثروت مند مغرور خود را محبوب خدا می دید.

### 50- بینش بت پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 63 - 5

5- بت ها، فاقد قدرت نطق و کلام، حتی در اعتقاد بت پرستان

فسلوهم إن كانوا ينطقون

### 51- بینش بدکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 4 - 2

2 - پندار بدکاران در سیطره و غلبه بر دین خدا، پنداری خام و باطل است.

أم حسب الذين يعملون السيئات أن يسبقونا

بنابراین احتمال که مراد از «سبقت از خدا»، پشت سر نهادن دین خدا باشد که کنایه از مغلوب ساختن آن است، نکته بالا قابل استفاده است.

### 52- بینش برادران یوسف

12- برادران یوسف به دلیل نیرومندی و کارآمد بودنشان ، خویش را به محبت پدرشان یعقوب سزاوارتر می دیدند .

إذ قالوا ليوسف وأخوه أحب إلى أبينا منا ونحن عصبة

13- محبت فراوان یعقوب (ع) به یوسف (ع) و بنیامین ، خطا و لغزشی روشن از دیدگاه دیگر فرزندان او

إذ قالوا ليوسف وأخوه أحب . . . إن أبانا لفي ضلل مبين

4- برادران یوسف ، نبود وی در میان خانواده را ، مایه توجه کامل یعقوب (ع) به آنان می پنداشتند .

اقتلوا یوسف . . . یخل لکم وجه ائیکم

«یخل لکم وجه ائیکم» (خالی شود صورت پدرتان برای شما) کنایه از آن است که توجه و اقبال او از یوسف(ع) منقطع می شود و تنها برای شما خواهد بود. فعل «یخل» جواب امر (اقتلوا) و (اطرحوه) است و با «إن» شرطیه مقدر مجزوم شده است ؛ یعنی: «إن تقتلوه أو تطرحوه یخل لکم ...».

5- برادران یوسف در صورت نبود او ، بنیامین را رقیب خویش در جلب محبت یعقوب (ع) نمی دیدند .

لیوسف و أخوه أحب . . . اقتلوا یوسف . . . یخل لکم وجه ائیکم

برادران یوسف از محبت افزون تر یعقوب(ع) به یوسف(ع) و نیز بنیامین در رنج بودند ؛ ولی با از میان بردن یوسف(ع) مشکل را حل شده می دانستند. بنابراین چنین می پنداشتند که بنیامین ، نمی تواند مانع توجه کامل یعقوب(ع) به آنان باشد.

7- برادران یوسف حضور او در نزد یعقوب را ، مایه تلخ کامی و ناپسامانی خویش می دانستند .

اقتلوا یوسف . . . تکنونوا من بعده قومًا صالحین

8- برادران یوسف ، صلاح امور خویش و بهبود وضعیت خود را در کشتن و یا تبعید او می پنداشتند .

اقتلوا یوسف أو اطرحوه أرضاً . . . و تکنونوا من بعده قومًا صالحین

مراد از صلاح در «قومًا صالحین» صلاح امور دنیوی است ؛ زیرا ظاهر آن است که فعل مضارع «تکنونوا» عطف بر «یخل» و جواب امر «اقتلوا» و «اطرحوه» می باشد. بر این اساس جمله «تکنونوا...» چنین معنا می شود: اگر یوسف را بکشید و یا تبعیدش کنید، امور شما اصلاح می شود و بدبختی از شما برطرف می گردد.

9- برادران یوسف ، بر آن بودند که پس از کشتن یا تبعید او ، توبه کرده و درستکار شوند . \*

اقتلوا یوسف . . . و تکنونوا من بعده قومًا صالحین

در برداشت فوق، صلاح در «قومًا صالحین» صلاح دینی و اخلاقی گرفته شده است. این احتمال مبتنی بر این است که «واو» در «و» تکنونوا» به معنای مع و «تکنونوا» منصوب به «أن» مقدر باشد. بر این اساس «اقتلوا یوسف... و تکنونوا من بعده قومًا صالحین» چنین معنا می شود: یوسف را بکشید، ولی با این قید و شرط که پس از آن با توبه به درگاه خدا، مردمی صالح و درستکار باشید.

10- برادران یوسف ، کشتن یا تبعید او را گناه می شمردند و به ناروا بودن آن معترف بودند .

اقتلوا یوسف أو اطرحوه أرضاً .. و تكونوا من بعده قومًا صالحين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 14 - 5

5- برادران یوسف در حضور پدر نابودی یوسف (ع) را برای خود ، امری خسارت بار و تباه کننده قلمداد کردند .

إنا إذا لخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 20 - 6

6- یوسف (ع) در نزد برادرانش ، شخصی بی مقدار و کم ارزش بود . \*

و كانوا فيه من الزهدين

ص: 180

در برداشت فوق ، ضمیر در «کانوا» به برادران یوسف باز گردانده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 75 - 1,4

1- فرزندان یعقوب ، برده شدن را کیفر و مجازات سرقت کننده جام پادشاه دانستند .

قالوا فما جزؤه .. قالوا جزؤه من وجد فی رحله فهو جزؤه

مفاد جمله «فهو جزؤه» این است که سارق ملک کسی می شود که از اموال او دزدی شده است. در «مجمع البیان» آمده است که: مدت این استرقاق و ملکیت یک سال بوده است.

4- فرزندان یعقوب ، ضمن تعیین مجازات سارق تصریح کردند که خصوص سارق ( کسی که جام شاهی در اثاثیه اش یافت شود ) مسؤول شناخته می شود نه همه افراد کاروان

قالوا جزؤه من وجد فی رحله فهو جزؤه

فرزندان یعقوب در مقام پاسخ به این پرسش که «فما جزؤه» کافی بود که بگویند: «هو جزؤه» ; ولی از آن جا که همه کاروان به سرقت متهم شدند (ايتها العیر إنکم لسرقون) لازم دانستند که با جواب تفصیلی (جزؤه من وجد فی رحله فهو جزؤه) بیان کنند که همه کاروان مسؤول نیستند ; بلکه تنها آن کس که جام شاهی در اثاثیه اش یافت شود، مسؤول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 77 - 5,7

5- برادران یوسف بر این باور بودند که یوسف (ع) از میان رفته و نابود شده است .

فقد سرق أخ له من قبل

«من قبل» می تواند متعلق به «سرق» باشد. بر این اساس جمله «فقد سرق ...» چنین معنا می شود: او برادری داشت که پیش از این دزدی کرده بود. همچنین می تواند متعلق به مضمون «أخ له» باشد. بر این مبنا جمله چنین معنا می شود: او پیشتر برادری داشت که دزدی کرده بود. بر این فرض قید «من قبل» حاکی است که برادران یوسف می پنداشتند که یوسف(ع) از میان رفته است.

7- فرزندان یعقوب گرایش بنیامین به دزدی را از ناحیه مادر وی دانسته و او را منشأ پیدایش ناهنجاری فرزندانش شمردند .

إن یسرق فقد سرق أخ له من قبل

جواب شرط (إن یسرق) جمله ای محذوف است و جمله «فقد سرق ..» - از باب آمدن سبب به جای مسبب - جانشین جواب می

باشد. بنابراین جمله «إن يسرق...» چنین معنا می شود: اگر او دزدی کرد خلاف انتظار نیست؛ زیرا برادر مادری اش نیز دزدی کرده بود پس دزدی آنان ریشه مادری دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 88 - 18

18- عزیز مصر ( یوسف ) در دیده فرزندان یعقوب حاکمی خداشناس ، خیرخواه و اهل جود و کرم بود .

فأوف لنا الكيل و تصدق علينا إن الله يجزي المتصدقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 91 - 6

6- اعتقاد و باور برادران یوسف به خدادادی بودن مقام و منزلت برتر او

ص: 181

لقد ءاثرک الله علینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 97 - 5

5- فرزندان یعقوب به تقرب وی در نزد خداوند باور داشته و بدان معترف بودند .

یأبانا استغفر لنا ذنوبنا

### 53- بیش برده داران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 71 - 5,6

5- برده داران ، هیچ گاه برده های خود را در امکانات فراوان اقتصادی و معیشتی خویش ، شریک نمی سازند و خود را با آنان مساوی و برابر نمی دانند .

فما الذین فضّلوا برادّی رزقهم علی ما ملکتم ایمنهم فهم فیه سواء

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که آیه در صدد بیان یک حکم اقتصادی درباره بردگان نباشد؛ بلکه برای بیان یک واقعیت خارجی و ارتباط آن با مسأله شرک باشد. بر این اساس پیام آیه چنین می شود: شما که بردگان را با خود برابر نمی دانید، پس چگونه برخی از بندگان خدا را با خدا برابر می دانید و آنها را شریک او می پندارید؟

6- برده داران ، خود را با برده ها برابر نمی دانند و هرگز از برده داری دست برنمی دارند .

فما الذین فضّلوا برادّی رزقهم علی ما ملکتم ایمنهم فهم فیه سواء

### 54- بیش بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 70 - 2

2- قوم موسی ، بر این باور بودند که گاو مورد نظر برای ذبح و حل معمای قتل ، باید ویژگی های منحصر به فرد داشته باشد .

إن البقر تشبه علینا

«تشابه» به معنای همانند بودن است و چون با «علی» متعدی شده، متضمن معنای التباس و اشتباه نیز هست. بنابراین «إن البقر...»؛



یعنی، آن گاو توصیف شده به میانسالی و زرد رنگی، مصادیق زیادی دارد که همگی مشابه یکدیگرند و این موجب می شود که ندانیم کدامین را انتخاب کنیم. این جمله از قوم موسی، حکایت از آن دارد که: آنان گمان داشتند گاو مورد نظر برای ذبح باید به گونه ای توصیف شود که تنها یک فرد داشته باشد تا همانندی از بین برود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 71 - 6

6 - قوم موسی، ویژگی های اولیه گاوی را که باید ذبح می شد، نارسا پنداشته و موسی (ع) را به کوتاهی در بیان حقیقت متهم کردند.

ص: 182

قالوا الثن جئت بالحق

مفهوم کلام قوم موسی (الآن . . . هم اکنون حق را به تمامی بیان کردی) این است که: وی قبل از ذکر اوصاف یاد شده در این آیه، حق را به طور کامل بیان نکرده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 91 - 5

5- موسی (ع)، شخصیتی برجسته تر از هارون (ع) در دیدگاه بنی اسرائیل

و لقد قال لهم هرون . . . قالوا لن نبرح علیه عكفين حتى يرجع إلینا موسی

بی اعتنایی به گفته های هارون و مؤثر خواندن رجوع موسی (ع)، حاکی از تفاوت شخصیت آن دو در دیدگاه بنی اسرائیل است.

### 55- بینش بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 26 - 6

6- تأکید بهشتیان، به نقش عملکرد دنیوی آنان در سعادت اخروی ایشان

قالوا إنا كنا قبل فی أهلنا مشفقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 27 - 4

4- بهشتیان، قدردان لطف الهی اند؛ نه مغرور به عمل خویش.

فمنّ الله علينا ووقینا عذاب السموم

توجه پارسایان به امتنان الهی و تکیه آنان بر لطف حق، می رساند که آنان تنها عمل خویش را مایه سعادت نمی دانند و مغرور به کردار خود نیستند.

### 56- بینش بیماردلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 22 - 6

6- جهاد ، در نگاه بیمار دلان سست ایمان ، عامل فساد ، فتنه و برادر کشی \*

الذین فی قلوبهم مرض . . . إن تولّیتهم أن یتفسدوا فی الأرض

برداشت بالا بدان احتمال است که مجموع آیه، پاسخ به بهانه جویی ها و دستاویزهای منافقان و عناصر سست ایمان باشد؛ زیرا از این پاسخ، استفاده می شود که بیمار دلان برای توجیه فرار خویش از جهاد، آن را مایه فساد و برادر کشی می شمردند؛ ولی خداوند به ایشان یادآور شده که مفسد و برادرکش واقعی شماست که به دنیا چسبیده و برای حفظ دنیایتان هر کاری خواهید کرد.

ص: 183

## 57- بینش پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 51 - 2

2- پادشاه مصر داستان یوسف و زنان اشراف را، ماجرای بزرگ ارزیابی کرد و خود عهده دار بازجویی از زنان اشراف شد.

قال ما خطبکَنّ إذ رودتَنّ یوسف عن نفسه

«خطب» به معنای کار و امر بزرگ است. و مراد از آن در این جا داستان و ماجراست.

## 58- بینش پسر نوح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 43 - 2

2- فرزند نوح، مأوا گرفتن در کوه را مایه نجات از حادثه طوفان می پنداشت.

قال ساوی إلی جبل یعصمنی من الماء

«اوی» (مصدر اوی) به معنای رجوع کردن و منضم شدن و جای گرفتن است و «عصمه» (مصدر یعصم) به معنای منع کردن و بازداشتن است. بنابراین «ساوی...»؛ یعنی، به زودی به کوهی می روم که مرا از [خطر] این آب باز دارد.

## 59- بینش پوچی خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 115 - 2

2- گزاف و بی هدف شمردن آفرینش انسان، پنداری غلط و ناروا

أفحسبتم أنّما خلقنکم عبثًا

## 60- بینش پیروان سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 88 - 13

13 - موسی (ع) در دیدگاه و تبلیغات سامریان ، رهبری فراموش کار حتی در اصولی ترین مسائل اعتقادی

فقالوا هذا إلهکم و إله موسی فنیسی

ص: 184

## 61- بيش پيروان شياطين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

5 - اعراف - 7 - 30 - 10

10 - پذيرندگان ولايت شياطين، بي خير از گمراهي خويش و در پندار برخورداري از توفيق هدايت هستند.

و يحسبون انهم مهتدون

## 62- بيش پيروان طاغيانگران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

15 - ص - 38 - 60 - 3

3 - پيروان طاغيان، آنان را عامل دوزخي شدن خود معرفي مي کنند .

انتم قدمتموه لنا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

15 - ص - 38 - 61 - 4

4 - طاغيان، به اعتقاد پيروانشان، عامل دوزخي شدن آنان هستند .

قالوا ربنا من قدم لنا هذا فزده عذاباً ضعفاً في النار

درخواست عذاب دوچندان براي طاغيان از سوي پيروان آنان، مي تواند گوياي برداشت ياد شده باشد.

## 63- بيش توطئه گران عليه آيات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

15 - سبأ - 34 - 5 - 7

7 - تلاش گران بر ضد آيات خدا - به زعم خود - درصدد ناتوان جلوه دادن خدا هستند .

الذين سَعَوْ في آياتنا معجزين

از جمله معناهايي كه براي «معجزين» ذكر شده، اين است كه افراد ياد شده در اين آيه، به گمان خود تلاش مي كنند تا خدا را از ايجاد

قیامت ناتوان جلوه دهند (مفردات راغب).

#### 64- بیش ثروت اندوزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - همزه - 104 - 3 - 1

1 - شیفتگان ثروت ، بقای خود را در گرو انباشتن آن دانسته و آن را نشانه جاودانگی می نمایند .

یحسب أنّ ماله أخلده

جمله «یحسب..» استعاره است؛ یعنی، زراندوزان مانند کسی عمل می کنند که خود را جاودان می دانند.

ص: 185

## 65- بینش ثروتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 35 - 9

9- ثروت مندان و قدرت مندان ، در خطر پندار جاودانگی نعمت ها در دنیايند .

أنا أكثر منك مالاً .. قال ما أظنّ أن تبید هذه أبداً

داستان مذکور در آیه، چه واقعی باشد و چه سمبلیک، بیان خصلت های آدمی و واکنش های او در شرایط مختلف است. از جمله این خصلت ها آن است که وقتی در اوج رفاه قرار گیرد و اموال خود را در اطراف خود مشاهده کند، چنین می پندارد که نعمت های اطراف او جاودانه هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 36 - 6

6 - توسعه اقتصادی برخورداران از مال و مکتنت ، از ناحیه خداوند است و نباید آنان به خاطر برخورداری از آنها ، خود را برتر بدانند .

وقالوا نحن أكثر أموالاً وأولداً .. قل إن ربّي یبسط الرزق لمن یشاء ویقدر

## 66- بینش جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 65 - 6

6 - ساحران فرعون ، شکست موسی (ع) را در صورت اقدام او به سحر ، حتمی دیده و نیازی به وارد عمل شدن خود احساس نمی کردند .  
\*

إمّا أن تلقی و إمّا أن نکون أول من ألقى

ساحران دو شق تخییر را، به گونه ای بیان کردند که گویا اگر موسی (ع) ابزار سحر خود را بیفکند، کار او تمام است و ناتوانی او بر همگان روشن خواهد شد و تنها در صورتی که آنها دست به کار شوند، نوبت «اول» و «دوم» معنا پیدا می کند از این رو وصف «أول من ألقى» را در باره موسی (ع) به کار نبردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 70 - 3



3 - ساحران ، با مشاهده معجزه موسی ، آن را قدرتی الهی دانسته و در برابر عظمت خداوند اظهار فروتنی کردند .

فَأَلْقَى السِّحْرَ سَجْدًا قَالُوا ءَامَنَّا بِرَبِّ هَارُونَ وَمُوسَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 72 - 12

12 - تحقیر دنیا و حاکمیت موقت فرعون در آن ، از سوی ساحران مؤمن

ص: 186

إِنَّمَا تَقْضَىٰ هَذِهِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا

فعل «تقضى» خطاب به فرعون و «هذه الحياه» مفعول فيه آن است؛ يعنى، «إِنَّمَا تَقْضَىٰ مَدَّةَ هَذِهِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» (دایره حکم رانى تو، همين زندگى دنيایى است و فراتر از آن در دسترس تو نيست).

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

13 - شعراء - 26 - 44 - 5

5- فرعون، دارای عزت و جلال در چشم و دل ساحران عصر خود.

فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ... وَقَالُوا بَعْزُهُ فِرْعَوْنُ

### 67- بيش جامعہ دوران اصحاب كهف

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

10 - كهف - 18 - 15 - 6, 5

5- جامعہ اصحاب كهف، فاقد هرگونه دليل و برهان بر عقايد شرك آلود خویش بودند.

هُؤُلَاءِ قَوْمُنَا... لَوْلَا يَأْتُونَ عَلَيْهِم بِسُلْطٰنٍ بَيِّنٍ

6- بی منطقی در عقیده و سستی اندیشه، بزرگ ترین مشکل جامعہ اصحاب كهف از دیدگاه خود آنان

اتخذوا من دونه ءالهه لولا يأتون عليهم بسلطن بين

### 68- بيش جاهلان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

10 - مريم - 19 - 77 - 1

1- برخی از ناآگاهان کفر به آیات الهی را، موجب دستیابی خود به مال و فرزند فراوان می پندارند.

كفر بآيتنا وقال لأتینّ مالاّ وولداّ

جمله «قال لأوتینّ...» بر «كفر بآيتنا» مترتب است؛ يعنى، گوینده این سخن به گمان این که کفر او، موجب دستیابی به مال و فرزند می گردد، کفر را برگزیده است.

### 69- بيش جهنميان

1 - اهل دوزخ در دنیا، می پنداشتند زندگی شاداب آنان دگرگون نشده و الفت های خانوادگی شان هرگز از هم نخواهد گسست .

إِنَّهٗ ظَنُّوا أَن لَنْ يَحُورَ

«حَوْر»، رجوع از چیزی و به چیزی می باشد. اصل معنای آن بازگشت به کم بود است و با ضمه «حاء» به معنای هلاکت

ص: 187

خواهد بود (لسان العرب). فعل «یحور» از هر کدام مشتق باشد، برداشت یاد شده قابل استفاده است.

2- دوزخیان، در دنیا در این گمان به سر می برند که هرگز پس از مرگ، حیات دوباره نخواهند یافت.

إِنَّ ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحُورَ

«حَوْر»، تعبیری دیگر از «حشر» است و به هلاکت یا نقص و انحطاطی نظر دارد که در آخرت، نصیب منکران معاد خواهد شد.

## 70- بَیِّنَاتُ حَبِيبِ نَجَارٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 21 - 3

2- اخلاص و مزد نخواستن در ابلاغ رسالت و ره یافته بودن، دلیل لزوم پیروی از پیامبران در دیدگاه مؤمن انطاکیه (حبیب نجار)

اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ . اتَّبِعُوا مِنْ لَآئِسْتَلِكُمْ أَجْرًا وَهُمْ مُهْتَدُونَ

جمله «اتَّبِعُوا مِنْ لَآئِسْتَلِكُمْ أَجْرًا..» تأکید برای جمله «اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ» در آیه پیش و نیز در مقام تعلیل برای آن جمله است.

3- اخلاص و مزد نخواستن در ابلاغ رسالت و ره یافته بودن، دو ملاک و معیار برای سنجش درستی ادعای رسالت و پیامبری در دیدگاه مؤمن انطاکیه (حبیب نجار)

اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ . اتَّبِعُوا مِنْ لَآئِسْتَلِكُمْ أَجْرًا وَهُمْ مُهْتَدُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 22 - 1

1- عبادت آفریدگار در نظر مؤمن انطاکیه (حبیب نجار)، امری لازم است و هیچ دلیلی بر ترک آن وجود ندارد.

و مَا لِي لَا أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي

«ما» در «مالی» از نوع استفهام انکاری است و جمله «لَا أَعْبُدُ» حال برای ضمیر در «لی» است و در حقیقت صدر آیه چنین است: «لَا شَيْءٌ يَمْنَعُنِي مِنْ عِبَادَةِ الَّذِي خَلَقَنِي»؛ یعنی، هیچ چیز نمی تواند مرا از عبادت آفریدگارم باز دارد».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 24 - 1

1 - مؤمن انطاکیه به مردم اعلان کرد: شرک و پرستش غیر خدا، گمراهی آشکاری است.

ءاتخذ من دونه ءالهه . . . إني إذا لقي ضلل مبين

«إذا» در آیه شریفه برای جواب و جزای مقدر است و تقدیر آن چنین می باشد: «إن اتَّخَذت من دون الله ءالهه أكن في ضلال مبين»؛ یعنی، اگر من به جز خدا معبود دیگری برگیرم، در گمراهی آشکاری به سر خواهم برد.

## 71- بینش حس گرایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 188

7- اعتراف برخی از مردم به حوادث بعد از مرگ، تنها با مشاهده آن امکان پذیر است.

کلاً سیعلمون

سؤال در «یتسائلون» چنانچه به معنای استفهام حقیقی باشد جمله «کلاً سیعلمون» به منزله پاسخ خواهد بود؛ یعنی، پاسخ این گونه پرسش ها مشکل این گروه از مردم را حل نمی کند؛ بلکه باید آن را مشاهده کنند تا به حقانیت آن اعتراف نمایند.

### 72- بینش حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 7 - 1

1- حق ناباوران کافر، آیات الهی را سحر و جادوئی روشن قلمداد می کردند.

و إذا تتلی علیهم آیتنا بینت قال الذین کفروا... هذا سحر

### 73- بینش خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 67 - 1

1- خضر، موسی (ع) را از تحمل همراهی با وی، برای فراگیری علوم ویژه، ناتوان دید.

هل أتبعك... قال إنک لن تستطیع معی صبراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 68 - 2

2- خضر (ع) بی اطلاعی موسی از زوایای کردار وی را، دلیل ناتوانی موسی از تحمل عملکرد وی دانست.

إنک لن تستطیع... و کیف تصبر علی ما لم تحط به خیراً

### 74- بینش داود (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - داوود (ع)، ماجرای دادخواهی برادران دارای میش و داوری میان آنان را، یک آزمایش الهی دانست.

قال لقد ظلمك بسؤال نعجتك .. و ظنّ داود أنّما فتنّ -ه

19 - داوود (ع)، شیوه داوری خود درباره برادران متخاصم را خطا دانست.

قال لقد ظلمك بسؤال نعجتك .. و ظنّ داود أنّما فتنّ -ه فاستغفر ربّه

در این که استغفار داوود(ع) درباره چه اشتباهی بود، میان مفسران چند دیدگاه وجود دارد؛ از جمله بهترین و موافق ترین آنها با آیه شریفه، مسأله نشنیدن دفاع برادر متهم و شتاب در داوری است. گفتنی است برخی از روایات مربوط به آیه، مؤید همین

ص: 189

برداشت است (تفسیر برهان، ج 4، ص 45).

21 - به سجده افتادن داوود (ع) به درگاه خداوند پس از گمان خطا کردنش در داوری میان برادران متخاصم

و خَرَّ رَاكِعًا

مقصود از «خَرَّ رَاكِعًا» - مطابق نظر بیشتر مفسران - سجده است.

### 75- بینش دختر شعیب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 26 - 7، 6

6 - موسی (ع)، مردی نیرومند و شخصیتی امین در دیدگاه دختر شعیب

إِنَّ خَيْرَ مَنْ اسْتَجَرْتَ الْقَوَى الْأَمِينِ

7 - موسی (ع)، از دیدگاه دختر شعیب، بهترین و شایسته ترین مرد برای نگه داری دام هایشان

قالت إحدیهما .. إِنَّ خَيْرَ مَنْ اسْتَجَرْتَ الْقَوَى الْأَمِينِ

### 76- بینش دنیاپرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 200 - 5

5 - دنیاطلبان، زیبایی ها را تنها در امکانات و بهره های دنیوی می پندارند .

فمن الناس من يقول ربنا اتنا فی الدنيا

از اینکه در هنگام خواسته هایشان قید «حَسَنَه» را ذکر نکرده اند، چنین برمی آید که هر چه را در دنیاست، زیبا می پنداشتند.

### 77- بینش دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 34 - 4

4- کثرت مال و عزت اجتماعی حاصل آمده از آن، مهم ترین ارزش در نظر دنیاگرایان است .



فقال لصحبه . . أنا أكثر منك مالاً وأعز نفراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 36 - 11

11- در بینش دنیاگرایان ، ثروت مندی ، نشانه محبوبیت بیشتر انسان نزد خداوند است .

ولئن رُددتُ إلى ربِّي لأجدنَّ خيراً منها منقلباً

ص: 190

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 42 - 12

12- توجه دنیاگرایان به خدا، برای منافع و مطامع مادی آنان است . \*

وَأُحِيطَ بِثَمَرِهِ... وَ هِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا وَيَقُولُ يَلَيْتَنِي لِمِ أُشْرِكُ بِرَبِّي أَحَدًا

احتمال دارد که تأسّف مرد مغرور سرمایه از دست داده، بر شرک خویش، نه از آن رو باشد که به قبح ذاتی شرک پی برده، بلکه از آن رو باشد که چرا شرک ورزیده تا منافع اش تهدید و سرمایه اش نابود شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 50 - 11

11 - دنیامداران، مغرور به آخرت اند و سرنوشت خویش را در آن جا نیک می پندارند .

وَلئن رَجَعْتَ إِلَى رَبِّي إِنّ لى عِنْدَهُ لِلْحَسَنِى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 30 - 4

4 - خرافات و موهومات، اوج دید و نگرش مشرکان دنیاگرا

لَيْسَمَوْنَ الْمَلئِكَةَ تَسْمِيَةَ الْاُنْثَى وَ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ... ذَلِكُمْ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ

برداشت بالا بنابراین نکته است که «ذلک» اشاره به عقاید خرافی مشرکان در مورد دختر انگاشتن ملائکه برای خداوند، داشته باشد.

## 78- بینش دنیاطلبان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 79 - 12، 9

9- از دید دنیاطلبان، قارون در اوج لذت و خوشبختی قرار داشت .

فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ... قَالَ الَّذِىنَ يَرِىدُوْنَ الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا... إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِىمٍ

«حَظًّا» به معنای بهره و نصیب است؛ یعنی، او از سعادت و نیک بختی بهره بزرگی دارد.

12 - قدرت و ثروت ، ملاک ارزش و معیار اصلی بهره مندی و خوشبختی در نگاه دنیاطلبان قوم قارون

قال الذین یریدون الحیوه الدنیا یلیت لنا مثل ما أُوتی قرون إینه لذو حظّ عظیم

### 79- بینش ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 87 - 10

10- ذوالقرنین عذاب اخروی ظالمان را ، از کیفر دنیوی آنان ، شدیدتر و سنگین تر دانست .

قال . . . ثم یردّ إلی ربّه فیعدّبه عذابًا نکرًا

«نکر» به معنای «منکر» صفت مشبهه و توصیف عذاب جهنم است؛ یعنی، عذاب آخرت، بسیار ناگوار و میزان دشواری آن

ص: 191

ناشناخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 88 - 4

4- مردم بی ایمان و فاقد عمل صالح ، در بینش ذوالقرنین ، مردمی ظالم بودند .

قال أمّا من ظلم . . . و أمّا من ءامن و عمل صلحاً فله جزاء الحسنی

مقابله بین دو گروه «من ظلم» و «من ءامن . . .» حکایت از آن دارد که ترک ایمان و عمل صالح ظلم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 95 - 3

3- ذوالقرنین ، خود را مملوک خداوند و عطیه های الهی را ، برخاسته از مقام ربوبیت او می دانست .

ما مكّتی فیه ربّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 98 - 1,3

1- در بینش ذوالقرنین ، توانایی برساختن سدّ پولادین و نفوذناپذیر ، جلوه ای از رحمت پروردگار بود .

قال هذا رحمه من ربّی

مشارالیه «هذا»، «سد ساخته شده به دست ذوالقرنین» است.

3- در وجود ذی القرنین بینش توحیدی و الهی همراه ، با قدرت علمی و فنی ، تبلور داشت .

ما مكّتی فیه ربّی خیر . . . هذا رحمه من ربّی

## 80- بینش رهبران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 128 - 4

4- ساختن آثار بی ثمر ، خارج از نیاز و صرفاً بازیگرانه ، مورد نکوهش در بینش دین و رهبران الهی

أَتَبْنُون بَكْلَ رِيْعٍ ءَايَةَ تَعْبَثُونَ

## 81- بیش رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 8 - 14، 5

5 - خودکفایی مالی و بی نیازی از تلاش اقتصادی، حداقل شرط پیامبری و کمترین شایستگی لازم برای احراز مقام نبوت، در دیدگاه سران کفر و شرک

أَوْ يَلْقَى إِلَيْهِ كَنْزًا أَوْ تَكُونُ لَهُ جَنَّةٌ يَأْكُلُ مِنْهَا

برداشت یاد شده، از آن جا است که در آیه پیش آمده بود: «کافران این نکته را القا کردند که پیامبر(صلی الله علیه و آله) از نظر جسمی نباید

ص: 192

نیازمند به تغذیه و داد و ستد اقتصادی باشد»؛ ولی در این آیه از آن نکته صرف نظر کردند و گفتند: «پیامبر باید از نظر معیشتی و مالی خود کفا باشد».

14 - قرآن ، کتابی پرجاذبه و شگفت آور در نظر سران کفر و شرک

وقالوا أسطیرا لأولین . . . إن تتبعون إلا رجلاً مسحوراً

اسطوره خواندن قرآن و سحر دانستن آن از سوی سران کفر و شرک، گویای این نکته است که این کتاب الهی، همانند اسطوره، سحر و جادو، برای آنان جاذبه داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 63 - 7

7 - تلاش اغواگرانه - به اعتقاد پیشوایان شرک - تنها دعوت و فراخوانی است ؛ نه اجبار و سلب کردن اختیار از دیگران

أغوینهم کما غوینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 29 - 2

2 - پیشوایان شرک ، در گفت و گو با مشرکان فریب خورده در روز رستاخیز ، سوء اختیار خود آنان را عامل گمراهی شان معرفی خواهند کرد .

قالوا بل لم تکنوا مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 30 - 2، 1

1 - پیشوایان شرک در قیامت ، هرگونه اعمال زور و سلطه از ناحیه خود را برای به گمراهی کشاندن مشرکان ، مردود خواهند دانست .

و ما کان لنا علیکم من سلطن

2 - پیشوایان شرک ، عامل اصلی گمراهی مشرکان را ، روح طغیان و حق ناپذیری خود آنان معرفی خواهند کرد .

بل کنتم قوماً طغین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - روح طغیان گری و حق ناپذیری مشرکان ، موجب مستحق بودن آنان به عذاب الهی ( دوزخ ) در نظر سران شرک

بل کنتم قومًا طغین . فحقّ علينا قول ربّنا إنّنا لذائقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - پیشوایان شرک در عرصه قیامت ، گمراهی خود را ، عامل انحراف دیگران معرفی خواهند کرد .

فأغویناکم إنّنا کنا غوین

برداشت یاد شده به خاطر تعلیل بودن جمله «إِنَّا كُنَّا غَوِينَ» برای جمله پیشین (فأغویناکم) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 6 - 5.6

5- سران کفر و شرک، صبر و پایداری بر آیین شرک و بت پرستی را، امری مطلوب و تکلیف دینی خود می دانستند.

و اصبروا علیٰ الهتکم إنّ هذا لشیء یراد

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که «هذا» به صبر اشاره داشته و مقصود از «یراد» (خواسته شده) اقتضای اعتقاد به آیین شرک باشد.

6- سران شرک و کفر، هدف و انگیزه پیامبراسلام (صلی الله علیه و آله) از دعوت به یکتاپرستی را، دستیابی به ریاست و آقایی بر دینداران می دانستند.

أجعل الألهة إلهًا وحدًا... إنّ هذا لشیء یراد

برداشت یاد شده، براساس این دیدگاه است که «هذا» اشاره به یکتاپرستی و نفی آیین شرک (مضمون دعوت پیامبراسلام) باشد و مقصود از «شیء یراد» سیادت و آقایی بر مردم باشد که در نگاه سران کفر، هدف و آرزوی پیامبراسلام بود؛ زیرا با یکی شدن پرستش ها، قهراً آن حضرت رهبری امت یکتاپرست را به عهده می گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 7 - 1

1- سران کفر و شرک، پیام توحیدی پیامبراسلام را، سخنی نو ظهور و بی سابقه می دانستند.

أجعل الألهة إلهًا وحدًا... ما سمعنا بهذا فی الملة الأخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 8 - 2

2- پیامبراسلام (صلی الله علیه و آله)، در نظر سران کفر و شرک، فاقد هرگونه ملاک برتری و شایستگی برای رسالت و دریافت وحی الهی

أَنْزَلَ عَلَيْهِ الذِّكْرَ مِنْ بَيْنِنَا

همزه در «أَنْزَلَ» برای استفهام انکاری است و قید «من بیننا» (از میان ما) قرینه است بر این که نفی و انکار آنان، مربوط به شایستگی پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای رسالت بود.



## 82- بینش رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 8 - 14، 5

5 - خودکفایی مالی و بی نیازی از تلاش اقتصادی، حداقل شرط پیامبری و کمترین شایستگی لازم برای احراز مقام نبوت، در دیدگاه سران کفر و شرک

أو یلقى إلیه کنز أو تکون له جنّه یا کل منها

برداشت یاد شده، از آن جا است که در آیه پیش آمده بود: «کافران این نکته را القا کردند که پیامبر(صلی الله علیه و آله) از نظر جسمی نباید نیازمند به تغذیه و داد و ستد اقتصادی باشد»؛ ولی در این آیه از آن نکته صرف نظر کردند و گفتند: «پیامبر باید از نظر معیشتی و مالی خودکفا باشد».

14 - قرآن، کتابی پرجاذبه و شگفت آور در نظر سران کفر و شرک

ص: 194

وقالوا أسطيرا الأولين . . . إن تتبعون إلا رجلاً مسحوراً

اسطوره خواندن قرآن و سحر دانستن آن از سوی سران کفر و شرک، گویای این نکته است که این کتاب الهی، همانند اسطوره، سحر و جادو، برای آنان جاذبه داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 6 - 5,6

5- سران کفر و شرک، صبر و پایداری بر آیین شرک و بت پرستی را، امری مطلوب و تکلیف دینی خود می دانستند .

و اصبروا علی ءالہتکم إنّ ہذا لشیء یراد

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که «هذا» به صبر اشاره داشته و مقصود از «یراد» (خواسته شده) اقتضای اعتقاد به آیین شرک باشد.

6- سران شرک و کفر، هدف و انگیزه پیامبراسلام (صلی اللہ علیہ و آلہ) از دعوت به یکتاپرستی را، دستیابی به ریاست و آقایی بر دینداران می دانستند .

أجعل الألهة إلهًا وحدًا . . . إنّ ہذا لشیء یراد

برداشت یاد شده، براساس این دیدگاه است که «هذا» اشاره به یکتاپرستی و نفی آیین شرک (مضمون دعوت پیامبراسلام) باشد و مقصود از «شیء یراد» سیادت و آقایی بر مردم باشد که در نگاه سران کفر، هدف و آرزوی پیامبراسلام بود؛ زیرا با یکی شدن پرستش ها، قهراً آن حضرت رهبری امت یکتاپرست را به عهده می گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 7 - 1

1- سران کفر و شرک، پیام توحیدی پیامبراسلام را، سخنی نو ظهور و بی سابقه می دانستند .

أجعل الألهة إلهًا وحدًا . . . ما سمعنا بهذا فی الملة الأخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 8 - 2

2- پیامبراسلام (صلی اللہ علیہ و آلہ)، در نظر سران کفر و شرک، فاقد هرگونه ملاک برتری و شایستگی برای رسالت و دریافت وحی الهی

أَنْزَلَ عَلَيْهِ الذِّكْرَ مِنْ بَيْنِنَا

همزه در «أَنْزَلَ» برای استفهام انکاری است و قید «من بیننا» (از میان ما) قرینه است بر این که نفی و انکار آنان، مربوط به شایستگی پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای رسالت بود.

### 83- بيش زکريا (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 4 - 11

11- زکريا، زندگی سعادت مندانه خود را مرهون راز و نیاز و دعا به پیشگاه خداوند می دانست .

و لم أکن بدعائک ربّ شقیّاً

ص: 195

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 5 - 2

2- بستگان زکریا، در نظر وی تسلط بر امور مادی و اجتماعی او صلاحیت نداشتند . \*

وإتی خفت المولی من ورائی

از معانی «موالی» خویشاوندانی از قبیل پسر عمو، پسر خواهر و نظایر آنان است (تاج العروس).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 8 - 3، 11

3- زکریا (ع)، موهبت فرزند را از جلوه های ربوبیت خداوند برای خویش می دانست .

قال ربّ أتی یکون لی غلم

11- زکریا (ع)، محرومیت از فرزند را در دوران جوانی خود و همسرش، تنها ناشی از نازایی همسر خویش می دانست .

و کانت امرأتی عاقراً و قد بلغت من الکبر عتياً

اختصاص وصف «نازایی» به همسر زکریا، گویای برداشت یاد شده است.

#### 84- بینش زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 23 - 18

18- زلیخا، تسلیم نشدن یوسف (ع) در برابر خواسته اش را، ناسپاسی و قدرناشناسی می شمرد .

رودته التی هو فی بیتها .. إنه ربی أحسن مثنوی

در برداشت فوق، «إنه ربی ..» ناظر به مفهومی گرفته شده که از عبارت «التی هو فی بیتها» استفاده می شود؛ یعنی، زلیخا با اظهار اینکه مربی یوسف (ع) بوده و او را در خانه خویش سر و سامان بخشیده است، توقع داشت که یوسف (ع) در برابر تقاضایش تسلیم شود؛ ولی یوسف (ع) با جمله «إنه ربی ...» بیان می دارد که خداوند، مربی و مدبر امور او بوده و هست، و سزاوار آن است که وی مطیع او باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13- زلیخا شهادت زنان اشراف بر پاکدامنی یوسف (ع) را تصدیق کرد و سخن آنان را مایه روشن شدن حقیقت دانست .

قالت امرأت العزیز التئ حصحص الحق

«حصصه» (مصدر حصحص) به معنای روشن شدن چیزی پس از کتمان آن است. برخی نیز گفته اند به معنای ثبوت و استقرار است.

### 85- بئش زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 30 - 8

ص: 196

8- شیفته غلام زر خرید شدن و تقاضای کام روایی از او، خطا و لغزشی روشن از دیدگاه زنان اشراف و همپالگی های زلیخا

قد شغفها حبًا إنا لئريها في ضلل مبین

هدف زنان اشراف از یاد کردن یوسف(ع) به عنوان «برده و جوانک زلیخا»، خرده گرفتن بر اوست که چرا به غلام زر خرید عشق میورزد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 31 - 24، 23

23- زنان اشراف، یوسف (ع) را بسان فرشته ای گرامی و بلند مرتبه یافتند .

إن هذا إلاً ملك كريم

24- زنان ملامت کننده زلیخا، با مشاهده یوسف (ع)، زلیخا را در عشقش محق دانستند .

فلما رأينه أكبرنه . . . إن هذا إلاً ملك كريم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 51 - 7

7- یوسف (ع) به دلیل پاکدامنی شگفت انگیزش، از آفریده های بی نظیر خداوند در دیدگاه زنان اشراف مصر

قلن حش لله

### 86- بینش ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 46 - 8

8- ساقی، احتمال می داد دربار مانع رساندن تعبیر خواب پادشاه به مردم شود .

لعلی أرجع إلی الناس لعلهم یعلمون

### 87- بینش سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 88 - 13

13 - موسی (ع) در دیدگاه و تبلیغات سامریان ، رهبری فراموش کار حتی در اصولی ترین مسائل اعتقادی

فقالوا هذا إلهكم وإله موسى فنسى

### **88- بینش سست ایمانان**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 20 - 9

ص: 197

9- جهاد ، به معنای مرگ و نابودی ، در بینش منافقان و انسان های سست ایمان

و ذكر فيها القتال رأيت الذين في قلوبهم مرض ينظرون إليك نظراً مغشياً عليه من الموت

تعبیر «المغشئ عليه من الموت» و کاربرد این تشبیه، می تواند بر این اساس باشد که انسان سست ایمان با فرمان جهاد، مرگ خویش را به چشم می بیند؛ چنان که مختصر نیز چنین است؛ در حالی که جهاد زمینه شهادت است و نه نابودی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 22 - 6

6- جهاد ، در نگاه بیمار دلان سست ایمان ، عامل فساد ، فتنه و برادر کشی \*

الذين في قلوبهم مرض ... إن تولّيتم أن تفسدوا في الأرض

برداشت بالا بدان احتمال است که مجموع آیه، پاسخی به بهانه جویی ها و دستاویزهای منافقان و عناصر سست ایمان باشد؛ زیرا از این پاسخ، استفاده می شود که بیمار دلان برای توجیه فرار خویش از جهاد، آن را مایه فساد و برادر کشی می شمردند؛ ولی خداوند به ایشان یادآور شده که مفسد و برادر کش واقعی شماست که به دنیا چسبیده و برای حفظ دنیایتان هر کاری خواهید کرد.

### 89- بینش سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 19 - 6، 19

6 - توجه سلیمان به خدایی بودن نعمت های عطا شده به او و پدر و مادرش

أن أشكر نعمتك التي أنعمت عليّ و عليّ و لوالديّ

19 - عبودیت و بندگی خدا ، شرف و مقامی والا در بینش سلیمان (ع)

و أدخلني برحمتك في عبادك الصالحين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 27 - 6

6 - اهمیت سرزمین سبا و مسائل آن برای سلیمان (ع)

قال سننظر أصدقت أم كنت من الكذابين



تحقیق و بررسی درباره سبأ و مسائل آن، نشانگر اهمیت این موضوع در نظر سلیمان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 35 - 5

5 - هیأت نمایندگان سبأ، مأمور گزارش کردن نقطه نظر های جدید سلیمان (ع) به دربار

فناظره بَمَ یرجع المرسلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 36 - 8,9

ص: 198

8- ارجمندی عطایای الهی و بی ارزشی هر عطای غیر الهی در نظر سلیمان (ع)

أتمدّونن بمال فما آتین الله خیر ممّا آتیکم

9- افتخار سلیمان (ع) به مقام نبوت و رسالت الهی خود و نه مال و قدرت مادی

فما آتین الله خیر ممّا آتیکم

مراد از «ما آتان الله» حقیقتی متفاوت با امکانات مادی است؛ چرا که اولاً دربار سببا نیز از آن امکانات مادی برخوردار بود ثانیاً بجای «خیر» باید می فرمود «ما آتانی الله أكثر ممّا آتاکم».

### 90- بینش شعیب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 92 - 8

8- شعیب (ع) با بیان سیطره خداوند بر رفتار کفرپیشگان مدین، تهدید های آنان را به هیچ انگاشت .

لولا رهطک لرجمنک .. إن ربی بما تعملون محیط

چنان چه مراد از احاطه خدا بر اعمال، سیطره و حاکمیت او بر اعمال باشد، هدف شعیب (ع) از آوردن «رَبِّی»، «إن ربی ..» و نگفتن «إن الله...» این است که چون اعمال شما در سیطره خداست و او رب و مدبر من است، اجازه نخواهد داد بر من غلبه کنید و اگر غلبه نیز کردید، آن را در راستای تدبیر و تربیت من قرار می دهد؛ پس در هر حال مرا از تهدیدهای شما باکی نیست.

### 91- بینش صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 63 - 15، 9

9- صالح (ع) به مردم خویش اعلام کرد: در صورت پذیرش خواسته آنان (ترک دعوت به توحید) گنه کار و مستحق عذاب الهی خواهد بود .

فمن ینصرنی من الله إن عصیته

15- صالح (ع)، توجه کردن به درخواست کافران قومش (ترک ابلاغ توحید) را، مایه خسارت و تباهی خویش دانست .

فما تزیدوننی غیر تخسیر

«تخسیر» به معنای خسارت زدن می باشد و فاعل آن قوم ثمود است.

## 92- بَیِّنَاتٌ صَحِیْحٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 4 - 5

5- مؤمنان به آخرت ، برخوردار از بَیِّنَاتٌ درست نسبت به ارزش ها و ضد ارزش ها و به دور از تحیّر و سرگردانی در زندگی

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ... فَهُمْ يَحْمَهُونَ

ص: 199

با استفاده از مفهوم آیه و نیز از تقابل میان آن و آیه پیشین، می توان گفت که مؤمنان به آخرت (برخلاف کافران) نه گرفتار بینش غلط در ارزش گذاری اند و نه گرفتار حیرت و سرگردانی.

### 93- بینش طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 62 - 5

5 - طغیان گران در دنیا، مؤمنان را از اشرار به حساب می آوردند .

رجالاً کتّٰا نعدّهم من الأشرار

### 94- بینش ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 44 - 9

9- سوگند ستمگران در دنیا بر پایداری و زوال ناپذیری قدرت خویش

الذین ظلموا .. أو لم تکنوا أقسمتم من قبل ما لکم من زوال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 16 - 5

5- مرفهان ستمگر، جهان را بازیچه و بی هدف می پندارند .

قریه کانت ظالمه .. وارجعوا إلی ما أترفتم فیه ... و ما خلقنا السماء والأرض و م

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 48 - 4

4 - ستمگران اعمال و رفتار های بد و زشت خود را در دنیا، زیبا و خوب پنداشته و یا از بدی و زشتی آنها غافل اند .

و بدا لهم سیئات ما کسبوا

ظاهر شدن اعمال زشت ستمگران در نظر آنان، ممکن است به خاطر این باشد که آنها را خوب و زیبا می دانستند و یا از بدی و زشتی چنین رفتاری، کاملاً غافل بودند.

## 95- بینش عقل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 60 - 2

2- بی تفاوت بودن در برابر احسان دیگران ، امری نکوهیده در پیشگاه خداوند و عقل

هل جزاء الإحسن إلا الإحسن

ص: 200

پرسش در آیه شریفه در حقیقت به داوری کشاندن عقل است و نیز مهر تأییدی از جانب خداوند بر داوری های عقل سلیم می باشد.

## 96- بینش علما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 27 - 12

12- برخورداران از علوم اعطایی خداوند ، بینشی پسندیده و مقامی والا دارند .

قال الذین أوتوا العلم إن الخزی الیوم و السوء علی الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 108 - 6,8

6- آیه های قرآن ، تبلور ربوبیت کامل و بی نقص خداوند نسبت به انسان ها ، در نظر آگاهان

إن الذین أوتوا العلم .. إذا یتلی علیهم ... یقولون سبحن ربنا إن کان وعد ربّ

8- معاد و حیات مجدد انسان ، وعده حتمی و تخلف ناپذیر خداوند در بینش عالمان \*

یقولون .. إن کان وعد ربنا لمفعولاً

احتمال دارد که مراد از «وعد» - به قرینه آیات 97 و 98 همین سوره - مسأله حیات مجدد انسانها و معاد باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 65 - 12

12- صاحبان نعمت و دانش - حتی افراد برجسته و سرآمد نیز - باید خداوند را سرچشمه کمالات خود بدانند .

ءاتینه رحمه من عندنا و علمنه من لدنا علماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 80 - 6

6- قدرت و ثروت ( هر چند بسیار و افسانه ای باشد ) در نگاه اهل معرفت و مؤمنان دین شناس ، بسی کم ارزش تر از پاداش های الهی است .

وقال الذين أوتوا العلم ويلكم ثواب الله خير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 6 - 5، 2، 1

1 - عالمان (آشنایان به معارف آسمانی) ، آنچه را که از جانب خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) نازل شده است ، حق می دانند .

و يرى الذين أوتوا العلم الذي أنزل إليك من ربك هو الحق

2 - قرآن ، کتابی نازل شده از جانب خدا و سراسر حق و حقیقت در دیدگاه عالمان

و يرى الذين أوتوا العلم الذي أنزل إليك من ربك هو الحق

مراد از «الذي أنزل إليك» قرآن کریم است و مصداق کامل و تمام عیار آن می باشد.

ص: 201

5- عالمان ، قرآن را کتابی می دانند که همواره هدایت گر مردمان به راه خدا است .

ویری الذین أوتوا العلم الذی أنزل إلیک . . . و یهدی إلی صراط العزیز الحمید

### 97- بینش علمای بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 80 - 7

7- ثروت افسانه ای قارون ، بسی کم ارزش تر از پاداش های الهی در دیدگاه فرزندگان بنی اسرائیل

و قال الذین أوتوا العلم ویلکم ثواب اللّٰه خیر

### 98- بینش علمای دینی مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 7 - 9

9- بشر بودن پیامبران ، امری مسلم نزد عالمان دینی و آگاهان تاریخ انبیا در عصر بعثت

و ما أرسلنا . . . فسلوا أهل الذکر إن کنتم لاتعلمون

مقصود از «أهل الذکر» عالمان دینی است؛ زیرا اولاً عموم مردم از تاریخ پیامبران بی خبر بودند و این نوع اطلاعات در اختیار عالمان دینی بود و ثانیاً واژه «ذکر» در قرآن، بر کتاب های آسمانی و از جمله خود قرآن اطلاق گردیده است.

### 99- بینش علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 76 - 11، 12، 8، 6

6- ناتوانی مسلمانان از احتجاج علیه یهود در پیشگاه خدا ، توجیه عالمان یهود برای بازداری مردم خویش از بازگویی و نشر صفات پیامبر موعود

أتحدثونهم بما فتح اللّٰه علیکم لیحاجوکم به عند ربکم

8- پیشوایان یهود ، بازگویی صفات پیامبر موعود و اعتراف به حقانیت او را ، نشانه بی خردی بازگو کننده می شمردند .

أتحدثونهم . . . أفلا تعقلون



11 - حفظ منافع قوم و جامعه یهود، برتر از اعتراف به باور ها و عقاید دینی در دیدگاه عالمان و پیشوایان آنان

أتحدثونهم بما فتح الله عليكم . . . أفلا تعقلون

12 - پیشوایان و عالمان یهود، اعتراف به حقایق دینی و معارف الهی را، در صورتی که مخدوش کننده منافع قومی آنان گردد، ناروا و برخاسته از بی خردی می دانستند .

أتحدثونهم بما فتح الله عليكم . . . أفلا تعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 202

5- گروهی از عالمان یهود، افکار تحریر یافته خویش را حقایقی (معارف، احکام و...) از جانب خدا قلمداد نموده، به مردم ارائه می کردند.

فویل للذین یکتبون الکتب بأیدیهم ثم یقولون هذا من عند الله

«بأیدیهم» (با دستهای خود)، تأکید بر این است که عالمان یهود آنچه را به عنوان کتاب الهی می نوشتند، ساخته و پرداخته خود آنان بود، همانند جمله های «یقولون بأفواههم» و «نظرته بعینی...» و... .

### 100- بیش عوام یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 79 - 7

7- عوام یهود، خریداران تحریف ها و بدعت های عالمانشان

لیشتروا به ثمناً قليلاً

### 101- بیش عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 30 - 2

2- بندگی خداوند، اولین اعتراف عیسی (ع) و بالاترین مقام در دیدگاه آن حضرت

قال إني عبد الله

تقدیم وصف بندگی، حتی بر نبوت و داشتن کتاب آسمانی، نشانه این است که در دیدگاه عیسی (ع)، این وصف برتر از سایر مقام های او بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 31 - 2

2- عیسی (ع) در کودکی، فرخندگی و فزاینده گی خیر و خوبی را از صفات خدادادی خویش برشمرد.

و جعلنی مبارکاً این ما کنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 32 - 2

2- عیسی (ع) در گهواره، خود را فرزندی خوش رفتار و نیکوکار برای مادرش مریم (س) خواند و این ویژگی را عطیه خداوند دانست.

و برآ بولدتی

تقدیر «و برآ بولدتی» به قرینه آیه قبل «و جعلنی برآ بولدتی» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 203

2- عیسی (ع)، خود را چون همه مردم، موجودی نیازمند به ربوبیت خدا دانست و آن را به همگان اعلام کرد.

وإنَّ اللهَ رَبِّي وَرَبِّكُمْ

### 102- بیش غلط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 31 - 16، 9

9- تهی دستان و مستضعفان جامعه، در نظر ظاهر بین اشراف قوم نوح، مردمی پست و حقیر

و لا أقول للذين تزدرى أعينكم لن يؤتاهم الله خيراً

إزدراء (مصدر تزدرى) به معنای حقیر شمردن و ناقص و معیوب دانستن است (لسان العرب). مفعول «تزدرى» ضمیر محذوفی است که به «الذین» برمی گردد و مراد از آن، پیروان حضرت نوح می باشد. یعنی «الذین تزدریهم أعینکم» (آنان که چشمان شما ایشان را حقیر و ناقص و معیوب می بیند). اسناد «تزدرى» به «أعینکم» اشاره به ظاهربینی اشراف و سران دارد.

16- ناشایست شمردن تهی دستان، برای کسب خیر و مقام های معنوی، گناه و پنداری است به دور از واقعیت.

لا أقول للذين تزدرى أعينكم .. . إني إذا لمن الظالمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 32 - 8

8- نوح (ع)، در پندار ناروای کفرپیشگان قومش، فردی دروغگو و ارائه کننده مطالب نادرست

إن كنت من الصادقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 4 - 12

12- خارج پنداشتن تدبیر امور هستی از اختیار خداوند، نشانه جهل و کور فکری است.

إن في ذلك لآيت لقوم يعقلون

2- گمان دستیابی به مال و فرزند به مجرد کفرورزی، پنداری بس ناروا و شگفت انگیز است .

أفريت الذی کفر بأيتنا و قال

همزه استفهام در «أفريت» مفید تعجب و متضمن معنای امر است؛ یعنی، به قدری شگفت آور است که جا دارد حتماً چنین کسی را ببینی. حرف «فاء» در این برای ترتیب معنوی است؛ یعنی، کافرانی که گفته آنان در آیات پیشین آمد، در حال رفاه و تنعم، چنان سخنانی را گفتند؛ ولی تعجب از کسی است که ایمان را به هوای پیدا کردن مال و فرزند رها می کند و به کافران می پیوندد.

ص: 204

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 16 - 6

6- بی هدف پنداشتن جهان ، به معنای بازیچه و بیهوده دانستن آفرینش است .

و ما خلقنا السماء والأرض و ما بینهما لعین

از به کار بردن تعبیر «لاعبین» به جای «مبطلین»، استفاده می شود که باطل و بی هدف دانستن جهان، مساوی با لعب و بازیچه پنداشتن آفرینش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 34 - 2

2- مشرکان ، می پنداشتند پیامبران باید در دنیا عمر جاوید داشته باشند .

و ما جعلنا لبشر من قبلك الخلد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 88 - 1

1 - جمود و ایستایی کوه ها در پندار آدمی ، علی رغم حرکت ابرآسای آنها

و تری الجبال تحسبها جامده و هی تمرّ مرّ السحاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جاثیه - 45 - 22 - 3

3- برابر انگاشتن مؤمن و کافر در پیشگاه خداوند ، پنداری مغایر با هدفمندی و حقانیت نظام جهان

أم حسب الذين اجترحوا... و خلق الله السموت و الأرض بالحقّ

خداوند، هدفمندی و حقانیت نظام جهان را به دنبال طرح عدم تساوی صالح و ناصالح در پیشگاه داوری حق، یاد کرده و از یک مقوله و معنا دانسته است. بر این اساس آیه شریفه را می توان تفسیر و تعلیلی برای آنچه که در آیه قبل بیان شده، دانست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- برتر دیدن زندگانی دنیا از آخرت، دیدگاهی ناروا و مایه شقاوت و روی گردانی از تذکرات قرآن و گرفتاری به آتش دوزخ است.

و يتجنّبها الأشقی . الذی یصلی النار ... بل تؤثرون الحیوه الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- پندار مرفّهان به گرامی بودن نزد خداوند، با وجود بی توجهی آنان به مساکین، پنداری بی پایه و نادرست است.

رَبِّی أکرمن . کلاً ... ولا تحضّون علی طعام المسکین

### 103- بیش غلط بادیه نشینان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 11 - 18

18 - سفر حدیبیه ، برای مسلمانان همراه با پیروزی و خلاف انتظار اعراب متخلف

سیقول لك المخلفون .. فاستغفر لنا

در آیات پیشین، سفر حدیبیه به عنوان سفری پر بار معرفی شده و خداوند پس از تمجید آثار این سفر، عذرخواهی های آینده اعراب متخلف را یادآور شده است. با توجه به این نکته، از مجموع آیات استفاده می شود که اعراب متخلف، انتظار چنین فرجام فرخنده ای را برای این سفر نداشته و با مشاهده نتایج مثبت آن، از تخلف خود اظهار ندامت خواهند کرد.

### 104- بیش غلط بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 8 - 2

2- بنی اسرائیل می پنداشتند خداوند از ایمان و یا کفر آنان بهره مند می شود یا زیان می بیند .

وقال موسى إن تكفروا أنتم و من فی الأرض جميعاً فإن الله لغنی حمید

### 105- بیش غلط خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 24 - 3

3 - خطاکاران ، زندگانی اخروی خویش را فاقد توشه های لازم دیده و در حسرت فرصت های بر باد رفته بسر می برند .

یلیتنی قدّمت لحياتی

### 106- بیش غلط درباره خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 3 - 6

6- قرار دادن هرگونه شریک برای خداوند ، نشانه تصور ناصحیح و غیر واقعی از اوست .



تعلی عمّا یشرکون

**107- بینش غلط طغیانگران**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 62 - 6

ص: 206

6- پی بردن طغیان گران در دوزخ ، به نادرستی پندار خود نسبت به مؤمنان در دنیا

وقالوا ما لنا لانرى رجالاً كنا نعدّهم من الأشرار

### 108- بیش غلط غافلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 28 - 24

24- فکر اولویت ثروت مندان بر تهیدستان در کسب هدایت ، اندیشه ای سخیف و بافته قلب غافلان از یاد خدا است .

و لاتطع من أغفلنا قلبه عن ذكرنا

### 109- بیش غلط فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 37 - 4

4- تصور نادرست فرعون ، از حقیقت خداوند و اعتقاد باطل وی به وجود او در آسمان ها و انحصار راه خدا شناسی در محسوسات

أسبب السموت فأطلع إلى إله موسى

از این که فرعون برای کسب اطلاع از خداوند، به کاوش در آسمان ها پرداخت، این مطلب به دست می آید که او خدا را موجودی می دانست که اولاً در آسمان ها جای دارد نه در زمین، ثانیاً از راه های محسوس آسمانی (أسباب السماوات) قابل شناخت است.

### 110- بیش غلط فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 39 - 7

7- دنیاطلبی فرعونیان و تصویر نادرست آنها از زندگی دنیایی و اخروی ، سبب انحراف و خودکامگی آنان شد .

يقوم . . . وإنّ الآخره هي دار القرار

با توجه به یادآوری حقیقت زندگی در دنیا و آخرت از سوی مؤمن آل فرعون برای فرعونیان، برداشت بالا به دست می آید.

### 111- بیش غلط قوم نمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 82 - 6

6- اصحاب حجر با پناه گرفتن در خانه های سنگی مستحکم ، به گمان باطل خود را از عذاب الهی در امان می پنداشتند .

ص: 207

و كانوا ينحتون من الجبال بيوتاً آمنين

ساختن خانه های سنگی مستحکم، ممکن است در مقابل تهدید شدن به عذاب الهی باشد. دو آیه بعد (فما أغنى عنهم ما كانوا يكسبون) مؤید این برداشت است.

### 112- بیش غلط کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 17 - 6

6- پندار و تصویر نادرست کافران ، از مسأله معاد و چگونگی آن

أن أخرج وقد خلت القرون من قبلي

تعبیر «وقد خلت القرون من قبلي» - که به عنوان علت برای انکار معاد از سوی کافر مطرح شده - نشانگر آن است که معاد در پندار آنان، بازگشت به دنیا در زمانی است که هنوز نسل های بعد در زمین زندگی می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 2 - 5

5 - دلخوشی کافران به پندار غلط خود ، در زودگذری آثار معجزات پیامبر (صلی الله علیه و آله) \*

وإن يروا آية يعرضوا ويقولوا سحر مستمرّ

برداشت یاد شده بدان احتمال است که «مستمر» از ماده «مرور» (زایل شدن و گذرا بودن)، مشتق شده باشد؛ چنان که برخی از مفسران بدان اشاره کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 15 - 1

1 - کافران تکذیب گر ، آیات قرآن و مطالب آن را بی اساس و از افسانه های کهن می پنداشتند .

إذا تتلى عليه آيتنا قال أسطير الأولين

### 113- بیش غلط مال دوستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- پندار عزّت در پیشگاه خداوند ، برای کسانی که گرفتار مال دوستی اند ، پنداری موهوم است .

رَبِّي أَكْرَمَن .. كَلَّا ... وَتَحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا

### 114- بيش غلط مشركان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 208

18 - نیندیشیدن، ریشه تلقی نادرست مشرکان از پیامبری و توقّعات نابجای آنان است.

قل لا أقول لكم عندی خزائن الله . . . أفلا تتفكرون

جمله توییخی «أفلا تتفكرون» دعوتی است به تفکر در تمامی معارف عنوان شده در این دسته آیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 22 - 7

7- خداوند یگانه، از توصیف‌ها و پندارهای مشرکان منزّه و مبرّا است.

لو كان فيهما ءالهه . . . فسبحن الله ربّ العرش عمّا يصفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 149 - 5

5 - تصور غلط مشرکان درباره خداوند متعال و کوچک شمردن منزلت او

فاستفتهم الرّبك البنات و لهم البنون

انتساب دختر به خداوند و برگزیدن پسر برای خود، با این عقیده باطل که پسر بر دختر ترجیح دارد، نشانگر این حقیقت است که مشرکان، تصور درستی از خدا و معارف الهی نداشتند و منزلت خدا را کمتر از منزلت بشر می دانستند.

### 115- بیش غلط مشرکان جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 20 - 5

5 - تصور جاهلانّه و غلط مشرکان عرب جاهلی از « مشیت الهی »

و قالوا لو شاء الرحمن . . . ما لهم بذلك من علم

### 116- بیش غلط مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- ناآگاهی خداوند به سخنان و کار های پنهانی ، از پندار های نادرست مشرکان عصر بعثت

ألا إناهم يثنون صدورهم ليستخفوا منه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 55 - 2

2- نکوهش شرک پیشگان مرفه صدر اسلام ، به خاطر پندار غلط آنان در ارزیابی موقعیت خویش در نزد خداوند

أيحسبون أنما نمدهم به من مال وبنين

ص: 209

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - کافرون - 109 - 2 - 4

4 - مشرکان ، گرفتار توهم هماهنگی دین پیامبر (صلی الله علیه و آله) با عقاید شرک آلود آنان

لا أعبد ما تعبدون

سوره «کافرون»، بیانگر اعلان مواضع قطعی پیامبر (صلی الله علیه و آله) در برابر معبودهای مشرکان است. گویا آنان در آغاز رسالت، گمان می کردند که دین پیامبر (صلی الله علیه و آله) تباینی با آیین آنان ندارد و معبود آن حضرت از سنخ معبودان ایشان است. پیامبر (صلی الله علیه و آله) در این سوره، با صراحت از تباین دو دین سخن می گوید و خود را پرستشگر معبودی معرفی می کند که از سنخ معبودهای مشرکان نیست.

### 117- بیش غلط مکذبان آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 4 - 3

3 - بیش غلط منکران آخرت در تشخیص زشتی کردار خویش ، کیفری الهی برای آنان

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ زَيَّنَّا لَهُمْ أَعْمَلَهُمْ

تعبیر «زینّا» (ما آراستیم) اشاره به این حقیقت دارد که بیش نادرست کافران در عرصه ارزش گذاری، نتیجه ای است که خداوند در ازای حق ناپذیری آنان مقرر فرموده است.

### 118- بیش فاسدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 56 - 7

7 - پاکی و پارسایی ، جرم و مایه استهزا در جامعه فاسد

قَالُوا أَخْرِجُوا آلَ لُوطٍ مِنْ قَرْيَتِكُمْ إِنَّهُمْ أَنَاسٌ يَتَطَهَّرُونَ

در جامعه فاسدی چون جامعه قوم لوط، وی و خاندانش به جرم پاکی و پارسایی مورد ریشخند قرار گرفتند و محکوم به تبعید و اخراج شدند.

### 119- بیش فرعون



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 123 - 2

2- فرعون ، مردم را در گزینش دین و آیین ، نیازمند رخصت دهی خویش می دانست و آن را حقی برای خود می شمرد .

قال فرعون ءامنتم به قبل أن ءاذن لكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 210

6 - اعراف - 7 - 124 - 4

4 - ایمان به رسالت موسی (ع) ، خیانتی بزرگ از دیدگاه فرعون و در پی دارنده مجازاتی سخت

لأقطعن . . . ثم لأصلبنکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 128 - 5

5 - موسی (ع) در تعالیم خویش به بنی اسرائیل ، پندار مالکیت فرعون را بر زمین ، پنداری باطل و حاکمیت او را مقهور اراده خداوند خواند .

قال موسی لقومه . . . إن الأرض لله یورثها من یشاء من عباده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 78 - 8

8 - فرعون و اطرافیاناش ، قدرت و مکت خود را ، در دفاع از آیین نیاکانشان می دانستند .

قالوا أجبنا لتلفتنا عما وجدنا علیه ءاباءنا و تكون لکما الکبریاء فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 57 - 4

4 - فرعون آیات و معجزات الهی موسی (ع) را سحر خواند و آن را وسیله ای برای بیرون راندن فرعونیان از مصر دانست .

لتخرجنا من أرضنا بسحرک یموسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 71 - 10،11،12،3،7

3 - فرعون ، انتخاب دین و تغییر مسلک مردم را ، مشروط به اجازه خویش می دانست .

ءامنتم له قبل أن ءاذن لکم

7 - فرعون ، موسی (ع) را برترین ساحر و معجزه او را سحری فراتر از آنچه به دیگران آموخته بود ، قلمداد کرد .

إِنَّهٗ لَكَبِيرِكُمْ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السَّحْرَ

10 - فرعون ، شکست ساحران از موسی (ع) را ، امری تصنعی و براثر تباری قبلی با موسی (ع) دانست و آنان را به سهل انگاری عمدی متهم ساخت .

إِنَّهٗ لَكَبِيرِكُمْ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السَّحْرَ

11 - در دیدگاه فرعون ، ساحران پیش از حضور در میدان مبارزه ، به موسی (ع) ایمان داشتند و ایمان آنان در صحنه مبارزه ، ایمانی صوری و برنامه ریزی شده بود .

ءَامَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ ءَاذَنَ لَكُمْ إِنَّهٗ لَكَبِيرِكُمْ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السَّحْرَ

20 - فرعون ، درک سنگین تر بودن شکنجه هایش از عذاب موعود موسی (ع) را ، تنها در صورت چشیدن آن امکان پذیر دانست .

و لَتَعْلَمَنَّ أَنِنَّا أَشَدُّ عَذَابًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 211

1 - فرعون و اشراف دربار او، منکر صلاحیت بشر برای دستیابی به مقام رسالت الهی

فقالوا أنؤمن لبشرین مثلنا

همزه در «أنؤمن» برای استفهام انکاری است. «قوم» به معنای طایفه و «عباده» (مصدر «عابدون») در این آیه، به معنای خدمت گذاری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 19 - 3,5

3 - قتل مرد قبطی توسط موسی (ع)، نشانه ناسپاسی و کفران نعمتی بزرگ در نظر فرعون

و فعلت فعلتک .. و أنت من الکفرین

مراد فرعون از «و أنت من الکفرین» ناسپاسی موسی (ع) در قبال خدمات گذشته وی به او می باشد.

5 - قتل نفس و ناسپاسی نعمت، دو رفتار نامناسب با شأن و ادعای پیامبری در نظر فرعون

و فعلت فعلتک التی فعلت و أنت من الکفرین

به رخ کشیدن قتل نفس و ناسپاسی موسی (ع) از جانب فرعون، می تواند به منظور خدشه دار کردن پیامبری آن حضرت و منافی دانستن مقام نبوت با قتل نفس و ناسپاسی ادا شده باشد. گفتنی است آیه بعد - که در آن حضرت موسی (ع) قتل نفس را عملی غیر عمدی و ناخواسته می شمرد - مؤید برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 23 - 3

3 - وجود ربّ و پروردگاری واحد برای جهانیان، امری شگفت و باور نکردنی در نظر فرعون

قال فرعون و ما ربّ العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 31 - 3

3 - فرعون دلایل آفاقی و انفسی ارائه شده از سوی موسی را گویای صدق ادعای او ندانسته و تنها معجزه را شاهد صدق گفتارش می

قال رب السموت و الأرض . . . قال . . . لأجعلنك من المسجونين . قال أولوجنتك بشيء

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که فرعون دلایل آفاقی و انفسی حضرت موسی را نپذیرفت و ضمن تمسخر آنها، او را به زندان تهدید کرد؛ ولی آن گاه که آن حضرت مسأله معجزه (شیء مبین) را مطرح ساخت، فرعون به ظاهر به آن تن داد و پذیرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 56 - 3

3- فرعون ، طرفداران و کارگزاران حکومت خود را ، گروهی متحد ، نیرومند و آماده نبرد معرفی کرد .

وإنا لجميع حذرون

یکی از معانی «جمع» ضد «متفرق»؛ یعنی، متحد است (لسان العرب). برداشت یاد شده بر اساس همین معنا است.

ص: 212

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 38 - 9

9 - ضرورت قابل رؤیت بودن خدا در پندار فرعون

فاجعل لی صرحًا لعلی أطلع إلی إله موسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 26 - 14، 6، 5، 3

3 - اقدام بر قتل موسی (ع)، کاری دشوار، خطر آفرین و دارای بازتاب ناگوار در میان افکار عمومی در نظر فرعون

وقال فرعون ذرونی أقتل موسی

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که فرعون، در کشتن فرزندان ایمان آورندگان به موسی (ع) با کسی به مشاوره نپرداخت (اقتلوا أبناء الذین آمنوا معه); ولی در کشتن موسی (ع) با مشاوران و درباریان خود به رایزنی پرداخت.

5 - موسی (ع)، کانون اصلی خطر در نگاه فرعون

وقال فرعون ذرونی أقتل موسی

تصمیم بر قتل موسی (ع)، پس از کشتار فرزندان پیروان او، گویای مطلب یاد شده است.

6 - کشتن موسی (ع)، راه اصلی مبارزه با رسالت وی و گسترش آیین او، در نگاه فرعون

وقال فرعون ذرونی أقتل موسی

14 - فرعون، منافع و بقای اقتدار خود را در حفظ آیین گذشته مردم و نگه داری وضعیت اجتماعی موجود می دید.

إنی أخاف أن یبدل دینکم أو أن یظهر فی الأرض الفساد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 29 - 17، 15

15 - فرعون، خود را فردی خیرخواه و پایبند به اندیشه ها و عقاید خویش و نیز به دور از دورویی معرفی کرد.

قال فرعون ما أریکم إلا ماأری

برداشت یاد شده از آن جااست که فرعون با گفتن «ما أرىكم إلا ما أرى» (من جز آنچه را که تشخیص می دهم به شما ارائه نمی دهم)، می خواست خویشان را فردی صادق، خیرخواه و پایبند به اندیشه ها و نظرات خود، جلوه دهد.

17 - فرعون کشتن موسی (ع) را، سیاستی درست در حکومت و به صلاح جامعه دانست .

و ما أهدیکم إلا سبیل الرشاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 52 - 6

6 - قدرت و ثروت، تنها ملاک ارزش در دیدگاه فرعون و فرعونیان

قال یقوم ألیس لی ملک مصر .. أم أنا خیر من هذا الذی

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته زیر است: الف) فرعون پس از یادآوری فرمانروایی و ثروت خویش، موسی(ع) را غیر قابل قیاس با خود می داند و این نشان دهنده بیش فرعون در زمینه ملاک ارزش است. ب) سخنانی فرعون و تکیه وی بر قدرت و ثروت، نشان می دهد که در جامعه قبطی چنین دیدگاهی وجود داشته است.

ص: 213

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 131 - 2, 1

1 - فرعونیان خویش را مبارک می دانستند و موسی (ع) و مؤمنان به وی را مردمی بدشگون و نامبارک می پنداشتند .

فإذا جاءتهم الحسنه قالوا لنا هذه وإن تصبهم سيئه يطيروا بموسى و من معه

«لام» در «لنا» تعلیلیه است و تقدیم «لنا» دلالت بر حصر دارد. بنابراین «لنا هذه» یعنی این رفاه و آسایش (الحسنه) تنها به سبب خود ما و میمنت ماست. «تطیر بكذا» یعنی چیزی را نامبارک دانست و به سبب آن فال بد زد.

2 - فرعونیان ، رفاه ها و آسایش ها را ناشی از میمنت خویش ، و سختی ها و ناراحتی ها را برخاسته از بدشگونی موسی (ع) و پیروانش می دانستند .

قالوا لنا هذه .. يطيروا بموسى و من معه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 132 - 3

3 - فرعونیان ایمان به رسالت موسی را سحرزدگی می دانستند .

مهما تأتتا به من ءایه لتسحرنا بها فما نحن لك بمؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 63 - 7, 8

7 - فرعونیان ، خود را برخوردار از راه و آیینی نمونه و برتر می دانستند .

و یذهب بطریقتکم المثلی

«طریقه» به معنای راه و روش است و «مثلی» (مؤنث «أمثل»); یعنی، به حق شبیه تر و به خیر و خوبی نزدیک تر (مفردات راغب).

8 - فرعونیان در تبلیغات خود علیه موسی و هارون (ع) ، آنان را درهم شکننده و نابود کننده راه و روش نمونه و برتر خویش معرفی کردند .

و یذهب بطریقتکم المثلی



5- روز مقابله ساحران فرعون با موسی (ع) روزی سرنوشت ساز و تعیین کننده، از دیدگاه فرعونیان

وقد أفلح اليوم من استعلى

«فلاح» به معنای موفقیت و پیروزی است. ابراز این سخن از ناحیه فرعونیان، گواه این مدعا است که آنان این مبارزه را، مبارزه مرگ و زندگی و نقطه عطفی در تاریخ خود تلقی می کردند.

6- فرعونیان نجات و بقای خود را در گرو غلبه ساحران بر موسی (ع) در صحنه مقابله می دانستند .

وقد أفلح اليوم من استعلى

7- فرعونیان، در سخنان و تبلیغات خویش، سحر برتر و بی رقیب را، نشانگر حقانیت مرام ساحر و عقاید او قلمداد می کردند .

وقد أفلح اليوم من استعلى

بسیج ساحران برای ابطال ادعاهای موسی(ع)، حاکی از آن است که در نظر فرعونیان، قدرت ساحر میزان حق و باطل بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 47 - 2

2- فرعونیان، منکر هر گونه امتیاز برای موسی و هارون (ع)

فقالوا أنؤمن لبشرین مثلنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 21 - 4

4- قتل مرد قبطی توسط موسی (ع)، از نظر نظام فرعونی جرم و گناه بود؛ ولی در پیشگاه پروردگار چنین نبود.

ففررت منکم .. فوهب لی ربی حکماً و جعلنی من المرسلین

موسی(ع) در دستگاه فرعون مجرم شمرده می شود و می گریزد؛ اما در پیشگاه پروردگار مورد لطف قرار گرفته و به دریافت حکمت و رسالت مفتخر می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 37 - 3

3 - عظمت معجزه موسی در نظر فرعونیان

یا توك بکلّ سحرّ علیم

جمع آوری تمامی ساحران ماهر، نشان دهنده آن است که فرعونیان مرعوب معجزه موسی شده و معتقد بودند که جز با گردآوری تمام توان خویش، قادر به مقابله با آن نیستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 49 - 13

13 - فرعونیان پس از گرفتاری به عذاب الهی، اظهار ایمان کرده و خود را مردمی هدایت یافته قلمداد کردند.\*

وقالوا .. إننا لمهتدون

جمله «إِنَّا لَمَهْتَدُونَ» ممکن است خبر از تسلیم شدن در برابر هدایت های الهی باشد. در این صورت مفاد آیه این است که فرعونیان پس از نزول عذاب، ادعای ایمان کرده و از موسی(ع) خواستند که خداوند نیز به عهدش در رفع عذاب از آنان، وفا کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 52 - 6

6 - قدرت و ثروت ، تنها ملاک ارزش در دیدگاه فرعون و فرعونیان

قال يقوم أليس لي ملك مصر .. أم أنا خير من هذا الذي

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته زیر است: الف) فرعون پس از یادآوری فرمانروایی و ثروت خویش، موسی(ع) را غیر قابل قیاس با خود می داند و این نشان دهنده بیش فرعون در زمینه ملاک ارزش است. ب) سخنانی فرعون و تکیه وی بر قدرت و ثروت، نشان می دهد که در جامعه قبطی چنین دیدگاهی وجود داشته است.

ص: 215

## 121- بیش فقرا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 16 - 5

5- انسان ها، تنگدستی و کاهش روزی را، اهانتی از جانب خداوند قلمداد کرده، اظهار شکوه می کنند.

و أما إذا... فقد رزقه فبقول ربی آهنن

«اهانه» از ریشه «هوان» (ذلت و حقارت) به معنای استهزا و استخفاف است. (مصباح)

## 122- بیش قدرتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 35 - 9

9- ثروت مندان و قدرت مندان، در خطر پندار جاودانگی نعمت ها در دنیايند.

أنا أكثر منك مالاً... قال ما أظن أن تبید هذه أبداً

داستان مذکور در آیه، چه واقعی باشد و چه سمبلیک، بیان خصلت های آدمی و واکنش های او در شرایط مختلف است. از جمله این خصلت ها آن است که وقتی در اوج رفاه قرار گیرد و اموال خود را در اطراف خود مشاهده کند، چنین می پندارد که نعمت های اطراف او جاودانه هستند.

## 123- بیش قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 76 - 3

3- قوم ابراهیم ستارگان را «رب» و مؤثر در تدبیر هستی می پنداشتند.

راء كوكبا قال هذا ربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 81 - 2

2- قوم ابراهیم او را به آسیب دیدن از جانب معبودهای خود تهدید می کردند.

و لاأخاف ما تشركون به . . . و كيف أخاف ما أشركتم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

11 - انبياء - 21 - 55 - 1،5

1- قوم ابراهيم نسبت به حق بودن سخن ابراهيم (ع) و جدی بودن او در نفی شرک و بت پرستی ، تردید داشته و آن را بعید می دانستند .

قالوا أجنّتنا بالحقّ أم أنت من اللّـعین

ص: 216

5- مردم بت پرست ، حضرت ابراهیم (ع) را فردی بازیگر که عقیده آنان رابه شوخی و بازی گرفته است ، می پنداشتند .

أَجْتَنَّا بِالْحَقِّ أُمَّ أَنْتَ مِنَ اللَّهِ - عِبِين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 59 - 7,9

7- حضرت ابراهیم (ع) به خاطر شکستن بت ها ، در پندار قومش ظالم و ستمگر بود .

قالوا من فعل هذا بالهتئا إله لمن الظلمين

9- تعرض به بت ها ، ظلمی بزرگ و گناهی نابخشودنی در پندار قوم بت پرست ابراهیم

قالوا من فعل هذا بالهتئا إله لمن الظلمين

ظالم و ستم پیشه به کسی گویند که بارها به ستم دست بزند. بنابراین توصیف ابراهیم به ستمکار بودن از جانب بت پرستان - در حالی که او تنها یک بار به بت ها تعرض کرده بود - گویای این نکته است که تعرض به بت ها در نظر بت پرستان ظلمی بزرگ محسوب می شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 60 - 4

4- ابراهیم (ع) در دیدگاه قوم خود ، موقعیت اجتماعی ممتازی نداشت و مورد تحقیر آنان قرار می گرفت .

سمعنا فتی یذکرهم یقال له ابرهیم

توصیف ابراهیم(ع) به جوان بودن از سوی بت پرستان، ممکن است تعریضی به ناپختگی و کم تجربگی حضرت ابراهیم(ع) باشد؛ نه این که او واقعاً از نظر سنی جوان باشد. این و تعبیر «یقال له ابراهیم» را نوعی تحقیر آن حضرت و ناشناخته بودن او به حساب آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 62 - 1

1- بت پرستان ، حضرت ابراهیم (ع) را شکننده بت ها می دانستند .

قالوا أنت فعلت هذا بالهتئا یا برهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- بت پرستان ، استدلال های ابراهیم (ع) بر بطلان شرک را نادرست انگاشته و او را به خاطر شکستن بت ها مجرم دانستند .

فسلوهم إن كانوا ينطقون . . . ثم نكسوا علی رؤوسهم لقد علمت ما هؤلاء ينطقون

جمله «لقد علمت ما هؤلاء ينطقون» پاسخ مشرکان به کلام ابراهیم(ع) (فسئلوهم إن كانوا ينطقون) است؛ یعنی، تو می دانی که بت ها از سخن گفتن عاجزاند، پس چرا ما را به سؤال کردن از بت ها حواله می دهی. لابد سؤال تو برای فرار از اتهام بت شکنی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 68 - 5,6

ص: 217

5- معبود ها ، نیازمند یاری و نصرت از دید قوم بت پرست ابراهیم

وانصروا الهتکم

6- سوزاندن کامل ابراهیم (ع) ، تنها راه دفاع از عقیده بت پرستان و معبود های ادعایی در دید قوم او بود .

قالوا حرّقوه وانصروا الهتکم إن کنتم فعلین

### 124- بیش قوم الیاس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 126 - 4

4 - عقاید و دیدگاه های نیاکان ، امری ارزشمند ، پذیرفته شده و غیر قابل تجدید نظر در نزد قوم الیاس

اللّٰه ربّکم وربّ ءابائکم الاولین

از تصریح ربوبیت خداوند نسبت به نیاکان (آباء)، برداشت یاد شده به دست می آید.

### 125- بیش قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 62 - 3

3- قوم ثمود ، صالح (ع) را به خاطر ویژگی ها و استعدادهایش ، مایه ترقی و تعالی آن قوم می دانستند .

قد کنت فینا مرجوًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 154 - 3

3 - ویژگی های بشری صالح (ع) ، مانع از رسالت وی در دیدگاه ثمودیان

قالوا .. ما أنت إلاّ بشر مثلنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 14 - 11



11 - فرشتگان - در دید قوم عاد و ثمود - موجوداتی برتر از آدمیان و شایسته تر برای رسالت از جانب خداوند

قالوا لو شاء ربنا لأنزل من السماء

از این که قوم عاد و ثمود، پیامبران خویش را به واسطه بشر بودن انکار می کردند و نبوت را فقط لایق فرشتگان می دانستند، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 24 - 2,5,6,7,8,9,10

2 - رسالت الهی ، مرتبتی غیر قابل دستیابی برای بشر در دیدگاه قوم ثمود

فقالوا أبشراً منا وحداً نتبعه

ص: 218

برداشت یاد شده در صورتی است که گفتار قوم ثمود و انکار آنان، صرفاً جنبه بهانه جویی نداشته؛ بلکه ریشه در باورهای آنان داشته باشد.

5- صالح پیامبر (ع) ، فاقد پایگاه اجتماعی از نظر قوم ثمود

فَقَالُوا أَبَشْرًا مِثَّا وَحَدًّا

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تعبیر «واحداً»، نظر به عدم برخورداری صالح(ع) از عِدَّة و عُدَّة و قدرت اجتماعی، داشته باشد.

6- مکانت و شوکت اجتماعی ، از بالاترین ملاک های ارزشی در نظر قوم ثمود

فَقَالُوا أَبَشْرًا مِثَّا وَحَدًّا نَتَّبِعُهُ

در صورتی که تعبیر «واحداً» بیانگر عدم برخورداری صالح(ع) از قدرت، شوکت و اشرافیت باشد؛ می توان استفاده کرد که قوم ثمود، انتظار داشتند که پیامبر از میان اشراف جامعه، انتخاب شود.

7- پیروی از بشری معمولی و فاقد موقعیت اجتماعی ، گمراهی و جنون در نظر قوم ثمود

إِنَّا إِذَا لَفِيَ ضَلَلٌ وَسَعْرٌ

واژه «إِذَا» ضلالت و جنون را مترتب بر تبعیت از «بشراً مِثَّا واحدًا» ساخته است. گفتنی است در صورتی که «واحداً» اشاره به تنهایی و بی یاری صالح(ع) داشته باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

8- پذیرش ادعای نبوت از یک انسان ، گمراهی و جنون در نظر قوم ثمود

فَقَالُوا أَبَشْرًا مِثَّا وَحَدًّا نَتَّبِعُهُ إِنَّا إِذَا لَفِيَ ضَلَلٌ وَسَعْرٌ

در صورتی که «أَبَشْرًا مِثَّا واحدًا» در مقام نفی شایستگی بشر برای نبوت باشد، از ارتباط «إِذَا لَفِيَ ..» با جمله قبلی مطلب بالا استفاده می شود.

9- قبول پیامبری صالح (ع) ، مایه تیره بختی در نگاه قوم ثمود

إِنَّا إِذَا لَفِيَ .. . سَعْرٌ

در صورتی که «سعر» جمع «سعیر» (آتش افروخته) باشد، مراد از آن در آیه شریفه، گرفتار شدن در آتش حسرت و تیره بختی خواهد بود.

10- قوم ثمود ، مدعی ارزش خواهی و سعادت جویی ، در تکذیب پیامبری صالح (ع)

إِنَّا إِذَا لَفِيَ ضَلَلٌ وَسَعْرٌ

قوم ثمود با گفتن «إِنَّا إِذَا ..»، در حقیقت مدعی بودند که ما اکنون در گمراهی و شقاوت نیستیم و چنانچه از صالح(ع) پیروی کنیم، گمراه

و تیره بخت خواهیم شد و ما گمراهی و تیره بختی را برای خویش نمی پسندیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 25 - 3

3- قوم ثمود، براساس ملاک های مادی خود، معتقد به وجود افرادی شایسته تر از صالح (ع) برای پیامبری

ألقى الذكر عليه من بيننا

**126- بیش قوم عاد**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 54 - 3

ص: 219

3- قوم عاد، برخی از آلّه خویش را عامل جنون و اغتشاش روانی هود (ع) می پنداشتند.

إن نقول إلاّ اعتراض بعض الهتنا بسوء

«إعتراء» به معنای شامل شدن و اصابت کردن است (لسان العرب). و از آن جا که «إعتراء» در آیه شریفه، به وسیله حرف «باء» به مفعول دوم (بسوء) متعدی شده، به معنای رسانیدن و شامل کردن می باشد. بنابراین جمله «إن نقول...» یعنی، ما سخنی جز این نمی گوئیم که یکی از خدایان ما، مرض و آفتی بر تو افکنده است».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 136 - 1

1 - بی تأثیر خوانده شدن موعظه ها و اندرز های هود از سوی قوم عاد

قالوا سواء علينا أوعظت أم لم تكن من الوعظين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 137 - 4,5, 1

1 - عادیان، نصیحت های هود (ع) را تکرار شیوه مدعیان پیامبری در گذشته خوانده و آن را فاقد ارزش و اعتبار اعلام کردند.

إن هذا إلاّ خلق الأولین

واژه «خُلُق» به معنای شیوه و رفتار است. بنابراین «خلق الأولین»؛ یعنی، رفتار پیشینیان. گفتنی است که برداشت یاد شده بدان احتمال است که کلمه «هذا» اشاره به رفتار ناصحانه هود(ع) داشته باشد. بر این اساس مراد از «خلق الأولین» (شیوه پیشینیان)، شیوه پیامبران پیش از هود(ع) می باشد.

4 - عادیان شیوه زندگی خویش (برج سازی، کاخ نشینی و...) را، سنتی برجای مانده از پیشینیان خود اعلام کردند.

إن هذا إلاّ خلق الأولین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که کلمه «هذا» اشاره به رفتار عادیان داشته باشد. بر این اساس مراد از «خلق الأولین»، شیوه نیاکان خود آنان است.

5 - تقدس و ارزش مندی سنت های کهن در نظر قوم عاد

سواء علينا أوعظت . . . إن هذا إلاّ خلق الأولین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - به دور بودن راه پیشینیان از هرگونه پیامد شوم (عذاب و کیفر الهی)، در دیدگاه قوم عاد

إن هذا إلا خلق الأولین . و ما نحن بمعذبین

با توجه به این که «هذا» در آیه پیش، اشاره به روش و رفتار قوم عاد داشته باشد، استدلال آنها به صورت زیر خواهد بود: این شیوه ای که ما در پیش گرفته ایم، سلوک پیشینیان ما است. این رفتار برای پیشینیان، پیامد ناگواری نداشته است؛ پس برای ما نیز نتیجه بدی نخواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 14 - 11

11 - فرشتگان - در دید قوم عاد و ثمود - موجوداتی برتر از آدمیان و شایسته تر برای رسالت از جانب خداوند

ص: 220

قالوا لو شاء ربنا لأُنزل ملكه

از این که قوم عاد و ثمود، پیامبران خویش را به واسطه بشر بودن انکار می کردند و نبوت را فقط لایق فرشتگان می دانستند، مطلب بالا استفاده می شود.

### 127- بیش قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 67 - 3

3- قوم لوط انحرافات جنسی (لواط و همجنس بازی) را، کاری خوب می پنداشتند و به آن علاقه و تمایل شدیدی داشتند .

و جاء أهل المدينة يستبشرون

از اظهار شادمانی و شادباش گویی قوم لوط به هنگام باخبر شدن از مهمانان حضرت لوط(ع)، استفاده می شود که آنان از تجاوز جنسی خوشحال و آن را امری پسندیده می انگاشتند. گفتنی است که طبق آیه 78 «هود» و نیز اشاراتی که در آیات بعد (68، 69 و 71) آمده است، آنان مردمانی آلوده به انحراف جنسی بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 70 - 4

4- قوم لوط در پاسخ به درخواست حضرت لوط (ع) مبنی بر اجتناب از هتک آبروی وی، خود او را مقصر اصلی آن معرفی کردند .

فلا تفضحون . . . و لاتخزون. قالوا أو لم ننهك عن العلمين

اینکه قوم لوط در جواب درخواست او برای اجتناب از ایجاد فضاحت و آبروریزی گفتند: تو را از پیش از پذیرش هرگونه مهمان بیگانه منع کرده بودیم، حکایت از این نکته می کند که آنان با این بیان، می خواستند مقصر اصلی چنین عملی را خود او معرفی کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 56 - 6

6 - گرایش به پاکی و ارزش ها، تنها جرم لوط (ع) و خاندانش در نظر آن جامعه فسادزده

قالوا أخرجوا آل لوط من قريبتكم إنهم أناس يتطهرون

عبارت «إنهم أناس» تعلیل برای حکم اخراج است.

## 128- بیش قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 32 - 8

8- نوح (ع)، در پندار ناروای کفرپیشگان قومش، فردی دروغگو و ارائه کننده مطالب نادرست

إن كنت من الصادقين

ص: 221

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 34 - 9

9- کفرپیشگان قوم نوح ، او را خیر خواه نمی دانستند و تعالیمش را سودمند نمی پنداشتند .

ینوح قد جدلتنا .. إن أردت أن أنصح لکم

اشراف قوم نوح ، تلاشهای مستمر نوح(ع) را جدل (جرّ و بحث) نامیدند؛ ولی او در مقابل ، تعبیر نصیحت را به کار برد تا پندار آنان را تخطئه کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 39 - 4

4- کفرپیشگان ، ساختن کشتی را آزار و عذابی بی جا و تحمیل شده بر نوح (ع) و پیروانش قلمداد کرده و آن را مایه شرمساری ایشان می شمردند .

یصنع الفلک .. فسوف تعلمون من یأتیة عذاب یخزیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 24 - 11

11 - بعثت رسولی از میان نسل بشر ، پدیده ای نو و بی سابقه در نظر قوم نوح

ما سمعنا بهذا فی ءابائنا الأولین

کلمه «هذا» به قرینه «و لو شاء الله لأنزل ملائکه» اشاره دارد به موضوع بعثت رسولی از میان نسل بشر.

## 129- بئش کاروان یابنده یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 19 - 10

10- کاروانیان بردن یوسف (ع) را به بردگی ، کاری نامشروع و غیرقانونی می دانستند .

و أسروه بضعه والله علیم بما یعملون



چنان چه برده قرار دادن و فروش کودکی که پیدا شده امری مجاز و قانونی بود، مخفی ساختن یوسف(ع) (اَسْرُوه بضاعه) وجهی نداشت.

### 130- بیش کاشفان اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 21 - 28

28- گروهی از بازدیدکنندگان از اصحاب کهف، ماجرای آنان را مبهم و خود را از تحلیل آن ناتوان دیدند.

فقالوا ابنوا علیهم بنیناً ربهم أعلم بهم

جمله «ربهم أعلم بهم» گویای این است که گویندگان آن، به حقیقت ماجرای اصحاب کهف، پی نبردند و علم آن را به خداوند احاله کردند.

ص: 222

## 131- بیش کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 38 - 3

3- کافران مکه، منکر قیامت و عذاب های اخروی بودند.

و يقولون متى هذا الوعد ان كنتم صدقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 122 - 11

11 - کافران، از آن رو که در ظلمت و گمراهی هستند، کردار زشت خویش را زیبا می پندارند.

كمن مثله في الظلمت .. كذلك زين للكفرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 28 - 6

6 - کافران زشتکردار عصر جاهلی از سر جهل، انجام کارهای زشت و ناپسند را اجرای فرمان خدا می پنداشتند.

و إذا فعلوا فحشه قالوا .. الله أمرنا بها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 48 - 7

7 - کفرپیشگان مستکبر و زراندوز، ثروت ها و قدرت خویش را موجب مصون ماندن از عذاب های الهی می پندارند.

ما أغنى عنكم جمعكم و ما كنتم تستكبرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 49 - 1

1 - کفرپیشگان مستکبر در دنیا سوگند یاد می کنند که خداوند مؤمنان را در آخرت مشمول هیچ رحمتی نخواهد کرد.

أهؤلاء الذين أقسمتم لا ينالهم الله برحمه

کلمه «رحمه» نکره است و چون پس از نفی واقع شده، معنای عموم از آن استفاده می‌شود. قابل ذکر است که مراد کافران از «رحمت»، رحمت‌های اخروی است. یعنی بر فرض اینکه آخرتی باشد، خداوند رحمتش را شامل حال مؤمنان نخواهد کرد. فعل مضارع «لا ینال» و نیز معقول نبودن نفی تمامی رحمتها در دنیا این معنا را تأیید می‌کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 37 - 9

9 - زیبا جلوه کردن کردارهای زشت کافران، در نظر ایشان

زین لهم سوء أعمالهم

ص: 223

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 7 - 12

12- کفرپیشگان، قیامت را امری گزاف و طرح آن را از سوی پیامبر (صلی الله علیه و آله) چون سحر، نیرنگی روشن قلمداد می کردند.

إن هذا إلا سحر مبين

«هذا» به گفتار پیامبر (صلی الله علیه و آله) مبنی بر زنده شدن مردگان و برپایی قیامت اشاره دارد. اطلاق «سحر» بر این گفتار و ادعا، از باب تشبیه است و وجه شبه آن بطلان و نیرنگ می باشد؛ یعنی، این سخن ظاهری فریبنده و باطنی پوچ و بی اساس دارد و در بطلان و نیرنگ بازی، همانند سحر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 8 - 4

4- کفرپیشگان، تأخیر عذاب را نشانه بی پایه بودن تهدید های پیامبر دانسته و آنها را به استهزا می گیرند.

لئن أخرنا .. ليقولنّ ما يحبسه

استفهام در جمله «ما يحبسه» به قرینه «ماكانوا به يستهزءون» به داعی استهزا و تمسخر ایراد شده است. بنابراین «ليقولنّ...»؛ یعنی، از سر استهزا و تمسخر می پرسند: چه چیز مانع نزول آن عذاب و تحقق تهدیدها شده است؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - يوسف - 12 - 110 - 6

6- تأخیر عذاب کفرپیشگان تکذیب گر، موجب اطمینان آنان بر دروغ بودن آن می شد.

وظنوا أنهم قد كذبوا

«كذب» به معنای دروغ گفتن است و «كذبوا»؛ یعنی، به آنان دروغ گفته شد. جمله «فنجي من نشاء» و «لايرد بأسنا» می رساند که از مصادیق آنچه کافران دروغش می پنداشتند، نزول عذاب بوده است. قابل ذکر است که حرف «قد» در «قد كذبوا» - که برای تأکید و تحقیق است - می رساند که «ظنوا» به معنای اطمینان پیدا کردند، است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهيم - 14 - 3 - 1

1- کافران، زندگی دنیوی را محبوب خود دانسته و آن را به جای حیات اخروی برمی گزینند.

ویل للكفرین من عذاب شدید . الذین یتحیون الحیوه الدنیا علی الآخره

برداشت فوق بنابرین اساس است که «الذین یتحیون الحیاه . . .» جمله وصفی برای «للكافرین» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 98 - 3,5

3- کافران ، حیات دوباره انسان را پس از تبدیل شدن به خاک و استخوان پراکنده ، بعید می شمردند .

وقالوا أذا كنا عظامًا ورفثًا أئنا لمبعوثون

5- مرگ در دیدگاه کافران ، پایان زندگی انسان است .

وقالوا أذا كنا عظامًا ورفثًا أئنا لمبعوثون خلقًا جدیدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 224

2- کافران ، اولیای برگزیده خود ( معبود های باطل ) را به حال خویش سودمند می پندارند .

أفحسب الذين كفروا أن يتخذوا عبادي من دوني أولياء

درباره معنای این آیه، توجیحات ادبی مختلفی ابراز شده است. از جمله این که «أن يتخذوا» مفعول یکم برای «حسب» و مفعول دوم آن «نافعاً» محذوف باشد. برداشت بالا بر این وجه ادبی مبتنی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10- کسانی که غیر خدا را معبود و ولیّ خود ساخته اند ، به خطا ، خود را کام روا و نیک کردار می پندارند .

أن يتخذوا عبادي من دوني أولياء .. و هم يحسبون أنهم يحسنون صنعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- در دیدگاه کافران ، دین مانع پیشرفت اقتصادی و نظامی است .

كفر بأيتنا وقال لأتین مالا و ولداً

تلاش برای فراوانی اولاد (در عصر نزول قرآن) برخاسته از نیازهای امنیتی و اقتصادی بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- تبدیل دوباره خاک و استخوان به شکل انسان و دمیده شدن حیات در آن ، امری غیر قابل قبول برای اشراف کفر پیشه

أیعدکم .. أنکم مخرجون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- دنیا و صحنه آمد و شد نسل ها و آفرینش آنها ، فاقد کمترین هدف و فرجام در بینش اشراف و مرفهان کفر پیشه

مقصود از «نموت و نحیا» (می میریم و زنده می شویم) این است که نسلی می میرد و نسلی پدید می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 83 - 1,5

1 - معاد ، وعده ای بی اساس و افسانه ای کهن ، در نظر کافران و مشرکان

بل قالوا مثل ما قال الأولون . . . لقد وعدنا . . . إن هذا إلا أسطیر الأولین

«اسطوره» (مفرد «أسطیر») به معنای افسانه است. بنابراین «أسطیر الأولین»؛ یعنی، افسانه هایی که پیشینیان ساخته اند.

5 - تحقق نیافتن وعده رستاخیز ، پس از گذشت زمانی دراز ، دلیل بی اساس بودن آن در پندار کافران

لقد وعدنا نحن . . . إن هذا إلا أسطیر الأولین

مقصود کافران از عبارت «لقد وعدنا. . من قبل» می تواند این باشد که اگر قیامتی هست تا کنون بایستی تحقق می یافت. بنابراین عدم تحقق آن تاکنون، دلیل بی اساس بودن و واقعیت نداشتن آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 84 - 1

1 - زمین و هر آنچه در آن هست ، از آن خدا و متعلق به او است .

قل لمن الأرض و من فيها إن كنتم تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 7 - 1,4,9

1 - تناول غذا ، رفت و آمد و داد و ستد در بازار ، ناسازگار با شأن رسالت و پیامبری از دیدگاه مشرکان و کافران

وقال الذين كفروا... وقالوا مال هذا الرسول يأكل الطعام ويمشي في الأسواق

4 - در پندار مشرکان ، بشر بودن و همچون مردم عادی زیستن ، ناسازگار با رسیدن به مقام نبوت و دریافت وحی از جانب خداوند

مال هذا الرسول يأكل الطعام ويمشي في الأسواق

برداشت فوق ، از اسم استفهام «ما» - که در این جا برای اظهار تعجب است - استفاده می شود.

9 - انجام رسالت الهی ( انذار مردمان ) در دیدگاه مشرکان ، تنها در خور شأن فرشتگان بود ، نه در توان انسان .

وقالوا مال هذا الرسول... لولا أنزل إليه ملك

برداشت فوق ، از آن جا است که مشرکان به خاطر غذا خوردن و رفت و آمد پیامبر (صلی الله علیه و آله) در بازار ، او را شایسته پیامبری نمی

دانستند و خواستار نزول فرشته ای برای همیاری با آن حضرت بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 8 - 4

4 - داشتن ثروتی بی نیاز کننده از هرگونه داد و ستد با مردم ، و تأمین شدن نیاز های مادی از سوی خداوند و یا داشتن بوستانی پر ثمر ،

نشانه درستی ادعا پیامبری در دیدگاه کافران

أو يلقى إليه كنز أو تكون له جنة يأكل منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



13 - نمل - 27 - 43 - 4

4 - علم به ارزش ها در نظام کفر ، مقهور عادات و رسوم اجتماعی

و صدّها ما کانت تعبد من دون الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 67 - 3

3 - زنده شدن دوباره نسل های گذشته تاریخ با همه قدمت آنها ، غیرقابل پذیرش در نظر کافران

أءذا کنا تراباً وءاباؤنا ائنا لمخرجون

آمدن کلمه «آباؤنا» در ضمن استبعاد کافران، ممکن است بدین جهت باشد که به نظر آنان زنده شدن نیاکان به جهت قدمت زمانی، امری دشوار است.

ص: 226

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 68 - 4

4 - در پندار کافران ، عقیده به معاد ، باوری ارتجاعی و افسانه ای ساخته و پرداخته پیشینیان است .

وقال الذین کفروا .. . إن هذا إلا أسطیر الأولین

«أسطوره» (مفرد «أساطیر») معادل افسانه است و آن عبارت از هر حکایت و قصه بی اصل و دروغ است که به قصد اخلاقی یا سرگرم کردن ساخته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 58 - 13

13 - کافران ، سخنان مؤمنان پیرو پیامبر (صلی الله علیه و آله) را نیز عاری از حقیقت می دانستند .

ولئن جئتهم بأیه ليقولنّ الذین کفروا إن أنتم إلا مبطلون

جمع آورده شدن مخاطب کافران (إن أنتم ..) در خطاب به پیامبر (صلی الله علیه و آله) احتمال دارد از این جهت باشد که آنان، می خواستند با این موضع گیری، مدافع فکری برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) باقی نگذارند و گفته های مؤمنان را نیز پیشاپیش، مخدوش اعلام کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 10 - 3

3 - در نظر کافران ، حقیقت انسان ، در جسم و اجزای مادی ، خلاصه شده است .

وقالوا أءذا ضللنا فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 28 - 8

8 - کافران ، درباره لحظه وقوع قیامت ، ناباور بودند و آن را محال می دانستند . \*

ويقولون متى هذا الفتح إن کنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - کافران ، وعده تحقق روز قیامت را وعده ای نادرست می دانستند .

وقال الذین کفروا لانا تینا الساعه

لازمه انکار قیامت از سوی کافران، این است که به آنان وعده ای مبنی بر وقوع قیامت داده شده باشد.

10 - سخن گفتن همراه با ادای سوگند ، دارای تأثیری قابل توجه حتی در دیدگاه کافران

قل بلی وربی

این که خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) دستور می دهد که آن حضرت سخن خود را همراه با سوگند به کافران بگوید، به خاطر تأثیر زیاد آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - کافران ، به خاطر استبعاد معاد ، منکر آن بودند .

ص: 227

وقال الذين كفروا .. إذا مَرَّ قَتَمُ كُلِّ مَمْرَقٍ إِنَّكُمْ لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ

از تعبیر «رجل ینبئکم إذا مَرَّ قَتَمُ كُلِّ مَمْرَقٍ ..» استفاده می شود که آنان از طرح مسأله معاد شگفت داشتند و چنین امری آنان را به انکار معاد واداشته بود.

3 - بازآفرینی انسان ها پس از قطعه قطعه و پراکنده شدن اجزای بدنشان ، امری ناشدنی در دیدگاه کافران

وقال الذين كفروا .. إذا مَرَّ قَتَمُ كُلِّ مَمْرَقٍ إِنَّكُمْ لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ

«مَرَّقٌ» در لغت به معنای پاره پاره شدن و قطعه گردیدن است (العین).

5 - کافران ، به دلیل امکان نداشتن بازآفرینی انسان ها ، وقوع قیامت را منکر بودند .

وقال الذين كفروا لا تأتينا الساعة .. وقال الذين كفروا ... إذا مَرَّ قَتَمُ كُلِّ مَمْرَقٍ

این آیه عطف به آیه «وقال الذين كفروا لا تأتينا الساعة ..» است و به منزله اقامه دلیل برای آن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 8 - 4,6

4 - کافران ، بازآفرینی انسان ها را - پس از قطعه قطعه شدن - از سوی خداوند ، امری ناشدنی می دانستند .

هل ندلّکم علی رجل ینبئکم إذا مَرَّ قَتَمُ كُلِّ مَمْرَقٍ إِنَّكُمْ .. أفتری علی اللّٰه

کافران مدعی بودند که امر بازآفرینی انسان ها در قیامت - که پیامبر (صلی الله علیه و آله) مطرح می کند - افترا به خداوند است. احتمال دارد از این جهت باشد که آنان این امر را حتی برای خدا ناشدنی می دانستند. از این رو می گفتند اسناد چنین امری به خدا، دروغ بستن به او است.

6 - کافران ، امکان بازآفرینی انسان ها را پس از قطعه قطعه و پراکنده شدن ، امری عقلانی نمی دانستند .

وقال الذين كفروا .. إذا مَرَّ قَتَمُ كُلِّ مَمْرَقٍ إِنَّكُمْ لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ . أفتری علی اللّٰه

این که کافران به خاطر اظهار امکان تجدید حیات انسان ها پس از مرگ، به آن حضرت نسبت جنون دادند؛ به دست می آید که احتمالاً آنان چنین اظهاراتی را اصلاً عاقلانه نمی دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 43 - 18

18 - قرآن کریم در نگاه کافران ، فراتر از کلام عادی است و تأثیری در حد سحر دارد .

وقال الذين كفروا للحقِّ لما جاءهم إن هذا إلاَّ سحر مبين

از سحر دانستن قرآن، استفاده می شود که مشرکان، قرآن را کلامی فراتر از کلام معمولی و دارای تأثیری فوق العاده می دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 78 - 3,4,5

3 - زنده شدن انسان ها پس از تبدیل شدن به استخوان کهنه و پوسیده ، امری شگفت آور و ناممکن در دیدگاه کافران

قال من يحي العظم و هی رميم

«من» در آیه شریفه برای استفهام انکاری و تعجیبی است و «رمیم» به معنای کهنه و پوسیده است.

4 - تبدیل شدن انسان ها به استخوان کهنه و پوسیده ، دلیل و شاهد مثال کافران برای دور شمردن برپایی قیامت و زنده شدن مجدد انسان ها

و ضرب لنا مثلاً .. قال من يحي العظم و هی رميم

ص: 228

برداشت یاد شده با توجه به این مطلب است که جمله «قال من يحيى..» استتلاف بیانی است؛ یعنی، بیان برای جمله «ضرب لنا مثلاً» است.

5- کافران، خدا را از احیای مجدد انسان ها پس از مرگ، ناتوان می دانستند.

و ضرب لنا مثلاً.. قال من يحيى العظم و هي رميم

مقصود از «ضرب لنا مثلاً» (برای ما مثل آورد) می تواند این معنا باشد که: کافران، قدرت خدا را با قدرت دیگران یکی می دانستند؛ یعنی، همان گونه که همه از احیای استخوان کهنه ناتوان اند، او نیز مانند همه ناتوان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 53 - 2

2- تبدیل خاک ها و استخوان های مردگان به انسانی کامل، امری ناممکن در نظر کافران

يقول .. أذا متنا و كُنَّا ترابًا و عظمًا أئنا لمدينون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 4 - 2, 1

1 - برخاستن فردی از توده های مردم به پیامبری، امری شگفت انگیز در نظر کافران

و عجبوا أن جاءهم منذر منهم

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که مقصود از «منهم» این است که پیامبر از میان توده های مردم و با ویژگی مردمی باشد. گفتنی است تعبیر «من بیننا» در آیه 8 مؤید همین مطلب است.

2 - انتخاب شدن انسان به پیامبری، امری شگفت آور در نظر کافران

و عجبوا أن جاءهم منذر منهم

برداشت یاد شده براساس این دیدگاه است که مقصود از «منهم» از جنس انسان بودن پیامبر باشد؛ زیرا کافران و مشرکان صدر اسلام، انسان را شایسته رسیدن به مقام پیامبری و ارتباط با خداوند نمی دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 8 - 1

1 - برگزیده شدن پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) از میان توده های عرب برای پیامبری ، امری غیر منطقی و ناممکن در نظر کافران و مشرکان

أَنْزَلَ عَلَيْهِ الذِّكْرَ مِنْ بَيْنِنَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 27 - 8

8 - آفرینش جهان در نظر کافران ، باطل و بی هدف است .

و ما خلقنا السماء .. بطلاً ذلك ظنّ الذين كفروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 54 - 1

1 - تردید و شک کافران مکه ، نسبت به برپایی قیامت

ص: 229

ألا إنهم في مريه من لقاء ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

17 - زخرف - 43 - 35 - 7

7- افق دید کافران ، محدود به زندگی کوتاه دنیا است .

لجعلنا لمن يكفر بالرحمن . . . لَمَا مَتَعَ الْحَيَوِهُ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَهُ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ

خداوند در این آیه، توانایی خویش را بر ایجاد یک زندگی آکنده از تجمل برای کافران، بیان کرده و سپس حضور در جوار ربوبی را مطرح نموده است. از این مطلب استفاده می شود که کافران تنها در محدوده تنگ زندگی دنیا می اندیشند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

17 - احقاف - 46 - 7 - 7، 1

1- حق ناباوران کافر ، آیات الهی را سحر و جادوئی روشن قلمداد می کردند .

و إذا تتلى عليهم آياتنا بينت قال الذين كفروا . . . هذا سحر

7- اتهام سحر ، سپر دفاعی کافران در برابر آیات روشن وحی

إذا تتلى عليهم آياتنا بينت قال الذين كفروا . . . هذا سحر مبين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

17 - احقاف - 46 - 35 - 13

13- مجال زندگی دنیا و عالم برزخ ، درنگی کوتاه در نظر کافران حضور یافته در صحنه قیامت

كأنهم يوم يرون ما يوعدون لم يلبثوا إلا ساعة من نهار

با توجه به این که آنچه کافران در قیامت پشت سر خود می بینند زندگی دنیا و عالم برزخ است؛ «لم يلبثوا» می تواند ناظر به هر دو باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

17 - محمد - 47 - 15 - 2

2- خداوند ، توصیف کننده بهشت برای متقین ، در قبال جلوه دنیا در چشم کافران



و الذين كفروا يتمتعون و يأكلون . . . زين له سوء عمله ... مثل الجنة التي وعدا

در صورتی که «مثل» به معنای توصیف باشد، از ارتباط این آیه با آیات پیشین مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 3 - 5, 2, 1

1- زنده شدن دوباره انسان ، پس از مردن و خاک شدن ، امری بعید از نظر کافران

أءذا متنا و کنا تراباً ذلک رجع بعید

2- انکار معاد از سوی کافران ، متکی بر استبعاد و نه دلیل قطعی

أءذا متنا و کنا تراباً ذلک رجع بعید

5- متلاشی شدن اجزای بدن در خاک ، محور اشکال کافران در مسأله معاد

و کنا تراباً ذلک رجع بعید

ص: 230

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 59 - 4

4 - ناباوری بی جای کافران نسبت به نزدیک شدن لحظه به لحظه قیامت

أزفت الأذفه .. أفمن هذا الحديث

در صورتی که «هذا» اشاره باشد به آنچه در آیات پیشین درباره نزدیکی قیامت و وعده ها و وعیدهای الهی بیان شده است، برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 47 - 3

3 - کافران، زنده شدن انسان را پس از تبدیل شدن وی به خاک و استخوان، غیر قابل باور می پنداشتند .

و كانوا يقولون أنذا متنا و كنا ترابا و عظاما أءنا لمبعوثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 48 - 1, 2

1 - احیای مجدد گذشتگان تاریخ، موضوعی انکار آمیز تر در پندار کافران

أوءاباؤنا الأؤلون

آیه بالا تأکیدی بر آیه پیش است؛ یعنی، بر فرض بپذیریم که ما پس از مرگ زنده می شویم؛ زنده شدن نیاکان ما - که روزگاری دراز از مرگ آنان گذشته است - به هیچ وجه باور کردنی نیست.

2 - گذشت زمان بر مردگان، تأثیرگذار در غیر ممکن شدن احیای مجدد آنان در پندار کافران منکر معاد

أءنا لمبعوثون . أوءاباؤنا الأؤلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 13 - 8

8 - مرگ، پایان همه چیز در بینش کافران

كما يُس الكفار من أصحاب القبور

«من» در آیه شریفه می تواند برای ابتدای غایت و یا بیانیه باشد. برداشت یاد شده بر پایه احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 6 - 5

5- در بینش کافران ، بشر شایسته مقام پیامبری ، واسطه ارتباط میان خدا و خلق و هادی برای انسان ها نیست .

فقالوا أبشر يهدوننا فكفروا و تولّوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 51 - 8

8 - کافران ، قرآن را نشانه جنون پیامبر (صلی الله علیه و آله) می دانستند .

لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَ يَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ

ص: 231

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 6 - 2

2 - کافران ، هیچ دلیل قاطعی بر نفی قیامت ندارند ، بلکه تنها به گمانه زنی درباره آن می پردازند .

إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 3 - 1

1 - انکار قیامت ، برخاسته از پندار کافران به ناتوان بودن خداوند بر گردآوری استخوان های مردگان و احیای مجدد آنها

أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ نَجْمَعَ عِظَامَهُ

مقصود از انسان در این آیه - برابر نظر مفسران و به قرینه مقام - انسان کافر است؛ نه همه انسان ها.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطففین - 83 - 13 - 4

4 - قرآن ، حتی در دیدگاه کافران ، ظاهری زیبا و آراسته دارد .

أَسْطِيرَ الْأُولَئِينَ

در صورتی نوشته افسانه ای را «اسطوره» می گویند که زیبا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطففین - 83 - 33 - 4

4 - گنه پیشگان کافر ، در برخورد با مؤمنان ، چنان خود را در مقام قیّم و نگهبان می نشانند که گویا هدایت آنان را مأموریت خود می دانند .

وَمَا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَفَظِينَ

**132- بیش کافران جاهل**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - در بینش کافران زشتکردار عصر جاهلی، روش پدرانشان مهمتر از امر خداوند بود.

قالوا وجدنا علیها ءاباءنا و الله أمرنا بها

از اینکه زشتکاران در توجیه کردار خویش قبل از استناد به امر خدا به روش پدرانشان تمسک جستند، برداشت فوق استفاده می شود.

### 133- بینش کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 232

8- کفرورزان عصر بعثت، برتری وضعیت اقتصادی و اجتماعی خود را نشانه حقانیت عقاید خویش می دانستند.

أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَقَامًا وَأَحْسَنُ نَدِيًّا

پاسخ کافران به دلایل روشن و آیات الهی، صرفاً تکیه بر مظاهر مادی و نظام اجتماعی خود بوده است و این نشان دهنده تفکر آنان و ارزش هایی است که در نظر آنها، معیار ارجحیت یک مکتب است.

9- کافران عصر بعثت، مشکلات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مسلمانان را، نشانه نارو بودن عقیده و تفکر آنان می دانستند.

أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَقَامًا وَأَحْسَنُ نَدِيًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 47 - 2

2 - کفرپیشگان عصر بعثت، وعده عذاب را دروغ پنداشته و آن را به ریشخند می گرفتند.

و يستعجلونك بالعذاب

از این که تکذیب گران، از پیامبر (صلی الله علیه و آله) می خواستند وعده خود را عملی سازد و هر چه زودتر عذاب را بر آنان نازل کند، معلوم می شود که آنان تهدید پیامبر (صلی الله علیه و آله) را تهدیدی تو خالی می انگاشتند و با درخواست تسریع عذاب، آن را به ریشخند می گرفتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 32 - 2

2 - دسته جمعی و به یکباره نازل نشدن آیات قرآن بر پیامبر (صلی الله علیه و آله)، دلیل وحی نبودن آن در دیدگاه کافران صدر اسلام

وقال الذين كفروا لولا نزل علينا القرآن جملة وحده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 67 - 1

1 - تبدیل ذرات خاک به بدن انسانی زنده، امری شگفت و باور نکردنی در نظر کافران عصر پیامبر

وقال الذين كفروا أءذا كنا ترابًا .. أئنا لمخرجون

کافران می دیدند که پیکر مرده انسان در خاک پوسیده و پس از روزگاری تبدیل به ذرات خاک می شود. پذیرش این مطلب (تبدیل دوباره ذرات و عناصر خاکی به بدن انسانی زنده) برای آنان غیر قابل باور بود و از آن اظهار شگفتی می کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 8 - 2, 1

1 - کافران ، اظهارات پیامبر (صلی الله علیه و آله) را درباره تجدید حیات انسان ها پس از مرگ ، افترای او بر خدا می دانستند .

وقال الذین کفروا هل ندلّکم علی رجل ینبئکم .. أفتری علی الله کذبًا

2 - کافران ، در اظهار نظرشان درباره پیامبر (صلی الله علیه و آله) و تبلیغ آن حضرت از معاد ، مردد بودند و نظری ثابت و قطعی نداشتند .

رجل ینبئکم إذا مرّتم کلّ ممزّق إنکم لفی خلق جدید . أفتری علی الله کذبًا أم ب

«أم» حرف عطف و برای تردید است؛ یعنی، طبق نظر کافران پیامبر(صلی الله علیه و آله) یا می داند که معاد، شدنی نیست و در عین حال از آن خبر می دهد - که افترا به خدا است - و یا از آن خبر ندارد و سخنی جنون آمیز بر زبان جاری می سازد.

ص: 233

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 47 - 8

8 - کافران صدر اسلام ، عقیده به روزی رسانی خدا برای انسان ها را باطل دانسته و مؤمنان را در گمراهی محض می پنداشتند .

قال الذین کفروا للذین ءامنوا أنطعم من لو یشاء اللّٰه أطعمه إن أنتم إلاّ فی ضلل م

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که جمله «إن أنتم إلاّ فی ضلال مبین» دنباله گفتار کافران باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 2 - 2

2- از نگاه کافران عصر نزول ، مقام رسالت شایسته موجودی آسمانی و فرابشری است .

بل عجبوا أن جاءهم منذر منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 51 - 2

2 - تکذیب و انکار معاد ، از سوی کافران صدر اسلام

ثم إنکم ایّها الضالّون المکذّبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 25 - 4

4 - مشرکان و کافران صدر اسلام ، منکر برپایی قیامت بوده و آن را دروغ می پنداشتند .

و یقولون متی هذا الوعد إن کنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 24 - 4

4 - قرآن ، کلامی پرجاذبه و اثرگذار ، حتی در نظر کافران حق ناپذیر عصر نزول

فقال إن هذا إلاّ سحر یؤثر



اطلاق «سحر» به قرآن، می تواند به این جهت باشد که همان گونه که سحر بسیار تأثیرگذار است، قرآن نیز چنین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 25 - 2

2- اصرار و تأکید فراوان کافران حق ناپذیر و مستکبر صدر اسلام، بر الهی نبودن قرآن و منشأ بشری داشتن آن

و استکبر. فقال إن هذا إلا سحر یؤثر. إن هذا إلا قول البشر

ص: 234

### 134- بیش کافران مستکبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 49 - 3

3 - مستکبران کفرپیشه مدعی برخورداری خویش از رحمت های الهی در آخرت

أهؤلاء الذين أقسمتم لا ينالهم الله برحمه

زیرا سوگند مستکبران به محرومیت مؤمنان از رحمت الهی، از موضع کسی است که تنها خود را بهره مند از مواهب الهی می داند.

### 135- بیش کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 6 - 4,5

4- کافران مکه، نزول وحی بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) را، ادعایی بیش نمی دانستند .

قالوا یاایها الذی نزل علیه الذکر

ذکر نکردن منشأ نزول ذکر و مجهول آوردن فعل «نُزِّلَ» و نیز با استهزا بیان کردن آن، می تواند به منظور یاد شده باشد.

5- نزول وحی از جانب خداوند بر بشر، امری غیر قابل قبول و به دور از عقل و خرد و در حد دیوانگی در بیش کافران مکه

قالوا یاایها الذی نزل علیه الذکر انک لمجنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 7 - 2,4,6

2- کافران مکه، دلیل صداقت پیامبر (صلی الله علیه و آله) را در ادعای نزول وحی، آمدن ملائکه برای تصدیق او می دانستند .

لو ما تأتینا بالملئکه ان کنت من الصدقین

4- کافران مکه، بر این باور بودند که نزول هر نوع پیام آسمانی بر بشر، باید همراه با شاهد آسمانی محسوسی باشد . \*

قالوا .. لو ما تأتینا بالملئکه ان کنت من الصدقین

درخواست کافران از پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای آوردن ملائکه جهت تصدیق نبوتش، ممکن است از این رو باشد که: آنان ارتباط

بشر با خداوند را غیر ممکن می دانستند و برای قبول نبوت بشر، خواستار آوردن شاهد آسمانی بودند و ذکر نام ملائکه شاید به عنوان نمونه و یا شناخته شده بودن آنان باشد.

6- کافران و مشرکان مکه، ملائکه را موجوداتی قابل احساس برای همگان می دانستند.

قالوا .. لو ما تأتینا بالملئکه

از تعبیر «لو ما تأتینا بالملئکه» (چرا فرشته ای نمی آوری؟) استفاده می شود که آنان، فرشتگان را موجوداتی محسوس و قابل رؤیت می دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 36 - 7,8,9

7- کافران و مشرکان مکه، نسبت به نام «رحمان» برای خداوند، بسیار حساس و منکر رحمانیت او بودند.

و هم بذکر الرحمن هم کفرون

ص: 235

اختصاص به ذکر یافتن نام «رحمان» از میان دیگر نام های مقدس پروردگار و نیز تکرار «هم»، بیانگر برداشت یاد شده است.

8- کافران مکه ، منکر خدای رحمان بودند .

و هم بذكر الرحمن هم كفرون

گفتنی است که کافران منکر نام رحمان بودند؛ به اولویت استفاده می شود که منکر ذات خدای رحمان نیز بوده اند.

9- آسمانی بودن قرآن ، مورد انکار کافران و مشرکان مکه بود .

و هم بذكر الرحمن هم كفرون

برداشت یاد شده مبتنی براین است که مقصود از «ذکر» قرآن کریم باشد، چنان که در موارد متعدد در قرآن - از جمله آیه دوم همین سوره - از قرآن به «ذکر» یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 12 - 4

4 - کافران مکه ، برای عقیده خود ، هویتی مستقل ، قائل بودند .

اتَّبِعُوا سَبِيلَنَا

### 136- بیش کفرآمیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 37 - 2

2- انکار معاد و تردید در آن و مغرور شدن به زندگی دنیا ، اندیشه و بینشی کفرآمیز است .

و ما أظنّ الساعة قائمه .. قال له صاحبه وهو يحاوره أكفرت بالذي خلقك

### 137- بیش گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 156 - 5

5 - مشرکان و گمراهان مکه، در صورت نازل نشدن قرآن، خویشتن را در قیامت معذور می دانستند و دوری از رحمت خدا را بی عدالتی می شمردند.

أن تقولوا إنما أنزل الكتب على طائفتين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 38 - 7

7 - قیامت ، عرصه رنگ باختن پندار های دروغین گمراهان و فریب خوردگان

و يحسبون أنهم مهتدون . حتی إذا جاءنا

ص: 236

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 10 - 2

2- لای بر خلاف دیگر برادرانش، با توطئه علیه یوسف (ع) و دور ساختن او از نزد پدرشان یعقوب (ع) موافق نبود.

لاقتلوا یوسف و ألقوه فی غیبت الجب . . . إن کنتم فعلین

جمله شرطی «إن کنتم فعلین» (اگر بر توطئه علیه یوسف (ع) مصمم هستید) می رساند که لای با انجام توطئه موافق نبود. لازم به ذکر است که جواب جمله شرطی (إن کنتم...) معنایی است که از «ألقوه...» استفاده می شود؛ یعنی، «إن کنتم فعلین فألقوه فی غیبت الجب».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 80 - 11، 9، 7

7- فرزند بزرگ یعقوب، بازگشت کاروان بدون همراه داشتن بنیامین را تخلف از عهد و سوگند پیشین خود و برادرانش خواند.

قال کبیرهم ألم تعلموا أن أباکم قد أخذ علیکم موثماً من الله

لای با تفریع جمله «فلن أبح . . .» بر «ألم تعلموا أن أباکم قد أخذ علیکم موثماً» بیان داشت که: با توجه به عهد و پیمانمان با یعقوب (ع)، سزاوار نیست بدون همراه داشتن بنیامین بازگردیم [اگر شما تصمیم به بازگشت دارید خود می دانید]، ولی من باز نخواهم گشت.

9- فرزند بزرگ یعقوب با یادآور شدن ظلم و ستم برادرانش به یوسف، بازگشت به نزد پدر را بدون همراه داشتن بنیامین ناروا شمرد.

ألم تعلموا . . . من قبل ما فرطتم فی یوسف

«ما» در «ما فرطتم» مصدریه است و عبارت «من قبل ما فرطتم . . .» عطف بر «أن أباکم . . .» می باشد؛ یعنی: «ألم تعلموا تفریطکم فی یوسف من قبل». تفریط به معنای کوتاهی کردن و رها کردن چیزی تا نابود شدن آن است (لسان العرب).

11- لای بازگشت از مصر بدون بنیامین را به پیام رخصتی از ناحیه یعقوب (ع) و یا به تقدیر و حکمی از جانب خدا موکول کرد.

فلن أبح الأرض حتی یأذن لی أبی أو یحکم الله لی

گویا مقصود لای از «حتی یأذن لی أبی» این معنا باشد که پدرش یعقوب اطمینان کند که ما در نگه داری از بنیامین کوتاهی نکردیم و مصداق سخنی که خود گفته بود (إلا أن یحاط بکم) تحقق یافت. و یا اگر چنین اطمینانی پیدا نکرد، از پیمان خویش چشم پوشی کند و در نتیجه اجازه بازگشت را به من بدهد. و مراد از «یحکم الله» شاید این باشد که تقدیر الهی سبب شود من بتوانم بنیامین را از دست عزیز

مصر برهانم و با او باز گردم.

### 139- بیش لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 17 - 5

5 - اقامه نماز ، از دید لقمان اهمیت ویژه ای دارد .

بینی أقم الصلوه

ص: 237

از این که لقمان پس از توصیه پسرش به پرهیز از شرک (توحید) و یادآوری روز حساب به نماز می پردازد، حکایت از اهمیت آن می کند.

#### 140- بیش متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 12 - 1

1 - سفر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان در جریان حدیبیه، سفری پرخطر و بی بازگشت در نظراعراب متخلف

بل ظننتم أن لن ينقلب الرسول والمؤمنون إلى أهلهم أبدًا

#### 141- بیش متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 28 - 2

2 - متقین، دستیابی خود به بهشت را مرهون دعاها و نیایش های خود به درگاه خداوند می دانند.

فمنّ الله علينا... إنا كنا من قبل ندعوه

بیش متولیان غار اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 21 - 34

34- متصدیان جایگاه اصحاب کهف، آنان را اهل عبادت خداوند و جایگاه شان را مکانی مقدّس می دانستند.

قال الذين غلبوا على أمرهم لنتخذنّ عليهم مسجدًا

تصمیم بر ساختن مسجد، نشانه آن است که سازندگان آن، اهداف اصحاب کهف را با مسجد، هماهنگ دانسته و آن ها را اهل سجود و

عبادت شناخته بودند. شایسته دیدن آرامگاه آنان برای بنای مسجد، گویای اعتقاد به تقدّس آن جا است.

#### 142- بیش مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - صف - 61 - 13 - 2



2- فتح سنگر های دشمن و پیروزی برق آسا بر آنان ، نیازمند نصرت و امداد های الهی در نگاه مجاهدان راه خدا

وَأُخْرَى تَحِبُّونَهَا نَصْرَ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحَ قَرِيبٍ

ذکر عبارت «نصر من الله» پیش از «فتح قریب»، می تواند برای بیان مطلب بالا باشد.

ص: 238

### 143- بیش محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 88 - 5

5 - جهاد پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان راستین، نشأت یافته از درک صحیح و بیش عمیق آنان نسبت به ارزش جهاد

فهم لایفقهون. لکن الرسول و الذین ءامنوا معه جهدوا

با توجه به فراز بیش (رضوا... فهم لایفقهون) مقصود این است که منافقان چون نمی فهمند، از جهاد می گریزند و لکن مؤمنان، به برکت درک عمیقی که دارند، به سوی عرصه های کارزار بیش می تازند.

### 144- بیش مخالفان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 53 - 5

5 - مال و قدرت، تنها ملاک ارزش انسان، از نگاه مخالفان پیامبران در طول تاریخ

و قالوا لولا نزل هذا القرآن علی رجل من القریتین عظیم... فلولا ألقى علیه أس

### 145- بیش مخالفان محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 8 - 3

3 - مشرکان و مخالفان پیامبر (صلی الله علیه و آله)، معتقد به اقتدار و متکی به نیرومندی خود

أن کنتم قومًا مسرفین... فأهلکنا أشدّ منهم بطشًا

از یادآوری هلاکت اقوامی نیرومندتر از مردم مکه، استفاده می شود که مکیان، به قدرت خویش مغرور بوده و آن را غیر قابل زوال می پنداشتند.

### 146- بیش مخلصان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 33 - 2,3

2- زندانی شدن و خوار گشتن ، محبوب تر از گناه و معصیت ، در پیش حضرت یوسف (ع) و بندگان مخلص خدا

قال رب السجن أحب إليّ مما يدعونني إليه

3- رنج و محنت در راستای اطاعت خدا و حفظ حریم عفت ، امری محبوب و ارزشمند برای یوسف (ع) و بندگان خالص خداوند

رب السجن أحب إليّ مما يدعونني إليه

ص: 239

### 147- بیش مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 50 - 6

6 - از دیدگاه برخی مردم در اختیار داشتن خزاین الهی و آگاهی به غیب و فرشته بودن، نشانه پیامبری است.

قل لا أقول لكم عندی خزائن الله و لأعلم الغیب و لأقول لكم إنی ملک

### 148- بیش مردم جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اخلاص - 112 - 3 - 8

8 - برخی از مردم پیش از اسلام، فرزند داشتن و متولد شدن را مانع خدایی نمی دانستند .

لم یلد و لم یولد

ماضی آوردن فعل های «لم یلد» و «لم یولد» - با آن که نفی ولادت همیشگی است - به چنین پنداری در بین مردم آن زمان، اشاره دارد.

### 149- بیش مردم جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 2 - 4

4 - در طلاق از نوع ظهار، پندار مردم جزیره العرب این بود که زن ظهار شده، برای شوهرش حکم مادر را پیدا کرده و حرام مؤبد می شود .

الذین یظہرون منکم من نسائهم ما هنّ أمهتھم

### 150- بیش مردم صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 38 - 13، 7

7- مردم عصر بعثت، پیامبری فردی از افراد بشر را امری بعید می شمردند .

و لقد أرسلنا رسالاً من قبلك و جعلنا لهم أزواجاً و ذرية

13- توانایی به ارائه هر گونه معجزه و در هر زمان ، از شرایط پیامبری در دیدگاه ناصواب مردم عصر بعثت

و لقد أرسلنا رسالاً .. و ما كان لرسول أن يأتي بأية إلا بإذن الله لكل أجل كتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 6 - 4

4 - ارضای غرایز جنسی حتی از راه آمیزش با همسر و یا کنیز خود ، مورد ملامت در بینش برخی از مردم عصر بعثت

ص: 240

فائهم غير ملومين

تعبير «غير ملومين» (نکوهیده نیستند)، می تواند تعریض به اندیشه رهبانانی باشد که هرگونه ارضای غرایز جنسی را، منافی با مقامات معنوی می پنداشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 30 - 4

4- ارضای غرایز جنسی ، حتی از راه آمیزش با همسر و یا کنیز خود ، مورد ملامت در بینش برخی از مردم عصر بعثت

فائهم غير ملومين

تعبير «غير ملومين» (نکوهیده نیستند)، می تواند تعریضی باشد به اندیشه رهبانان که هرگونه ارضای غرایز جنسی را، منافی با مقامات معنوی می پنداشتند.

### 151- بیش مردم مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 85 - 5

5- مردم عصر بعثت ، معتقد به توانایی علمی پیامبر (صلی الله علیه و آله) در پاسخ گویی به مسائل اسرارآمیز و ناشناخته ای چون روح

یسئلونک عن الروح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 22 - 4,3,2

2- نزول داستان اصحاب كهف در قرآن ، زمینه ساز اظهار نظرهایی گوناگون در میان مردم عصر بعثت ، در باره تعداد آنان شد .

سیقولون . . . و يقولون . . . و يقولون

حرف «سین» در «سیقولون» نشانه صدور آن گفته و گفته های بعدی در زمان آینده است و به قرینه «فلا تمار فیهم» این اقوال، در زمان حیات رسول الله (صلی الله علیه و آله) پیدا شده بود.

3- مردم عصر بعثت ، با اظهار سه نظریه متفاوت ، اصحاب كهف را سه ، یا پنج و یا هفت نفر می پنداشتند .

سیقولون ثلثه رابعهم کلبهم و يقولون خمسة . . . و يقولون سبعة

4- سگ اصحاب كهف ، چهارم يا ششم و يا هشتمين عضوگروه اصحاب كهف در نظر مردم بود .

سيقولون ثلثه رابعهم كلبهم و يقولون خمسه سادسهم كلبهم . . . و يقولون سبعة و ثامنه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

18 - حشر - 59 - 5 - 4

4 - لزوم حفظ درختان بارور ، در باور مردمان عصر بعثت

ما قطعتم من لينة . . . فياذن الله

از توضيح خداوند نسبت به مشروعيت عمل مسلمانان در قطع درختان بنی نصير، چنين استفاده می شود كه عمل آنان، برای مردم مدینه چه بسا سؤال برانگيز بوده است.

ص: 241

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 25 - 1

1 - برخی از مردم عصر بعثت ، قرآن را کلامی القا شده از سوی شیطان می پنداشتند .

و ما هو بقول شیطن

### 152- بیش مرفهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 16 - 5

5- مرفهان ستمگر ، جهان را بازیچه و بی هدف می پندارند .

قریه کانت ظالمه . . . وارجعوا إلى ما أترفتم فيه . . . و ما خلقنا السماء والأرض و م

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 33 - 10

10 - بشر بودن و خوردن و آشامیدن همانند انسان ها ، مانع از رسالت در نظر اشراف و عناصر مرفه

ما هذا إلا بشر مثلكم يأكل ممّا تاكلون منه و يشرب ممّا تشربون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 37 - 3

3 - دنیا و صحنه آمد و شد نسل ها و آفرینش آنها ، فاقد کمترین هدف و فرجام در بینش اشراف و مرفهان کفرپیشه

نموت و نحیا

مقصود از «نموت و نحیا» (می میریم و زنده می شویم) این است که نسلی می میرد و نسلی پدید می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 34 - 5

5 - مترفان ، هیچ تعلیمی از تعالیم آسمانی پیامبران را قبول نداشتند .



قال مترفوها إنا بما أرسلتم به كفرون

برداشت یاد شده از آن جا است که موصول «ما أرسلتم به» اطلاق دارد و شامل هر تعلیمی می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 35 - 1،4،6

1 - مترفان ، دارایی بیشتر و اولاد زیادتر را ملاک برتری و ارزش می دانند .

قال مترفوها .. وقالوا نحن أكثر أموالاً وأولداً

4 - برخورداران از امکانات رفاهی ، خود را مأمون از عذاب می دانند .

قال مترفوها .. نحن أكثر أموالاً وأولداً و ما نحن بمعذبين

ص: 242

6 - مترفان ، به خاطر کثرت مال و اولاد ، خود را از عذاب در امان می دانستند .

وقالوا نحن أكثر أموالاً وأولاداً و ما نحن بمعذبين

این جمله به منزله نتیجه عبارت قبلی است و به خاطر روشنی مطلب برای ذهن مخاطب، از «فا»ی تفریع استفاده نشده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 50 - 4، 1

1 - دادن نقش اصلی به دانش و تلاش بشری در برخورداری از آسودگی ها و نعمت ها و نادیده گرفتن نقش خداوند در عرصه زندگی ، تفکر همه مرفهان و برخورداران در طول تاریخ

قال إنما أوتيته على علم . . . قد قالها الذين من قبلهم

4 - همسانی طرز تلقی مرفهان ناسپاس از دنیا و نعمت های آن ، و یگانگی موضع آنان در برابر اندیشه توحیدی پیامبران

قال إنما أوتيته على علم . . . قد قالها الذين من قبلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 18 - 5

5 - پندار مرفهان به گرامی بودن نزد خداوند ، با وجود بی توجهی آنان به مساکین ، پنداری بی پایه و نادرست است .

ربّي أكرمن . . . ولا تحضّون على طعام المسكين

### 153- بيش مرفهان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 56 - 1

1 - مال و فرزند بسیار ، نشانه لطف و مهر خداوند در دیدگاه شرک پیشگان مرفه صدراسلام

أيحسبون . . . من مال و بنين . نساوع لهم في الخيرت

### 154- بيش مريم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11- « روی عن علی (ع) إله قال : علمت أن التقى ینهاہ التقى عن المعصیہ ;

از حضرت علی (ع) روایت شده که فرمود: مریم دانست که انسان پرهیزگار، تقوایش او را از معصیت باز می دارد».

### 155- بینش مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 243

17 - مستکبران ، عاملی برای انحراف مردم از دین الهی و مانع ایمان آنان ، از دیدگاه مستضعفان

يقول الذين استضعفوا للذين استكبروا لولا انتم لكتنا مؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 33 - 1,3,5,6

1 - مستضعفان در قیامت ، بی گناه دانستن مستکبران را در گمراه کردن دیگران ، مردود شمرده و آنان را عامل اصلی آن معرفی خواهند کرد .

بل كنتم مجرمين . وقال الذين استضعفوا للذين استكبروا بل مكر اليل والنهار إذ تأ

3 - مستضعفان در قیامت ، تلاش مگاران و شبانه روزی مستکبران را ، مانع ایمانشان معرفی خواهند کرد .

لولا انتم لكتنا مؤمنين . قال الذين استكبروا ... بل كنتم مجرمين . وقال الذين است

5 - مستضعفان در قیامت ، مستکبران را عامل اصلی شریک گرفتن برای خدا معرفی خواهند کرد .

وقال الذين استضعفوا للذين استكبروا .. تأمرونا أن نكفر بالله ونجعل له أنداد

6 - مستضعفان در قیامت ، انتخاب کفر و بی دینی را تحمیلی از سوی مستکبران معرفی خواهند کرد .

إذ تأمرونا أن نكفر بالله ونجعل له أندادًا

کاربرد فعل «تأمرونا» (از ماده «أمر») و به معنای فرمان و دستور) دلالت می کند که مستکبران به صورت دستور آمرانه، مستضعفان را وادار به پذیرش عقیده ای می کرده اند.

### 156- بيش مستكبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 32 - 3

3 - مستکبران ، در قیامت ، خود را مانع حق پذیری مستضعفان در دنیا نخواهند دانست .

قال الذين استكبروا للذين استضعفوا نحن صددناكم عن الهدى بعد إذ جاءكم

### 157- بيش مسلمانان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 42 - 2

2 - دورنمای مشقت آمیز و به دور از منافع مادی جنگ تبوک ، در نظر برخی از مسلمانان صدر اسلام ، عامل امتناع آنان از حضور در جنگ

لو كان عرضاً قريباً و سفرأ قاصداً لا تبعوك و لكن بعدت عليهم الشقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 122 - 2

2 - گمان برخی از مسلمانان صدر اسلام به وجوب بسیج همه مردم برای شرکت در جنگ

ص: 244

ما كان المؤمنون لينفروا كافة

آیه شریفه - چنان که در برخی شأن نزولها آمده - در مقام دفع ذهنیت اشخاصی است که می پنداشتند همه مسلمانان بی استثنا باید در جنگ شرکت کنند.

### 158- بیش مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 52 - 13

13 - خیرخواهیهای مشرکان مبنی بر زیانبار بودن حضور مؤمنان ضعیف در کنار پیامبر (صلی الله علیه و آله) نباید موجب طرد و محرومیت آنان از محضر پیامبر (صلی الله علیه و آله) گردد.

ما علیک من حسابهم من شیء و ما من حسابک علیهم من شیء فتطردهم

«حسابهم» می تواند اضافه مصدر به فاعل خود (هم) باشد؛ یعنی حسابگریهای مشرکان درباره مؤمنان و فقر و محرومیت آنها.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 71 - 18

18 - مشرکان، مردان متحیر را به شرک دعوت می کنند و خود را هدایت یافته می پندارند.

له أصحاب یدعونه إلی الهدی ائتنا

مراد از «اصحاب»، بنا بر یک احتمال، مشرکان و منحرفانی هستند که مردان را تشویق می کنند و به جانب خود سوق می دهند و راه خود را طریق هدایت می شمارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 81 - 11

11 - مشرکان می پنداشتند امنیت آنان با پرستش بتها و دیگر معبودها تأمین می گردد.

فأی الفریقین أحق بالآمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 108 - 9

9 - دشنام به خدا برای دفاع از باورهای خویش، عملی شایسته و زیبا در نظر مشرکان است.

فیسوا الله عدوا بغير علم كذلك زينا لكل امة عملهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 136 - 3, 5, 8, 10

3 - قرار دادن سهم برای خداوند، از آنچه خود آفریده، از پندارهای پوچ مشرکان

و جعلو الله مما ذرأ من الحرث و الأنعم نصيبا فقالوا هذا لله بزعمهم

5 - شرک، عقیده ای برخاسته از پندار و اوهام مشرکان است.

ص: 245

فقالوا هذا لله بزعمهم و هذا لشركائنا فما كان لشركائهم

منتسب کردن «شركاء» به مشرکان و نه به خداوند، گویا اشاره بدین نکته باشد که آنچه را آنان شریک خدا می پندارند به ساخته های ذهنی آنان مربوط است.

8 - مشرکان، مصرف اموال سهم شریکان پنداری خداوند را در راه خدا غیر مجاز و ناروا می شمردند.

فما كان لشركائهم فلا يوصل إلى الله و ما كان لله فهو يصل إلى شركائهم

10 - داوری زشت و غلط مشرکان جاهلی در مقایسه خدا با بتها و ترجیح بتها بر او

فما كان لشركائهم . . . ساء ما يحكمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 148 - 3، 12

3 - مشرکان از مفهوم «مشیت الهی» برداشتی نادرست داشتند.

سيقول الذين أشركوا لو شاء الله ما أشركنا

12 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) مأمور احتجاج با مشرکان و رد اندیشه های غلط آنان

قل هل عندكم من علم فتخرجوه لنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 40 - 15

15 - مشرکان به پندار فرمان خدا بر پرستش معبود های خویش ، آنها را عبادت می کنند . \*

أمر ألا تعبدوا إلا إياه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 16 - 7

7 - مشرکان با وجود دلایل روشن بر ولایت خداوند ، دیگران را ولیّ و سرپرست خویش می پنداشتند و به آنان روی می آوردند .

أفاتخذتم من دونه أولياء



تفریع جمله «اتخذتم . . .» به وسیله حرف «فاء» بر بیان کارها و شؤونی که برای خداوند برشمرده شد - که مشرکان نیز آنها را باور دارند - می‌رساند که ولایت بر انسانها تنها از آن خداست و پندار ولایت غیر او ، پنداری ناموجه و بدون دلیل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 56 - 2، 1

1- مشرکان ، برای معبودهای خویش سهمی در روزی دهی قائل بودند .

یشركون . . . و يجعلون لما لا يعلمون نصيبًا مما رزقنهم

آیه، ادامه بیان کارهای خلاف مشرکان است و برداشت فوق مبتنی بر این نکته است که مراد از «ما» ی موصول، معبودهاست و مفعولُ به فعل «لا يعلمون» محذوف است.

2- مشرکان ، برای اسباب و علل ظاهری در انجام امور ، نقش مستقل قائل بودند .

بربهم یشركون . لیکفروا بما ءاتینهم ... و يجعلون لما لا يعلمون نصيبًا مما رزقن-

برداشت فوق مبتنی بر این نکته است که «ما» ی موصول اسباب و عواملی باشد که مشرکان آنها را در نجات خود از ناگواریها

ص: 246

دخیل می دانستند، در حالی که خبر از وضعیت آنها هم نداشتند و از اینکه خداوند مشرکان را به خاطر چنین تفکری مورد سرزنش قرار داده است، استفاده می شود که آنان برای چنین اسبابی نقش مستقل قائل بوده اند و گرنه جای سرزنش و توبیخ نداشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 57 - 10

10- مشرکان ، در برابر اسناد دختر به خدا ، فرزند دلخواهشان ( پسر ) را به خود اسناد می دادند .

و يجعلون لله البنت . . . و لهم ما یشتهون

«و» در «و لهم» می تواند حالیه و هم می تواند عاطفه باشد. در صورت عاطفه بودن جمله «ما...» در محل نصب خواهد بود برای عطف به «البنات». در هر صورت برداشت فوق قابل استفاده است و اسناد دادن فرزند دختر برای خدا، قرینه ای است بر اینکه مراد از «ما» در «ما یشتهون» فرزند پسر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 58 - 6

6- مشرکان ، علی رغم نفرت از دختردار شدن ، آن را به خداوند نسبت می دادند .

و يجعلون لله البنت . . . و إذا بشر أحدهم بالأُنثى ظلّ وجهه مسوداً و هو كظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 87 - 3

3- دست نیافتن مشرکان در قیامت به بافته های دروغین خویش درباره شریک داشتن خداوند

و ضلّ عنهم ما كانوا یفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 49 - 3

3- مشرکان ، مرگ را به منزله نیستی و نابودی پنداشته و حیات پس از آن را مستبعد می شمردند .

أذا كُنَّا عِظْمًا و رَفَتًا أَعْنَا لِمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- اصل وجود خدا و نیاز به رسالت ، امری پذیرفته شده حتی در بینش مشرکان

أبعث الله بشراً رسولاً

از اینکه مشرکان به جای انکار اصل رسالت به استبعاد نبوت بشر پرداختند، می توان استفاده کرد که اصل رسالت و نبوت برای آنان، امری محرز بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- در نظر مشرکان تنها ملائکه ، شایسته رسالت و پیامبری بودند .

ص: 247

قالوا أبعث الله بشراً رسولاً. قل لو كان في الأرض ملئكة ... لنزلنا عليهم من الس

از پاسخ خداوند در قبال اعجاب مشرکان و از گفته آنان (أبعث الله بشراً رسولاً) استفاده می شود که آنان، توقع داشتند که پیامبر(صلی الله علیه و آله) از جنس ملائکه باشد نه از جنس بشر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 48 - 10

10- غفلت از رستاخیز و تصوّر عدم برپایی قیامت ، آفت فراگیر مشرکان است .

بل زعمتم أنّ نجعل لكم موعداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 81 - 5

5- شرک پیشاگان ، عزّت و سعادت را در تحصیل مال و فرزند ، و فزونی آن می دیدند .

قال لأتینّ . . . واتخذوا ... لیکونوا لهم عزّاً

در آیات پیشین انگیزه روی آوردن به کفر، علاقه به مال و فرزند بیان شده و در این آیه طلب عزّت ذکر گردیده است. حاصل این دو تعبیر، این است که مشرکان مال و فرزند را مایه عزّت می دانستند و پرستش غیر خدا را، راه وصول به آن شناخته بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 92 - 2

2- در پندار گروهی از مشرکان ، خداوند برخی از مخلوقات خویش را فرزند خوانده خود قرار داده است .

أن یتخذ ولداً

از تعبیر «إتخاذ» در این آیه و نیز در آیات پیشین، برمی آید که قائلان فرزند گزینی خداوند، تنها این بوده است که او از میان موجودات، کسی را به عنوان فرزندی خود برگزیده است؛ نه این که مدعی تولّد فرزندی برای او باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 93 - 2

2- قائلان به فرزندگزینی خداوند ، فرزند خوانده او را از بین موجودات شعورمند آسمان ها و زمین می دانستند .

کلمه «من» موصولی است که برای عاقلان به کار می رود. به کار بردن آن، ممکن است ناظر به پندار فرزندخواندگی فرشتگان، عیسی و عزیر(ع) برای خدا باشد در نتیجه تعبیر «موجودات آسمان ها» کنایه از ملائکه و «موجودات زمین» کنایه از عیسی و عزیر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 3 - 10

10- ناسازگاری بشر بودن با دستیابی به مقام نبوت ، از دیدگاه مشرکان

هل هذا إلا بشر مثلکم

ص: 248

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 28 - 7

7- پندار مشرکان در مستقل بودن فرشتگان در شفاعت

لايشفعون إلا لمن ارتضى

از این که استقلال در شفاعت نفی شده، به دست می آید که مشرکان (مخاطبان این آیه) چنین پنداری داشته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 34 - 2

2- مشرکان ، می پنداشتند پیامبران باید در دنیا عمر جاوید داشته باشند .

و ما جعلنا لبشر من قبلك الخلد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 73 - 4

4- در جهان بینی مشرکان ، تدبیر امور جهان و انسان ها ، در اختیار خدایان است نه خدای متعال .

يأيتها الناس . . . إن الذين تدعون من دون الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 82 - 7

7- انسان ، موجودی جاودان در بیش ادیان الهی و پدیده ای فناپذیر در نگرش شرک پیشگان تاریخ

بل قالوا . . . قالوا أءذا متنا . . . أءتآ لمبعوثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 83 - 1

1 - معاد ، وعده ای بی اساس و افسانه ای کهن ، در نظر کافران و مشرکان

بل قالوا مثل ما قال الأولون . . . لقد وعدنا . . . إن هذا إلا أسطير الأولين

«اسطوره» (مفرد «أساطير») به معنای افسانه است. بنابراین «أساطیر الأولین»؛ یعنی، افسانه هایی که پیشینیان ساخته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 84 - 1

1 - زمین و هر آنچه در آن هست ، از آن خدا و متعلق به او است .

قل لمن الأرض و من فیها إن كنتم تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 41 - 4

4 - رسالت مداری انسان از سوی خداوند ، امری شگفت آور و غیر قابل قبول از دیدگاه مشرکان

أهذا الذى بعث الله رسولا

استفهام در «أهذا» انکاری و برای اظهار تعجب و شگفتی آمده است.

ص: 249

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 42 - 6

6 - دست شستن از گرایش های شرک آلود و روی کردن به تعالیم پیامبران ( همچون یگانه پرستی ) و عقیده به قیامت ، در دیدگاه اهل شرک ، گمراهی و انحراف است .

إن كاد ليضلننا عن ءالهننا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 57 - 3,9

3 - رد دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) از سوی مشرکان ، علی رغم اعتقاد آنان به هدایت بخش بودن آیین آن حضرت

وقالوا إن نتبع الهدى معك نتخطف من أرضنا

9 - در دیدگاه مشرکان ، گمراهی توأم با امنیت و آسایش ، برتر از هدایت همراه با ناامنی و اضطراب است .

وقالوا إن نتبع الهدى معك نتخطف من أرضنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 29 - 3,5

3 - مشرکان ، وعده پیامبر (صلی الله علیه و آله) را درباره وقوع قیامت و معاد درست نمی دانستند .

ويقولون متى هذا الوعد إن كنتم صدقين

5 - مشرکان ، پیروان مؤمن پیامبر (صلی الله علیه و آله) را سهیم و هم رأی او در رسالت می دانستند .

متى هذا الوعد إن كنتم صدقين

جمع آورده شدن «صادقین»، به این خاطر است که مؤمنان نیز مخاطب مشرکان بوده اند. مخاطب قرار دادن مؤمنان و پرسش از زمان وقوع قیامت از آنان، بیانگر نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 35 - 5



5 - مشرکان ، خود را مصون از عذاب الهی می دانند .

وقال الذین کفروا .. و ما نحن بمعذبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 43 - 14، 13، 5

5 - مشرکان ، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را شخصی معمولی می دانستند که هدفش بازداشتن مردم از دین و آیین پدرانشان بود .

قالوا ما هذا إلاّ رجل یرید أن یصدّکم عمّا کان یعبداؤکم

تعبیر از پیامبر (صلی الله علیه و آله) به «رجل» - آن هم به صورت نکره - حاکی از نکته یاد شده است.

13 - مشرکان ، معتقد بودند قرآن ساخته و پرداخته است ؛ نه وحی .

وقالوا ما هذا إلاّ فک مفترّی

مشارالیه «هذا» به قرینه «تتلی علیهم آیاتنا» می تواند قرآن باشد. هم چنین می تواند حاصل تلاوت (قول به توحید) باشد. برداشت یاد شده بنابر احتمال اول است.

ص: 250

14 - مشرکان ، پیامبر (صلی الله علیه و آله) را افترازننده به خدا می دانستند .

إِلَّا إِفْكَ مَفْتَرِي

«إفک»؛ یعنی، بازداشته شدن چیزی از وضعیتی که شایسته است در آن وضعیت باشد. و در دروغ استعمال می شود (مفردات راغب). آوردن «مفتری» به عنوان صفت «إفک»، می تواند به این منظور باشد که آنان قرآن را دروغی می دانستند که به خدا نسبت داده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 50 - 2

2 - پندار مشرکان درباره گمراهی پیامبر (صلی الله علیه و آله)

قل إن ضللت فإِنَّمَا أَضِلُّ عَلَىٰ نَفْسِي

سفارش خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) مبنی بر اعلام موضع روشن درباره این که به فرض گمراهی او، ضررش عاید خود آن حضرت می شود؛ احتمال دارد برای رفع توهم و یا اتهامی (نکته یاد شده) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 53 - 3، 1

1 - مشرکان ، پیش از نزول عذاب بر آنان ، منکر آن بودند .

و لو تری إذ فرعوا .. و قالوا ءامنا به ... و قد كفروا به من قبل

3 - مشرکان به حشر و معاد ، کفر ورزیده و منکر آن بودند .

و لو تری إذ فرعوا .. و قالوا ءامنا به ... و قد كفروا به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 11 - 5

5 - مشرکان آفرینش مجدد انسان ها را در قیامت ، امری بعید و غیر ممکن و بسیار سخت می دانستند .

فاستفتهم أهم أشدَّ خلقًا أم من خلقنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- قرآن ، سحری آشکار در دیدگاه مشرکان

وقالوا إن هذا إلا سحر مبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- برپایی قیامت و حیات مجدد انسان ها پس از مرگ و تبدیل شدن به خاک و استخوان ، مورد انکار مشرکان

أءذا متنا و کنا ترابا و عظاما ءءنا لمبعوثون

دو همزه به کار رفته در آیه شریفه، برای استفهام انکاری است.

3- برپایی قیامت و حیات دوباره انسان ها پس از متلاشی شدن بدن ، امری غیر ممکن و بس بعید در نظر مشرکان

أءذا متنا و کنا ترابا و عظاما ءءنا لمبعوثون

1 - مشرکان ، تجدید حیات نیاکانشان را پس از مرگ و تبدیل شدن آنان را به خاک و استخوان ، امری بسیار بعید و غیر قابل قبول می دانستند .

أءنَّا لمبعوثون . أو ءاباؤنا الأوّلون

«ءاباؤنا» مبتدا و خبر آن - به قرینه خبر موجود در آیه قبل (لمبعوثون) - حذف شده است. این جمله (مبتدا و خبر) عطف بر جمله قبل (ءإنا لمبعوثون) است.

2 - مشرکان ، حیات مجدد نیاکان اولیه خود را در روز رستاخیز ، بعیدتر و غیر ممکن تر از تجدید حیات خود می دانستند .

أءنَّا لمبعوثون . أو ءاباؤنا الأوّلون

از عطف «أو ءاباؤنا..» بر «ءءنا لمبعوثون» - که برای ارتقای اظهار استحاله امر معاد است - و نیز از اختصاص به ذکر یافتن «آباء»، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - پیشوایان شرک با تظاهر به خیرخواهی ، عامل اصلی فریب خوردن و دور شدن از مسیر خیر و حق در دیدگاه مشرکان گمراه شده

قالوا إنکم کنتم تأتوننا عن الیمین

«یمین» می تواند مشتق از «یمین» (خیر و برکت) باشد. بر این اساس، معنای آیه چنین می شود: شما از سر خیرخواهی به سراغ ما می آمدید. اما متعدی شدن فعل «تأتوننا» به «عن» - که برای مجاوزت است - موجب می شود که این کلمه متضمن معنای «تصددنا» - که متناسب با معنای مجاوزت است - باشد. بر این اساس، پیام اصلی آیه چنین خواهد بود: شما بودید که در ظاهر از سر خیرخواهی به سراغ ما آمده و ما را از مسیر حق و خیر گمراه می کردید.

4 - مشرکان گمراه شده ، در قیامت اعمال قدرت سران شرک را عامل گمراهی و فریب خود معرفی خواهند کرد .

قالوا إنکم کنتم تأتوننا عن الیمین

برداشت یاد شده براساس این دیدگاه است که «یمین» (جهت راست) کنایه از قدرت و قوت باشد؛ زیرا معمولاً سمت راست قوی تر است. از این رو بیشتر مردم کارهای مهم و سنگین را با دست راست انجام می دهند. گفتنی است که دو آیه بعد (و ما کان لنا علیکم من سلطان) و نیز آمدن واژه «یمین» به این معنا در آیه 93 همین سوره (فراغ علیهم ضرباً بالیمین) مؤید مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 180 - 4

4 - ساحت خداوند ، از هرگونه نسبت ها و توصیف های مشرکان منزّه است .

سبحن ربّ العزّه عمّا یصفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 8 - 1

1 - برگزیده شدن پیامبراسلام (صلی الله علیه و آله) از میان توده های عرب برای پیامبری ، امری غیرمنطقی و ناممکن در نظر کافران و

ص: 252

أَنْزَلَ عَلَيْهِ الذِّكْرَ مِنْ بَيْنِنَا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

17 - زخرف - 43 - 8 - 3

3- مشركان و مخالفان پيامبر (صلى الله عليه و آله)، معتقد به اقتدار و متكى به نيرومندی خود

أَنْ كُنْتُمْ قَوْمًا مُسْرِفِينَ... فَأَهْلَكْنَا أَشَدَّ مِنْهُمْ بَطْشًا

از يادآوری هلاکت اقوامی نيرومندتر از مردم مکه، استفاده می شود که مکيان، به قدرت خویش مغرور بوده و آن را غير قابل زوال می پنداشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

17 - جاثيه - 45 - 24 - 7

7- زندگی و مرگ در نگاه مشركان، پديده ای طبيعی و بی ارتباط با اراده الهی و وجود خداوند

و مَا يَهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

17 - فتح - 48 - 2 - 4

4- پيامبر (صلى الله عليه و آله)، از نگاه مشركان، فردی گنه کار و برهم زننده نظم اجتماعی شرک

لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ

«ذنبك» به معنای اتهام ها و گناهانی است که مشركان، برای پيامبر (صلى الله عليه و آله) برمی شمردند؛ زیرا با بعثت آن حضرت، حرمت بت ها درهم ريخت، نظم جاهلی جامعه شرک - با ايمان آوردن طبقات مختلف اجتماعی - بر هم خورد و اين همه اموری بود که از نظر مشركان، جرم و گناه پيامبر (صلى الله عليه و آله) تلقی می شد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

18 - نجم - 53 - 30 - 1،4

1- افق دید و نگرش مشركان خداگريز، محصور در محدوده دنيا و مظاهر آن

ولم يرد إلا الحيوة الدنيا . ذلك مبلغهم من العلم

«ذلک» اشاره به دنیاگرایی مشرکان دارد؛ یعنی، دنیاگرایی منتهای دانش آنان است.

4 - خرافات و موهومات ، اوج دید و نگرش مشرکان دنیاگرا

ليسمون الملائكة تسميه الأئشي و ما لهم به من علم . . . ذلك مبلغهم من العلم

برداشت بالا بنابراین نکته است که «ذلک» اشاره به عقاید خرافی مشرکان در مورد دختر انگاشتن ملائکه برای خداوند، داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 10 - 4

4 - « عن أبي جعفر (ع) في قوله : « أئتا لمردودون في الحافره » يقول : في الخلق الجديد ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند «أئتا لمردودون في الحافره» روایت شده که فرمود: خدا می فرماید: [مشرکان می گویند:

ص: 253

آیا ما [در آفرینش مجدد] باز می گردیم؟»

### 159- بیش مشرکان جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 59 - 6,8

6- مشرکان صاحب دختر در دوران جاهلیت ، نگهداری دختران را برای خود عار و ذلت می دانستند .

ایمسکه علی هون

برداشت فوق بر این اساس است که «علی هون» حال برای ضمیر فاعلی «ایمسک» باشد.

8- مشرکان صاحب دختر ، حیثیت اجتماعی خود را با داشتن دختر در مخاطره می دیدند .

یتوری من القوم من سوء ما بشر به ایمسکه علی هون أم یدسه فی التراب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 60 - 4

4- داشتن دختر در دیدگاه مشرکان جاهلی ، صفتی زشت محسوب می شد .

للذین لایؤمنون بالأخره مثل السوء

«مثل السوء»، مثلی است که مشرکان جاهلی برای صاحبان دختر به کار می بردند و مرادشان از آن، ضرب المثل بد حالی و بدی بود. اینکه خداوند پس از ذکر دیدگاه آنها درباره نوزادان دختر و محکومیتشان، «مثل السوء» را به خود آنان نسبت می دهد، می تواند قرینه ای باشد بر مطلب یاد شده.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 62 - 9

9- مشرکان ، تداوم نسل خویش را از طریق داشتن پسر ، برای خود فرجامی نیک تلقی می کردند . \*

ویجعلون لله ما یکرهون و تصف ألسنتهم الکذب أن لهم الحسنی

احتمال دارد مراد از «الحسنی» به قرینه «ویجعلون لله البنات .. و لهم ما یشتهون» و «یجعلون لله ما یکرهون» ادامه نسل مشرکان از طریق پسرانی باشد که آنان برای خویش مدعی بودند.



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 17 - 2

2- پسر مایه سرور و مباحات و دختر موجب ننگ و عار ، در میان عرب جاهلی

و أصفیکم بالبئین . و إذا بشر أحدهم بما ضرب للرحمن مثلاً ظلّ وجهه مسودّاً و هو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 18 - 4

4- لطافت طبیعی زن و فرودستی او در میدان جدال و درگیری ، دو عامل آسیب پذیری و دو نقیصه برای زن در فرهنگ خشن جاهلی

ص: 254

و هو فی الخصام غیر مبین

در آیه قبل (و إذا بشر أحدهم ..) ناراحتی عرب جاهلی از داشتن دختر بیان شده است. این آیه می تواند اشاره به علت آن ناراحتی داشته باشد؛ یعنی، این دو ویژگی از نظر عرب جاهلی، نقص زن به حساب می آمد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 24 - 8

8 - طبیعت گرایی و انکار حیات اخروی، دارای ریشه در جاهلیت عرب

و قالوا ما هی إلا حیاتنا الدنیا .. و ما یهلکنا إلا الدهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 39 - 3

3 - اعتقاد عرب جاهلی، به امتیاز و برتری مردان بر زنان

أم له البنت و لکم البنون

از این که خداوند، مشرکان را مدعی اختصاص پسران به خویش شمرده است؛ استفاده می شود که آنان، از داشتن دختر احساس ننگ می کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 28 - 14

14 - حرمت استفاده از گوشت قربانی، پندار باطل عرب های جاهلی

فکلوا منها

تجویز استفاده از گوشت قربانی، ناظر به پندار باطل عرب های جاهلی است که استفاده از آن را حرام می دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 33 - 3

3 - ممنوعیت استفاده از دام های قربانی، در پندار مشرکان عصر بعثت

لكم فيها منفع إلى أجل مسمى

تصریح به جواز بهره برداری از دام های قربانی، نشان می دهد که اعتقاد عمومی پیش از نزول آیه، برخلاف آن بوده است.

### 160- بیش مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 148 - 1

1 - مشرکان صدر اسلام، شرک خویش و پدرانشان و بدعتهای دیگر را به مشیت خدا و رضایت او می پنداشتند.

سيقول الذين أشركوا لو شاء الله ما أشركنا ولا ءاباؤنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 255

9- شرک پیشگان عصر بعثت ، انسان را فاقد شایستگی برای دست یافتن به مقام قرب خدا و بار یافتن به پیشگاه او می انگاشتند .

و یعبدون من دون الله . . . و یقولون هؤلاء شفیعونا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 35 - 1

1- مشرکان عصر بعثت ، قرآن را ساخته و پرداخته پیامبر (صلی الله علیه و آله) می پنداشتند .

أم یقولون افتریه

در اینکه مقصود از ضمیر در «یقولون» چه کسانی هستند، دو نظر ابراز شده است: برخی بر آنند که مقصود، مشرکان عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) هستند و گروهی دیگر از مفسران، مراد از آن را کفر پیشگان قوم نوح می دانند. برداشت فوق براساس نظر اول است. گفتنی است که براین اساس، مخاطب کلمه «قل» پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ضمیر مفعولی در «إفتره» به قرآن و یا خصوص داستان نوح (ع) باز می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 81 - 2

2- مشرکان عصر بعثت ، عزت و اعتبار خود را در پرستش معبودان ساختگی خود می دانستند .

لیکونوا لهم عزاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 3 - 16

16- مشرکان صدر اسلام ، پیروی از سحر را با عقل و خرد ناسازگار می دیدند .

أفتأتون السحر و أنتم تبصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 5 - 8

8- آگاهی مشرکان در عصر بعثت ، از ماهیت معجزه و فرق آن با سحر و خواب های پریشان و شعر

بل قالوا أضغث أحلم بل افتريه بل هو شاعر

مشركان در مخالفت با پیامبر(صلی الله علیه و آله) ابتدا سخن او را سحر، یا شعر و یا خواب های آشفته می دانستند. سپس برای اثبات رسالت پیامبر(صلی الله علیه و آله) از ایشان خواستار معجزه شدند. این می رساند که آنان از معجزه و فرق آن با سحر و شعر و... آگاه بودند و به آن اعتراف داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 18 - 9

9- بازیچه انگاشتن نظام خلقت و بعثت پیامبران ، از سوی مشرکان عصر پیامبر

و ما خلقنا السماء.. لعین... و لكم الویل ممّا تصفون

مخاطب «لکم» و «تصفون» مشرکانند و به قرینه آیات پیشین، مقصود از توصیف عقیده نادرست مشرکان در باره آفرینش

ص: 256

جهان و نسبت ناروای سرگرمی گرفتن آفرینش به خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 55 - 3

3 - ثروت و فرزندان ذکور ، دو ملاک برای ارزیابی موقعیت انسان در پیشگاه خدا در دیدگاه مشرکان عصر بعثت

أیحسبون أنما نمدهم به من مال و بنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 56 - 1

1 - مال و فرزند بسیار ، نشانه لطف و مهر خداوند در دیدگاه شرک پیشگان مرفه صدراسلام

أیحسبون . . . من مال و بنین . نسارع لهم فی الخیرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 21 - 4

4 - مشرکان صدراسلام ، منکر نزول ملائکه بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) بودند .

وقال الذین لا یرجون لقاءنا لولا أنزل علینا الملائکه

از این که مشرکان، اعتراض می کردند که چرا فرشتگان وحی به طور مستقیم بر خود آنان فرود نمی آید؟ می توان به دست آورد که آنان، در صدد این بودند که اصل نزول فرشیه وحی بر پیامبر(صلی الله علیه و آله) را زیر سؤال ببرند و آن را انکار کنند. گفتنی است: آیه 7 سوره «حجر» مؤید همین برداشت است (لو ما تأتینا بالملائکه إن كنت من الصادقین).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 15 - 1

1 - مشرکان صدر اسلام ، معجزات الهی را سحری آشکار و بی تردید می دانستند .

وقالوا إن هذا إلا سحر مبین

مشارالیه «هذا» هم می تواند معجزه باشد - که در آیه قبل از آن به «آیه» یاد شده است - و هم می تواند قرآن کریم باشد. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 149 - 3

3 - برتری پسر بر دختر در دیدگاه مشرکان صدر اسلام

الرَّبِّكَ الْبَنَاتِ وَ لَهُمُ الْبَنُونَ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته تاریخی است که مشرکان، فرزند پسر را بر دختر ترجیح می دادند؛ ولی در عین حال معتقد بودند که خداوند دختر را برگزیده است. از این رو خداوند چنین طرز تفکری را محکوم کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 17 - 6

6 - مشرکان عصر بعثت، فرشتگان را موجوداتی شبیه خداوند در رحمت می دانستند .

ص: 257

بما ضرب للرحمن مثلاً

با توجه به کلمه «رحمان» و «مثلاً»، مطلب بالا قابل برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 3 - 4

4- انسان در نگاه مشرکانِ عصر بعثت ، موجودی صرفاً مادی و جسمانی است .

أءذا متنا و کنا تراباً ذلک رجع بعید

تعبیر «کنا تراباً» می رساند که توجه کافران، بیشتر به متلاشی شدن اجزای بدن در خاک بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 36 - 3

3- احترام و موقعیت موسی (ع) ، نزد مشرکان صدراسلام

أم لم ینبأ بما فی صحف موسی

توییح شدن مردم عصر نزول به خاطر توجه نکردن به پیام آسمانی موسی(ع)، نشانگر آن است که آن حضرت در میان آنان موقعیت ویژه ای داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 37 - 5

5- احترام و موقعیت حضرت ابراهیم (ع) ، نزد مشرکان صدراسلام

أم لم ینبأ .. و إبرهیم الذی وقی

توییح شدن مردم عصر نزول، به خاطر توجه نکردن به پیام آسمانی ابراهیم(ع)، نشانگر آن است که آن حضرت در میان آنان موقعیت ویژه ای داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 25 - 4



4- مشرکان و کافران صدر اسلام، منکر برپایی قیامت بوده و آن را دروغ می پنداشتند .

و يقولون متى هذا الوعد ان كنتم صدقين

### 161- بینش مشرکان مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 41 - 3

3- پندار مشرکان عصر بعثت ، خاموش شدن فروغ دین و آیین نبوی ، با رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

فإما نذهبنّ بك فإنا منهم منتقمون

آیه شریفه، گویا در پاسخ توهم مشرکان است که می پنداشتند با رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، تمامی مسائل خاتمه خواهد یافت.

ص: 258

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 12 - 12

12- ارج و منزلت تورات نزد مشرکان عصر بعثت ، به رغم عدم پیروی از آن

و من قبله کتب موسی إمامًا و رحمه و هذا کتب مصدق

این احتمال وجود دارد که تذکر به وجود مشابهت قرآن و تورات، از آن جهت باشد که مشرکان مکه - با این که عملاً پیرو تورات نبودند - نوعی احترام و قداست برای آن قائل بوده و به تکذیب آن اقدام نمی کردند. بر این اساس خداوند فرموده است: شما چگونه قرآن را دروغ می پندارید، با این که شبیه تورات است که نزد شما قرب و منزلت دارد.

### 162- بیش مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 156 - 5

5 - مشرکان و گمراهان مکه، در صورت نازل نشدن قرآن، خویشان را در قیامت معذور می دانستند و دوری از رحمت خدا را بی عدالتی می شمردند.

أَنْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَنْزَلَ الْكُتُبَ عَلَيَّ طَائِفَتَيْنِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 157 - 3

3 - مشرکان مکه خویشان را شایسته تر از دیگران برای دریافت حقایق می پنداشتند.

لَوْ أَنَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ لَكَانَ أَهْدَىٰ مِنْهُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 35 - 2

2- مشرکان مکه ، سرگذشت نوح و قوم او را ، داستانی ساختگی و بافته پیامبر (صلی الله علیه و آله) می پنداشتند .

و لقد أرسلنا نوحًا . . . أم يقولون افتريه

برداشت فوق ، براین اساس است که ضمیر مفعولی در «إفترأه» به داستان نوح(ع) و قوم او که در آیات پیشین آمده ، باز گردد.

1- مشرکان مکہ ، بت پرستی خود و پدرانشان را برخاسته از مشیت خداوند می دانستند .

وقال الذین أشركوا لو شاء الله ما عبدنا من دونه من شیء نحن و لاء اباؤنا

با توجه به مکی بودن سورهء نحل و نیز قرینه «كذلك فعل الذین من قبلهم» مراد از «الذین أشركوا» مشرکان مکہ است.

2- مشرکان مکہ ، جبری مسلک بوده و عمل خود را بر اساس مشیت خداوند می دانستند .

وقال الذین أشركوا لو شاء الله ما عبدنا من دونه من شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 38 - 7

7- مشرکان مکه ، مبعوث شدن انسان زوال پذیر را برای نبوت ، قبول نداشتند . \*

و أقسموا بالله جهد أيمانهم لا يبعث الله من يموت

به قرینه آیات قبل - که درباره بعثت انبیا و مورد انکار قرار گرفتن آن از سوی مشرکان بود - احتمال دارد مراد آیه نکته یاد شده باشد؛ یعنی، منظور از «بیعت» برانگیختن برای نبوت باشد نه حشر اخروی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 43 - 5

5- مشرکان مکه ، نزول وحی به انسان را قبول نداشتند .

و ما أرسلنا من قبلك إلا رجالاً نوحى إليهم

آیه در صدد تعریض به مشرکان و جواب گویی به آنان است که طبق قرینه ها و آیات دیگر قرآن کریم (سوره یونس ، آیه 2) آنها مبعوث شدن انسان را از جانب خداوند برای پیامبری قبول نداشتند. فعل «نوحی» در آیه قرینه و نشانه ای است بر نکته فوق.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 40 - 7

7- مشرکان مکه ، جنس مذکر را بسی ارزشمندتر و با اهمیت تر از زن می دانستند .

أفأصفاكم ربكم بالبنين واتخذ من الملائكة إنثاً

از اینکه از واژه «إنث» (زنان) به جای هر واژه دیگری مثل «بنات» (دختران) برای بیان مقصود استفاده شده است، می تواند به منظور اشاره به این واقعیت داشته باشد که مشرکان با ادعای مؤنث بودن ملائکه در صدد عیب جویی از خدا بودند و چنین امری، حکایت می کند که آنان، ذهنیت منفی در باره زن داشته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 90 - 5

5- مشرکان مکه ، قرآن را علی رغم بی ماندی اش ، معجزه نمی دانستند .

قل لئن اجتمعت الإنس و الجنّ . . . وقالوا لن نؤمن لك

از اینکه خداوند، پس از توصیف قرآن به معجزه و بی مانند بودن، درخواست معجزه حسی آنان را نقل می کند، می تواند به نکته فوق اشعار داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 91 - 2

2- توانایی مادی و امکانات سرشار دنیوی ، ملاک پیامبری و پیشوایی در دید مشرکان مکه

لن نؤمن لك حتى . . . تكون لك جنّه من نخيل و عنب

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که خواسته مشرکان مکه، داشتن مال، مکنّت و باغ بوده است نه معجزه اقتراحی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 260

9- مشرکان مکه ، دارای تصویری مادی و جسمانی از خدا و ملائکه

تأتی بالله و الملئکه قبیلاً

«قبیلاً» به معنای رو در رو شدن و مشاهده آمده است و از آن نکته فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1- مشرکان مکه ، برگزیده شدن نوع بشر برای پیامبری را منکر بودند و آن را امری امکان ناپذیر و ناشدنی تلقی می کردند .

و ما منع الناس . . . إلا أن قالوا أبعث الله بشراً رسولاً

«ال» در «الناس» عهد است و با توجه به آیات سابق مراد از آن، مشرکان مکه هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- زیبایی و گیرایی قرآن ، پذیرفته شده و مسلم در نظر مشرکان مکه

بل هو شاعر

از آن جایی که شعر از زیبایی و گیرایی خاصی برخوردار است؛ بدین سبب مشرکان، پیامبر (صلی الله علیه و آله) را شاعر می دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13- عالمان دینی و آگاهان به کتاب های آسمانی ، دارای منزلت و جایگاه اجتماعی نزد مشرکان مکه

فسلوا أهل الذکر

ارجاع مشرکان به عالمان دینی و آگاهان به تاریخ انبیا، بیانگر این نکته است که این عالمان، از جایگاهی خاص در میان مشرکان برخوردار بودند و سخنان این قشر نزد آنان مورد پذیرش بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- کافران و مشرکان مکه، نسبت به نام «رحمان» برای خداوند، بسیار حساس و منکر رحمانیت او بودند.

و هم بذکر الرحمن هم کفرون

اختصاص به ذکر یافتن نام «رحمان» از میان دیگر نام های مقدس پروردگار و نیز تکرار «هم»، بیانگر برداشت یاد شده است.

9- آسمانی بودن قرآن، مورد انکار کافران و مشرکان مکه بود.

و هم بذکر الرحمن هم کفرون

برداشت یاد شده مبتنی براین است که مقصود از «ذکر» قرآن کریم باشد، چنان که در موارد متعدد در قرآن - از جمله آیه دوم همین سوره - از قرآن به «ذکر» یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 17 - 4

ص: 261

4- در دیدگاه مشرکان مکه فرشتگان، دختران خدا و همانند او در صفات

و إذا بشر أحدهم بما ضرب للرحمن مثلاً

با توجه به این که «مثل» در آیه به معنای شبیه است، می توان گفت که مشرکان مکه معتقد به همسانی فرشتگان با خدا بوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 31 - 3

3- ثروت و اشرافیت، ملاک تمامی ارزش ها - حتی ارزش های دینی - در نگاه مشرکان مکه

لولا نزل هذا القرآن .. عظیم

مشرکان در مقام اعتراض به پیامبر (صلی الله علیه و آله) اظهار می داشتند: اگر وحی اصالت داشت، می بایست بر اشراف نازل می شد. از این نکته استفاده می شود که ملاک ارزش برای آنان، مال و مقام بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 35 - 1

1- مرگ، پایانی ابدی بر حیات انسان، در بینش مشرکان مکه

إن هؤلاء ليقولون . إن هي إلا موتتنا الأولى و ما نحن بمشركين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 2 - 12

12 - « قال الرضا (ع) : لم يكن أحد عند مشركي أهل مكة أعظم ذنباً من رسول الله (صلى الله عليه وآله) لأنهم كانوا يعبدون من دون الله ثلثمأه و ستين صنماً ، فلما جاءهم (صلى الله عليه وآله) بالدعوة إلى كلمة الإخلاص ، كبر ذلك عليهم و عظم . . . فلما فتح الله عز وجل على نبيه (صلى الله عليه وآله) مكة قال له يا محمد : « إنا فتحنا لك [ مكة ] فتحاً مبيناً ليغفر لك الله ما تقدم من ذنبك و ما تأخر » عند مشركي أهل مكة ;

امام رضا(ع) فرمود: هیچ کس در نزد مشرکان عرب، گناهِش از گناه رسول خدا(صلی الله علیه و آله) بزرگ تر نبود؛ زیرا مشرکان 360 بت را می پرستیدند و چون پیامبر(صلی الله علیه و آله) آنان را به کلمه توحید و اخلاص دعوت کرد، در نظر آنان [گناه] بزرگ و عظیم بود . . . پس چون خدای عزوجل، مکه را برای پیامبرش فتح کرد؛ به آن حضرت فرمود: ای محمد! ما مکه را با فتح آشکاری برای تو فتح کردیم، تا خدا گناهان گذشته و آینده تو در نزد مشرکان اهل مکه را بپوشاند».



## 163- بیش مشمولان نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 65 - 12

12- صاحبان نعمت و دانش - حتی افراد برجسته و سرآمد نیز - باید خداوند را سرچشمه کمالات خود بدانند .

ءاتینه رحمه من عندنا و علمنه من لدنا علماً

ص: 262

## 164- بیش مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 43 - 10

10- مصریان باستان ، رؤیا ها را دریچه ای برای اطلاع از وقایع می دانستند .

أفتونی فی رعی

## 165- بیش معرضان از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 37 - 5

5- خداگریزان ، بر اثر نادانی و گمراهی ، خود را هدایت یافته و راه جسته می پندارند .

و یحسبون أنهم مهتدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 38 - 11

11- خداگریزان تا روز قیامت ، خود را اهل هدایت می پندارند .

و یحسبون أنهم مهتدون . حتی إذا جاءنا قال یلیت

از کلمه «حتی» - که برای غایت است - استفاده می شود که گمراهان ، تا روز قیامت ، خود را بر هدایت می پندارند.

## 166- بیش مفسدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 153 - 4

4- پایبندی عمیق به ارزش ها ، ساده لوحی و حماقت در نظر جامعه فاسد و منحرف

إذ قال لهم أخوهم صلح ألا تتقون . . . قالوا إنما أنت من المسخرین

نسبت دادن جنون به صالح پیامبر می تواند صرفاً به دلیل ادعای رسالت از سوی وی نباشد بلکه بخاطر نصایح و اصرار وی بر رعایت تقوا و

پایبندی به ارزش های الهی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 185 - 5

5- پایبندی عمیق به ارزش ها ، در نظر جامعه فاسد و منحرف ، ساده لوحی و حماقت است .

إذ قال لهم شعيب ألا تتقون . . . قالوا إنما أنت من المسحّرين

نسبت دادن جنون به شعيب(ع) می تواند صرفاً به دليل ادعای رسالت نباشد؛ بلکه به خاطر اندرزها و اصرار وی بر رعایت تقوا و پایبندی به ارزش های الهی باشد.

ص: 263

## 167- بیش مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 45 - 8

8- گروهی از انسان ها به خاطر نپذیرفتن قیامت ، دین خدا را دینی منحرف می پندارند و از آن رویگردان می شوند .

الذین یصدون عن سبیل اللّٰه و یبغونها عوجاً و هم بالأخره کفرون

برداشت فوق بر این اساس است که جمله «و هم بالأخره کفرون» جمله حالیه و در مقام تعلیل باشد که در اصطلاح به آن حال معلله گفته می شود. بر این مبنا آیه اشاره به این معنا دارد که: برخی انسانها به علت نپذیرفتن قیامت، می پندارند دینی که در آن زنده شدن مردگان مطرح باشد دینی بی اساس و دارای اعوجاج است و در نتیجه از آن رویگردان شده و دیگران را از آن بازمی دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- رعد - 13 - 5 - 3

3- منکران قیامت ، زنده شدن مردگان خاک گشته را امری بس بعید می شمردند .

أءذا کنا تراباً ءءنا لفی خلق جدید

استفهام در جمله «أءذا ..» استفهام انکاری است و تکرار آن دلالت بر شدت انکار و استبعاد دارد.

## 168- بیش مکذبان محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 133 - 2

2- منکران رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، با نادیده گرفتن معجزه قرآن ، آن حضرت را فاقد هرگونه معجزه معرفی می کردند .

و قالوا لولا یأتینا بـ-آیه من ربّه أولم تأتھم بینه

## 169- بیش مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 29 - 2

2 - منکران معاد دارای بینشی سطحی و مادی هستند.

وقالوا إن هي إلا حياتنا الدنيا و ما نحن بمبعوثين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 38 - 6

6- منکران معاد ، بر این پندار بودند که خداوند خود ، انسان های مرده را زنده نمی کند .

و أقسموا بالله .. لا یبعث الله من یموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 264

4- در نظر منکران معاد، انسان موجودی صرفاً مادی و جسمانی است.

أیعدکم .. و کنتم تراباً و عظماً أنکم مخرجون

از این که اشراف، خاک و استخوان شدن را به خود انسان نسبت داده اند نه به جسم او (یعنی نگفتند «و کان جسمکم تراباً...») استفاده می شود که آنان برای انسان، هویتی بیرون از کالبد و جسم او معتقد نبودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 17 - 14

14- وعده الهی به معاد، اسطوره ای کهنه و بی اساس، در نگاه نسل کافر عصیانگر

و الذی قال لولدیہ أفّ لکما أتعذانی أن أخرج .. فیقول ما هذا إلاّ أسطیر الأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 10 - 3, 2

2- منکران معاد، زنده شدن اهل قبور را شگفت آور خوانده و آن را بعید می شمارند.

یقولون أءنا لمردودون فی الحافره

یکی از معانی «حافره» قبر است (مفردات راغب). قید «فی الحافره» حال و مفاد جمله «أءنا...» این است که آیا ما در حالی که در قبر هستیم، به زندگی بازگردانده خواهیم شد؟!

3- استبعاد، تنها واکنش منکران معاد

یقولون أءنا لمردودون فی الحافره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 11 - 3, 2

2- از هم پاشیده شدن اجزای بدن انسان پس از مرگ، مایه استبعاد معاد در دیدگاه منکران آن

أءذا کنا عظماً نخره

3 - استبعاد تنها واکنش منکران معاد، در برابر هشدار های الهی نسبت به حوادث پس از مرگ

أءذا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْمُنَافِقَةُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 14 - 2

2 - منکران معاد، آیات مربوط به آن را، عاری از حقیقت پنداشته و شوخی قلمداد می کردند .

و ما هو بالهزل

هدف از توصیف قرآن به دوری از مزخرفات و مهملات، بیان اوصاف قرآن نیست؛ زیرا در توصیف چیزی، به بیان حداقل کمال آن بسنده نمی شود. بنابراین مراد، نفی پندار مخالفان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 6 - 3

3 - مصرف ثروت برای رفع نیازمندی های مردم، در دیدگاه منکران معاد، خسارتی سنگین و جبران ناپذیر است .

ص: 265

انتخاب تعبیر «أهلکت» و پرهیز از گفتن «أنفقت» و نظایر آن، بیانگر این است که گوینده، مال های مصرف شده را «هلاک شده» می پندارد. این بینش ممکن است برخاسته از انکار پاداش انفاق، بر اثر انکار معاد باشد.

### 170- بیش مکذبان مقدرات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 23 - 7

7- باورنداران به تقدیر الهی، برخورداری ها و امکانات را نشانه شایستگی های خود پنداشته و دچار خودپسندی و فخرفروشی می شوند.

لکیلا .. و لاتقرحوا بما آتیکم و الله لایحب کلّ مختال فخور

### 171- بیش ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 30 - 15

15 - فرشتگان با توجه به حضورشان در هستی و لیاقتشان برای خلافت، فلسفه ای برای خلقت و خلافت انسان نمی دیدند.

قالوا أتجعل فیها من یفسد فیها .. و نحن نسبح بحمدک

جمله حالیه «و نحن نسبح ..» گویای این مطلب است که: فرشتگان علاوه بر اینکه انسان را به خاطر فسادگری اش شایسته خلافت نمی دانستند، وجود خویش را برای احراز این مقام لایق دانسته و زمین را از خلافت انسان بی نیاز می شمردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 5 - 7

7- نزول وحی، مایه کمال آفرینش، در نگاه فرشتگان

کذلک یوحی الیک .. و الملائکه یسبحون بحمد ربهم

با توجه به این که «تسبیح» به معنای تنزیه و نفی نقیصه و کاستی است، تسبیح فرشتگان، حکایت از مشاهده کمال آفرینش پس از نزول وحی دارد.

### 172- بیش ملکه سبأ



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 29 - 2

2 - جلوه عظمت و گران سنگی نامه سلیمان و پیام آن در نظر ملکه سبا ( بلقیس )

قالت يَا أَيُّهَا الْمَلَأُوا إِيَّايَ الْقِيَامِ كِتَابِ كَرِيمٍ

«کریم»، صفت «کتاب» و به معنای گران مایه است. «کتاب کریم»؛ یعنی، نامه ای عظیم و گران سنگ.

ص: 266

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 34 - 7، 4

4 - تأکید بلقیس بر استمرار شیوه شاهان در تباه ساختن ممالک تحت سلطه خویش

قالت إنّ الملوک .. و کذلک یفعلون

7 - برداشت ملکه سبا از شخصیت سلیمان (ع) ، به عنوان پادشاهی از پادشاهان

قالت إنّ الملوک .. و کذلک یفعلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 44 - 10

10 - توجه بلقیس به هدف الهی و توحیدی سلیمان (ع) ، از نمایاندن امور شگفت به وی

قیل لها ادخلی الصرح .. قال إته صرح... قالت ربّ إئی ظلمت نفسی

### 173- بیش منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 167 - 10، 9

9 - بهانه جویی منافقان برای سرباز زدن از حضور در میدان احد ، با این ادّعا که در آن میدان ، پیکاری رخ نخواهد داد .

قاتلوا لو نعلم قتالا لاّتبعنکم

برخی از مفسّران گفته اند مراد از جمله «لو نعلم ..» نفی برخورد نظامی است ؛ یعنی ما می دانیم که جنگی رخ نخواهد داد و لذا با شما نمی آییم.

10 - منافقان به انگیزه سرباز زدن از پیکار ، مدعی بودند که حضور در میدان احد نوعی انتحار و خودکشی است ، نه پیکار و جنگ .

قالوا لو نعلم قتالا لاّتبعنکم

برخی برآنند که مراد منافقان از جمله «لو نعلم ..» این معنا بوده که بیرون شدن شما مسلمانان به سوی احد، پیکار و قتال نیست، بلکه خود را به مهلکه انداختن است ؛ چرا که نیروی شما در برابر نیروی دشمن هیچ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 168 -

2,3,11,13,16,18

2 - ادعای باطل منافقان که اگر جنگاوران احد در آن کارزار شرکت نمی کردند ، به شهادت نمی رسیدند .

لو اطاعونا ما قتلوا .. ان کنتم صادقین

3 - مسرت و خشنودی منافقان از سلامت خویش به دلیل عدم حضورشان در پیکار احد

الَّذِينَ قَالُوا لَأُخَوِّنَهُمْ وَقَعَدُوا لَوْ اطاعونا ما قتلوا

اظهار تأسف منافقان برای کشته های احد، دلالت بر مسرت و خشنودی از زنده ماندن خودشان دارد.

11 - ادعای منافقان به اینکه تدبیر و سیاست آنان ، جلوگیری مرگ آنان است .

لو اطاعونا ما قتلوا

ص: 267

13 - جهاد و شهادت در راه خدا، حرکتی بی ارزش در دیدگاه منافقان

لو اطاعونا ما قتلوا

16 - زنده ماندن حتی به بهای پذیرش سلطه دشمنان و بیگانگان، ارزشی در دیدگاه منافقان

وقیل لهم تعالوا قاتلوا فی سبیل اللّٰه او اذفعا .. قالوا ... لو اطاعونا ما قتل

18 - ناتوانی منافقان از جلوگیری مرگ مقدر نشانگر باطل بودن پندار آنان در تحلیل عوامل به شهادت رسیدن پیکارگران احد

لو اطاعونا ما قتلوا قل فادرؤا عن انفسکم الموت ان کتتم صادقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 49 - 5

5 - در بینش منافقان جهاد در راه خدا، بلا و گرفتاری است .

انذن لی ولاتقتنی

یکی از معانی «فتنه» در لغت بلا و گرفتاری است؛ یعنی، مرا در ماندن اذن بده و گرفتار بلا و مصیبت جنگ نساز.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 50 - 6

6 - کنار کشیدن از مسؤولیت و مشکلات جامعه در بینش منافقان، تیزهوشی و کیاست است .

وإن تصبک مصیبه یقولوا قد أخذنا أمرنا من قبل ویتولوا وهم فرحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 52 - 2

2 - ارزش ها و ملاک های ارزش گذاری در بینش مؤمنان و منافقان، متفاوت است .

إن تصبک مصیبه یقولوا قد أخذنا أمرنا من قبل .. قل لن یصیبنا إلا ما کتب اللّٰه لن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 78 - 1

1 - توییح منافقان پیمان شکن از سوی خداوند ، به خاطر بینش غلطشان درباره علم و آگاهی کامل خدا به نیات و عملکرد آدمیان

ألم يعلموا أن الله يعلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 20 - 9

9- جهاد ، به معنای مرگ و نابودی ، در بینش منافقان و انسان های سست ایمان

و ذكر فيها القتال رأيت الذين في قلوبهم مرض ينظرون إليك نظرا لمغشى عليه من الموت

تعبیر «المغشى عليه من الموت» و کاربرد این تشبیه، می تواند بر این اساس باشد که انسان سست ایمان با فرمان جهاد، مرگ خویش را به چشم می بیند؛ چنان که محتضر نیز چنین است؛ در حالی که جهاد زمینه شهادت است و نه نابودی.

ص: 268

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 14 - 1

1 - منافقان ، بدان پندار که در دنیا با مؤمنان بوده اند و در انجام اعمال و تکالیف دینی ( نماز ، روزه و . . . ) با آنان همراهی داشته اند ، خود را همچون مؤمنان سزاوار رحمت الهی می دانند .

فضرب بینهم بسور له باب باطنه فيه الرحمه . . . ینادونهم ألم نکن معکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - منافقون - 63 - 4 - 9

9 - منافقان ، هر فریادی را علیه خود و هر حرکتی را به ضرر خویش می پندارند .

یحسبون کلّ صیحه علیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - منافقون - 63 - 7 - 16

16 - نگرش ظاهری و مادی منافقان در تحلیل مسائل

هم الذین یقولون . . . و لکنّ المنفقین لایفقهون

### 174- بیش منافقان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 86 - 11

11 - ترجیح داشتن ترک پیکار ( همنشینی با افراد عاجز و ناتوان ) بر عزت جهاد و همراهی با پیامبر (صلی الله علیه و آله) در نظر منافقان توانگر و ثروتمند

وقالوا ذرنا نکن مع القعدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - منافقون - 63 - 8 - 5

5 - سردمدار منافقین ( عبدالله بن اُبی ) ، خود را عزیز و پیروزمند و پیامبر (صلی الله علیه و آله) را ذلیل و شکست خورده می پنداشت .

ليخرجنّ الأعزّ منها الأذلّ

### 175- بيش منافقان مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 13 - 3

3 - منافقان مدینه ، به مسلمانان وانمود کردند که شکست شان در غزوه احزاب حتمی است .

و إذ قالت طائفه منهم یا أهل یثرب لا مقام لكم فارجعوا

ص: 269

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 19 - 5

5 - منافقان مدینه ، حضور در جبهه جهاد را ، مساوی با کشته شدن و از بین رفتن تلقی می کردند .

فإذا جاء الخوف رأيتهم ينظرون إليك تدور أعينهم كالذي يغشى عليه من الموت

این که آیه بیان می کند که آنان، با شنیدن خبر جنگ، به حال احتضار در می آمدند، حکایت از این نکته می کند که منافقان مدینه وقوع جنگ و شرکت در جبهه جهاد را مساوی با کشته شدن تلقی می کردند.

### 176- بیش موحدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 98 - 15

15- موحدان معتقد به معاد ، هیچ گاه به دستاورد های فنی و آثار تمدن بشری ، مغرور نشده و فرجام جهان را ویرانی و انهدام می بینند .

هذا رحمه ربّي فإذا جاء وعد ربّي جعله دكاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 5 - 13

13- اراده الهی ، در بیش موحدان راستین ، بر عوامل طبیعی ، حاکم است .

و كانت امرأتی عاقراً فهب لی من لدنک ولیّاً

### 177- بیش مورخان مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 7 - 9

9- بشر بودن پیامبران ، امری مسلّم نزد عالمان دینی و آگاهان تاریخ انبیا در عصر بعثت

و ما أرسلنا .. فسلوا أهل الذکر إن کنتم لاتعلمون

مقصود از «أهل الذکر» عالمان دینی است؛ زیرا اولاً عموم مردم از تاریخ پیامبران بی خبر بودند و این نوع اطلاعات در اختیار عالمان دینی بود و ثانیاً واژه «ذکر» در قرآن، بر کتاب های آسمانی و از جمله خود قرآن اطلاق گردیده است.



**178- بینش موسی (ع)**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 155 - 13، 14، 17

13 - هلاکت گروهی به سبب گناه گروهی دیگر ، خلاف سنن الهی در دیدگاه موسی (ع)

أتهلكنا بما فعل السفهاء منا

ص: 270

14 - آزمون بنی اسرائیل از جانب خدا، توجیه و برداشت موسی (ع) از مشیت الهی بر هلاک سازی همراهان او

إن هی إلا فتتک

17 - موسی (ع) هلاکت همراهان خویش را زمینه ساز تحقق مشیت الهی در گمراه سازی گروهی از بنی اسرائیل و به هدایت رساندن گروهی دیگر از آنان دانست .

إن هی إلا فتتک تضل بها من تشاء و تهدی من تشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 60 - 8

8- حضرت موسی (ع) ملاقات با حضرت خضر (ع) را آن اندازه مهم و با ارزش می دانست که حتی جستوجو در زمانی طولانی را برای آن روا می دید .

لأبرح حتی . . . أو أمضی حقبًا

«حقب» به معنای «دهر و زمانی طولانی» است اهل لغت آن را هشتاد سال نیز دانسته اند و مراد از پیمودن آن نیز، همان رسیدن به مجمع البحرین بوده است؛ یعنی، حتی ابلغ مجمع البحرین بسیر قریب أو أسیر أزماناً طویله.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 66 - 6,8

6- در دیدگاه موسی (ع)، خضر (ع)، - فردی تعلیم دیده، و علوم ویژه او، دانشی اکتسابی بود .

مما علمت

8- دریافت آموخته های خضر، در دیدگاه موسی، وابسته به پیروی از آن حضرت بود .

هل أتبعک علی أن تعلمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 71 - 8,11

8- آسیب رساندن خضر (ع) به کشتی، امری بس ناروا و غیرقابل توجیه در نظر موسی (ع) بود .

لقد جنت شیئاً إمرًا

«إمر» به معنای «منکر عظیم» و نیز «منکر عجیب» آمده است. (لسان العرب).

11- موسی (ع)، لغزش هایی نظیر غرق انسان ها بی گناه را، از جانب خضر (ع) منتفی نمی دانست .

أخرقتها لتغرق أهلها لقد جئت شيئاً إمرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 74 - 5

5- موسی (ع) نوجوان مقتول را، فردی بی گناه دانست و خضر (ع) را به جهت کشتن وی، به شدت مورد اعتراض قرار داد .

قال أقتلت نفساً زكّيةً بغير نفسٍ لقد جئت شيئاً نكراً

«زکاه» به معنای «طهارت» و «صلاح» و «نمو» و «برکت» و «مدح» آمده است. (لسان العرب) در آیه، مراد از «زکيه»، توصیف نوجوان به طهارت و پاکی از گناه است.

ص: 271

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 76 - 2

2- موسی (ع) خود را در صورت سؤال مجدد (سومین تخلف) سزاوار محروم شدن از مصاحبت با خضر (ع) دانست .

قال إن سألتك من شيء بعدها فلا تصحبني

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 28 - 3

3 - موسی (ع) ، جهالت مردم را پایه طغیان فرعون دانست .

يفقهوا قولي

تأکید موسی (ع) بر آگاه سازی اطرافیان فرعون - در جهت مبارزه با طغیان گری او - گویای این است که موسی (ع)، ریشه موفقیت فرعون را در ناآگاهی اطرافیانش می دانست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 31 - 2

2 - موسی (ع) ، معاونت هارون را برای خود ، موجب توان مندی بیشتر در انجام مسؤولیت می دانست .

هرون أخی . أشدّ به أزرى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 34 - 3

3 - موسی (ع) ، پیدایش شرح صدر و خوش بیانی را ، مایه فراهم آمدن زمینه یاد فراوان خداوند می دانست .

قال ربّ اشرح لی صدري . . . و نذكرک کثیراً

تعلیل «و نذكرک» می تواند به تمامی خواسته های موسی (ع) - از جمله درخواست شرح صدر و روان گویی - مربوط باشد. موسی (ع) هدف خود را از آن خواسته ها، توفیق افزون تر برای یاد خدا در هر کوی و برزن و هنگام موعظه هر فرد و گروه، اعلام کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- فرعون در دیدگاه موسی و هارون (ع)، فردی خودکامه و سرکوبگر حقیقت بود.

نخاف أن یفرط علینا أو أن یطغی

احتمال فرصت ندادن فرعون به موسی و هارون(ع)، برای بیان حقیقت، ناشی از شناخت آنان از خودکامگی فرعون است و احتمال افزایش طغیان گری او، برخاسته از آگاهی آن دو به روحیه مقاومت و لجاجت او در برابر حق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - موسی (ع)، رسالت خویش را پرتویی از هدایت گسترده ربوبی دانست.

من ربّکما .. ربّنا الذی أعطی کلّ شیء خلقه ثمّ هدی

مناسبت بحث موسی(ع) با فرعون، چنین اقتضا کرده است که آن حضرت، موضوع هدایت عام الهی را مطرح کند تا پاسخ

سؤال مقدر فرعون را داده باشد؛ زیرا ممکن بود فرعون بگوید: بر فرض که خدای خالق ربّ تو است، چه دلیلی بر لزوم پذیرش سخن رسولان او وجود دارد؟ موسی(ع) با مطرح کردن هدایت عام الهی، علاوه بر پاسخ به سؤال احتمالی او، زمینه کلی اثبات رسالت خویش را نیز مطرح کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 84 - 4

4- موسی (ع)، حضور پیش از موعد خود و جلوتر از دیگران را در میقات موجب جلب رضایت خداوند می پنداشت .

و ما أعجلک . . . و عجلت إلیک ربّ لترضی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 92 - 3

3- موسی (ع)، برادرش هارون را در انحراف بنی اسرائیل و گرایش آنان به گوساله پرستی، مقصر دانست .

قال یهرون ما منعک إذ رأیتهم ضلّوا

«ما منعک. . .» استفهام انکاری است و گویای اعتراض موسی(ع) به هارون است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 94 - 3، 19

3- هارون (ع)، دارای مسؤولیت در قبال گمراه شدن بنی اسرائیل و گوساله پرستی آنان، از دیدگاه موسی (ع)

یهرون ما منعک . . . لا تأخذ بلحیتی و لا برأسی

19- موسی (ع)، در دیدگاه هارون (ع)، رهبری حساس در برابر تفرقه جامعه و قاطع در برخورد با عوامل اختلاف

إتی خشیت أن تقول فرقت بین بنی إسرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 22 - 5

5- امتنان فرعون بر موسی (ع)، امری بی جا و مردود از نظر موسی (ع)

و تلك نعمه تمنّها على أن عبّدت بني إسرائيل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

13 - قصص - 28 - 15 - 12

12 - در دیدگاه موسی (ع) قتل ناخواسته مرد قبطی ، عملکرد شیطان بود .

قال هذا من عمل الشيطان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

13 - قصص - 28 - 17 - 6

6 - فرعون و دار و دسته وی ، مردمی تبه کار در دیدگاه موسای جوان

فلن أكون ظهيرا للمجرمين

گرچه «المجرمین» شامل همه تبه کاران می شود؛ ولی مصداق بارز و مورد نظر موسی (ع) فرعون و دار و دسته اش می

ص: 273

باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 18 - 9،10

9 - برخورد و درگیری با فرعونیان ، راهی نادرست و برخلاف مصالح اسرائیلیان در دیدگاه موسی (ع)

قال له موسیٰ إنک لغویّ مبین

«غوی» به کسی گفته می شود که از راه درست و صواب منحرف شده باشد.

10 - مرد اسرائیلی ، عنصری ماجراجو و مصلحت نیندیش در نگاه موسی (ع)

قال له موسیٰ إنک لغویّ مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 34 - 4

4 - اعتقاد موسی (ع) به ضروری بودن وجود هارون در کنار وی ، در مصاف با فرعون

و أخی هرون هو أفصح منی لساناً .. إتی أخاف أن یکذبون

### 179- بیش مؤمن آل فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 38 - 3

3 - مؤمن آل فرعون پیروی از خود را ، موجب دستیابی به راه صواب و درست می دانست .

اتَّبِعُون أَهْدِکُمْ سَبیل الرِّشَاد

«رشاد» به معنای اهتدا و راه یافتن است.

### 180- بیش مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 88 - 5



5 - جهاد پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان راستین ، نشأت یافته از درک صحیح و بیش عمیق آنان نسبت به ارزش جهاد

فهم لایفقهون. لکن الرسول و الذین ءامنوا معه جهدوا

با توجه به فراز پیش (رضوا .. فهم لایفقهون) مقصود این است که منافقان چون نمی فهمند، از جهاد می گریزند و لکن مؤمنان، به برکت درک عمیقی که دارند، به سوی عرصه های کارزار پیش می تازند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 51 - 8

8 - تحمل دشواری ها در راه دین در نظر مؤمنان راستین ، تنها زمینه ساز برخورداری از مغفرت الهی است و نه تضمینی حتمی .

ص: 274

قالوا لاضير . . . إنا نطمع أن يغفر لنا ربنا

ساحران مؤمن، در عین اظهار آمادگی برای پذیرش هر دشواری، خود را در آن مرتبه ندیدند که حتماً مورد غفران قرار می گیرند؛ بلکه فقط اظهار امیدواری کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 3 - 3

3 - مؤمنان واقعی ، پایبند به تکالیف فردی و اجتماعی و دارای بینشی ژرف در عقاید دینی

الذین یقیمون الصلوه و یؤتون الزکوه و هم بالأخره هم یوقنون

«نماز» برقرار ساختن پیوند عبودیت و بندگی با خدا و «زکات» ایجاد ارتباط با مردم پیرامون خود و دستگیری از نیازمندان جامعه است. بنابراین آوردن «پرداخت زکات» پس از «اقامه صلاه» بیانگر این حقیقت است که مؤمنان واقعی تنها به فکر خود نیستند؛ بلکه با مردم جامعه خود نیز ارتباطی مسؤولانه دارند. گفتنی است که «یقین به آخرت» - که عبارت از اعتقاد قطعی است - بیانگر آن است که مؤمنان واقعی در مسائل اعتقادی دارای بینشی عمیق و تردیدناپذیراند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 4 - 5

5 - مؤمنان به آخرت ، برخوردار از بینش درست نسبت به ارزش ها و ضد ارزش ها و به دور از تحیّر و سرگردانی در زندگی

إنّ الذین لایؤمنون بالأخره . . . فهم یعمهون

با استفاده از مفهوم آیه و نیز از تقابل میان آن و آیه پیشین، می توان گفت که مؤمنان به آخرت (برخلاف کافران) نه گرفتار بینش غلط در ارزش گذاری اند و نه گرفتار حیرت و سرگردانی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 80 - 6

6 - قدرت و ثروت ( هر چند بسیار و افسانه ای باشد ) در نگاه اهل معرفت و مؤمنان دین شناس ، بسی کم ارزش تر از پاداش های الهی است .

وقال الذین أوتوا العلم ویلکم ثواب اللّٰه خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - صاحبان ایمان، قبض و بسط های اقتصادی را، از آیات خداوند تلقی می کنند.

أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ .. إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 14 - 1

1- مؤمنان، متکی به برهان و عقل و کافران، دلخوش به پندار و هوای نفس

أَفَمِنْ كَأَن عَلِيَ بَيْنَهُ مِنَ رَبِّهِ .. وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ

در واژه «بینه» شناخت عقلی نهفته است. از مقابله آن با «اهواء»، مطلب بالا استفاده می شود.

ص: 275

### 181- بیش هارون (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 45 - 6

6 - فرعون در دیدگاه موسی و هارون (ع)، فردی خودکامه و سرکوبگر حقیقت بود.

نخاف أن یفرط علینا أو أن یطغی

احتمال فرصت ندادن فرعون به موسی و هارون(ع)، برای بیان حقیقت، ناشی از شناخت آنان از خودکامگی فرعون است و احتمال افزایش طغیان گری او، برخاسته از آگاهی آن دو به روحیه مقاومت و لجاجت او در برابر حق است.

### 182- بیش همبندان یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 36 - 12

12- هم بندان یوسف در زندان مصر، به شخصیت والای یوسف (ع) پی بردند و به نیکوکار بودنش مطمئن شدند.

إنانریک من المحسنین

### 183- بیش هود (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 57 - 3

3- هود (ع)، پس از ابلاغ پیام های الهی و اتمام حجت بر مردم، خویشان را مسؤول اعراض آنان نمی دانست.

فإن تولّوا فقد أبلغتکم ما أرسلت به إلیکم

روشن است که جمله «فقد أبلغتکم...» نمی تواند جواب شرط «فإن تولّوا...» باشد؛ زیرا هود(ع) رسالت خویش را ابلاغ کرده بود - چه مردم اعراض کنند و چه ایمان آورند - بلکه آن جمله سببِ جواب و جانشین آن می باشد؛ یعنی، اگر اعراض کنید، من مسؤولیتی ندارم و مؤاخذه ای بر من نیست؛ زیرا آنچه را که به خاطر آن به سوی شما فرستاده شده بودم، به شما ابلاغ کردم.

### 184- بیش یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- یعقوب (ع) فریب کاری های نفس و جلوه پردازی های نفسانی را، وادار کننده فرزندانش بر توطئه علیه یوسف (ع) دانست .

بل سؤلت لکم أنفسکم امرًا

ص: 276

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 83 - 5،15،25

5- یعقوب (ع)، ماجرای گرفتاری بنیامین را نتیجه توطئه ای برخاسته از جلوه پرداز های نفس فرزندان خویش دانست .

قال بل سؤلت لکم أنفسکم امرًا

جمله «سؤلت لکم...»؛ یعنی، نفس شما امر ناپسندی را برای شما زیبا جلوه داد و ارتکاب آن را برای شما آسان ساخت. این جمله حاکی از اطمینان یعقوب به توطئه فرزندانش است.

15- یعقوب (ع) پیشه ساختن صبر و بردباری را زمینه ساز یاری خداوند در رفع مشکلات می دانست .

فصبر جمیل عسی الله أن یأتینی بهم جمیعًا

25- یعقوب (ع) گرفتار شدن به فراق فرزندانش (یوسف (ع)، بنیامین و لاوی) را حاوی حکمت و مصلحتی الهی می دید .

فصبر جمیل... إنه هو العلیم الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 86 - 4،6

4- یعقوب (ع) تنها خداوند را بر زایل ساختن غم و اندوهش توانا می دانست .

قال إنما أشکوا بّی و حزنی إلى الله

هدف یعقوب(ع) از شکایت کردن از حزن و اندوهش به خدا، درخواست زایل کردن آنها از او بود.

6- یعقوب (ع) با بیان اینکه از غم و اندوهش به اطرافیان و فرزندانش شکایت نمی کند، خویشتن را سزاوار ملامت آنان نمی دید .

قالوا تالله تفتّوا تذرک یوسف... قال إنما أشکوا بّی و حزنی إلى الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 87 - 1

1- یعقوب (ع) بر این باور بود که یوسف (ع) و بنیامین زنده اند و با جست و جو کردن، پیدا خواهند شد .

بینی اذهبوا فتحسسوا من یوسف و أخیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 4 - 2

2- یوسف (ع) در رؤیای خویش دریافت که سجده ماه، خورشید و ستارگان بر او، سجده ای از سر شعور و آگاهی است.

رأیتهم لی سجدین

ضمیر «هم» و نیز جمعهای مذکر سالم نظیر ساجدین، مخصوص دارندگان عقل و شعور است. به کارگیری آن ضمیر و آن گونه جمع در بیان سجده ستارگان، ماه و خورشید می رساند که یوسف(ع) چنان می دید که آنها از سر عقل و شعور بر او سجده می کنند و در مقابل او خاضعند.

ص: 277

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 23 - 28

28- یوسف (ع) ، تسلیم شدن در برابر تمنای نامشروع زلیخا را ، مصداقی از ستم کاری می دانست .

إنه لا يفلح الظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 33 - 19، 18، 10، 3، 2

2- زندانی شدن و خوار گشتن ، محبوب تر از گناه و معصیت ، در پیش حضرت یوسف (ع) و بندگان مخلص خدا

قال رب السجن أحب إلي مما يدعونني إليه

3- رنج و محنت در راستای اطاعت خدا و حفظ حریم عفت ، امری محبوب و ارزشمند برای یوسف (ع) و بندگان خالص خداوند

رب السجن أحب إلي مما يدعونني إليه

10- یوسف (ع) بدون امداد الهی ، خویشتن را از مقاومت در برابر خواست نامشروع زلیخا و همپالگی های او ناتوان می دید .

وإلا تصرف عني كيدهنّ أصب إليهنّ

18- یوسف (ع) پذیرش تقاضای نامشروع زلیخا و همپالگی های او را ، سقوط به ورطه سفاهت و بی خردی می دانست .

وإلا تصرف .. أصب إليهنّ و أكن من الجهلين

جهل به معنای سفاهت در مقابل عقل ، و نیز به معنای نادانی در مقابل علم می باشد. برداشت فوق ، ناظر به معنای نخست است.

19- یوسف (ع) ، ارتکاب گناه و پذیرش تقاضای زلیخا و همپالگی های او را ، موجب از دست دادن علم و حکمت خدادادی خویش

می دانست .

ءاتينه حكماً و علمًا .. وإلا تصرف عني كيدهنّ أصب إليهنّ و أكن من الجهلين

برداشت فوق ، بر این مبناست که مراد از جهل نادانی باشد. بر این مبنا می توان گفت: مقصود یوسف (ع) از جاهل شدن ، سلب گشتن

علم و حکمتی است که خداوند به او عطا کرده بود (ءاتیناه حکماً و علماً) «آیه 22».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



10- ارزش اعاده حیثیت و شرف بیش از ارزش رهایی از زندان و نجات از دشواری‌ها و مشکلات، در بینش یوسف (ع)

فلما جاءه الرسول قال ارجع إلى ربك فسنله ما بال النسوة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 53 - 2

2- یوسف (ع) از این اندیشه که امور خویش را خود بدون عنایت الهی تدبیر کند، مبرا و منزه بود.

و ما أُبرءُ نفسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 89 - 5

ص: 278

5- یوسف (ع) جهل و نادانی برادرانش را منشأ ستم آنان به وی و بنیامین دانست .

هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه إذ أنتم جهلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 99 - 14

14- یوسف (ع) تحقق امور را به مشیت خداوند می دانست و در عین قدرت و مکنت ، به او اتکا داشت .

ادخلوا مصر إن شاء الله ءامنین

### 186- بیش یوشع (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 63 - 6

6- خدمت کار موسی ، غفلت خود را از یادآوری ماجرای ماهی به موسی (ع) ، ناشی از نفوذ شیطان در خود دانست .

و ما أنسنیه إلا الشیطن أن أذکره

### 187- بیش یونس (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 87 - 18

18- در دیدگاه یونس (ع) ، خروج از میان قوم خود بدون اذن الهی ، ظلمی به خویش بود .

إذ ذهب مغضبًا . . . إتی کنت من الظلمین

### 188- بیش یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 88 - 3

3- یهودیان ، ناتوانی خویش را از پذیرش اسلام ، برخاسته از فطرت و خلقت خویش پنداشته ، خود را معذور می دانستند .

وقالوا قلوبنا غلف

جمله «لعنهم الله ي كفرهم» (خدا یهودیان را بسزای کفرشان لعنتشان کرده است) با جمله تفریح شده بر آن (فقلیلا ما یؤمنون؛ و لذا کمتر ایمان می آورند) به خوبی می رساند که: ادعای یهود مبنی بر ناتوانی از درک معارف اسلام ادعای صحیحی است. بنابراین کلمه «بل» رد معنای مطابقی «قلوبنا غلف» نیست؛ بلکه نفی معنایی است که می توان گفت مقصود اصلی یهودیان بوده و آن معذور بودن به خاطر درک نکردن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 102 - 48

ص: 279

48- ترجیح منافع دنیوی بر منافع اخروی ، در دیدگاه یهودیان ساحر

لقد علموا لمن اشتریه ماله فی الآخره من خلق و لبس ماشروا به أنفسهم لو كانوا یعلم

کسی که بداند با دستیابی به منافع نامشروع، آخرت خویش را از دست داده است (لقد علموا ..) ولی در عین حال به زیانباری این داد و ستد اعتقاد نداشته باشد (لو كانوا یعلمون)، معلوم می شود وی منافع دنیوی را بر آخرت ترجیح می دهد.

### 189- تحلیل بینش منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 58 - 10

10 - تحلیل نظریات و سخنان منافقان ، در گرو تبیین انگیزه های درونی و گرایش های روحی آنان

و منهم من یلمزک فی الصدقت .. إذا هم یسخطون

از اینکه خداوند برای بیان نادرستی داوری منافقان به تبیین انگیزه های مادی آنان پرداخته است، برداشت فوق استفاده می شود.

### 190- حقیقت بینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 101 - 6

6- بینش ، حقیقتی فراتر از ادراکات حسی است .

أعینهم فی غطاء عن ذکری و كانوا لایستطیعون سمعاً

زیرا، کافران، از حواس ظاهری سالم برخوردارند و با این حال، از درک حقایق ناتوان اند.

### 191- زمینه بینش پوچی خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 115 - 4

4- انکار معاد ، مستلزم بیهوده شمردن آفرینش انسان

أثما خلقنکم عبثاً و أنکم إلینا لاترجعون

## 192- زیان در بینش مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 6 - 3

3 - مصرف ثروت برای رفع نیازمندی های مردم، در دیدگاه منکران معاد، خسارتی سنگین و جبران ناپذیر است.

ص: 280

انتخاب تعبیر «أهلکت» و پرهیز از گفتن «أنفقت» و نظایر آن، بیانگر این است که گوینده، مال های مصرف شده را «هلاک شده» می پندارد. این بینش ممکن است برخاسته از انکار پاداش انفاق، بر اثر انکار معاد باشد.

### 193- سلب بینش صحیح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 39 - 11

11 - سلب قدرت بینش و برداشت صحیح از آیات الهی، نمودی از گمراه ساختن خداوند است.

و الذین کذبوا بآیتنا صم و بکم فی الظلمت من یشاءالله یضللہ

جمله «من یشاءالله» بیانگر این معنی است که کری و لالی تکذیب کنندگان آیات الهی تحقق همان مشیت الهی در مورد گمراه ساختن تکذیب کنندگان است.

### 194- شگفتی بینش مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 154 - 1,2

1 - داوری و دیدگاه مشرکان درباره خداوند، بی اساس و شگفت آور است.

أصطفی البنات علی البنین . ما لکم کیف تحکمون

استفهام در آیه شریفه، از نوع استفهام انکاری و تعجبی است.

2 - انتساب برگزیدن دختر به خداوند - به جای پسر - داوری ناشایست و شگفت آور

أصطفی البنات علی البنین . ما لکم کیف تحکمون

### 195- عوامل بطلان بینش اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 29 - 1

1 - بعثت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و ظهور امت جدید و بالنده اسلام، خط بطلانی بر پندار باطل اهل کتاب بود.

يأيهذا الذين ءامنوا .. ءامنوا برسوله ... لئلا يعلم أهل الكتب ألا يقدرّون على شيء

كلمه «لا» در «لئلا يعلم» زايد است؛ يعنى، تا اهل كتاب بدانند كه هيچ بخشى از فضل خداوند در حوزه اختيار آنان قرار ندارد.

ص: 281

## 196- مبارزه با بینش غلط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 50 - 9

9 - پیشوایان و مبلغان دین وظیفه دار مبارزه با پندارهای غلوآمیز مردم درباره آنان

قل لا أقول لكم . . . إني ملك

الزام پیامبر (صلی الله علیه و آله) به اعلام موارد مذکور در آیه الزامی است برای همه مبلغان و پیشوایان دین که این موارد را برای مردم بیان نمایند.

## 197- ملاک ارزش بینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 104 - 8

8 - فاصله دیدگاه ها با واقع ، معیاری در ارزش یابی و ارزش گذاری آنها است .

إذ يقول أمثلهم طريقة إن لبثتم إلا يومًا

## 198- منشأ بینش ذلت یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 17 - 11

11 - پندار ذلت برای یتیمان ، مایه توهم معیار بودن ثروت برای عزت مندی است .

نعمه فيقول ربّي أكرمن . . . كلاً بل لا تكرمون الیتیم

کلمه کلاً - به قرینه تقابل «اکرمن» و «لا تکرمون» این نکته را گوشزد می کند که گوینده «ربّي اکرمن»، اگر یتیمان را محترم و گرامی می دانست، ثروت را مایه احترام نزد خداوند، قرار نمی داد؛ زیرا در آن صورت معترف بود که یتیم با وجود محرومیت از ثروت نیز گرامی است؛ ولی حال که یتیمان را گرامی نمی شمرد، این گمان برای او پدیدار شده است که فقط ثروتمندان نزد خداوند محترم اند.

## 199- منشأ بینش غلط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



18 - نیندیشیدن، ریشه تلقی نادرست مشرکان از پیامبری و توقّعات نابجای آنان است.

قل لا أقول لكم عندي خزائن الله .. أفلا تتفكرون

جمله تویخی «أفلا تتفكرون» دعوتی است به تفکر در تمامی معارف عنوان شده در این دسته آیات

ص: 282

## 200- موانع بینش صحیح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 23 - 7

7- گرفتار آمدن به لعن الهی ، عامل محرومیت انسان از حق شنوی و بینش صحیح

لعنهم الله فأصمّهم و أعمى أبصرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مظفین - 83 - 32 - 2

2 - گناه ، مانع بینش صحیح و زمینه ساز باطل دیدن راه مؤمنان

إِنَّ الَّذِينَ أُجْرِمُوا .. و إذا رأوهم قالوا إنّ هؤلاء لضالّون

## 201- موجبات بینش غلط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 95 - 9

9- رفاه و آسایش فراوان ، زمینه ساز غفلت از یاد خدا و پیدایش بینش های غیر الهی است .

ثم بدلنا .. حتى عفوا وقالوا قد مسء اباؤنا الضراء و السراء

## 202- نشانه های بینش صحیح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 40 - 15

15 - رهایی از وابستگی به دنیا ، آخرت خواهی ، ترک رفتار زشت و انجام عمل صالح ، از نشانه های دستیابی به راه درست در زندگی

اتَّبِعُونَ أَهْدِكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ .. إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ ... مِنْ عَمَلِ سَيِّئَةٍ ..

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که یادشدن مسأله زندگانی دنیا و آخرت، ترک رفتار زشت و انجام عمل صالح - پس از طرح

مسأله هدایت به راه درست زندگی - می تواند به عنوان مصداق و مظهر این هدایت باشد.

## 203- نشانه های بینش غلط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 99 - 11

11 - انکار قرآن ، نشانه خروج از بینش صحیح در شناخت وحی و رسالت است .

و ما یکفر بها إلا الفسقون

برداشت فوق با توجه به معنای فسق (خروج از حد اعتدال) استفاده شده است. خروج از اعتدال در مقوله ایمان - که یک

ص: 283

مقوله معرفتی و شناختی است - به نداشتن اندیشه و بینش صحیح باز می گردد.

#### 204- نقش بینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 30 - 2

2- گرایش های مادی و معنوی انسان ، متأثر از محدوده دید و بینش او است .

و لم یرد إلاّ الحیوه الدنیا ذلک مبلغهم من العلم

عبارت «ذلک مبلغهم ..» می تواند جنبه تعلیلی برای دنیامداری مشرکان داشته باشد؛ یعنی، چون آنان از درک معارف معنوی عاجزاند، بنابراین تمامی همت خویش را در دنیا و مظاهر آن خلاصه کرده اند.

#### 205- نقش بینش انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 39 - 5

5- وحی و داوری خداوند ، تابع داوری ها و دیدگاه های انسان ها نیست .

أم لکم ایمن . . . إن لکم لما تحکمون

بینش توحیدی

#### 206- {بینش توحیدی}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- آل عمران - 3 - 140 - 11

11- بینش توحیدی قرآن در تحلیل حوادث تاریخی

و تلک الایام نداولها بین الناس

مستفاد از انتساب گردش حوادث تاریخی به خداوند (نداولها).

### 1- آثار گواهی اخروی پا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 25 - 4

4 - کیفر و پاداش اشخاص در قیامت و داوری درباره آنان، بر پایه شهادت و گواهی اعضا و جوارح (زبان، دست و پای) خود آنها خواهد بود.

یوم تشهد علیهم السنتم . . . یومئذ یوفیهم الله دینهم الحق

جمله «یومئذ یوفیهم الله» استتفا بیانی است و پاسخ به این سؤال است که گواهی زبان، دست و پا بر اعمال انسان ها، برای چه منظوری است؟ پاسخ آیه شریفه این است که این گواهی، به منظور اعطای جزای کامل و عادلانه می باشد و این جزا بر پایه همین گواهی استوار است.

### 2- پا زدن ایوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 42 - 2، 1

1 - توصیه خداوند به ایوب (ع)، مبنی بر کوبیدن پای خود بر زمین برای جوشیدن آب از آن

ارکض برجلک هذا مغتسل بارد و شراب

«ارکض» در اصل به معنای زدن پا است و هرگاه به راکب نسبت داده شود، به معنای راندن مرکب و هرگاه به رونده نسبت داده شود، به معنای گام نهادن بر زمین خواهد بود (مفردات راغب). در آیه شریفه به قرینه «هذا مغتسل...»، به دست می آید که مقصود پای کوبیدن بر زمین برای جوشیدن چشمه و آب سرد از آن است.

2 - جوشیدن آب سرد برای شستوشوی و نوشیدن، بلافاصله پس از این بود که ایوب (ع) پای خود را بر زمین کوبید.

ارکض برجلک هذا مغتسل بارد و شراب

### 3- پوشش پا در حجاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 31 - 29



29 - بر زنان مؤمن ، پوشاندن پا تا مچ و زینت های آن ( مانند خلخال ) واجب است .

و لا یضرین بأرجلهنّ لیعلم ما یخفین من زینتهنّ

#### 4- تهدید به قطع پا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 49 - 9

9- ساحران مؤمن به موسی (ع) ، مورد تهدید فرعون به قطع دست و پا و کشیده شدن بر صلیب

لأقطعنّ أیدیکم و أرجلکم من خلف و لأصلبکم أجمعین

#### 5- جانداران دو پا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 45 - 6

6 - بعضی از جانداران ، بر روی دو پا راه می روند .

و منهم من یمشی علی رجلین

#### 6- قطع پا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 33 - 27، 24، 5، 3، 2، 1

1 - محاربین و ستیزه جویان با خدا و رسول یا باید کشته شوند و یا به دار آویخته گردند و یا دست و پایشان از جهت مخالف بریده شود و یا تبعید گردند .

انما جزؤا الذین یحاربون الله و رسوله .. او ینفوا فی الارض

2 - محاربین در صورت فسادانگیزی در جامعه ایمانی ، محکوم به یکی از حدود چهارگانه ( قتل ، به دار آویختن ، قطع دست و پا و تبعید )

انما جزؤا الذین یحاربون الله و رسوله .. او ینفوا فی الارض

برداشت فوق بر این مبناست که او عاطفه در «و یسعون» و او جمع باشد. یعنی حد ذکر شده از آن محاربی است که فسادگر باشد. تکرار

نشدن «الذین» در «یسعون» مؤید این معناست.

3 - حدود چهارگانه (قتل ، به دار آویختن ، قطع دست و پا و تبعید) ، کیفری مناسب برای محاربان فسادگر

انما جزؤا الذین یحاربون اللّٰه ورسوله و یسعون فی الارض فساداً

«جزاء» در لغت به معنای کیفر و پاداشی است که کافی باشد.

5 - تبهکاران و فسادانگیزان جامعه ایمانی ، محکوم به یکی از حدود چهارگانه (قتل ، به دار آویختن ، قطع دست و پا و تبعید) \*

انما جزؤا الذین یحاربون اللّٰه ورسوله و یسعون فی . . . او ینفوا من الارض

ص: 286



کلمه «فی الارض» بیانگر این است که مراد از «فساد»، فساد در جامعه است، نه فسادهای فردی. گفتنی است که در برداشت فوق «فسادگری» عنوانی مستقل از محارب گرفته شده است.

24 - قطع یک دست و یک پا از جهت مخالف، مجازات محارب فسادگر در زمین، در صورت غارت نمودن اموال بدون ارتکاب قتل

انما جزوا الذين يحاربون الله... او تقطع ايديهم و ارجلهم من خلف

از امام رضا(ع) درباره آیه فوق روایت شده: اذا حارب الله ورسوله و سعى في الارض فساداً... و ان اخذ المال و لم يقتل قطعت يده و رجله من خلاف... .

---

کافی، ج 7، ص 247، ح 8؛ نورالثقلین، ج 1، ص 623، ح 165.

27 - بریدن یک دست و یک پا از جهت مخالف و سپس به دار آویختن، کیفر ایجاد ناامنی در راه ها به همراه قتل و غارت اموال

انما جزوا الذين يحاربون الله ورسوله... و ارجلهم من خلف

از امام جواد(ع) روایت شده که در پاسخ سؤال از حکم فسادگرانی که راه بر مردم بسته اند فرمود: ... و ان كانوا اخافوا السبيل و قتلوا النفس و اخذوا المال امر بقطع ايديهم و ارجلهم من خلاف و صلبهم بعد ذلك... .

---

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 315، ح 91؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 467، ح 16.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 124 - 2

2 - قطع یک دست و یک پا در جهت خلاف یکدیگر، از کیفرهای تعیین شده از سوی فرعون برای ساحران مؤمن به موسی (ع)

لأقطعن أيديكم و أرجلكم من خلف

**7 - قطع پا در حکومت فرعون**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 49 - 10

10 - قطع یک دست و یک پا بر عکس یکدیگر، از شکنجه های سخت نظام فرعونی برای مخالفان

لأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خَلْفٍ

## 8- گواهی اخروی پا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 24 - 1,2

1 - شهادت و گواهی زبان ، دست و پای گنه کاران علیه آنان در قیامت

یوم تشهد علیهم ألسنتهم و أیدیهم و أرجلهم

ص: 287

2 - اعضا و جوارح (زبان، دست و پای) گنه کاران، تمامی گفته ها و کرده های آنان را بازگفته و از هیچ عمل خلافی، فروگذار نخواهند کرد.

یوم تشهد علیهم ألسنتهم . . . بما كانوا یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 65 - 3

3 - دست ها و پا های کافران، در قیامت علیه آنان به سخن آمده و بر دستاوردهایشان، گواهی خواهند داد.

تکلمنا أیدیهم و تشهد أرجلهم بما كانوا یکسبون

### 9- محدوده مسح پا در وضو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 6 - 40,41

40 - کفایت مسح قسمتی از پا و سر در وضو

و امسحوا برءوسکم و ارجلکم

امام باقر(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: . . . ان المسح ببعض الرأس لمكان الباء ثم وصل الرجلین بالرأس كما وصل الیدین بالوجه ... فعرفنا حین وصلها بالرأس ان المسح علی بعضها . . .

---

کافی، ج 3، ص 30، ح 4؛ نورالثقلین، ج 1، ص 596، ح 70.

41 - حد مسح پا در وضو، مفصل آن است .

إلی الکعبین

امام باقر(ع) در بیان معنای «کعبین» در آیه فوق فرمود: . . . ههنا یعنی المفصل دون عظم الساق . . .

---

کافی، ج 3، ص 26، ح 5؛ نورالثقلین، ج 1، ص 598، ح 73.

### 10- مسح پا در وضو

1 - وجوب شستن صورت و دست ها و مسح سر و پا ها ( وضو ) ، برای نماز

إذا قمتم إلى الصلوة فاغسلوا وجوهكم و ايديكم . . . و امسحوا برءوسكم و ارجلكم

4 - مسح پا تا برآمدگی روی آن ، از واجبات وضو

و امسحوا برءوسكم و ارجلكم إلى الكعبين

5 - مسح پا تا قوزک های دو طرف آن ، از واجبات وضو

و امسحوا برءوسكم و ارجلكم إلى الكعبين

در برداشت فوق «کعب» به معنای قوزک پا گرفته شده است و تشبیه آمدن «کعبین» مؤید این معناست. زیرا هر پا دو

قوزک دارد.

6- در مسح پا باید همه آن مسح شود. \*

وامسحوا براءوسکم وارجلکم إلی الکعبین

منصوب بودن «ارجلکم» حکایت از آن دارد که باء تبعیض بر آن داخل نشده است، بلکه «ارجلکم» عطف بر محل «براءوسکم» شده و در حقیقت مفعول بدون واسطه برای «امسحوا» است.

ص: 289

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر/ 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

